

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





فصلنامه رهیویه معماری و شهرسازی
دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: دانشگاه سوره

مدیر مسئول: محمدحسین ساعی

سر دبیر: سیدغلامرضا اسلامی

ناشر: دانشگاه سوره

هیأت تحریریه:

دکتر سیدغلامرضا اسلامی

استاد دانشگاه تهران دانشکده معماری

دکتر حسین ذبیحی

دانشیار دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

دکتر حسین سلطانزاده

استاد دانشگاه آزاد تهران مرکزی

دکتر محمد حسین ساعی

استادیار دانشگاه صدا و سیما

دکتر آزاده شاه چراغی

دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

دکتر زکریه سادات طباطبایی لطفی

استادیار دانشگاه سوره

دکتر علیرضا عینی فر

استاد دانشگاه تهران دانشکده معماری

دکتر ربما فیاض

دانشیار دانشگاه هنر

دکتر قاسم مطلبی

دانشیار دانشگاه تهران دانشکده معماری

مهندس عبدالحمید نقره کار

دانشیار دانشگاه علم و صنعت

مدیر داخلی: دکتر امیرمسعود دباغ

آماده سازی، چاپ و انتشار: انتشارات دانشگاه سوره
نستعلیق «بسم الله...»: برگرفته از سوره حمد به خط میرعماد حسینی
نشریه رهیویه معماری و شهرسازی در ویرایش مقالات آزاد است.
مستولیت مطالب و تصاویر درج شده به عهده نویسندگان محترم است.
استفاده از مطالب و تصاویر منتشر شده در نشریه، تنها با درج و ارجاع صحیح مجاز است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین آذربایجان و خوش، نبش کوچه کامیاران، پلاک ۲۵۲
وبگاه: <http://rau.soore.ac.ir>
رایانامه: rahpooye.arch_urban@soore.ac.ir



دانشگاه سوره
دانشکده مهندسی و شهرسازی

صفحه

عنوان

- ۷ □ کاربست مفهوم نیازهای انسانی در باز خوانی مفهوم پایداری در محیط های مسکونی
قاسم مطلبی
- ۳۱ □ واکاوی مفهوم کرامت در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در ساخت شهر
شیما کشاورزی، سید مهدی خاتمی
- ۴۳ □ تبیین متن گونگی و روابط میان متنی در معماری
امیرمسعود دباغ، داراب دیبا، محمد ضمیران
- ۵۷ □ بازکاوی معنی واژه عبدالله و باز بینی آن در مهندسی معماری اسلامی
یداله احمدی دیسفانی
- ۶۷ □ تحلیل مجموعه برج های آرامگاهی سمیران و خرقان (از منظر هندسه و تناسبات بنا)
ایرج اعتصام، علی خیری
- ۸۳ □ بازخوانی سیمای تاریخی شهر فرح آباد ساری در دوره صفویه براساس اسناد توصیفی-تاریخی و تصویری
سیما رضائی آشتیانی

کار بست مفهوم نیازهای انسانی در باز خوانی مفهوم پایداری در محیط های مسکونی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

قاسم مطلبی *

چکیده

حرکت در جهت دستیابی به توسعه پایدار در محیط های زندگی جمعی بدون توجه به مبانی آن امکان پذیر نخواهد شد. علی رغم تعاریف متفاوت از توسعه پایدار در مجامع مختلف مرتبط با مسائل زیست محیط انسانی، این مقاله، تعریف جامع تری از توسعه پایدار را مبتنی بر مفهوم نیاز های انسانی ارائه نموده است. با تأکید بر این تعریف، این مقاله حرکت در جهت تبیین مبانی توسعه پایدار محیط های مسکونی و فضا های شهری را بدون توجه به ابعاد انسانی که در قالب نیاز های انسانی تجلی می یابند امکان پذیر نمی داند. این مقاله محور اصلی بحث خود را بر تحلیل این نیازها و بهره گیری از آنها در جهت درک جامع تری از مبانی و مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار محیط های مسکونی استوار ساخته است. با مروری بر ادبیات و مبانی نظری پایداری و توسعه پایدار در محیط های مسکونی بر مبنای روش مشاهده پژوهش های اسنادی در قالب کتب، مطالب و مقالات منتشر شده، این مقاله با گزینش مدل نیازهای انسانی ابراهام مازلو، چارچوبی متناسب با خواسته های انسانی را در جهت توسعه پایدار از طریق تحلیل تطبیقی الگو ها و پارادایم های مختلف معاصر، متناسب با زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی در محیط های مسکونی پیشنهاد می نماید. نتایج تحلیل ها نشان می دهد که الگوهای پیشنهادی برای توسعه محیط های مسکونی در اوایل قرن گذشته طی فرایندی تکوینی از توجه صرف به رفع نیازهای اولیه انسانی به سمت ارضای نیازهای عالی انسان بویژه معنا شناختی و زیبایی شناختی جهت پایدار سازی روانشناختی محیط های مسکونی به همراه حفاظت از محیط زیست مبتنی بر فن آوری اطلاعات در جهت خلاقیت و نوآوری در قالب پارادایم های نوین در حوزه توسعه پایدار محیط های مسکونی تغییر مسیر داده اند.

کلید واژه ها: توسعه پایدار، محیط های مسکونی، نیازهای انسانی، روانشناسی محیطی، طراحی شهری.

* دانشیار دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

مقدمه

توجه به نیازهای مشترک انسانی ما را در جهت دستیابی به ابعاد مختلف پایداری و توسعه پایدار محیط های مسکونی در فرهنگها و اقلیم های متفاوت هدایت می نماید. "پایداری" یک فرایند و "توسعه پایدار" محصول آن است. توجه برنامه ریزان و طراحان شهری به نقش نیازهای انسانی در توسعه زندگی جمعی و مصادیق مختلف آن در فرایند ایجاد توسعه پایدار آنها را قادر میسازد تا در جهت توسعه پایدار کالبدی، فرهنگی، زیست محیطی، اقتصادی و سیاسی الگوهای مناسب را ارائه نمایند. نگرش بهره بردار مینا در برنامه ریزی و توسعه فضا های مسکونی بر مبنای مشارکت دادن مردم در فرایند برنامه ریزی و طراحی و نیز توجه به نیازها و ارزشهای انسانی آنان استوار گردیده است (مطلبی ۱۳۸۵). نگرش مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای انسانی در ساخت، بهسازی و یا نوسازی محیط های مسکونی خود جوش تا محیط های مسکونی در بافت های قدیم شهری در ایران قابل ملاحظه است. برای مثال مفهوم محله در بافت های قدیم شهری ایران در بطن خویش راهبردهای نسبتاً مشابه ای با آنچه امروز از اهداف اصلی توسعه پایدار در محیط های مسکونی بشمار می آید را تا حدود زیادی منعکس می نماید. اما به هر حال این گونه بافت های مسکونی سنتی بدلائل مختلف نتوانست تحولات سریع دوران مدرن و تغییر در شیوه زندگی مردم (خوب یا بد) را پذیرا بوده و لذا از نگاه اقتصادی و اجتماعی و زیبا شناختی پایداری خویش را از دست رفته یافت. امروزه می باید بیش از گذشتگان پیاموزیم. تعاریف و رویکرد های گوناگون و متفاوت از مفهوم پایداری خود به پیچیدگی در یافتن راه حلی مناسب در جهت رفع کاستی ها در گذشته و دست یابی به پایداری و ماندگاری بیشتر در محیط های مسکونی افزوده است. لذا علاوه بر درس گیری از گذشته می توان راهکارهای توسعه و طراحی پایدار فضا های مسکونی را مبتنی بر تحلیل سایر الگوها و پارادایم های ارائه شده موجود و یادگیری از آنها در توسعه پایدار محیط های مسکونی معاصر ارائه نمود، بگونه ای که مفهوم پایداری علاوه بر تداوم تجربیات بدست آمده از گذشته بر مبنای حرکت و پویایی حاصل از تعامل بین انسان و محیط های مسکونی صورت پذیرد.

مفهوم توسعه پایدار

در گزارشات مرتبط با پایداری شهری چنین فرض شده است

که هیچ تعریف واحدی بعنوان بهترین تعریف از پایداری شهری وجود ندارد (مک لارن ۱۹۹۶) چرا که جوامع مختلف بر حسب شرایط جاری اقتصادی، زیست محیطی و همچنین معیارهای قضاوت خود در سطح جامعه، درک متفاوتی از مفهوم پایداری دارند. در ادبیات توسعه پایدار در کشور ما بیشترین توجه به توسعه ابعاد و شاخص های زیست محیطی صورت گرفته است. در صورتی که بنظر میرسد شاخص های اصلی توسعه می باید با توجه به نیاز های انسان در مجموعه سامانه ای در نسبت با طبیعت و محیط زیست او تبیین و ارائه گردد.

توسعه پایدار که در کمیسیون براندتلند^۳ بدان اشاره شده است (کمیسیون جهانی زیست محیط و توسعه^۴ ۱۹۸۷، رادلین و فالک ۱۹۹۹) "آن نوع توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی را بدون از دست دادن توانائیهای نسلهای آینده در تأمین نیازهایشان برآورده نماید". این توسعه در برگرنده دو مفهوم کلیدی است:

(۱) مفهوم نیازها، بویژه نیازهای ضروری،

(۲) تفکر در مورد محدودیت های تحمیل شده بر توانایی محیط برای پاسخگویی به این نیازها.

بر مبنای این تعریف جهت دست یابی به توسعه پایدار شناخت نیازهای انسانی بعنوان شاخص اصلی در توسعه در اولویت قرار گرفته و کاملاً الزامی است. تعدادی از پژوهشگران برنامه ریزی محیطی بر این باورند که این تعریف بدلیل عدم ارائه مدلی روشن و مرتبط با توسعه و طراحی محیطی قابل اتکا نیست (برای مثال ر.ک: بحرینی و مکنون ۱۳۸۰)، آنها مدعی هستند که تعریف نیاز های انسانی، انسان محور بودن این تعریف و عدم ارائه راه حلهای اجرایی از مشکلات اساسی تعریف کمیسیون براندتلند بشمار میرود. این مقاله سعی دارد تا این مطلب را روشن سازد که تعریف کمیسیون براندتلند میتواند درک مناسبی از مفهوم پایداری محیطی (انسانی، کالبدی، فرهنگی و طبیعی) را مبتنی بر توجه به "نیازهای انسانی" جهت توسعه محیط های شهری و مسکونی ارائه نماید.

مفهوم توسعه پایدار ابعاد مختلف اما وابسته به یکدیگر را ارائه می نماید. توسعه پایدار فضاهای شهری و محیط های مسکونی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی وابستگی بسیار با نیاز های انسانی و البته در نسبت با زمان دارد. توسعه فضاهای مسکونی در گذشته بخصوص در شهرهای قدیم ایران که به معماری و یا شهرسازی سنتی معروف

مدل نیازهای انسانی مازلو توسط تعدادی از پژوهشگران در زمینه توسعه مبانی نظری طراحی محیطی مورد توجه قرار گرفته است (الکساندر ۱۹۶۹، الکساندر، ایشی گاوا و سیلوراشترین ۱۹۷۷، مایکلیکادس^{۱۲} ۱۹۸۰، لنگ ۱۹۹۴، ۱۹۹۴ا، ۱۹۸۷، مطلبی ۱۹۹۸، فرآی^{۱۳} ۱۹۹۹). از این میان کتاب "طراحی شهری: تجربه امریکایی" تألیف جان لنگ از نمونه منابع پیشرو و معتبری است که به تحلیل همبستگی نیازهای انسانی با طراحی شهری پرداخته است، اما حتی با نشر کتاب "بازاندیشی در عملکردگرایی" به همراهی والتر مولسکی^{۱۴} (لنگ و مولسکی ۲۰۱۰) مولفان ذکر شده نتوانسته اند در زمین ارتباط بین نیازهای انسانی و پایداری محیط های مسکونی و طراحی شهری سهم موثری را ایفا نمایند. لذا اکنون ادبیات طراحی شهری در حوزه فضا های مسکونی نیازمند پردازش مجدد در زمینه پایداری و توسعه پایدار محیط های مسکونی در نسبت با نیازهای انسانی است.

مازلو نیازهای انسانی را بدو گروه نیازهای اساسی یا اولیه^{۱۵} و نیازهای برتر^{۱۶} دسته بندی و در یک نظام سلسله مراتبی آنها را از قوی ترین تا ضعیف ترین ردیف میکند. در پایین ترین سطح از نیازهای اولیه انسان که قوی ترین آنها نیز محسوب میشود نیازهای جسمانی^{۱۷} و بدنبال آن نیاز به ایمنی و امنیت^{۱۸} قرار دارد. بعد از ارضای این سائق ها نیاز به خویشاوندی^{۱۹} و احترام به خویش^{۲۰} اوج گرفته و سپس به بالاترین سطح از نیازهای اولیه که همانا خودشکوفایی^{۲۱} است دست می یابد. نیاز به شناخت^{۲۲} و زیبایی^{۲۳} در مرتبه ای بالاتر و به عنوان نیازهای عالی به معنای واقعی خود پس از ارضای نیازهای قوی اولیه است که بواقع در انسان بروز مینماید. اگر چه بقول مازلو نیاز های عالی در تمامی سلسله مراتب نیازها حضور دارند. اما به هر حال مدل نیازهای انسانی مازلو بیش از این که سلسله مراتبی باشد به زمینه های فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی هر جامعه انسانی وابسته و از پیچیدگی و در هم تنیدگی بسیار برخوردار است. و لذا مدل های نیاز های او به جای نظمی مراتبی به رابطه ای ریزومی بین نیازها بیشتر شباهت می یابد (رک: مطلبی ۱۳۸۰).

مبانی توسعه پایدار در محیط های مسکونی

نیازهای انسانی عوامل درونی و ذاتی انسان هستند و در بدو تولد با انسان زاده میشوند. از اینرو انسان متکی بر انگیزش های درونی خود در جستجوی یافتن راهی جهت ارضای خواست

شده اند با ایجاد محیطی پایدار در مقطعی از زمان توانستند با نیازهای مردم و تحولات بطنی و کند آن خود را همساز سازند اما پیش و یا پس رفت در هر یک از ابعاد توسعه باعث گردید تا روند توسعه دچار دگرگونی شده و لذا نتواند به مفهوم واقعی "توسعه از درون" در بستر زمان جوابگوی تحولات تاثیر گذار بیرونی بوده و به توسعه ای پایدار بیانجامد. از اینرو، با درس گیری از این فرایند، توسعه ای پایدار تلقی میگردد که در ابعاد مختلف بتواند ساز و کارهای مناسب را بگونه ای فراهم آورد تا اینکه همساز با تحولات در نیاز های انسانی و در نسبت با زمان، خواست های مردم را در ارتباط با توانایی های محیطی جهت افزایش "کیفیت زندگی" برنامه ریزی و مدیریت نماید. برای رسیدن به این هدف و جهت تحقق مفهوم پایداری برنامه ریزان و طراحان محیطی به مدلی جامع از نیاز های انسانی نیازمندند که بتواند خواست های انسانی را منتزع از زمان و مکان اما قابل تطبیق با آنها مطرح ساخته و آنان را جهت دست یابی به توسعه پایدار محیط های مسکونی هدایت نماید. بر اساس پیش فرض گفته شده در بالا پرسش این پژوهش این است که چگونه بر مبنای انتخاب مدلی جامع از نیازهای انسانی می توان به باز اندیشی در مفهوم پایداری، به جهت کاربست موثرتر آن در برنامه ریزی و طراحی محیط های مسکونی، دست یافت؟

نیازهای انسانی و توسعه پایدار

مدلهای مختلفی از نیازهای انسانی در قلمرو دانش های مرتبط با برنامه ریزی و توسعه محیط های مسکونی قابل بررسی است (لیتون^{۲۵} ۱۹۵۹، کنتریل^{۲۶} ۱۹۶۵، استیله^{۲۷} ۱۹۷۳، مازلو^{۲۸} ۱۹۸۷). علی رغم نقدهای صورت گرفته توسط پژوهش گران و برنامه ریزان محیطی (برای مثال نک: اپلیارد^{۲۹} ۱۹۸۱، لارنس^{۳۰} ۱۹۸۷، کمپیل^{۳۱} و دیگران ۱۹۷۶) از میان این مدل ها، مدل نیازهای انسانی ابراهام مازلو (مازلو ۱۹۸۷ و ۱۳۷۵) در حال حاضر از کاملترین مدل های مورد نظر شناخته شده است. زیرا میتواند بخوبی در برنامه ریزی و طراحی محیطی مورد استفاده قرار گیرد (مطلبی ۱۹۹۸). در این پژوهش نیازهای انسانی به عنوان متغیر مستقل و برنامه ریزی و طراحی محیط های مسکونی به عنوان متغیر وابسته دانسته شده است. الگوها و پارادایم های طراحی به مثابه متغیر مداخله گر نقشی اساسی در یافتن نسبتی بین نیازهای انسانی و کاربست آنها در طراحی محیط های مسکونی ایفا می نماید.

نیست. اگر چه برنامه ریزی در جهت توسعه اقتصادی عموماً فراتر از سطح توسعه فضا های مسکونی شهری و مقوله ای ملی و حتی جهانی است ولی اکنون بسیاری از مدل های توسعه پایدار محلات مسکونی لزوم ایجاد فرصت های شغلی در سطح محله را در دستور کار خود قرار داده اند (بارتون و تیسورو^{۲۴} ۲۰۰۰).

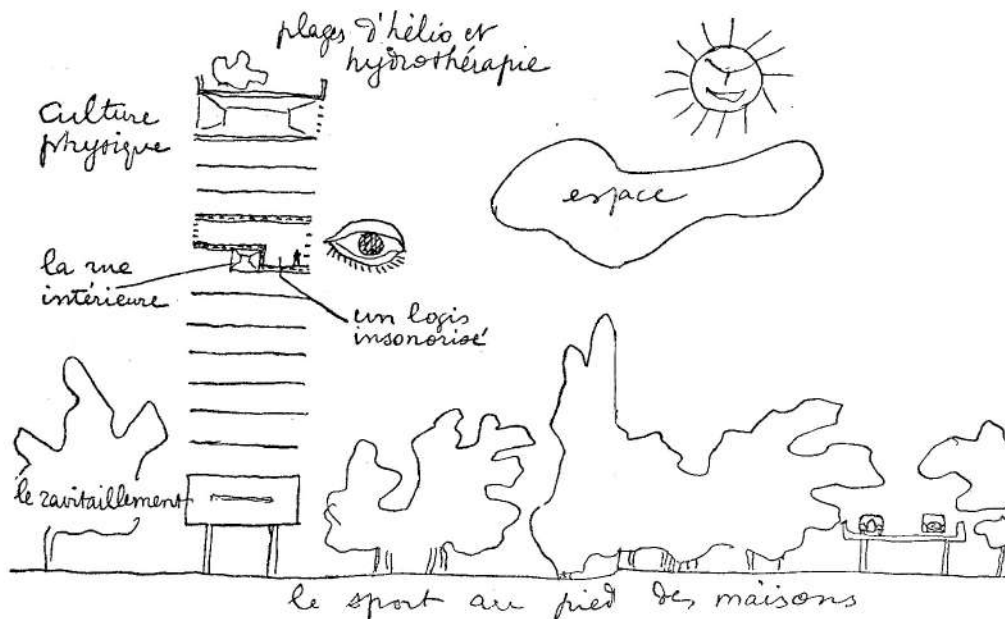
توجه به الگوی توسعه محله های مسکونی در قالب استفاده از کاربری های مختلط^{۲۵} از اهداف توسعه پایدار واحدهای همسایگی (رادلین و فالک ۱۹۹۹) و نوزایی شهری^{۲۶} است (الکین، مک لارن و هیلمن^{۲۷} ۱۹۹۱، راجر^{۲۸} ۱۹۹۹). با توسعه و ایجاد اشتغال در سطح محله های شهری مسلمان نیاز به سفرهای درون شهری کاهش خواهد یافت و تاثیر قابل توجهی در کاهش آلودگی هوا ناشی از مصرف سوخت های فسیلی (ساموئل^{۲۹} ۱۹۹۸) و استفاده مناسب از این زمان برای تولید محصولات مختلف در سطح محله و اوقات فراغت مردم فراهم خواهد نمود.

توجه به سلامت جسمی انسان نیازمند توسعه محیط های مسکونی مناسب برای انجام فعالیتهای بدنی و تمرینات ورزشی

های خود است. آدمی از طریق تعامل با محیط و تغییر در سطوح و یا در قابلیت های آن سعی در انطباق آنها با نیازهای خویش داشته و از طریق این تغییرات است که می تواند به محیط معنا بخشد (مطلبی ۱۳۸۵). لذا جهت شناخت این نیازها تحلیل قابلیت های موجود در محیط میتواند انگیزه های پنهان و آشکار انسان را برای برنامه ریزان و طراحان آشکار سازد. در ادامه بگونه ای بسیار خلاصه به تحلیل این نیازها در نسبت با مهمترین مؤلفه های مؤثر در توسعه پایدار فضا های مسکونی اشاره خواهد رفت.

نیازهای جسمانی و توسعه پایدار

اولیه ترین نیاز انسان نیاز به بقاء است. برای بقای انسان دسترسی او به هوا (اکسیژن)، غذا، نور آفتاب، آب، خواب، بهداشت و سلامت، سرپناه و حرکت الزامی است. دسترسی به غذا و سرپناه نیازمند دسترسی به شغل مناسب است. پس توسعه اقتصادی الزامی است. اصولاً مفهوم توسعه از مقوله اقتصاد ناشی گردیده است. برنامه ریزی در جهت افزایش فرصتهای شغلی بدون توجه به جایگاه اجتماعی هر فرد ممکن



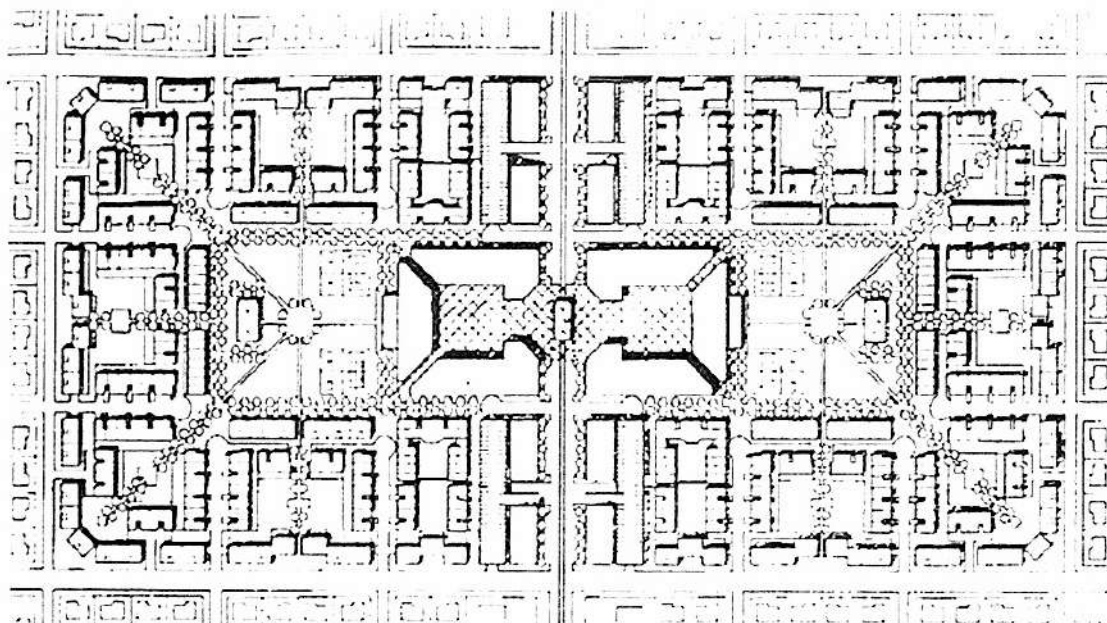
شکل ۱: توجه خاص لکوروبوزیه به سلامت و بهداشت جسمانی مردم در قالب دسترسی به نور، فضای سبز و هوای پاک در طرح وی برای محله مسکونی مارسی ارائه شده است. این نیازها منظره جدید از زیبایی شناسی را در این محیط مسکونی مطرح می سازند. (بر گرفته از: لکوروبوزیه ۱۹۸۱)

و فضای کوچه های چند عملکردی در هلند به نام ونیرف^{۳۱} که ترکیبی از حرکت پیاده و سواره را در خود می پذیرد در این راستا انجام گرفته است. در حقیقت در این طرح نیاز پیاده و سواره نه تنها در مقابل، بلکه در کنار یکدیگر مطرح شده و علاوه بر توجه به سلامت و ایمنی ساکنین به افزایش تنوع در محیط کالبدی منجر گردیده است (اپلیارد ۱۹۸۱، بنتلی^{۳۲} و همکاران ۱۹۸۵).

تجربیات بسیاری که در گذشته در ساخت محلات و شهرهای سنتی و اسلامی و اروپای قرون میانه برای ما به ارث رسیده است که گویای تاثیر حرکت پیاده در ساختار شکل گیری آنها است (یاکوبز^{۳۳} ۱۹۶۱، گوتن ۱۳۵۸، مؤلف و همکاران ۱۳۶۹) و می توان از آنها آموزه های لازم را جهت برنامه ریزی و طراحی محیط پایدار شهری و محله ای بدست آورد (ساوت ورث^{۳۴} ۱۹۹۷، ساوت ورث و آون ۱۹۹۳). امروزه توجه به ایجاد محیط بدون مانع^{۳۵} (رایبنت^{۳۶} ۱۹۸۵) و توجه به مناسب سازی مسیر های خاص جهت استفاده افراد با توانایی کم مانند سالخوردگان، کودکان و معلولین در ایران (مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ۱۳۷۸، مرکز مطالعات و تحقیقات

است) (استون^{۳۷} ۱۹۹۶). در توسعه یک محیط مسکونی سالم و پایدار می باید بگونه ای بتوان دسترسی های مناسب برای تشویق به پیاده روی در مردم را ارائه کرد (معینی ۱۳۸۵، حبیبی ۱۳۸۰). افزایش سلامت جسمی به میزان زیادی در افزایش اعتماد به نفس مردم تاثیر گذار خواهد بود. پژوهش ها نشان میدهد که دود آلود و کثیف بودن هوا برای تمامی ساکنین محله های شهری امری غیر قابل قبول بوده و در میزان عدم رضایت از واحد همسایگی در مرتبه اول توجه آنها قرار داشته است (بنرجی و بایر ۱۵۹:۱۹۸۴). شاخص افزایش کیفیت هوا با گسترش فضای سبز و محدود نمودن حرکت اتوموبیل ها و ساخت مسکن خود کفا در تأمین انرژی مصرفی از طریق دسترسی به نور کافی و استفاده از مواد غیر آلوده کننده در ساخت آن در کنار عواملی دیگر چون فشرده گی و تمرکز و استفاده از کاربری های مختلط قابل دستیابی است (ادواردز و توررنت ۲۰۰۰، راجر ۱۹۹۹).

میزان و کیفیت حمل و نقل خودرو ها و حرکت پیاده بگونه ای مؤثر در سلامت زندگی جمعی و توسعه پایدار محیط های مسکونی میتواند مؤثر واقع شود. ابتکار در ایجاد و توسعه مفهوم



شکل ۲: طرح پیشنهادی کالتورپ برای محله ای مسکونی که به طرح پیاده سازی فشرده معروف و بر مبنای الگوی شهر جدید رادبرن در امریکا از طریق پژوهش های طراحی در دانشگاه برکلی شکل گرفته است محیطی را پیشنهاد میکند که در آن به حرکت پیاده، کاربری های مختلط و تقویت نظام حمل و نقل عمومی، فشرده گی و در عین حال حفظ فضا های باز توجه خاص مبذول گشته است. (برگرفته از: کالتورپ ۱۹۹۳)

سیاست آشتی ما بین انسان و طبیعت، بدون زیان رساندن به محیط طبیعی را مطرح ساخته است. در کشور سوئد از برای توسعه واحدهای همسایگی به تعداد بیش از یکصد مجموعه از این نوع ایجاد گردیده است. بنیاد دهکده زیستی^{۴۷} در سراسر اروپا و در استرالیا، هندوستان و امریکا توانسته است جایگاه مناسبی در توسعه پایدار فضا های مسکونی فراهم آورد.

نیازهای ایمنی و امنیت و توسعه پایدار

هنگامی که نیاز های جسمانی به مرحله ای مناسب در جهت ایجاد فضایی امن از نظر روانی رسید، سطح و مرحله جدیدی در انگیزش های انسانی جهت اندیشیدن و تامین امنیت و ایمنی محیطی، جانی، مالی، روحی و روانی ظاهر میگردد. نیاز به امنیت و ایمنی دارای دو وجه روانی و جسمانی است. این دو وجه میتواند در محیط های مسکونی از طریق توجه به نحوه کنترل محیط کالبدی و محیط اجتماعی تحقق پذیرد.

افزایش جرائم و افزایش تراکم جمعیتی نا همگن و نا متناسب با قابلیت های محیط کالبدی (فیشر^{۴۸} ۱۹۷۶) و عدم شناخت چهره به چهره ساکنین محلات مسکونی از عوامل اصلی در جلوگیری از توسعه اجتماعی پایدار فضا های مسکونی است (الکساندر ۱۹۷۲، ۱۹۶۹). اگر چه نقش و دخالت مستقیم نیرو های انتظامی را در تامین امنیت زندگی جمعی نمی توان نادیده انگاشت اما از طریق کنترل و ایجاد پیوند های اجتماعی سالم و قوی و مشارکت مردم در محیط مسکونی ایجاد محیطی امن برای ساکنین دست یافتنی تر و کم هزینه تر خواهد بود. در محلات مسکونی واقع در شهرهای بزرگ مانند سیدنی در کشور استرالیا از طریق ایجاد سازوکار مراقبت همسایگی^{۴۹} پلیس با مشارکت مردم توانسته است به میزان قابل توجه ای از بروز ارتکاب به جرم در مقیاس محله جلوگیری نماید.

به هر حال ارتباط ما بین محیط شهری و میزان بزهکاری هنوز مورد اختلاف مکاتب مختلف در جامعه شناسی شهری است (نک: فیشر ۱۹۷۶، فکوهی ۱۳۸۳). آنچه لازم است در اینجا بازگو شود این است که میان خدمات شهری و محیط اجتماعی در محیط های مسکونی رابطه معنا داری وجود دارد (مک میلان ۱۹۸۶). با افزایش کیفیت همسایگی، امنیت ساکنین افزایش یافته و با افزایش ادراک امنیت، نیاز به خدمات و پشتیبانی شهری کاهش می یابد. علاوه بر تاثیر مثبت وجود قابلیت های خوب در افزایش میزان ادراک امنیت، نبود عوامل

شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۴) و حرکت پیاده در محلات مسکونی تحت عنوان "محله با قابلیت حرکت پیاده"^{۴۷} در طرحی توسط پیتز کالتورپ و همکاران او بنام نظام پیاده محوری^{۴۸} (شکل ۲) در مقیاس های محله تا شهر در امریکا به اجرا در آمده است (کالتورپ ۱۹۸۹، کالتورپ، آیزلی و کلبا ۱۹۸۹، کلبا^{۴۹} ۱۹۸۹). نسخه مشابه طرح پیاده سازی کوچک در انگلستان به نام "دهکده شهری"^{۴۰} (الدوس^{۴۱} ۱۹۹۲) و در کپنهاک دانمارک در قالب پروژه آدونیس^{۴۲} معرفی شده است (بارتون و تیسارو ۲۰۰۰). مهمترین وجه مشترک این حرکت ها در توسعه پایدار فضا های مسکونی، علاوه بر توجه به پیاده سازی محیط مسکونی، افزایش تراکم در بافت های موجود شهری و برنامه ریزی بر اساس استفاده از کاربری های مختلط است تا از این طریق میزان دسترسی به تسهیلات محیطی و سلامت جسمی را افزایش یافته، میزان استفاده از انرژی را به حداقل رسانده و از زمین در بهینه ترین وجه استفاده نماید (رک: جدول ۱).

توجه به رفع نیاز های اساسی انسان از دلایل ایجاد نهضت های مختلف در برنامه ریزی و طراحی محیط های مسکونی معاصر بوده است. توجه به این نیاز ها حتی در ادبیات شهرسازی آرمانگرا قابل مشاهده است. فرانسواز شوای (۱۳۷۵) از قول ژوزف پرودون می نویسد: "لازم است که فرانسه را به باغی بزرگ و آمیخته به بیشه ها تبدیل کنیم. هوا، نور و آب باید بین همگان عادلانه توزیع شود." این نگرش به نیازهای اساسی انسان بویژه در الگوی باغ شهرهای ابنزر هاوارد (۱۸۹۸) و تا طرح های لکربوزیه برای شهرهای مدرن و یا واحد همسایگی عمودی او در ماری بخابی ملاحظه میگردد (لکربوزیه ۱۹۳۴، ۱۹۲۹). در این طرح ها تامین نور، هوا و آب سالم و کافی از شرایط اولیه جهت تضمین سلامت انسان برای بقا محسوب گردیده اند (شکل ۱). کانسپت اساسی لکربوزیه در این طرح ها بواقع مبتنی بر توجه به ابعاد جسمانی انسان خود ساخته او است.

توجه روز افزون به تعادل اکوسیستم های انسانی، نباتی و جانوری اخیرا در قالب مدل برنامه ریزی زندگی جمعی^{۴۳} بر مبنای محیط زیست یا اکو کامیونیتی^{۴۴} ارائه شده که در نتیجه به ایجاد و توسعه واحد های بوم- همسایگی^{۴۵} منتهی گردیده است (رادلین و فالک ۱۹۹۹). تلاش های بسیاری اخیرا در ساخت روستا های خود کفا از سوی مؤسسات مختلف در کشورهای جهان صورت پذیرفته است. بنیاد گی^{۴۶} طرح توسعه واحدهای همسایگی خودکفا در "مقیاس انسانی" مبتنی بر

سلسله مراتب فضاهای عمومی تا فضاهای نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی در محیط های مسکونی امکان پذیر می باشد. از طریق بررسی پژوهش های بالا مهمترین سازوکارهای ایجاد فضا های قابل دفاع در محیط های مسکونی را میتوان بصورت ذیل خلاصه کرد:

۱. ایجاد قلمرو^{۵۶} و محدوده مشخص و تعریف شده،
 ۲. ایجاد حس زندگی جمعی^{۵۷} و در عین حال ایجاد فرصت های لازم برای ایجاد خلوت محیطی^{۵۸}،
 ۳. ایجاد فرصت های لازم جهت مراقبت های طبیعی^{۵۹} از طریق طراحی،
 ۴. ایجاد خوانایی^{۶۰} و تصویری روشن^{۶۱} از فضای کالبدی محله در ذهن ساکنان،
 ۵. استفاده از عناصر نمادین و مشخص در طراحی،
- ایجاد امنیت محیطی بخصوص از نظر روانی ابعاد گسترده ای دارد که در این مختصر امکان بحث در مورد تمامی آنها میسر نیست (برای اطلاع بیشتر نک: نیومن ۱۹۹۶، لیم و ماینری ۱۹۹۸). یکی از مهمترین آنها ایجاد حس خلوت محیطی و یا حریمیت و دیگری ایجاد حس مکان است. فضا های مسکونی می باید بگونه ای برنامه ریزی و طراحی گردد تا مردم بتوانند با توجه به باورها، اعتقادات و فرهنگ خویش و نیز نیاز های روانی و روحانی خود فرصت ها و جایگاههای مناسب را برای فراهم آوردن فضای خلوت در میان زندگی جمعی بدست آورده (چرمایف و الکساندر ۱۳۵۳، ۱۹۶۳، آلتمن^{۶۲} ۱۹۷۶، ۱۹۷۵) و با ایجاد محیطی شخصی شده و هویت یافته مکان زندگی خود در محله مسکونی را معنا بخشند. حس مکان که مردم از طریق آن می توانند شخصیت یک مکان را از دیگری باز شناسند باعث می گردد تا نیاز به امنیت و ایمنی روانی تامین شود. خوانایی محیط و محیط قابل تصور، آنچه کوین لینچ (۱۹۶۰) در کتاب خود سیمای شهر (که بهتر است آن را تجسم ذهنی شهر^{۶۳} بنامیم) بعنوان نقشه ذهنی شهر از مردم بدست می آورد، اهمیت بسیار در ایجاد حس امنیت محیطی دارد. عدم وجود خوانایی میتواند احساس غریبی و گم شده گی را افزایش داده و لذا موجب افزایش عدم امنیت محیطی گردد (پاسینی^{۶۴} ۱۹۸۴، بنتلی و همکاران ۱۹۸۵). علاوه بر این علائم روانی بجا مانده از رخداد هایی مانند سیل و زلزله در ذهن مردم مناطق آسیب دیده در ایران نهادینه شده و باعث گردیده است تا مردم آن مناطق نسبت به اقامت خویش بدلیل عدم وجود ایمنی در

و امکانات مناسب می تواند نتیجه معکوس داشته باشد. بر اساس آنچه آمد میتوان دلایل بسیاری را جهت بروز و توسعه خوشونت و بزهکاری ها در محیط و محلات مسکونی شهری برشمرد (همچنین نک: فکوهی ۱۳۸۳):

۱. فقر و شرایط نامساعد مادی زندگی، بیکاری، نبود امکانات لازم برای پر کردن اوقات فراغت،
 ۲. کمبود آموزش و نقصان در فرایندهای اجتماعی کردن، کمبود سازوکار های مراقبت و رسیدگی خانوادگی،
 ۳. عارضه ها و بیماری های روانی و جسمانی، اعتیاد به مواد مخدر یا الکل و فشار ها و سوء استفاده های جنسی،
 ۴. تعارض های طبقاتی، قومی، جنسی، سنی و فرهنگی،
 ۵. انباشت ها و تراکم جمعیتی نامتناسب با فضا های کالبدی و زیستی، همجواری های نامطلوب و در هم ریختگی بافت ها و ارزش های اجتماعی،
 ۶. کمبود یا نقصان فرایند شکل گیری هویت و وابستگی اجتماعی،
 ۷. اضطراب های ناشی از شرایط سخت کار و ناپایداری عدم امنیت شغلی و شکنندگی شرایط زندگی خانوادگی،
 ۸. سوء استفاده از قدرت در نهادهای رسمی، و در نتیجه بی اعتمادی به نهادهای قانونی، دادگاهها و نیروی انتظامی،
 ۹. برنامه ریزی و طراحی نادرست کالبدی فضا های مسکونی و لذا نا امن بودن آنها، مسکن نامناسب،
 ۱۰. افسردگی ناشی از زندگی در محیط های خشک، سرد و بی روح بخصوص در شهرک های صنعتی و کارگری و خوابگاهی، کمبود فضا های درونی مسکن، آلودگی صوتی و غیرو،
- لذا میتوان گفت که سلامت شخصی افراد در تمامی ابعاد مبتنی بر سلامت در زندگی جمعی و بالعکس می باشد و ایجاد ارتباط ما بین معنویت و توسعه زندگی جمعی مبتنی بر دستیابی به عدالت اجتماعی است (آیفه^{۵۰} ۱۹۹۵، ۲۰۰۲).
- اگرچه از راه طراحی و توسعه کالبدی نمی توان به اصلاح مجرمین پرداخت (مؤلف ۱۳۸۰) اما با برنامه ریزی و طراحی مناسب میتوان فرصت های ارتکاب به جرم را به میزان زیادی از مجرمین سلب نموده و فضاهایی قابل دفاع در محیط های مسکونی ایجاد نمود (نیو من^{۵۱} ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۸۰، لیم و ماینری^{۵۲} ۱۹۹۸، کرآ^{۵۳} ۱۹۹۱، استولارد^{۵۴} ۱۹۹۱). مفهوم فضای قابل دفاع^{۵۵} از نظر اسکار نیومن با ایجاد قلمرو و حفظ

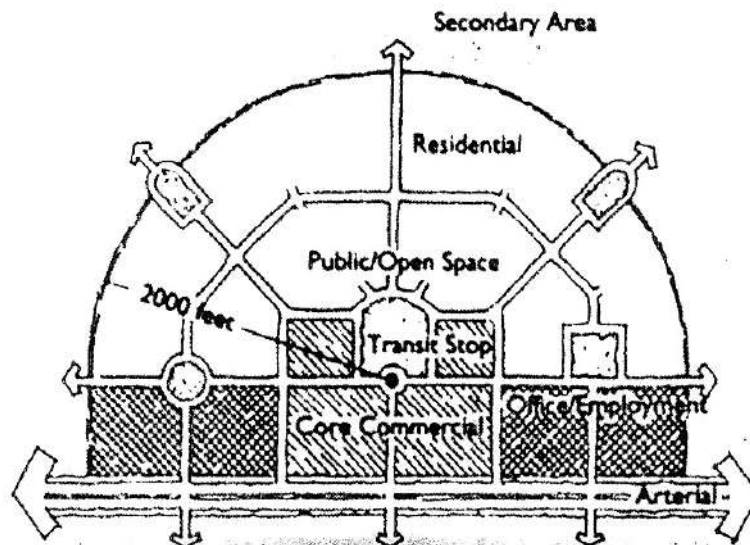
محل دچار تردید و در نهایت میزان وابستگی و تعلق محیطی نزد آنان بشدت کاهش یابد.

نیاز به وابستگی و توسعه پایدار

بر اساس تعریف کمیسیون براندتلند نیاز های انسانی می تواند علاوه بر نیاز های جسمانی، ایمنی و امنیتی به سایر نیاز ها چون وابستگی عمومیت یابد. وابستگی در انسان فطری است. او در کانون خانواده به رشد این نیاز اجتماعی نائل گردیده و تعلق به محیط را می آموزد. لذا وابستگی انسان به مرکز هستی (نصر ۱۳۸۰)، به انسان و زندگی جمعی (جرمی ۲۰۰۴، پرات ۶۶ ۱۹۷۸) و انسان به محیط طبیعی و مصنوع (توان ۶۷ ۱۹۷۴) ناگسستنی بوده و در طول زندگی چندین هزار ساله او بر روی کره خاکی این مفهوم بر ضمیر ناخودآگاهش نقش بسته (یونگ ۶۸ ۱۹۷۳، یونگ و همکاران ۱۹۶۷)، بگونه ای که مسکن، بعنوان مصداقی از وابستگی انسان به محیط کالبدی، نمادی از خود یا نفس ۶۹ انسان گردیده است (کوپر ۷۰ ۱۹۷۴، کوپر مارکوس ۱۹۹۵). بطریق اولی وابستگی و تعلق به محیط ساخته شده در مقیاس محله و واحد همسایگی نیز بمیزان زیادی در مردم ابراز گردیده است (عزیزی ۱۳۸۵، بنرجی و بایر ۱۱۵: ۱۹۸۴).

این نیاز به وابستگی در زندگی جمعی تأثیرات مثبت بسیاری در حفظ، نوزایی و افزایش کیفی و پایداری محیط مسکونی داشته است بگونه ای که میتواند، برای مثال، شعار "محله ما خانه ما" را برای مردم با معنا سازد. مسلماً تنها آن هنگام مردم به شهر و محله خود بمانند خانه شان احساس تعلق خواهند کرد که این نیاز به تعلق و وابستگی بگونه ای جمعی (لوزانو ۷۱ ۱۹۹۰) در شهروندان تقویت گردد. از اینرو ایجاد و توسعه فضا های مسکونی و توجه به مفهوم همسایگی و "هم-سایه" بودن از مهمترین راهکارهای جوابگویی به خواست های انسانی و محوری ترین مفهوم در ارتباط با نیاز به وابستگی است.

مسلماً الگو ها و مدل های ارائه شده در جهت برنامه ریزی و طراحی محلات مسکونی و واحد های همسایگی (جدول ۱) مبتنی بر پاسخگویی به این نیاز اساسی صورت گرفته است (پری ۱۹۲۹ و ۱۹۳۹، اشتاین ۱۹۵۷، کالتورپ ۱۹۸۶ و ۱۹۹۳). همانگونه که از ماهیت مفهوم مسکن و سکونت ایفاد میگردد و در این مقاله نیز به آن پرداخته شده است مفهوم سکونت بدون توجه به سایر خدمات مرتبط با آن معنا نمی یابد. توسعه امکانات و تجهیزات وابسته به مسکن و نیز مقیاس آنها در افزایش حس همبستگی و عزت نفس مردم در محیط



شکل ۳: نهضت شهرگرایی نوین در امریکای شمالی طرح و برنامه ریزی محله مسکونی بنام TOD^{۷۲} را که از سوی پیتر کالتورپ^{۷۳} جهت ایجاد یک زندگی جمعی با کاربری های ترکیبی به وسعت ۱۶ هکتار به فاصله ۷۰۰ متر (ده دقیقه) حرکت پیاده از سیستم حمل و نقل اصلی و مرکز تجاری است پیشنهاد نموده است. در این طرح، ترکیبی از نواحی مسکونی، خرده فروشی ها، دفاتر اداری، فضا های سبز و عمومی از طریق ایجاد و پیوند به شبکه حرکت پیاده، ساکنین را قادر خواهد ساخت تا به راحتی به امکانات مزبور دسترسی داشته و از طریق شبکه حمل و نقل سریع عمومی و یا اتوموبیل شخصی به مراکز فرا دست رفت و آمد نمایند. (برگرفته از: کالتورپ ۱۹۹۳)

حقیقت برنامه ریزی، طراحی و ساخت محیط های مسکونی پایدار تنها "با مردم" و نه "برای مردم" ممکن خواهد شد (فتیحی ۱۳۷۲). مشارکت دادن مردم در توسعه فضا های مسکونی نمی بایستی تنها به کمک های مالی مردم خلاصه گردد بلکه میتواند از طریق توجه به خواسته ها و نیازهای مردم نیز صورت پذیرد (هستر ۱۹۸۴، کوپر ماکوس و سرکسیان^{۸۵} ۱۹۸۵). از طریق تسری دادن نظرات مردم در فرایند توسعه است که می توان به مشارکت فعال مردم و بروز خلاقیت آنها در افزایش کیفیت محیط های مسکونی امیدوار بود. بر اساس پارادایم رشد هوشمند در برنامه ریزی محیط های مسکونی مشارکت و نوآوری دو روی سکه برای توسعه شناخته می شوند (الار^{۸۶} و همکاران ۲۰۱۶). رویکردی مشارکتی و بهره بردار محور در برنامه ریزی بواقع نیازمند ایجاد ساختاری مردم سالار است. بنا بر نظر مؤتن و همکارانش (مؤتن، کوستا، ساریس و سیونورتا^{۸۷} ۱۹۹۹) توسعه و طراحی واحد های همسایگی نیاز به ترتیب دادن ملاقات های عمومی با مردم و پژوهش در مورد مسائل آنها از طریق مشاوران و درخواست از آنان جهت مشارکت در برنامه ریزی و طراحی است.

تاثیر کالبدی و مصادیق خارجی مرتبط با نیاز به احترام به خود در بسیاری از جنبه های طراحی محیطی قابل مشاهده است. ساخت بنا های زیبا و با کیفیت در محله ها و تلاش در جهت حفظ محیط های مسکونی با ارزش و مرمت و نگهداری ساختمان های قدیمی جهت ایجاد پیوند مردم با گذشته و نیز استفاده از فن آوری های جدید در توسعه و بازسازی محلات مسکونی و افزایش معنای نمادین و هویت مکانی محیط از موارد قابل ذکر است.

نیاز به خود شکوفایی و توسعه پایدار

جهت دستیابی به محیط های پایدار مسکونی، انسان پس از رفع نیاز های جسمی، ایمنی و امنیت، تعلق و وابستگی و احترام به خویش به کیفیتی فراتر نیازمند است که از آن میتوان به مرحله خود شکوفایی انسان و محله مسکونی تعبیر نمود. انسان خود شکوفا در این مرحله در ابعاد ذهنی و روحی بر بلندی زندگی معنوی خویش قرار گرفته است و از آن جایگاه است که به مسائل مرتبط به خویش و جامعه می نگرد. یک انسان خود شکوفا خود کفا و کمتر به دیگران نیازمند است. او به بالاترین حد از عزت نفس دست یافته است و با اینکه رویکردی مستقل

مسکونی مؤثر میباشد (مک میلان و چاوایس^{۷۴} ۱۹۸۶). در شهرک مسکونی رادبرن در نیو جرسی امریکا وجود امکانات تفریحی و نزدیکی آن به واحدهای همسایگی از مهمترین عوامل مؤثر بر میزان رضایت مردم از محله خود می باشد. استقرار این امکانات باعث گردیده است که مردم بتوانند گرد هم آمده و با علائق مشترک حس تعلق خود به محیط مسکونی را افزایش داده و ارضاء نمایند (برچ^{۷۵} ۱۹۸۰، لنگ ۲۶۸: ۱۹۹۴). این احساس تعلق و دلبستگی به مکان^{۷۶} (مجتبوی و دیگران ۱۴۰۰، آلتمن و لا^{۷۷} ۱۹۹۲، مازومدار و مازومدار^{۷۸} ۱۹۹۳) و یا حس مکان^{۷۹} (فلد و باسو^{۸۰} ۱۹۹۶) باعث میگردد تا مردم با استفاده از نمادها و نشانه ها حس تعلق به مکان را آشکار ساخته و به آن هویتی جمعی^{۸۱} (راپاپورت ۱۹۸۲) یا هویتی شخصی^{۸۲} (پروشانسکی^{۸۳} ۱۹۷۸) بخشند. توجه به زندگی جمعی، هویت و حس مکان و تعلق به آن از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر کیفیت زندگی (ارجرسون^{۸۴} ۱۹۹۸) در پاسخگویی به نیاز های انسانی از جمله نیاز به عزت نفس و احترام به خود می باشد.

نیاز به احترام به خود و عزت نفس

در جهت تأمین محیط اجتماعی و کالبدی پایدار، انسان در ماهیت خود هم به احترام دیدن و هم به احترام گزاردن نیازمند است. کمتر کسی دیده شده است که بی احترامی به دیگران را دوست داشته باشد و نخواهد دیگران نیز به او احترام کنند. این نیاز نه تنها شخصی بلکه مقوله ای اجتماعی است. وجوه و شکوفایی این حس در شخص و مردم باعث میگردد تا عزت نفس در انسان افزایش یافته و او را در جهت انجام فعالیت های خویش هر چه بیشتر استوار و مصمم سازد. مردم در جهت دستیابی و چگونگی رفع این نیاز متفاوت هستند. مسلما این تفاوت ها به تمایزات مردم در شناخت و نگاه آنها به زندگی و به میزان توجه آنان به ارزش های فرهنگی و اعتقادی مرتبط می باشد.

مشارکت مردم در سرنوشت خود و در مورد چگونگی توسعه محیط مسکونی و محله خود متاثر از نیاز به تعلق و احترام به خویش و در نتیجه افزایش عزت نفس او است. مشارکت دادن مردم در فرایند توسعه اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی محیط های مسکونی در وجوه مختلف باعث میگردد تا توسعه از درون زندگی جمعی صورت پذیرفته و با ایجاد حس تعلق در مردم باعث افزایش اعتماد آنان به خود و دیگران گردد. در

قرار داده میشوند از طریق محیط ساخته شده به دیگران بعنوان یک پیام ارسال و با توجه به کدهای اجتماعی و فرهنگی برای مخاطب قابل بازخوانی و شناخت میگردند (راپاپورت ۱۹۹۰، مؤلف ۱۹۹۸). به واسطه این معانی است که مردم رفتارهای خویش را با محیط متناسب میسازند. در این مختصر بیشتر توجه بر دو جنبه از شناخت و یادگیری انسان مورد نظر قرار میگیرد: (۱) یادگیری غیر رسمی و طبیعی انسان از محیط اطراف و (۲) یادگیری رسمی از طریق ایجاد سازمان های رسمی آموزشی. در هردو حالت کنجکاوی از مهمترین عوامل است زیرا که انگیزه های لازم را برای انسان جهت یادگیری فراهم می آورد. در بسیاری از موارد مردم تنها برای اینکه "بدانند" به شناخت پدیده ها میپردازند. این از ویژه گیهای خاص انسان در دوره های مختلف زندگی او از تولد تا مرگ است.

محیط طبیعی، انسان ساخت و اجتماعی محله مسکونی نیز میتواند فرصتهای لازم را برای آموختن بگونه ای تجربی (کولب^{۸۹} ۱۹۸۴) بخصوص برای کودکان (مور^{۹۰} ۱۹۸۷، وینشتاین و دیوید^{۹۱} ۱۹۸۷، برانفربرنر^{۹۲} ۱۹۹۲) فراهم آورد. ایجاد محیط های بازی متنوع و آشنا ساختن کودکان با محیط طبیعی از طریق حفظ محیط زیست گیاهی و جانوری و مجاورت سکونت گاههای انسانی با محیط طبیعی میتواند فرصت های لازم را برای آموزش کودکان و سایر مردم فراهم آورد (الکساندر، ایشی گاوا و سیلوراشتن ۱۹۷۷، هستر^{۹۳} ۱۹۸۴، کوپر مارکوس و سرکیسیان ۱۹۸۵، کوپر مارکوس و فرانسیس^{۹۴} ۱۹۹۰).

نیاز به زیبایی و توسعه پایدار

یک محیط مسکونی پایدار می باید زیبا بوده و این زیبایی می باید بتواند از دیرپایی قابل توجهی در بستر زمان برخوردار باشد. سه مفهوم و محور اصلی در توسعه و رشد انسان مؤثر است: دانایی، خوبی و زیبایی (الهی قمشه ای ۱۳۸۳). دو تای اولی در ارتباط با نیاز های انسان به شناخت و خودشنکوفایی میتواند در فرصتی مناسب مورد توجه و تحلیل بیشتر قرار گیرد و سومی بحث این بخش از این نبشته است، اگرچه هر سه بگونه ای با مقوله زیبایی مرتبط هستند (همچنین نک: مولوی ۱۳۸۳). همانگونه که خداوند زیبایی را دوست دارد و انسان را احسن الخالقین آفریده است پس زیبا دوستی و جستجوی زیبایی ذاتی انسان است (جعفری، بی تا)، مبتنی بر یافته های بالینی ابراهام مازلو (۱۳۷۵: ۸۹) بسیاری از مردم با دیدن زشتی بیمار

و حتی نگرشی متفاوت از دیگران نسبت به محیط اجتماعی و فرهنگی دارد اما نسبت به امور اجتماعی حساس است. به خاطر اینکه به مردم عشق میورزد درگیر مسائل دیگران میشود و لذا مسئولیت پذیر است و سعی در رفع مشکلات دیگران دارد. میتوان ایجاد ساختاری مردم سالارانه جهت مشارکت مردم در ایجاد عدالت اجتماعی را از مصادیق یک جامعه خود شکوفا دانست.

یک انسان خود شکوفا دوستدار پیچیده گی و ابهام در محیط است. ایجاد محیط های مسکونی که بتواند سطوح مختلف معنایی بخصوص معانی رمزی و سمبلیک را ارائه نماید مورد توجه او قرار میگیرد و نیز سعی در یافتن راهکار های مناسب جهت حفظ آن معانی دارد. او به داشتن هویت فردی و جمعی علاقه مند بوده و از اینرو با تاریخ و گذشته خود و لذا حفظ میراث فرهنگی جامعه خویش و مرمت ابنیه با ارزش در محله و شهر علاقه نشان می دهد. او به دانستن و نظم و زیبایی عشق میورزد و از اینرو است که محیط زیبا و با مقیاس انسانی میتواند رضایت خاطر او را جلب نماید.

از مهمترین عواملی که به نیازهای انسان خودشکوف مرتب است برنامه ریزی و ساخت فضا های منعطف و دیر پا است تا مردم بتوانند محیط را با خواستههای انسانی خویش منطبق سازند، زیرا بیش از اینکه مردم و فرد خود شکوفا در صدد انطباق خویش با محیط باشد سعی در تغییر در قابلیت های محیطی برای رفع نیاز های خویش دارند. تلاش در جهت ایجاد محیط های مسکونی خود کفا و ایجاد خدمات مناسب در آن که بتواند شان مردم و عزت نفس آنان را تقویت نماید از مهمترین معیار های ایجاد یک محیط مسکونی انسانی است. به سخن دیگر محیط می باید شایستگی جهت انطباق^{۸۸} با خواستههای انسانی را در بستر زمان دارا باشد (راجر ۱۹۹۹، راپاپورت ۱۹۹۰، ۱۹۷۷).

نیاز به شناخت

نیاز به شناخت و زیبایی در تمامی ابعاد و سطوح نیازهای انسانی ظهور فعال دارد (مازلو ۱۳۷۵). برای خوردن و آشامیدن، راه رفتن و حرکت کردن و دوری گزیدن از خطر و هر فعالیت دیگر شناخت و درک انسان از محیط کالبدی، فرهنگی و اجتماعی ضروری است. محیط میتواند در یادگیری انسان و آموزش و حتی تذکر و تداعی مسائل و معانی مختلف بعنوان یک واسطه عمل نماید. معانی، رمز ها و نمادهایی که توسط دیگران در محیط

کالبدی محیط های شهری و مسکونی که در قالب تحلیل نیاز های انسانی بدان اشاره رفت، الگوها و پارادایم های گوناگونی را می توان باز شناخت که در چارچوب آنها کوشش های مختلف اما هم جهتی را برای توسعه پایدار محیط های مسکونی از دیر باز تا کنون بدست می دهند. همانگونه که در جدول شماره یک مشاهده میگردد پاسخگویی به نیاز های انسانی در سطوح مختلف مهمترین هدف در ایجاد محیط و محلات مسکونی قدیم ایران بوده است. این توجه میتواند به میزان زیادی بر ارتباط مفهوم سنتی بودن با پایدار بودن در ایجاد محیط های مسکونی جدید مورد نظر قرار گیرد (نک: لوسین استیل ۱۳۸۶، مطلبی ۱۳۸۵). برتری دادن تعدادی از نیاز های انسانی بر دیگری در پارادایم های خاص در بستر زمان امری زمینه ای و فرهنگی است اما امروزه با دگرگونی های سریع در میزان قابلیت های انسان در تعامل با محیط توجه برنامه ریزان به تمامی نیاز های انسانی را ضروری ساخته است.

همانگونه که در جدول شماره یک ملاحظه میگردد تمامی الگوها بویژه الگوی "باغ شهرها"، "شهرسازی مدرن" (منشور آتن) و الگوی "واحد های همسایگی" و "شهر سالم" بر نیازهای مرتبط با سلامت جسمانی تأکید میورزند. اگر چه این ابعاد در ایجاد یک محیط مسکونی پایدار از جهت زیستی اهمیت بسیار دارد اما میباید با سایر ابعاد زیست محیطی مطرح شده در "مجموع های زیستی اکولوژیکی" و با ابعاد هویتی و زیبا شناختی مطرح در پارادایم های "شهرسازی مدرن" و "سنتی نوین" درآمیزد تا توسعه پایدار محیط های مسکونی در تمامی ابعاد بگونه ای هماهنگ صورت پذیرد. لذا الگوها و پارادایم های تحلیل شده در جدول (۱) دلالت بر تأکید بر تعدادی از نیازها و برتری دادن یکی بر دیگری دارد. اما با تحلیل دقیق در اهداف و معیار های هر یک از این الگوها میتوان فصل مشترک هایی یافت که متناسب با بستر اجتماعی و فرهنگی کشور ما مورد استفاده برنامه ریزان و طراحان قرار گیرد. بطور مثال اصولی که کوین لینچ در کتاب خویش "شکل خوب شهر" و سایر هم فکران او در قالب پارادایم "محیط مسکونی خوب" ارائه نموده اند (لینچ ۱۹۸۱) با آنچه یک شهر و یا محله مسکونی پایدار را بر مبنای توجه به نیازهای انسانی در ابعاد مختلف تشکیل میدهد همخوانی بسیار دارد. لینچ محورهایی چون *سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی و نظارت و اختیار* را در کنار *کارایی و عدالت* از مهم ترین ابعاد و شاخص های انسانی جهت دستیابی به یک

می شوند آنها با قرار گرفتن در محیطی زیبا بهبودی خویش را باز می یابند و این حالت بطور عام حتی در کودکان نیز مشاهده می شود. او نیز نتیجه میگیرد که در انسان نوعی "**نیاز واقعی زیبایی شناختی اساسی**" وجود دارد.

زیبایی دارای جنبه های گوناگون است. بطور کلی میتوان زیبایی را به زیبایی ادراکی^{۹۵} و زیبایی شناختی^{۹۶} (مؤلف ۱۹۹۸) تقسیم نمود. زیبایی ادراکی شامل زیبایی حسی^{۹۷} و فرمی^{۹۸} است و زیبایی شناختی را میتوان در قالب زیبایی نمادین^{۹۹} بررسی نمود (لنگ ۱۹۹۴، ۱۹۸۸). یکی از مهمترین ابعاد شکلی و رفتاری زیبایی وجود تنوع در فضاها و فعالیت های شهری و محله های مسکونی است. تنوع در فعالیت های یک محله مسکونی و یا یک شهر نه تنها زیبایی های حسی را تقویت می نماید بلکه در پایداری محیط مسکونی و شهر (مؤتن ۱۹۹۶) و به شناخت ما از محیط بگونه ای مؤثر یاری میرساند.

رویکردی مشارکتی و تجربی به زیبایی شناسی اخیرا مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان و طراحان قرار گرفته است (برلین^{۱۰۰} ۱۹۷۴، راپاپورت و هاوکز^{۱۰۱} ۱۹۷۰، لنگ ۱۹۸۷، نصر^{۱۰۲} ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، مؤلف ۱۹۹۸). طراحانی چون کالن^{۱۰۳} (۱۹۷۱) و هالپرین^{۱۰۴} (۱۹۷۲)، اپلیارد، لینچ و مییر (۱۹۷۳) و بنتلی و همکارانش (۱۹۸۵) بر تجربیات مردم از فضا های شهری و مسکونی و بخصوص به تجربیات مرحله ای و پی در پی آنها از فضا که متکی بر یافته های روانشناختی در روانشناسی محیط است، تحلیل و طراحی خود را استوار ساخته اند.

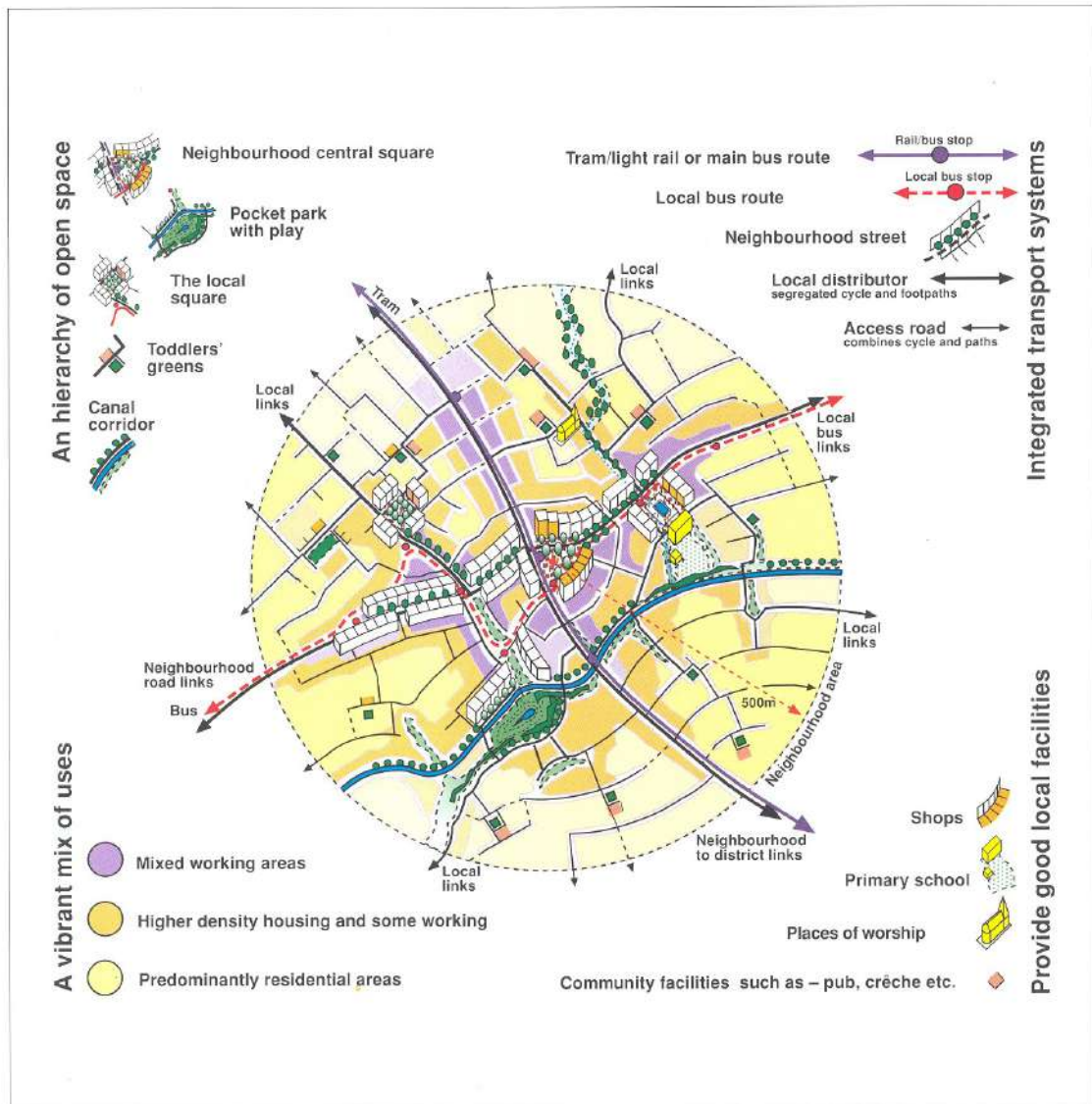
ارتقاء ابعاد پایدار زیبا شناختی فضا ها در محیط های مسکونی تابع توجه به تمامی نیاز های انسانی است. توجه به طراحی جزئیات سطوح هندسی، استفاده از رنگهای متنوع که برای مردم میتواند لذت بخش باشد و استفاده از پیچدگی و ابهام (راپاپورت و هاوکز ۱۹۷۰، ونچوری ۱۹۶۶) در طراحی فضا های مسکونی و شهری و ساخت نمادها و نشانه ها (اپلیارد ۱۹۶۹، ۱۹۶۵، ونچوری و روش^{۱۰۵} ۱۹۷۶) که به خواسته های جمعی مردم در گستره زمان (لینچ ۱۹۷۲) و تاریخ و هویت مردم و محیط مسکونی توجه نموده اند ابعاد زیبایی شناختی آنها را برای عموم مردم لذت بخش خواهد کرد.

الگوها، نیاز های انسانی و توسعه پایدار محیط های مسکونی

با مرور صورت گرفته در ادبیات مرتبط با توسعه اجتماعی و

صورت پذیرفته است. از مهمترین بررسی های بعمل آمده در مورد توسعه و طراحی محیط های مسکونی پایدار که در قالب طرح "نوزایی شهری" (راجرز ۱۹۹۹) ارائه گردیده است سه مؤلفه *دیرپایی، انعطاف پذیری و ساخت مسکن کم مصرف از نظر انرژی* از اهمیت ویژه ای برخوردار است (رک: جدول شماره یک). همچنین در جهت دستیابی به توسعه پایدار محیط های مسکونی مؤلفه هایی چون *مسائل زیست محیطی* (رادلین و

شهر خوب و پایدار معرفی می نماید. اگر چه او خود از کلمه پایداری در نوشته هایش استفاده نکرده است اما ابعاد مورد توجه او با آنچه در این مقاله مبتنی بر نیاز های انسانی تحلیل و ارائه می گردد منطبق می باشد. همانگونه که در **جدول شماره یک** مشاهده میشود، امروزه در جهت دستیابی به محیط های مسکونی پایدار کوشش هایی در سطوح ساخت مبانی نظری و طراحی در کشور های مختلف



شکل ۴. برنامه ریزی محله پایدار بر مبنای مفهوم محله شهری همگن^{۱۰۶} با بهره گیری از چهار مولفه کاربری های ترکیبی، نظام مراتبی فضاهای باز، نظام به هم پیوسته حمل و نقل شهری تا محلی و امکانات محلی در دسترس پیشنهاد شده توسط کار گروه ویژه شهری به مدیریت ریچارد راجرز در قالب طرح نوزایی شهری. (برگرفته از: راجرز ۱۹۹۹)

مبنای پژوهش های کوین لینچ و آیان بنتلی^{۱۱۳} و همکارانش اصولی را مشابه آنچه راجرز و کالتورپ، جنکز و دیگران ارائه نمودند و با تاکید بر ترکیب طبقات مختلف مردم در محله های مسکونی و گوناگونی مالکیت ها و توسعه ایمنی و امنیت در کنار توجه خاص بر مسائل زیست محیطی ضروری دانسته شده است می تواند مبنای ایجاد محیط مسکونی پایدار قرارگیرد.

اخیرا مفهوم شهر و رشد هوشمند در ادبیات طراحی شهری مطرح شده است (رک، دامری^{۱۱۴} ۲۰۱۳). در تعاریف ابتدایی واژه هوشمند در عرصه شهری و فضاهای مسکونی بیش تر به معنای استفاده و به کارگیری فناوری های ارتباطی

فالک ۱۹۹۹، مؤتن و همکاران ۱۹۹۹) بافت فشرده (دنتزیگ و ستای^{۱۰۷} ۱۹۷۳، برهنی^{۱۰۸} ۱۹۹۶، ۱۹۹۲)، اهمیت به حرکت پیاده (ساوت ورث ۱۹۹۷)، افزایش قلمروی عمومی (لوزانو ۱۹۹۰، موتن ۱۹۹۶، موتن و همکاران ۱۹۹۹)، افزایش تراکم مناسب، کاربری های مختلط (کتز^{۱۰۹} ۱۹۹۴، کالتورپ ۱۹۹۳) و افزایش کیفیت مسکن مورد توجه بسیاری از طراحان در قالب "شهرسازی مدرن" (برای مثال نک: دوانی و پلیر زایبرگ^{۱۱۰} ۱۹۹۴، ۱۹۹۳، ۱۹۹۱، کالتورپ ۱۹۹۳، کریر^{۱۱۱} ۱۹۸۹) و سایر نظریه پردازان شهری قرار گرفته است (همچنین نک: جنکز، ویلیامز و برتون^{۱۱۲} ۱۹۹۶a و ۱۹۹۶، رادلین و فالک ۱۹۹۹). بر

جدول ۱: تحلیل الگو ها (پارادایم ها) در ارتباط با نیاز های انسانی جهت ایجاد محیط های پایدار مسکونی. (مأخذ مولف)

الگو (پارادایم)	ارائه کننده نظریه	نیازهای مورد تأکید	اهداف و خواست ها	راهبردها
- مفهوم محله در بافت قدیم شهری ایران	مردمی و خودجوش مطلبی (۱۳۸۵)	تمامی نیازهای اساسی نیاز به زیبایی	پیوستگی با عرف، سنت و شریعت خودکفایی "هم-سایه" بودن امنیت قابث قومیت	قابل تفکیک بودن مرز کالبدی احترام به همسایه در جهت تقویت پیوند های اجتماعی درون محله ای ترکیب طبقات مختلف مردم در محله محرمیت استفاده از قابلیت های بوم ایجاد شبکه ای از فضا های خصوصی و عمومی ترکیبی از کاربری ها مرکزیت داشتن و چند عملکردی بودن فضا های عمومی محلی بودن اشتغال فشرده گی
- نهضت باغ شهرها	ابنزر هاوارد (۱۸۹۸) ریموند آنوین (۱۹۰۹) پاتریک گدیس (۱۹۱۵)	جسمانی تعلق و وابستگی	تمرکز زدایی در مقیاس فراشهری انعطاف پذیری عدالت و رفاه اجتماعی سلامتی و بهداشت افزایش همبستگی اجتماعی شهر گریزی ایجاد رابطه ارگانیک شهر با محیط اطراف	محدود ساختن توسعه تلفیق امکانات شهر با روستا تفکیک عملکرد ها برتری بخشدن به حضور فضاهای سبز به خصوص در لبه بیرونی تأکید بر مالکیت های مشاع بر زمین و فضاهای عمومی مشارکت مردم ساخت شهر و مسکن برای کارگران توسعه در امتداد خطوط راه آهن تمرکز خدمات و کاربری های اصلی در مرکز استفاده از الگوهای منحنی به جای الگوهای شطرنجی تأکید بر فرم خانه های روستایی

و اطلاعاتی بود (آلینو^{۱۱۵} و همکاران ۲۰۱۵) ولی در سالیان اخیر واژه هوشمند در شهر و محیط های مسکونی جنبه انسان مدارانه بیش تری پیدا نموده و بر شهروند هوشمند تاکید شده است. بنا بر تعاریف جدید، خلاقیت و نوع آوری، پایداری، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در ایجاد شهر هوشمند مهم ترین اصول به حساب می آیند. به طوری که در تعاریف جدیدتر، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نقش ابزاری پیدا نموده و عامل اصلی هوشمند شدن شهر، **مردم هوشمند، نوآوری**

ادامه جدول ۱: تحلیل الگو ها (پارادایم ها) در ارتباط با نیاز های انسانی جهت ایجاد محیط های پایدار مسکونی. (مأخذ مولف)

الگو (پارادایم)	ارائه کننده نظریه	نیازهای مورد تاکید	اهداف و خواست ها	راهبردها
- واحد همسایگی	کلارنس پری (۱۹۲۹) کلارنس اشتاین (۱۹۵۷) و هنری رایت	جسمانی ایمنی و امنیت نیاز به وابستگی	افزایش همبستگی اجتماعی رفاه امنیت و ایمنی	تفکیک عملکرد ها مرکزیت بخشیدن به فضا های آموزشی، اجتماعی و عمومی تفکیک سواره از پیاده وسعت بخشیدن به فضا های سبز و باز
- شهرسازی مدرن	تونی گارنیه گنگره سیام CIAM منشور آتن (۱۹۳۳) لکربولیه (۱۹۲۳, ۱۹۲۹, ۱۹۳۴)	نیاز های جسمانی	افزایش بهداشت عمومی پهنه بندی شهر و جدا سازی عملکرد ها برتری دادن عرصه خصوصی بر عمومی صرفه جویی در وقت تسریع در رفت و آمد انبوه سازی	استفاده بهینه از آفتاب و جریان هوا آزاد سازی زمین جهت افزایش فضا های باز سبز جدا سازی مسکن از خیابان توسعه در ارتفاع دسترسی های سریع جهت اتصال شهر به منطقه خود برتری بخشیدن به حرکت اتوموبیل بر انسان مسکن بعنوان عنصر اصلی برنامه ریزی شهری بهره گیری از فناوری های نوین
- شهر یا محیط مسکونی خوب	کوبین لینچ (۱۹۸۱) جین یاکوبز (۱۹۶۱) آیان بنتلی (۱۹۸۵) تیبالدز (۲۰۰۱) هیلد برنند فرای (۱۹۹۹)	تمامی نیاز های انسانی	تاکید بر ارزشها الویت به بافت موجود مسکونی و شهری پاسخدهی به نیاز ها و مقیاس های انسانی ارزشمند بودن شکل شهر و محیط کارایی و عدالت سرزندگی معنی تناسب دسترسی نظارت و کنترل افزایش کیفی رابطه انسان با انسان و انسان با محیط الویت در انطباق محیط با نیاز ها و ارزش های انسانی رد مفهوم محله بعنوان سلول های جدا و تاکید بر بافت مسکونی مداوم و پیوسته تداوم فرهنگی	آمیختن عملکرد ها ایجاد هویت از طریق نماد گرایی، غنائی فرهنگی و تاریخی و استفاده از شکل های سنتی ایجاد پیچیدگی افزایش تطبیق پذیری با فعالیت های آتی انعطاف پذیری بقا و ایمنی (محیط تمیز، سالم و بدور از آلودگی) تنوع طبقات مردم و همسایه ها ولی نه محلات شفافیت و افزایش کیفیت بصری شکل شهر تکیه بر نظام چند مرکزی و مراکز محله ای و تقویت آنها توجه به فضاهای عمومی بویژه خیابان و تمایز ما بین عرصه خصوصی و عمومی خوانایی و تنوع ادراکی نظارت محلی

ادامه جدول ۱: تحلیل الگوها (پارادایم‌ها) در ارتباط با نیازهای انسانی جهت ایجاد محیط‌های پایدار مسکونی. (مأخذ مولف)

الگو (پارادایم)	ارائه کننده نظریه	نیازهای مورد تأکید	اهداف و خواست‌ها	راهنماها
- توسعه بهره بردار محور: مسکن بهره بردار محور مسکن مشارکتی (Co-housing) خانه روستایی (Village Home)	کلر کوپر و وندی سرکسیان (۱۹۸۵) کلر کوپر مارکوس (۲۰۰۳) رندولف هستر (۱۹۸۴) کربت و کربت (۲۰۰۰)	نیازهای اساسی بخصوص نیاز به تعلق و همبستگی	پاسخگویی به نیازها، ارزشها و رفتارها تأکید بر مشارکت مردم در طراحی ترکیب جمعیتی توجه به منظر انسانی (Peoplescape) تعامل انسان با محیط طبیعی شاخص‌های روانشناختی موثر در ترجیحات شخصی	تراکم نسبتاً بالایی جمعیتی محیطی با کاربری‌های ترکیبی افزایش قابلیت انعطاف پذیری طراحی مبتنی بر حساسیت‌های اجتماعی استفاده از بن‌بست‌های مسکونی در طراحی ایجاد فضای باز مشاع
- نوازی شهری و فضای‌های مسکونی	کار گروه ویژه شهری (Urban Task Force) ریچارد راجرز (۱۹۹۹)	تمامی نیازهای انسانی	ترکیب کاربری‌ها دیرپایی افزایش کیفیت مسکن توجه به اکولوژی (شهر یک لابراتوار زنده) ارائه یک نظام حمل و نقل کارآمد توجه به حرکت پیاده	همبستگی مابین واحد‌های همسایگی ساخت مسکن کم‌مصرف از نظر انرژی انعطاف پذیری سلسله مراتب فضای‌های باز ترکیب متعادل از کاربری‌ها فشاردهی و افزایش تراکم مناسب افزایش قلمرو عمومی تأمین امکانات محلی
- مدل‌های نو شهرگراییان: توسعه حمل و نقل محور TOD توسعه محله سنتی TND توسعه پیاده محور Pedestrian (Pocket) محله فشرده (Compact Communities) - دهکده شهری (Urban Village) توسعه پایدار محله شهری (Sustainable Urban Neighbourhood) محله سرزنده (livable Neighbourhood)	منشور کنگره شهرگرایی نوین (Charter of the Congress of the New Urbanism) کالتورپ (۱۹۹۳) کالتورپ و فولتون (۲۰۰۰) ویندر رین و کالتورپ (۱۹۸۶) آندره دوانی و الیزابت پلینر زایبرگ (۱۹۹۸، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۱۹۹۲) پیتز کتز (۱۹۹۴) جنکز و دیگران (۱۹۹۶a) هیلد برنر فرای (۱۹۹۹) آلدوس (۱۹۹۲) گروه طراحی دهکده شهری (۱۹۹۲) رادلین و فالک (۱۹۹۹) محله سرزنده استرالیایی	تمامی نیازهای انسانی با تأکید بر نیازهای جسمانی، تعلق و زیبایی	محدودیت در توسعه توجه ویژه به مسائل زیست محیطی برنامه ریزی بر اساس شبکه حمل و نقل عمومی تأکید بر فشاردهی محیطی مطبوع از نظر زیبایی شناسی انطباق پذیری با شرایط اقتصادی و اجتماعی مشارکت شهروندان و بهروران برنامه ریزی بر اساس سلسله مراتب از کلان تا خرد (از منطقه تا محله) برقراری یک رابطه ارگانیک بین شهر و روستا ترکیبی کامل از عملکردها تلفیق مراکز شهری با مراکز تجاری تأکید بر فضاهای مثبت عمومی شهری	محیطی عاری از آلودگی تراکم نسبتاً بالا دسترسی مناسب به فضای‌های باز شهری ساخت محله‌های جدید درون شهر (New Town in Town) بافت‌های فرسوده در امتداد شبکه حمل و نقل ترکیبی از پارک سوارها با مسیرهای پیاده و دوچرخه کاهش حجم ترافیک موتور کاهش زمان سفر افزایش عملکردهای عمومی استفاده از فرم‌های دارای هویت و سنتی شغل محله‌ای دادن فرصت خلاق بودن به شهروندان ترکیب عملکردها و خدمات در نقاط حساس و راهبردی محله در امتداد خطوط حمل و نقل عمومی در مکان مرکزی بصورت یک "بسته" (Package) دسترسی مناسب به فضای‌های باز شهری مسکن برای اقشار مختلف مردم خیابان با قابلیت بالایی حرکت پیاده تشکیل نظامی سلسله مراتبی از فضای سبز و توزیع آن در سطح محله

های مسکونی (ادواردز و هینز^{۱۶} ۲۰۰۷) محور اساسی شهر هوشمند و تاثیر آن بر توسعه فضاهای مسکونی وام دار مفهوم توسعه پایدار است.

و **خلاقیت** هستند که شهر هوشمند را پیاده سازی می کنند (لارا و همکاران ۲۰۱۶). با این وجود، علی رغم عدم توجه در پارادایم رشد هوشمند به جوامع کوچک محلی و بویژه محیط

ادامهٔ جدول ۱: تحلیل الگو ها (پارادایم ها) در ارتباط با نیاز های انسانی جهت ایجاد محیط های پایدار مسکونی. (مأخذ مولف)

الگو (پارادایم)	ارائه کننده نظریه	نیازهای مورد تأکید	اهداف و خواست ها	راهبردها
-محله سالم (Healthy Neighbourhood)	WHO (World Health Organization) هاگ بارتون و کاترین تیسورو (۲۰۰۰)	نیاز های جسمانی نیاز به ایمنی	در سطح شهر: حفظ منابع طبیعی سلامت آب و بهداشت عمومی محدود کردن حرکت اتوموبیل و تقویت حمل و نقل عمومی حفظ سرمایه های اجتماعی افزایش دسترسی افزایش کیفیت مسکن تأکید بر همبستگی و تمرکز در فرم و شکل شهرهای کوچک و محله های مسکونی توسعه از درون در سطح محله: همبستگی اجتماعی ترکیب طبقات اجتماعی و جمعیتی مناسب تراکم نسبتاً بالا و فشردگی در بافت محله تشویق مردم به ورزش و پیاده روی افزایش فرصت های شغلی در محل	بازایی زمین های درون شهری جهت مسکن بازیافت زمین های نامرغوب و ساختمان های فرسوده شهری تثبیت جمعیت ایجاد شبکه ای از فضا های باز و سبز ایجاد شبکه حرکت دوچرخه و پیاده بهره گیری از انرژی های پاک بخصوص انرژی خورشیدی مصرف منطقی آب تنوع در گونه های مسکن بازایی زمین های درون شهری جهت مسکن
-شهر و محله بومی (Eco-Community, Eco-Town) -رشد هوشمند Smart Growth	دپارتمان دولت و اجتماعات محلی انگلستان بنیاد روستای بومی رادلین و فالک (۱۹۹۹) دامری (۲۰۱۳) لارا و همکاران (۲۰۱۷)	نیاز های جسمانی نیاز به وابستگی نیازهای جسمانی تعلق و وابستگی احترام و عزت نفس شناخت	ایجاد فردایی سبز! تأکید بر توسعه روستایی و شهر های کوچک ساخت مسکن ارزان مسکن خود کفا از نظر انرژی یافت و بازیافت زمین و مسکن خانه های خوب طراحی شده مشارکت اجتماع محله ای بهره گیری مناسب از زمین افزایش استاندارد های زیست محیطی استفاده از فن آوری نوآوری و خلاقیت کارایی و پاسخگویی انعطاف پذیری سرمایه اجتماعی و مشارکت	ساخت شهر و محلات مسکونی با ملاحظات طبیعی و زیست محیطی تأکید در عدم تولید دی اکسید کربن در واحد های مسکونی تهیه زمین های مشاع دولتی جهت ساخت مسکن ساخت مسکن خود کفا از نظر انرژی بررسی تأثیرات بعد از ساخت استفاده بهینه از ساختمان ها و زمین های نامرغوب موجود ارتقاء کیفیت مسکن از طریق برگزاری مسابقات طراحی طراحی و ساخت مسکن متناسب با محیط زیست تأکید بر فن آوری اطلاعات و فضای مجازی تمرکز بر مشارکت جمعی جهت افزایش نوآوری و خلاقیت تأکید بر فشردگی در بافت و پرهیز از بافت های گسسته و پراکنده

نتیجه گیری:

بنابر تعریف ارائه شده در این مقاله توسعه ای پایدار تلقی می‌گردد که در ابعاد مختلف بتواند ساز و کارهای مناسب را بگونه ای فراهم آورد تا اینکه همساز با تحولات در نیازهای انسانی و در نسبت با زمان، خواستهای مردم را در ارتباط با تواناییهای محیطی جهت افزایش "کیفیت زندگی" برنامه ریزی و مدیریت نماید. بر اساس این تعریف نیازهای انسانی میتواند بعنوان مبانی اصلی در تحلیل و توسعه پایدار فضا های مسکونی مطرح گردد. با مروری بر مدل های گوناگون نیازهای انسانی، مدل نیازهای انسانی ابراهام مازلو بعنوان بهترین مدل در جهت بکارگیری در برنامه ریزی و طراحی محیط های پایدار مسکونی انتخاب گردید. بررسی در هریک از نیازها مشخص ساخت که جهت ایجاد یک محیط مسکونی پایدار توجه به تمامی نیازهای اساسی چون نیازهای جسمانی، امنیت و ایمنی، تعلق و وابستگی، عزت نفس و خود شکوفایی که در ارتباطی عمودی با نیازهای برتر چون شناخت و زیبایی قرار دارند ضرورت دارد. نتایج تحلیل ها همچنین نشان می دهد که الگوهای پیشنهادی برای محیط های مسکونی در اوایل قرن گذشته طی فرایندی تکوینی از توجه صرف به رفع نیازهای اولیه انسانی به سمت ارضای نیازهای عالی انسان بویژه معنا شناختی و زیبایی شناختی جهت پایدار سازی روانشناختی محیط های مسکونی به همراه حفاظت از محیط زیست مبتنی بر فن آوری اطلاعات در جهت خلاقیت و نوآوری در قالب پارادایم های نوین در حوزه توسعه پایدار محیط های مسکونی تغییر جهت داده اند.

از سوی دیگر تحلیل و بررسی چگونگی و میزان توجه الگوهای مختلف به توسعه فضا های مسکونی، که با بهره گیری از روشی تطبیقی صورت گرفت، نشان دهنده این مطلب است که اگرچه در مجموع پارادایم ها و الگوهای توسعه، بویژه در دوران معاصر، از توجه صرف به ارضای نیازهای پایه و اولیه به سمت پاسخگویی به نیازهای عالی انسانی تمایل نشان داده و ایجاد محیط های پایدار مسکونی را مشروط به پاسخگویی به

تمامی نیازهای انسانی دانسته اند، اما در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر توجه به مسائل زیست محیطی و توجه به کاهش مصرف انرژی مجدداً در اولویت قرار گرفته است (برای مثال ر.ک.: ادواردز و تورنت ۲۰۰۰). به رغم این موضوع، توصیه می شود که توسعه پایدار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی در ترکیب با یکدیگر و متناسب با جغرافیای طبیعی و انسانی سرزمین، مورد تاکید و توجه برنامه ریزان و طراحان محیط های مسکونی قرار گیرد. به رغم مبنایی بودن توجه به نیازهای انسانی که در تعریف توسعه پایدار بدان اشاره شد، به هر ترتیب، می توان به این جمع بندی دست یافت که یافتن بهترین تعریف از پایداری محیطی در فضا های مسکونی بسیار مشکل بنظر می رسد، زیرا که جوامع مختلف بر حسب شرایط جاری اقتصادی، زیست محیطی و بخصوص فرهنگی که شامل قضاوت های آنها در مورد چگونگی توسعه محیطی است، درک متفاوتی از مفهوم پایداری در محیط های مسکونی و شهری دارند. در نتیجه، مجموعه ای از شاخص های طراحی شده برای تعیین میزان پیشرفت در تحقق اهداف پایداری محیط های مسکونی یک جامعه، ممکن است برای ارزیابی پیشرفت در جامعه ای دیگر مفید نباشد. با این وجود، ابعاد و ویژگی های اساسی خاصی از شاخص های پایداری بر مبنای تحلیل نیازهای انسانی که برای بسیاری از جوامع انسانی مشترک می باشد (آنگونه که در این مقاله بدان ها اشاره رفت) می تواند شاخص معتبری برای ارزیابی میزان و چگونگی افزایش و یا کاهش پایداری محیطی در فضا های مسکونی برای بسیاری از جوامع انسانی بدست دهد. لذا میتوان گفت: توسعه ای پایدار است که در آن شاخص های مرتبط با کیفیت زندگی از عوامل زیست محیطی (در قالب اولیه ترین نیازها) تا زیبایی شناختی (در قالب نیازهای عالی و برتر) در محیط های مسکونی شهری بر حسب الویت بندی هریک از نیازها برنامه ریزی، مدیریت و به اجرا در آمده و سپس آن شاخص ها در ارزیابی و ممیزی کیفیت زندگی جمعی بتواند مورد استفاده مجدد قرار گیرد.

پی نوشت ها

- | | | |
|--|-------------|--------------------|
| 1. Sustainability | 5. Leighton | 10. Lawrence |
| 2. Sustainable Development | 6. Cantril | 11. Campbell |
| 3. Brundtland | 7. Steele | 12. Mikellides |
| 4. World Commission on Environment and Development | 8. Maslow | 13. Frey |
| | 9. Applyard | 14. Walter Moleski |

15. Basic Needs
16. Higher Needs
17. Physiological Needs
18. Safety and Security Needs
19. Affiliation Needs
20. Esteem Needs
21. Self-Actualization Needs
22. Cognitive Needs
23. Aesthetic Needs
24. Barton and Tsourou
25. Mixed-use Development
26. Urban Renaissance
27. Elkin, McLaren and Hillman
28. Roger
29. Samuels
30. Ston
31. Woonerf
32. Bentley
33. Jacobs
34. Southworth
35. Barrier-Free Environment
36. Robinette
37. Walkable Neighborhood
38. Pedestrian Pocket
39. Kelbaugh
40. Urban Villages
41. Aldous
42. ADONIS
43. Community Planning
44. Eco-Community
45. Eco-Neighborhood
46. Gaia Foundation
47. Eco Village Foundation
48. Fischer
49. Neighbourhood Watch
50. Ife
51. Newman
52. Lim and Minnerly
53. Crow
54. Stollard
55. Defensible Space
56. Territoriality
57. Sense of Community
58. Environmental Privacy
59. Natural Surveillance
60. Legibility
61. Imageability
62. Altman
63. Image of the City
64. Passini
65. Jeremy
66. Pratt
67. Tuan
68. Jung
69. The Self
70. Cooper
71. Lozano
72. Transit Oriented Development
73. Calthorpe
74. Mcmillan and Chavis
75. Birch
76. Place Attachment
77. Altman and Low
78. Mazumdar and Mazumdar
79. Sense of Place
80. Feld and Basso
81. Social Identity
82. Self-Identity
83. Proshansky
84. Rogerson
85. Cooper Marcus and Sarkissian
86. Lara
87. Moughtin, Cuesta, Sarris and Signoretta
88. Fit
89. Kolb
90. Moore
91. Weinstein and David
92. Bronfenbrenner
93. Hester
94. Cooper-Marcus and Francis
95. Perceptual Aesthetics
96. Cognitive Aesthetics
97. Sensory
98. Formal
99. Symbolic
100. Berlyne
101. Rapoport and Hawkes
102. Nasar
103. Cullen
104. Halprin
105. Venturi and Rauch
106. Intergrated Urban Nieghbourhood
107. Dantzig and Saaty
108. Breheny
109. Katz
110. Duany and Plater-Zyberk
111. Krier
112. Jenks, Williams and Burton
113. Ian Bentely
114. Dameri
115. Albino
116. Edwards, M. and A. Haines

منابع

- الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۸۳). "مجموعه سخنرانی". شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- بحرینی، حسین و مکنون، رضا (۱۳۸۰). "توسعه شهری پایدار: از فکر تا عمل". مجله محیط شناسی، شماره ۶۰: ۲۷-۴۱، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست.
- توسلی، محمود (۱۳۶۵). اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. جلد اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- شوای، فرانسواز (۱۳۷۵). شهرسازی، تخیلات و واقعیات. ترجمه سید محسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری، محمد تقی (بی تا). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۰). "مسیر پیاده گردشگری". مجله هنرهای زیبا ۹، تابستان: ۴۳-۵۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۶). "تحلیلی جامعه شناختی بر الگوی مصرف مسکن در ایران". نخستین همایش تخصصی مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. ----- (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- کمیته دائمی بازنگری آیین نامه طرح ساختمانها در برابر زلزله (۱۳۷۷). مجموعه استانداردها و آیین نامه های ساختمانی: آیین نامه طرح ساختمانها در برابر زلزله (متن پیشنهادی استاندارد ۲۸۰۰)، ویرایش دوم. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- گوئن، آندره (۱۳۵۸). شهرسازی در خدمت انسان. ترجمه هوشنگ ناقی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- مازلو، ابراهام اچ (۱۳۷۵). انگیزش و شخصیت. چاپ چهارم. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مجتبوی، سیده مریم، مطلبی، قاسم و قدوسی فر، سید هادی (۱۴۰۰). واکاوی عوامل موثر در ایجاد دلبستگی به مکان در بازار (نمونه موردی بازار تجریش). نشریه باغ نظر، دوره ۱۸، شماره ۱۰۵، صص ۳۳-۴۸.

بسوی شهری انسانی تر". تهران: مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۷: ۵-۱۶، پاییز. پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
مولوی، مهرناز (۱۳۸۳). "نقش دانایی در احساس زیبایی". تهران: مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۸: ۵-۱۲، تابستان. دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
ناطق الهی، فریبرز (۱۳۷۹). مدیریت بحران زمین لرزه ابر شهرها با رویکرد به برنامه مدیریت بحران زمین لرزه شهر تهران.
 تهران: انتشارات پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله.
نصر، سید حسین (۱۳۷۹). معرفت و معنویت. ترجمه. تهران: ----- (۱۳۸۰). انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد.
 ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Albino V., Berardi U., and Dangelico R. M. (2015). Smart Cities: Definitions dimensions performance and initiatives. *Journal of Urban Technology* 22(1) 3-21.
Aldous, Tony (1992). *Urban Villages: A concept for creating mixed use urban development on a sustainable scale*. London: Urban Villages Forum.
Alexander, C. (1969). "Major Changes in Environmental Form Required by Social and Psychological Demands". *Ekistics* 28:78-86.
Alexander, C. (1972). "The City as a Mechanism for Sustaining Human Contact". pp. 406-434, in R. Gutman (ed.). *People and Building*. New York: Basic Books.
Alexander, C.; S. Ishakawa and M. Silverstein (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. New York: Oxford University Press.
Altman, I. (1975). *The Environment and Social Behavior: Privacy, personal space, territory and crowding*. Monterey, California: Brooks/Cole.
 ----- (1976). "Privacy: A conceptual analysis". *Environment and Behavior* 8, 1: 7-29.
Altman, I. and Setha Low, eds. (1992). *Place Attachment*, New York: Plenum Press.
Appleyard, Donald (1965). "Motion, Sequence and the City". pp. 176-192, in G. Kepes (ed.) *The Nature and Art of Motion*. New York: Braziller.
 ----- (1969). "Why buildings are known: A predictive tool for architects and planners". *Environment and Behavior* 1, 131-156.
 ----- (1981). *Livable Streets*. Berkeley: University of California Press.
Appleyard, Donald, K. Lynch and J. R. Myer (1973). "The View from the Road". pp. 75-88, in D. Lowenthal (ed.). *Environmental Perception and Behavior*. Chicago, Illinois: Public Lith.
Ardalan, N. & L. Bakhtiar (1973). *The Sense of Unity: The Sufi tradition in Persian architecture*. Chicago and London: The Uni. of Chicago Press.

مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن (۱۳۷۸). ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی - حرکتی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۴). "ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی و حرکتی"، پیوست در مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای جامع مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
مطلبی، قاسم (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، ۱۰، صص ۵۲-۶۷.
مطلبی، قاسم (۱۳۸۵). رویکردی انسانی به شکل دهی و شکل گیری فضا های شهری. هنرهای زیبا، ۲۷، صص ۵۷-۶۶.
معینی، سید محمد مهدی (۱۳۸۵). "افزایش قابلیت پیاده مداری، گامی

Banerjee, Tridib and William C. Baer (1984). *Beynd the Neighborhood Unit: Residential environments and public policy*. New York: Plenum Press.
Barton, Hugh and Catherine Tsourou (2000). *Healthy Urban Planning: A WHO guide to planning for people*. London: Spon Press.
 ----- (2000a). "Settlement Planning: Making towns and cities good places to live". pp.83-120, in *Healthy Urban Planning: A WHO guide to planning for people*. London: Spon Press.
 ----- (2000b). "Neighbourhood Planning: Counteracting the trend towards placelessness and virtual communities. Pp. 121-144, in *Healthy Urban Planning: A WHO guide to planning for people*. London: Spon Press.
Berlyne, D. C. (1974). *Studies in the New Experimental Aesthetics*. Washington, D. C.: Hemisphere.
Bentley, I.; A. Alcock, P. Murrain, S. McGlynn, G. Smith (1985). *Responsive Environment: A Manual for Designers*. London: The Architectural Press.
Birch, Eugenie Ladner (1980). "Radburn and the American Planning Movement: The persistence of an idea." *Journal of the American Institute of Planners* 46, 4(October): 424-439.
Breheny, M. (1992). "The Compact City: An introduction". *Built Environment* 18, 4.
 ----- (1996). "Centrists, Decentrists and Compromisers". pp., in M. Jenks et al. (eds.). *The compact City: Sustainable urban form?* London: E & FN Spon.
Bronfenbrenner, Urie. (1992). *Child Development: Its nature and course*. Revised by L. A. Sroufe, R.G. Cooper, G. Dehart and M. E. Marshall. New York: McGrawhill.
Calthorpe, Peter (1986). "A Short History of Twentieth Century New Towns". Pp. 189-234, in Sim Van der Ryn and Peter Calthorpe (eds.). *Sustain-*

able Communities: A new design synthesis for cities, suburbs, and towns. San Francisco: Sierra Club Books.

Calthorpe, Peter (1989). "Introduction", and "The Pedestrian Pockets: New Strategies for Suburban Growth". Pp. 3-20, in Doug Kelbaugh (ed.). *The Pedestrian Pocket Book: A New Suburban Design Strategies*. New York: Princeton Architectural Press.

Calthorpe, Peter (1993). *The Next American Metropolis: Ecology, community, and the American Dream*. New York: Princeton Architectural Press.

Calthorpe, P., William A. **Isley**, and Doug **Kelbaugh** (1989). "Pedestrian Pockets". In Anne Verne Moudon (ed.). *Master-Planned Communities*, 69-72.

Calthorpe, P., and William Fulton (2000). *The Regiolal City: Planning for the End of Sprawl*. Washington DC: Island Press.

Campbell, A., et al. (1976). *The Quality of Life in America: Perceptions, evaluations and satisfaction*. New York: Russel Sage

Cantril, Hadley (1965). *The Pattern of Human Concerns*. New Brunswick, NJ.: Rutgers University Press.

Chermayeff, S. and C. **Alexander** (1963). *Community and Privacy: Toward a new architecture of humanism*. New York: Doubleday.

Cooper, Clare (1974). "The House as a Symbol of the Self". In Lang et al. (eds.). *Designing for Human Behavior*. Stroudsburg, Penn.: Hutchinson.

Cooper-Marcus, Clare (1995). *House as a Mirror of Self: Exploring the deeper meaning of home*. Berkeley, California: Conari Press.

----- (2003). "Shared outdoor space". In D. Watson et al. (eds.). *Time Saver Standards for Urban Design*. New York: McGraw-Hill. Pp. 6.9-1-12.

Cooper Marcus, C. and W. **Sarkissian** (1985). *Housing as if People Mattered*. Berkeley: University of California Press.

Cooper Marcus, C. and Carolyn **Francis**, eds. (1990). *People and Places: Design guidelines for urban open spaces*. New York: Van Nostrand Reinhold.

Corbett, J. and M. **Corbett** (2000). *Designing Sustainable Communities: Learning from Village Home*. Washington, DC; Island Press.

Crow, Timothy (1991). *Crime Prevention through Environmental Design*. London: Butterworth-Heinemann.

Cullen, G. (1971). *The concise townscape*. London: The Architectural Press.

Dameri; R. P. (2013). Searching for smart definition: a comprehensive proposal. *International Journal of Computers and Technology*; 11 (5); 2544-2551.

Dantzig, Geirge B. and Thomas L. **Saaty** (1973). *Compact*

City: A plan for a Livable Urban Environment. San Francisco: W.H. Freeman.

Duany, Andres, and Elizabeth **Plater-Zyberk** (1991). *Towns and Town-Making Principles*. In Alex Krieger with William Lennertz (eds.). Cambridge, Ma: Harvard Graduate School of Design; New York: Rizzoli.

----- (1993). "The New Town of Winsor, Florida". *Architectural Design Profile* 105, 30-49. London: Academy Editions.

----- (1994). "The Neighborhood, the District and the Corridor". Pp. xviii-xx, in Peter Katz, (ed.). *The New Urbanism: Toward an Architecture of Community*. New York: McGraw-Hill.

----- (1998). *The Lexicon of the New Urbanism*. Miami: Duany Plater-Zyberk & Company.

Edwards, M. and A. **Haines** (2007). Evaluating Smart Growth Implications for Small Communities. *Journal of Planning Education and Research* 27, pp 49-64.

Edwards, Brian and D. **Turrent** (2000). *Sustainable Housing: Principles and Practice*. London: E & FN Spone.

Elkin, T., D. **McLaren** and M. **Hillman** (1991). *Reviving the City: Towards sustainable urban development*. London: Friends of the Earth.

Feld, S. and K. H. **Basso** (1996). *Sense of Place*. Santa Fe, NM: School of American Research Press.

Fischer, Claude S. (1976). *The Urban Experience*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.

Frey, Hildebrand (1999). *Designing the City: Towards a more sustainable urban form*. London: E & FN Spon.

Hall, Edward T. (1968). "Human Needs and Inhuman Cities". *Ekistics* 27 (160).

Halprin, Lawrence (1972). *Cities*. Cambridge: MIT Press.

Hester, Jr, Randolph T. (1984). *Planning Neighborhood Space with People*. 2th Edition.

Environmental Design Series. New Yoprk: Van Nostrand Eeinhold.

Howard, Ebenezer (1898). *To-morrow: A peaceful path to real reform*. London: S. Sonnennschein.

Ife (1995). *Community Development: Creating community alternatives-vision, analysis and practice*. Melbourne: Longman Australia.

----- (2002). *Community Development: Community-based alternatives in an age of globalisation*. 2nd ed., Frenchs Forest, N.S.W.: Pearson Education.

Jacobs, Jane (1961). "The Death and Life of great American Cities". New York: Random House.

Jacobs, Allan B., and Donald **Appleyard** (1987). "Toward

an Urban Design Manifesto."

American Planning Association Journal 53, 1:113-120.

Jenks, Mike, Katie Williams and Elizabeth Burton (1996).

"A Question of Sustainable

Urban Form: Conclusion". Pp. 134-142, in *The Compact City: Sustainable urban form?* London: E & FN Spon.

Jenks, Mike, Katie Williams and Elizabeth Burton, eds.

(1996a). *The compact City:*

Sustainable urban form? London: E & FN Spon.

Jeremy, Brent (2004). "The Desire for Community: Illusion, confusion and paradox."

Community Development Journal 39 (4): 213-223.

Jung, C. G. (1973). *Mandala Symbolism*. Translated by R. F. C. Hull. Princeton University Press.

Jung, C. G. et al. (1967). *Man and his Symbols*. New York: Dell.

Kamp, Irene Van, et al (2003). "Urban Environmental Quality and Human Well-being: Towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; a Literature Study". Pp. 5-18, *Journal of Landscape and Planning* 65, Special Issue: *Urban Environment Quality and Human Wellbeing*.

Katz, Peter, ed. (1994). *The New Urbanism: Toward an Architecture of Community*. New York: McGraw-Hill.

Kelbaugh, Doug, ed. (1989). *The Pedestrian Pocket Book: A New Suburban Design*

Strategies. New York: Princeton Architectural Press.

Kolb, David A. (1984). *Experiential Learning: Experience as the Source of Learning and Development*. Englewood Cliffs, NJ.: Prentice-Hall.

Krier, Leon (1989). "Master Plan for Poundbury Development in Dorchester." *Architectural Design Profile* 79: 46-55. Also see in Richard Economakis, ed. (1992). *Leon Krier: Architecture and urban design, 1967-1992*. London: Academy Editions.

Lang, Jon (1987). *Creating Architectural Theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold.

----- (1994). *Urban Design: The American Experience*. New York: Van Nostrand Reinhold.

----- (1994a). "Synthesis: A Neo-Functional Approach to Urban Design." Part III, in *Urban Design: The American Experience*. New York: Van Nostrand Reinhold.

----- (1998). "The New Urbanism: A paradigm for neighborhood design in Asian cities?"

Planews, Journal of the Singapore Institute of Planners 16, February: 72-76.

----- and Moleski (2010). *Functionalism Revised*. London: Ashgate.

Lara, A. P., Da Costa, E. M., Furlani, T. Z., & Yigitcanla, T. (2016). Smartness that matters: towards a

comprehensive and human-centred characterisation of smart cities. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 2(2), 8.

Lawrence, R. J. (1987). *Housing, Dwellings and Homes: Design theory, research, and practice*. Chichester: Wiley.

Le Corbusier (1929). *The City of Tomorrow*. London: The Architectural Press.

----- (1934). *The Radiant City*. New York: Orion Press.

----- (1954). *The Modular: A harmonious measure to the human scale universally applicable to architecture and mechanics*. London: Faber and Faber.

----- (1973). *The Athens Charter*. Translated by A. Eardley from the French. New York: Grossman Publishers.

----- (1981). *Le Corbusier: Selected Drawings*. London: Academy Editions.

Leighton, Alexander H. (1959). *My Name Is Legion: Foundations for a theory of Man in Relation to Culture*. New York: Basic Books.

Lim, William S. W. (1990). *Cities for People*. Singapore: Selected Books.

Lim, Bill and John Minnery (1998). "Crime, Safety and Environmental Design". *Proceeding of the first International Conference on quality of Life in Cities: Issues and perspective*, March 4-6. School of Building and Real State, National Uni. Of Singapore.

Liu, Tahi Ker (1975). "Design for Better Living Conditions." Chapter Six, in Stephen H. K.

Yeh, ed., *Public Housing in Singapore: A multi-disciplinary study*. Singapore: Singapore University Press.

Lozano, Eduardo (1990). *Community Design and the Culture of Cities*. Cambridge, New York: Cambridge University Press.

Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge: MIT Press.

----- (1972). *What Time is this Place?* Cambridge, Mass.: MIT Press.

----- (1981). *A Good City Form*. Cambridge: MIT Press. The 2th edition Published in 1984 as *Good City Form*.

McMillan, David W. and David M. Chavis (1986). "Sense of Community: A definition and theory", *Journal of Community Psychology*, 14.

Maslow, Abraham (1968). *Towards a Psychology of Being*. Princeton, NJ: Van Nostrand.

----- (1987). *Motivation and Personality*. 3d ed. New York: Harper and Row.

Mazumdar, S. and S. Mazumdar (1993). "Sacred Space and Place Attachment". *Journal of Environmental Psychology* 13, 231-242.

Mikellides, Byron (1980). "Architectural Psychology and Unavoidable Art". pp. 9-26, in B. Mikellides (ed.).

Architecture for People. New York: Holt Reinhart and

Winston.

Milton Keynes Development Corporation (1970). *The Plan for Milton Keynes*. England: Milton Keynes.

Milton Keynes.

Ministry of Information and the Arts (1991). *Singapore: The Next Lap*. The Ministry of Information and the Arts: Singapore.

Mitchell, G. (2000). Indicators as Tools to Guide Progress on the Sustainable Development Pathway.

PP. 55-104, in Lawrence, R.J. (Ed.), *Sustaining Human Settlement: A Challenge for the New Millennium*. Urban International Press.

Moore, G. T. (1987). "The Physical Environment and Cognitive Development in Child-Care Centres. In C.S. Weinstein and T.G. David (eds.) (1987). *Spaces for Children: The built environment and child development*. New York: Plenum.

Motalebi, Ghasem (1998). A Theory of Meaning in Architecture and Urban Design: An Ecological Approach. Unpublished Ph D dissertation, Faculty of the Built Environment, The University of New South Wales, Sydney.

Moughtin, Cliff (1996). *Urban Design: Green dimensions*. London, Oxford: Architectural Press.

Moughtin, Cliff; **R. Cuesta**; **C. Sarris**; **P. Signoretta** (1999). *Urban Design: Method and techniques*. Oxford: Architectural Press.

Nasar, J. (1989). "Symbolic Meaning of House Styles". *Environmental Behavior* **21**, 235-257.

-----, ed. (1988). *Environmental Aesthetics: Theory, research and applications*. Cambridge: Cambridge University Press.

Newman, Oscar (1980). *Community of Interest*. New York: Anchor.

----- (1995). Defensible Space: A new physical planning tool for urban revitalization. *Journal of the American Planning Association* **61**, (2): 149-155.

----- (1996). *Creating Defensible Space*. Washington, DC: US Department of Justice.

Passini, Romedi (1984). *Wayfinding in Architecture*. New York: Van Nostrand Reinhold.

Perry, C. A. (1929). The Neighborhood Unit. In *Regional Survey of New York and its Environs*. New York.

----- (1939). *A Housing for the Machine Age*. New York: Russell Sage Foundation.

Porteous, J. D. (1977). *Environment and Behavior: Planning and everyday urban life*.

Cambridge, Mass.: Addison-Wesley.

Pratt, Vernon (1978). *The Philosophy of the Social Sciences*. London: Methuen.

Proshansky, H. (1978). "The City and Self-Identity". *Environment and Behavior* **10**, 2(June) 147-169.

Rapoport, Amos (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliff, NJ: Prentice-Hall.

----- (1977). *Human Aspect of Urban Form*. New York: Pergamon.

----- (1982). "Identity and Environment: A cross-cultural perspective". In J. S. Duncan

(ed.). *Housing and Identity*. New York: Homes and Meier.

----- (1990). *The Meaning of the Built environment: A nonverbal communication approach*. 2nd edition with a new epilogue. The University of Arizona Press.

Rapoport, Amos and **R. Hawkes** (1970). "The Perception of Urban Complexity". *Journal of the American Institute of Planners* **36**, 106-11.

Rasmussen, Steen Eiler. (1959). *Experiencing Architecture*. Cambridge: The MIT Press.

Robinette, Gary O. (1985). *Barrier-Free Exterior Design: Anyone can go anywhere*. New York: Van Nostrand Reinhold.

Roger, Lord of Riverside (1999). *Toward an Urban Renaissance: Final Report of the Urban Task Force*. Eldon House, London: Urban Task Force.

Rogerson, Robert J. (1998). "Quality of Life and the Global City". Pp. 109-124, in ICQOLC'98, *Proceedings of the First International Conference on Quality of Life in Cities*, 4-6 March, National University of Singapore.

Rudlin, David and **Nicholas Falk** (1999). *Building the 21st Century Home: The sustainable urban neighbourhood*. Oxford: Architectural Press.

Samuels, Robert (1998). "Urban Climate and Thermal Pollution: Sustainability and Habitability in Urban Environments. *Proceeding of the first International Conference on Quality of Life in Cities: Issues and perspective*, March 4-6. School of Building and Real State, National Uni. Of Singapore.

Southworth, M. (1997). "Walkable Suburbs? An evaluation of neotraditional communities at the urban edge". *Journal of the American Planning Association* **63**, (1): 28-44.

Southworth, M. and **Peter Owens** (1993). "The Evolving Metropolis: Studies of community, neighborhood, and street form at the urban edge". *Journal of the American Planning Association* **59**, (3): 271-287.

Steele, Fritz (1973). *Physical Settings and Organization Development*. Reading, Mass.: Addison-Wesley.

Stein, Clarence (1957). *Towards New Towns for America*. New York: Reinhold.

Stollard, P., ed. (1991). *Crime Prevention through*

Housing Design. London: Chapman and Hall.

Ston, G. (1996). "Be Active...A Community Walks Project". pp.37-48, in M. A. Groves and S. Wong (eds.). *Design for People*. Proceeding of PAPER96 Conference in Perth, Australia. Sydney: Edith Cowan University.

Teo, Siew Eng (1989). "Patterns of Change in Public Housing in Singapore. *Third World Planning Review* 11, 4: 373-391.

Teo, Siew Eng (1996). Character and Identity in Singapore New Towns: Planner and resident perspectives." *Habitat International* 20, 2: 279-294.

Teo, Siew Eng and Liliy **Kong** (1997). "Public Housing in Singapore: Interpreting 'quality' in the 1990's." *Urban Studies* 34, 3:441-452.

Tibbalds, Francis (2001). *Making People-Friendly Towns*. London: Spon Press.

Tuan, Yi-Fu (1974). *Topophilia: A study of Environmental Perception, Attitudes and Values*. N. J.: Prentice Hall.

Unwin, Raymond (1909). *The Art of Building a Home and Twon Planning in Practice*.

Urban Village Group (1992). *Urban Villages: A concept for creating mixed- use urban*

development on a sustainable scale. Urban Village Group. [cited in Jenks et al. *Compact city*.

Van der Ryn, Sim; and Peter **Calthorpe**, eds. (1986). *Sustainable Communities: A new design synthesis for cities, suburbs, and towns*. San Francisco: Sierra Club Books.

Van der Ryn, Sim (2000). Building Ecology: Place, people and Plus. Chapter 8, in Paul Knox and Peter Ozolines (2000). *Design Professionals and the Built Environment*. Chichester: John Wiley.

Venturi, Robert (1966). *Complexity and Contradiction in Architecture*. New York: The Museum of Modern Art.

Venturi, R., and John **Rauch** (1976). "Signs of Life: Symbols in the American City," *Aperture* 77, 49-78.

Weinstein, C.S. and T.G. **David**, eds. (1987). *Spaces for Children: The built environment and child development*. New York: Plenum.

World Commission on Environment and Development (1987). *Our Common Future: The Brundtland Report*. Oxford: Oxford University Press.

Yeoh, Brenda S. A. and Liliy **Kong**, eds. (1995). *Portraits of Places: History, Community and Identity in Singapore*. Singapore: Times Editions.

واکاوی مفهوم کرامت در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در ساخت شهر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۸

شیمای کشاورزی*، سید مهدی خاتمی**

چکیده

کرامت از نگاه اغلب فلاسفه، وصفی ذاتی برای انسان هاست و در عین حال ماهیت و ابعاد آن محل بحث بسیاری از متفکران است و نظرات متفاوتی پیرامون آن وجود دارد، به عنوان مثال برخی اندیشمندان کرامت را انتسابی و برخی اکتسابی می دانند. این اختلاف نظر، اختصاص به نوع کرامت نداشته و در مباحث مرتبط از جمله منشاء و جایگاه کرامت نیز دیده می شود. گزینش هر کدام از آراء، در واقع انتخاب زاویه نگاه ما به جایگاه کرامت است. چنانچه کرامت را مبنای سیاست گذاری بپنداریم، باید ابتدا خوانش خود را از ابعاد این مفهوم تبیین کنیم تا بر اساس آن به فهم بازتاب آن در ساخت شهر بپردازیم. تبیین این مفهوم در اندیشه اسلامی و فهم بازتاب و کاربست آن در شهرهای مسلمانان، گامی مهم در راستای اخلاقی کردن شهرسازی است و می تواند افق های جدیدی در این راستا بگشاید. در این مقاله با روشی توصیفی و تحلیلی، کرامت از منظر برخی متفکرین شیعی بررسی و به عنوان مبنای سیاست گذاری در شهرسازی تحلیل شده و در نهایت حق بر حکمروایی خوب و حق بر فراگیری شهر از آثار کرامت در راستای ارتقاء کیفیت محیط زندگی شهروندان دانسته شده است.

واژه های کلیدی: کرامت، اندیشه اسلامی، حق بر شهر، حکمروایی خوب شهری، شهر فراگیر، شهر انسان مدار.

* دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

** استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

مقدمه

معرفی آرمان شهر و خواست حرکت به سوی تجربه زیستن در شهری آرمانی، جز با شناسایی ارزش‌ها و تعیین جایگاه آنها در شهر مطلوب، میسر نمی‌شود. تعریف فلاسفه از آرمان شهر، همواره بر عبور از وضعیت فعلی و واقعی به سوی وضعیتی آرمانی و فرضی استوار بوده است (Mannheim, 1991: 173). حتی در اندیشه فلاسفه‌ای از قبیل مارکس که اساساً ارزش‌های اخلاقی را برساخته‌ای تاریخ‌مند می‌دانند، آرمان شهر سوسیالیستی، شهری است که در آن برابری اجتماعی در بالاترین سطح ممکن وجود داشته باشد (Levitas, 1990: 35). در میان اندیشمندان اسلامی، برخی مدینه فاضله را با نظریه «آرمان نامحدود» که مبتنی بر عوامل پنج‌گانه پرستش خداوند، حرکت آگاهانه، حرکت مشقت‌آمیز، تغییر کمی و تغییر کیفی است، دست‌یافتنی دانسته‌اند (حکیم، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۸۷). نکته جالب توجه در این نظریه آن است که آنچه انسان را به عوامل پنج‌گانه فوق، متمایل می‌کند، کرامت اوست (شفایی، ۱۳۹۸: ۱۷۹). توجه به کرامت، نتیجه این پرسش اساسی است که اگر برای نوع انسان، حقی در جهان اجتماعی قائلیم؛ استحقاق تمامی افراد بر چه مبنایی استوار است؟ هرچند امروزه، اشاره به کرامت در پاسخ این سوال، با ذهن عرفی شهروندان همخوانی بسیاری دارد؛ اما این به آن معنا نیست که در طول تاریخ، همواره کرامت به عنوان مبنای حق پذیرفته شده باشد. نگاهی به مفاهیم فره‌ایزدی در ایران باستان (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۷۳) و اصل اراده معطوف به قدرت در نظرات نیچه (Doyle, 2018: 138)، نشان از عدم اتفاق اندیشمندان در این زمینه دارد.

برای ساختن یک شهر با ویژگی‌های اسلامی گام اول فهم خوانش‌های متفاوت از شهر اسلامی است. در این راستا دو خوانش برون دینی و دو خوانش درون دینی وجود دارد. از یک سو تأکید بر فرم و عناصر کالبدی شهر و تأکید بر ساختار اجتماعی-سیاسی شهر دو خوانش برون دینی را تشکیل داده و خوانش درون دینی به دو بخش تأکید بر احکام اسلامی (فقه) و عرفان اسلامی تقسیم می‌شود. برخی از محققین با تلفیق لایه‌های تفکر اسلامی و خوانش‌های متفاوت از شهر اسلامی، خوانش جدیدی با عنوان قرائت اخلاقی از شهر اسلامی را پیشنهاد داده اند (خاتمی، ۱۳۹۸: ۱۶۵). کرامت یکی از کلیدواژه‌های اخلاق اسلامی است که می‌تواند در تحقق شهر اسلامی کارساز باشد. گرچه دین اسلام بر فضیلت کرامت انسانی تأکید دارد، اما کرامت

واژه‌ای فراتر از یک دین و جهان بینی خاص است و به عبارتی شمولیت بسیار گسترده‌ای دارد. با هم معنا دانستن کرامت با واژه Dignity می‌توان گفت در اعلامیه جهانی حقوق بشر، شش بار از واژه کرامت استفاده شده است که مهمترین کاربرد آن در صدر ماده ۱ این اعلامیه و به این شرح است: «تمام نوع بشر آزاد زاده شده و در کرامت و حقوق یکسان هستند». در این نگاه، هیچ تلقی ماوراءالطبیعی از کرامت ارائه نشده و شاید به همین دلیل در سال ۱۹۹۰ کشورهای اسلامی در قاهره، معنای کرامت را ضمن بند نخست ماده ۱ اعلامیه «حقوق بشر در اسلام»، به خداوند و نحوه آفرینش انسان گره زده‌اند.

در این میان نقش دین هم به عنوان تأکیدکننده بر این فضیلت است و هم می‌تواند خوانشی خاص از این مفهوم برای پیروان آن دین ارائه نماید. آثار متفکرین شیعه و منابع اسلامی به صورت چشمگیری در تبیین کرامت از حیث مبنا و منشاء، غنی هستند. از مهمترین آثار اسلامی در باب کرامت انسانی می‌توان به کتب «کرامت در قرآن» و «فلسفه حقوق بشر» اثر آیت الله جوادی آملی اشاره کرد. منابع مذکور هرچند در تحلیل مفهوم کرامت کم نظیرند؛ اما درباره جایگاه کرامت در برنامه‌ریزی‌های کلان ساکت هستند. منبع دیگری که به صورت تطبیقی به مفهوم کرامت پرداخته، کتاب «کرامت در قرن ۲۱، خاورمیانه و غرب» تألیف دوریس شرودر^۱ است. با وجود غنای بحث در منابع فوق، برقراری مطلوب ارتباط بین کرامت و شهرسازی را باید در آثار غربی جستجو نمود.^۲ گزارش «کرامت با طراحی»^۳ که در سال ۲۰۱۹ توسط موسسه حقوق بشر و کسب و کار^۴ ارائه شده را می‌توان نمونه مطلوبی در زمینه تحلیل کرامت در شهرسازی به حساب آورد. در کنار این گزارش باید به آثاری از قبیل مقاله «جغرافیای شهری کرامت» اثر نورا یاکوبسن^۵ و همکارانش و مقاله «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی»، تألیف مجتبی رفیعیان و نینا الوندی‌پور به عنوان نمونه فارسی اشاره کرد. علی‌رغم وجود پیشینه گفته شده، در منابع فوق توجه چندانی به چالش‌های بنیادین مبحث کرامت نشده است. در این پژوهش جهت ساماندهی ارتباط کرامت با شهرسازی، در ابتدا معنای کرامت را همراه با بررسی معنا و منشاء آن تحلیل نموده و در بخش دوم، اصول مستنبط از کرامت معرفی خواهد شد. در ادامه با طرح عنوان مبنا و هدف شهرسازی، جایگاه کرامت در شهرسازی به عنوان مبنا بررسی خواهد شد. در نهایت نیز با برشمردن قواعد قابل استخراج از کرامت، این قواعد و اصول به عنوان ابزارهای رسیدن به هدف شهرسازی، تبیین می‌گردد.

۱. معنای کرامت

لغت‌دانان فارسی در تبیین معنای کرامت از واژه‌های ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شان و مقام استفاده کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۲۶۸/۲). در نزد لغت‌دانان عرب «اگر کرم به عنوان وصف خدا باشد، مراد نعمت و احسان خداوند است و اگر درباره انسان استفاده شود؛ نام اخلاق و افعال پسندیده‌ایست که از او صادر می‌گردد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۷). به عقیده کاشانی «واژه کریم به معنای هر چیز پر ارزش است» (شریف کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱ و ۲۵۳). بعضی منابع لغوی دیگر، ذیل ماده «کرم» به عزت در ذات شیء اشاره کرده‌اند (المصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۷/۱۰). نکته قابل توجه در این تعریف آن است که کرامت، ارزشمندی و عزت در معنایی استعلائی، بدون تفضیل و برتری نسبت به دیگری است. با توجه به معانی گفته شده می‌توان کرامت را با ارزشمندی مترادف دانست. ارزشمند بودن انسان، موجب آثاری همچون حرمت مال یا نفس او، آزادی و یا برابری می‌شود. به تعبیر المصطفوی:

«... و اما مفاهیمی همچون جود به معنای بخشیدن و اعطاء و سخاوت و صفح به معنای گذشت و بخشش و نیز عظمت و نزاهت و یا اینکه شیء به گونه‌ای باشد که مورد رضایت و ستایش باشد و یا اینکه نیکو بوده و پست نباشد، این معانی همگی از آثار کرامت هستند و نه معنای مطابق آن» (المصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۶/۱۰).

بررسی ریشه لغت Dignity به عنوان مترادف کرامت در زبان انگلیسی نشان می‌دهد این واژه برگرفته از عبارت لاتینی Dignitas بوده که خود مشتق کلمه Dignus است.^۲ معادل امروزی واژه Dignus را می‌توان Worth به معنای ارزش یا با ارزش دانست (Dillon, 1995: 21). به این ترتیب معنای لغوی کرامت به نحو تطبیقی را باید، «ارزشمندی» خواند. به همین جهت است که برخی اندیشمندان اسلامی معتقدند «دنائت در برابر کرامت و دنی در مقابل کریم است» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۲). در ادامه شناخت معنای کرامت، مختصراً به بررسی استفاده این واژه در میان برخی اندیشمندان اسلامی می‌پردازیم.

مهمترین منابع برای فهم امری در دین اسلام، کتاب قرآن و سنت است. سنت مطابق با دیدگاه شیعی، علاوه بر افعال و تقریر رسول اکرم، شامل رفتار و روایات ائمه اطهار نیز

می‌شود. مهمترین آیه در قرآن کریم در مورد کرامت، آیه ۷۰ سوره مبارک اسراء است که کرامت را عطیه‌ای الهی در نهاد بشر می‌داند.^۳ بسیاری از مفسرین قرآن، اطلاق لفظ «بنی آدم» را شامل تمامی نوع بشر، فارغ از جنسیت و مذهب ایشان می‌دانند (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۵۷؛ طباطبایی، بی‌تا: ۲۱۵/۱۳). بنا بر این آیه، کرامت در ذات و جوهر هر شخصی به میزان واحدی نهفته است. در مسیحیت نیز از آن‌رو که انسان تصویری از خداوند است؛ کرامت به جهت انسان بودن، در ذات وی وجود دارد (Soulen, Woodhead, 2006: 56). نکته جالب توجه در بحث کرامت از دیدگاه قرآن، پذیرش کرامت نسبی در کنار کرامت ذاتی برای افراد است. در واقع طبق آیه ۱۳ سوره حجرات^۴، اشخاص علاوه بر کرامت انتسابی، می‌توانند با رعایت برخی تکالیف، از ارزشمندی بیشتری برخوردار شده و به بیان دیگر واجد کرامت اکتسابی بیشتری باشند. به تعبیر یکی از فلاسفه اسلامی:

«در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده که عبارت است از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران، آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹).

چنانچه عدالت را یکی از آثار کرامت اشخاص بدانیم، با استناد به کرامت اکتسابی می‌توانیم از عدالت در معنای سوسیالیستی آن فاصله گرفته و به عدالت رالزی^۵ نزدیک شویم. مطابق با نظریه رالز: ۱. هر شخص باید یک حق برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی برابر، سازگار با یک نظام آزادی مشابه برای همگان داشته باشد. (اصل آزادی‌های برابر). ۲. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به نحوی سازماندهی شوند که این نابرابری‌ها هم: الف؛ بر اساس شرایط تساوی منصفانه فرصت، به مناصب و مقامات در اختیار همگان، منسوب باشند و ب؛ بیشترین برخورداری را نصیب محرومترین افراد کنند، که با اصل پس‌اندازهای عادلانه سازگار باشد (ر. ک دادگر، آرمان‌مهر، ۱۳۸۸). با اتخاذ این رویکرد و پذیرش مفهوم کرامت اکتسابی، دیگر لازم نیست برنامه‌ریزی‌های شهری در

و کرامت داشتن انسان است. مهمترین اصلی که با توجه به کرامت می‌توان به آن اشاره کرد، اصل ذی‌حقی انسان است. با وجود این سعی شده است تا در این پژوهش به این اصل اکتفا نکرده و برخی اصول دیگر نیز از مفهوم کرامت استنباط شود.

۲.۱. اصل وحدت جوامع

منشاء کرامت در وجود انسان چه از منظر دینی (اسلامی) و چه منظر فطری‌گرایی، ذات اشخاص است. اختلافی که ممکن است بین این دو ایده پیش بیاید؛ تعیین پدیدآورنده کرامت از منظر درون دینی و برون دینی می‌باشد. چنانچه ما نگاهی دینی به مسئله داشته باشیم، خداوند با دمیدن روح خود در بشر به او کرامت اعطا کرده و چنانچه نگاهی غیر دینی را برگزینیم، انسان به جهت انسان بودن واجد کرامت است. در هر صورت آنچه در اینجا اهمیت دارد، حضور کرامت در وجود ابناء بشر است. به همین دلیل در ماده نخست اعلامیه حقوق بشر در اسلام آمده است: «تمامی نوع بشر از یک خانواده بوده که اعضای آن همه در تسلیم بودن در برابر خداوند مشترک و زاده (حضرت) آدمند». این ماده بیان دیگری از شاهکار شاعر قرن هفتم ایران است که گفت «بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند».

با این بیان از اصل فوق، می‌توان اصول دیگری از جمله ۱. اصل لزوم وجود شرایط ترقی برای همگان، ۲. برابری افراد، ۳. اصل لزوم وجود عدالت بین افراد، ۴. اصل جاودانه بودن انسان (از منظر دینی) و ۵. اصل خداجو بودن بشر (از منظر دینی) نام برد. برخی از متفکرین مسلمان از اصل یگانگی جوامع به اصل پیوند تکوینی انسان با مجموعه هستی رسیده‌اند. مطابق با این اصل پلیدی محیط، درون انسان را تیره کرده و تیرگی درون انسان بر وضعیت محیط بیرون موثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). پذیرش این نظر که امروزه مورد توجه بسیاری از عرفان‌های نوظهور قرار گرفته (رجوع کنید به کتاب جهان هولوگرافیک اثر مایکل تالبوت، ترجمه داریوش مهرجویی) سبب می‌شود تا بیشتر به نقش شهرسازی به مثابه محیط زندگی بر روان افراد توجه کنیم.

۲.۲. مسئولیت داشتن حاکمین

مطابق با اصل پیشین، همه ابناء بشر با یکدیگر برابرند. اصل ۵۶ قانون اساسی ایران مقرر داشته: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی

تمامی نقاط شهر یکسان انجام شود و شهر، همچون شهرک‌های شوروی کمونیستی منظره‌ای یک دست و بی‌روح داشته باشد. در احادیث و روایات نیز موارد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، کرامت مفهومی غیرقابل چشم‌پوشی نزد پیامبر و سایر ائمه بوده است. برای درک اهمیت موضوع، همراه با رعایت اختصار به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود. پیامبر اکرم فرموده‌اند که «همه مردم مانند دودمان خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند، سودمندترین آنان برای دودمان خداوندی است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۹۱). امیرالمومنین نیز در یکی از معروفترین خطبه‌های خود فرموده‌اند: «ای مردم! حضرت آدم نه بنده‌ای آفرید و نه کنیزی، و همه مردم آزادند. اما خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۸۳). از مطالعه کتاب الهی و روایات موجود در سنت، می‌توان به منشاء کرامت نزد مسلمانان پی برد. به این ترتیب مطابق با اندیشه اسلامی، منشاء کرامت، خداوند متعال است که کرامت را در نهاد انسان به ودیعه گذارده است.

جدول ۱: معنای کرامت (نگارندگان)

معنای کرامت		منشأ کرامت
لغوی	ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت و شأن	
اسلام	کرامت ذاتی	خداوند متعال
	کرامت اکتسابی	
قوانین	دینی	خداوند متعال
	غیر دینی	فطرت

۲.۲. اصول مبتنی بر کرامت

همانطور که در مطالب گذشته آمد، کرامت می‌تواند مبنای بسیاری از ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه قلمداد شود. در واقع وقتی با این پرسش‌ها روبرو می‌شویم که چرا انسان باید آزادی عقیده داشته باشد؟ چرا باید به انسان احترام گذاشت؟ چرا مالکیت اشخاص خدشه ناپذیر است؟ چرا نباید به انسان توهین کرد و ... در پاسخ تنها علت ممکن، ارزشمند بودن

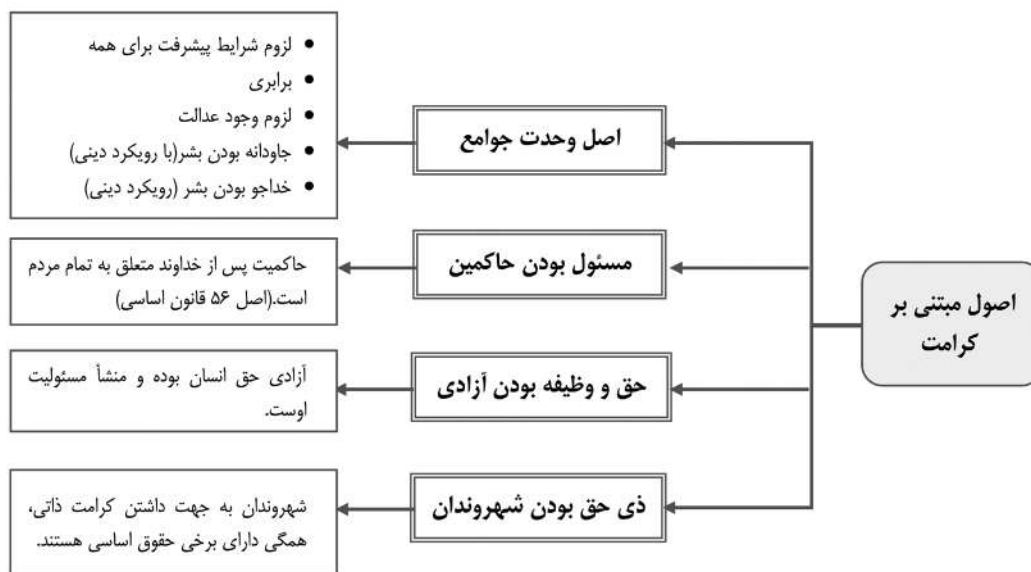
سایر افراد است. باید در نظر داشت که هر تصمیمی که انسان می‌گیرد؛ هرچند کم اهمیت، می‌تواند بر زیست تمام افراد جهان تاثیر بگذارد. مفهومی که به خوبی در آیه شریفه ۳۲ سوره مائده آمده است^۱. جان‌مایه این اصل را می‌توان در نظرات فلاسفه اگزیستانسیال مشاهده کرد. از نگاه سارتر انسان از آن رو که موجودی آگاه است؛ اختیار دارد. در واقع قدرت انتخاب انسان ناشی از آگاهی و آزادی اوست. بشر با تعقل و پی بردن به آنچه در شرایط فعلی نیست، تصمیم می‌گیرد و به سمت مطلوب ناموجود حرکت می‌کند. به این ترتیب آزادی همواره برای بشر مسئولیت آفرین است. جمله معروف «انسان، اجبار به آزادی است»، مبین همین امر است (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۲۵). پیوند نزدیک بین آزادی و مسئولیت در جملات ذیل به خوبی بیان شده است:

«روبرو شدن با جهان به طور جدی - که سارتر می‌پندارد برای بشر حتمی است-، دانستن اینکه باب هرچیزی به روی ما گشوده است، دانستن اینکه می‌توانیم هرکاری که می‌پسندیم، انجام دهیم و هر آنچه می‌خواهیم، می‌توانیم باشیم، امری است که اغلب ما تحمل آن را دشوار می‌یابیم؛ زیرا با دریافتن آزادی خود، از تسلاهی عذرها و بهانه‌ها محروم می‌شویم. ... در واقع دیگر کسی نخواهد بود که مسئولیت را بر گردن او

خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». به این ترتیب حاکم حقیقی خداوند بوده و بعد از او ملت به جهت برابری با هم، حاکم سرنوشت خویش قلمداد می‌شوند. مشروعیت حکمران در تمامی نظام‌های سیاسی، جز در مورد معصوم، مبتنی بر اراده مردم بوده و هیچ رهبری بدون مقبولیت نزد شهروندان، مشروعیت نخواهد داشت. این اصل سختی راه حکمرانی را به خوبی روشن می‌سازد. حکام به ویژه به جهت در اختیار داشتن منابع ثروت و قدرت در برابر شهروندان مسئول هستند و انجام مطلوب وظایف آنها در نحوه مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری متبلور خواهد شد.

۳.۲. حق و وظیفه بودن آزادی

زمانی که تمامی انسان‌ها با هم برابر باشند و برای آنها ارزشی ذاتی قائل باشیم، باید آنها را در برابر یکدیگر آزاد قلمداد کنیم. همانگونه که دیدیم، امیرالمومنین نیز با اشاره به این امر، آزاد آفریده شدن انسان را مبتنی بر کرامت او می‌دانند. نکته قابل توجه اما اینجاست که کرامت انسان و آزادی او، امری غیرقابل سلب است. به این معنی که آزادی انسان برای او صرفاً امتیاز نبوده و در بسیاری موارد این آزادی موجب مسئولیت او در برابر



شکل ۱: اصول مبتنی بر کرامت (نگارندگان)

بپندازیم» (سارتر به نقل از وارنوک، ۱۳۹۵: ۶۰).

وظیفه انگاشتن آزادی می‌تواند در نظرات شهرسازی، به خصوص مباحثی که مربوط به مشارکت‌های عمومی افراد است، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. این اصل را می‌توان اعم از اصل مسئولیت همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر دانست که مورد تاکید برخی محققین شهرسازی قرار گرفته است (شکوهی بیدهندی، مطهر، ۱۳۹۹: ۷۰).

۴.۲. اصل محق بودن شهروندان

کرامت در قانون اساسی ایران ارزشی است بنیادین که مبنای بسیاری از ارزش‌های مهم دیگر قرار گرفته است. واژه کرامت در قانون اساسی ایران سه بار استفاده شده است. مهمترین استفاده آن در اصل دوم قانون اساسی است. مطابق با این اصل قانون اساسی، یکی از ارکان اصلی نظام عبارت است از: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا». در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان هم نگاه مشابهی به کرامت انسانی وجود دارد. کرامت در برنامه‌ریزی‌های کلان کشورهای جهان به عنوان یک مبنا که موجد سایر ارزش‌هاست، عنوان می‌شود. (شهبازی، جلالی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). اصل ذی‌حق بودن شهروندان یکی از اصول مهم در شهرسازی است که از کرامت برگرفته شده است. بر همین اساس، این اصل را می‌توان زیربنای تمامی اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی از جمله حق شهروندان بر مسئولین و یا حق شهروندان در برابر یکدیگر به حساب آورد. در قسمت چهارم این مقاله مصادیق بیشتری از این اصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. مبنا و هدف شهرسازی

به طور معمول در تعریف هر علم، موضوع علم و هدف آن مستتر است. موضوع هر علمی معمولاً آن چیزی است که در آن علم از احوال و عوارض او گفتگو می‌شود و قضایای مربوط به او حل می‌شود. به این ترتیب موضوع علم روان‌شناسی، روان اشخاص و موضوع علم پزشکی، جسم افراد است. شناسایی موضوع علم شهرسازی از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست؛ چراکه همان‌گونه که از اسم این علم برمی‌آید، آنچه مورد مطالعه شهرسازان قرار دارد، شهر است. پرسش دیگر آن است که هدف علم شهرسازی چیست؟ برای دریافتن پاسخ این پرسش باید به بررسی تعریف علم شهرسازی بپردازیم. به عقیده برخی از

اندیشمندان شهرسازی عبارت است از «طراحی و برنامه‌ریزی برای شهرها، با در نظر گرفتن احتیاجات اجتماعی و اقتصادی و با توجه به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخگویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری» (شیعه، ۱۳۹۰: ۶). بنابراین هدف علم شهرسازی متوجه شیوه زندگی افراد جامعه است.

بعضی از محققین صراحتاً هدف شهرسازی را اجتماع، برابری اجتماعی و خیر مشترک^{۱۱} عنوان کرده‌اند (Talen, 2002: 165). طبیعی است که اجتماع به خودی خود نمی‌تواند هدف شهرسازی قلمداد شود؛ بلکه زیرمجموعه موضوع شهرسازی، یعنی شهر به حساب می‌آید. این نویسنده در مقاله‌ای دیگر، یگانه هدف شهرسازی نوین را ارتقاء سطح برابری اجتماعی توصیف کرده است (Talen, 2008: 277). اهداف گفته شده را می‌توان در «بهبود کیفیت محیط زندگی افراد» خلاصه کرد. پس از شناسایی هدف علم شهرسازی به چالش دیگری خواهیم خورد که مسئله اصلی تحقیق پیش روست و آن هم پاسخ به این پرسش است، که چرا باید کیفیت محیط زندگی اشخاص را ارتقاء داد؟ پاسخ این سوال، مبنای علم شهرسازی را شکل می‌دهد و به عقیده نگارندگان نمی‌تواند چیزی جز کرامت انسان باشد.

بسیاری از محققین پنج عامل برنامه‌ریزان^{۱۲}، سرمایه‌گذاران و توسعه دهندگان^{۱۳}، مالکان^{۱۴}، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها^{۱۵} و در آخر معماران و طراحان^{۱۶} را در برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر کرامت موثر دانسته‌اند (IHRB, 2019: 12).

همانطور که اشاره شد کرامت، منشأ حقوق و وظایف نوع بشر است. یکی از مهمترین این حقوق، حق فرد بر محیط زندگی خود است. هرچقدر این حق با دقت بیشتری تامین گردد، کیفیت محیط زندگی شهروندان نیز ارتقاء پیدا می‌کند. بنابراین رابطه تنگاتنگی بین مبنا، هدف و ابزار رسیدن به این هدف وجود دارد. به طور منطقی باید گفت، هدف همواره با مبنا پیوند داشته و به نوعی تامین‌کننده اهمیت مبناست. فهم هدف و مبنای شهرسازی به تنهایی کافی برای مقصود ما از این پژوهش نیست؛ بلکه باید ابزاری تعریف کنیم که ما را از مبنا به هدف برساند. ابزاری که منطقی‌اً مبتنی بر کرامت افراد است. این مهم، دغدغه نویسندگان در بخش پایانی این پژوهش است. پیش از پرداختن به اصول برگرفته از کرامت در شهرسازی باید این نکته را متذکر شد که سازمان ملل متحد برای رسیدن به هدف گفته شده سه اصل حفاظت، احترام و جبران خسارت^{۱۷}

حق بر شهر است. اصطلاح حق بر شهر، اصطلاحی است که از دهه هفتاد قرن بیستم به بعد در شهرسازی مطرح شده است. یکی از مشاهیر نظریه حق بر شهر، لوفور فرانسوی است. نظریه حق بر شهر لوفور، بر سه مبنای ۱. شهر محصول رقابت شهروندان با یکدیگر است، ۲. عمومی بودن شهر، عدم تجانس و تنوع را شامل می‌شود و ۳. شهر یک پدیده اجتماعی و عمومی است، استوار می‌باشد (لوفور به نقل از رفیعان، الوندی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۰). به نظر می‌رسد موارد گفته شده را نباید به عنوان مبنای حق بر شهر عنوان کرد؛ بلکه این امور شرایط پیدایش حق قلمداد می‌شوند. تنوع شهر، رقابت شهروندان و پدیده اجتماعی بودن شهر، واقعیاتی هستند که در شهرها وجود دارند. مبنای حق را نمی‌توان واقعیات پنداشت؛ چراکه در این صورت ممکن است به دامان اراده شخص قدرتمند به عنوان منشأ حق گرفتار آییم. مبنای حق باید یک ارزش باشد. کرامت انسان، بنیادی‌ترین ارزشی است که می‌تواند موجب حق باشد. این ایراد صحیح است که کرامت به معنای ارزش، مفهومی نیازمند تفسیر است؛ اما تفسیر اذهان جامعه باید در چارچوب عزتمندی انسان باشد. تصویر چنین ساختاری سبب می‌شود تا اراده شخص قدرتمند، نتواند کرامت را مطابق با میل او تفسیر کند.

حق بر شهر بر هر دو جنبه اجتماعی و فردی کرامت استوار است. توضیح آنکه برخی محققین، کرامت را به کرامت انسانی و کرامت اجتماعی^{۱۸} تقسیم کرده‌اند (Jacobson and Others, 2009: 726). ایشان تأمین کرامت افراد را از هر دو حیث فردی و اجتماعی، در کنترل و تنظیم مناسب بین دو امر «نیاز به منابع» و «مکان و فضا» می‌بینند. منابع مورد نیاز شهروندان را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد (Ibid: 727)؛ ۱. الزامات فیزیکی (آب و هوا و غذا)، ۲. شرایط زندگی (امنیت)، ۳. خدمات (درس و

را پیشنهاد داده و برای تأمین اصل اول، دولت‌ها را موظف و در اصل دوم شهروندان را به جهت مشارکت در امور شهری متعهد دانسته است (IHRB, 2019: 26). اصل سوم نیز در صورتی کاربرد دارد که دو اصل نخست مورد سرپیچی قرار بگیرد به قربانیان، زبانی وارد آید. نکات گفته شده همگی قابل استنباط از کرامت در شهرسازی است. البته آنچه در این بخش مطمح نظر نویسندگان است، استنباط اصول شهرسازی از اصولی است که در بخش نخست از مفهوم کرامت برداشت شد. اصولی که در اینجا بررسی می‌شود، همگی می‌توانند در راه رسیدن به هدف شهرسازی، به عنوان ابزار قلمداد شوند. برای مثال، حق بر حکم‌روایی خوب، حقی مستنبط از کرامت بوده و اجرای آن، وسیله ارتقاء کیفیت زندگی شهری است. ارتقاء کیفیت زندگی در گرو دو مولفه مهم قرار دارد؛ ۱. نخست مولفه‌ای که در برگرفته مواردی است که به فرایندهای روانشناختی درونی افراد وابسته‌اند و برای فرد احساس رضایت‌مندی را فراهم می‌آورند و ۲. دوم مولفه‌ایست که شرایط بیرونی را در برمی‌گیرد (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۹). کیفیت محیط زندگی فرد می‌تواند از مهمترین شرایط بیرونی کیفیت زندگی شخص قلمداد شود. در ادامه، ذیل عنوان حق بر شهر، ویژگی‌های عناصر حکم‌روایی خوب شهر و شهر فراگیر را بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که این عناصر برگرفته از اصول مبتنی بر کرامت هستند که در قسمت پیشین از کرامت استنباط شدند.

۴. اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی

کرامت انسان، مبنای ذی‌حقی اوست. به این ترتیب مهمترین اصل مستنبط از کرامت در شهرسازی، اصل ذی‌حقی شهروندان است. به علاوه یکی از مهمترین حقوق افراد در جامعه شهری،



شکل ۲: مبنا و هدف شهرسازی (نگارندگان)

و با امروزی‌ترین زبان ممکن بیان کرده‌اند. نکته حیرت انگیز خطبه مذکور شق دوم حق حاکم بر مردم است که می‌فرماید: «الْصَّيْحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ». این یعنی حضرت نصیحت شدن و یا به عبارت بهتر، نقد شدن حاکم را از جمله حقوق وی و وظایف شهروندان می‌داند. بنابراین در فرآیند مدیریت، هر مدیر باید در برابر اعمال و وظایف خود به شهروندان پاسخگو باشد. زمانی که شخصی برخلاف اصل عدم ولایت، بنا به مقتضیات، مسئولیتی به عهده می‌گیرد، باید مطابق با کرامت افراد در برابر ایشان پاسخگو باشد. در قانون اساسی ایران نیز، کرامت انسانی، مبنای حاکمیت نظام است؛ به همین دلیل حاکمین باید سعی در حفظ و ارتقاء کرامت شهروندان داشته باشند و صورت لطمه دیدن آن، پاسخگو باشند (حبیب زاده، فرج پور اصل مرندي، ۱۳۹۵: ۱۲۴). برای مثال چنانچه طرحی در شهر اجرا می‌شود که مورد استقبال ساکنین قرار نمی‌گیرد؛ باید علت را جویا شود. پ. **حق بر مشارکت.** آزادی شهروندان مطابق با مفهوم کرامت نه صرفاً یک امتیاز؛ بلکه یک وظیفه محسوب می‌شود. یکی از مهمترین جلوه‌های این وظیفه که با شفافیت ارتباط تنگاتنگی دارد مشارکت است. مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری به ویژه در مرحله تصمیم‌گیری، منوط به رعایت شفافیت توسط مسئولین است.

ت. **حق بر عدم تبعیض.** پیش از این دیدیم که ذاتی بودن کرامت افراد، خواه مبتنی بر اراده خداوند یا نفس انسان بودن باشد، سبب برابری ابناء بشر در نظام آفرینش می‌شود. مبنای اختلاف و تفاوت انسان، کرامت اکتسابی اوست. مسئولین شهری باید در آنچه به کرامت ذاتی افراد مربوط می‌شود، حداقلی از شرایط را بدون توجه به به تمایزات جنسی، سنی، نژادی، توانایی جسمی و رنگ پوست و... فراهم آورند (ایازی، ۱۳۸۶: ۲۴).

۲.۴. اصل همه شمولی در شهرسازی

حق بر فراگیربودن شهر، حقی برآمده از کرامت است که بر شهرسازی فراگیر یا همه شمول تاکید دارد. به عقیده برخی محققین «شهرسازی فراگیر آن نوع شهرسازی است که در آن نیازهای همه شهروندان در نظر گرفته می‌شود. به جای آنکه معیار صرفاً افراد متوسط باشند، باید به فکر کسانی بود که دارای تحرک و توانایی دسترسی کمتری هستند» (مدنی‌پور، ۱۳۸۵: ۲). شهر فراگیر^{۱۹}، مستلزم طراحی برای همگان است. طراحی برای همگان به فرآیند طراحی، ساخت و مدیریت مکان‌های

سلامتی)، ۴. وسایل زندگی (کار، حمل و نقل و اطلاعات) و ۵. دارایی‌های اجتماعی (ارتباط جمعی و تفریحی). این نگاه بین اندیشمندان ایرانی نیز وجود دارد. ایشان حق به شهر را به دو دسته حق مشارکت شهری و حق تخصیص فضا، تقسیم کرده‌اند (رفعیان، الوندی‌پور، ۱۳۹۴: ۴۳). برخی دیگر از محققین، کرامت را مبنای حق شهروندان بر محیط زندگی عاری از آلودگی و جامعه بدون فقر دانسته‌اند (Karnitz, 2017: 3). به نظر می‌رسد تمامی این موارد را بتوان در اصل ذی‌حقی شهروندان خلاصه نمود. آنچه اهمیت دارد، تنقیح حقوق شهروندان، تا حد ممکن است. لازم به ذکر است دسته‌بندی‌ای که در ادامه خواهد آمد و حقوقی که ذیل آن برشمرده شده، تنها جهت تقریب ذهن به اهمیت جایگاه کرامت در شهرسازی بوده و نمی‌توان حقوق شهروندی در این موارد خلاصه کرد.

۱.۴. اصل حق بر حکم‌روایی کرامت محور

یکی از شقوق حق شهروندان، حق بر حکم‌روایی کرامت محور است. حکم‌روایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکم‌روایی شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود (موحد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۲). حکم‌روایی خوب شهری را نیز باید «فرآیندی بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر» دانست (همان). این حق را می‌توان برگرفته از اصول مسئول بودن حاکمین در برابر شهروندان، شهروندان در برابر شهروندان و شهروندان در برابر مسئولین دانست. ابعاد حق بر حکم‌روایی خوب در شهرسازی و یا به عبارتی، خصیصه‌های حکم‌روایی خوب در برابر شهروندان را می‌توان؛ ۱. پاسخگویی، ۲. شفافیت، ۳. مشارکت، ۴. انصاف و عدم تبعیض، ۵. اجماع‌گرایی، ۶. کارایی و کارآمدی و ۷. پیروی از قانون، نامید (تقوایی، تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۲). از بین موارد فوق، چهار بعد زیر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

الف. **حق بر شفافیت.** حکمرانان باید تصمیمات خود را به اطلاع شهروندان برسانند. شفافیت باعث می‌شود تا پیش از انجام عمل، بازخورد آن توسط مسئولین سنجیده شود.

ب. **حق بر پاسخگو بودن.** همانطور که دیدیم، یکی از اصول متخذ از کرامت، مسئول بودن حاکمین در برابر شهروندان است. امیرالمومنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه این اصل را به خوبی

فضاهای شهری برای جانبازان و معلولین جسمی و حرکتی» در سه بند وظایف شهرداری تهران را برای خدمت رسانی هرچه بهتر برای معلولین مشخص کرده است. باید اذعان داشت که مبنای قوانین فوق، بدون تردید کرامت شهروندان معلول بوده؛ اما در عمل می‌توان دید که بسیاری از این موارد رعایت نمی‌شود. ب. **حق سالمندان.** انسان در گذر زمان توانایی‌های جسمی و در بسیاری موارد مغزی خود را از دست می‌دهد. فرد با یا به سن گذاشتن، ممکن است حتی بینایی یا قدرت راه رفتن خود را از دست بدهد. در این صورت حق سالمند و حق معلول، هم‌پوشانی خواهد داشت. نکته مهم آن است که ناتوانی سالمندان معمولاً با نیاز آن‌ها به شرکت در گروه‌ها و اجتماعات در محیط‌های شهری که اغلب محیط‌های باز هستند، همراه است. همانطور که درباره معلولین گفته شد، پیاده‌راه‌ها برای سالمندان نیز باید عاری از مانع باشد. علاوه بر این، درباره سالمندان باید به لزوم وجود نور و خوانایی و آدرس‌پذیری محلات اشاره کرد. چنانچه محله از نور مناسب برخوردار نباشد، فرد سالمند ترجیح می‌دهد تا در خانه بماند و این مسئله او را از حقی که بر شهر دارد، منع می‌کند.

پ. **حق زنان.** به نظر می‌رسد شهر با توجه به مردسالار بودن جوامع به طور سنتی، اندام‌واره‌ای مردانه است. از علائمی که می‌توان از آنها به عنوان علائم مردانه در شهر نام برد، باید به سختی، بزرگی، قدرتمندی (در برابر باریک بودن یا ظریف بودن به عنوان کدهای زنانه) و آنچه عمودی و خطی است، اشاره کرد (جنکس به نقل از معینی، ۱۳۹۵: ۴۴). طراحی مردانه شهرها سبب می‌شود تا بسیاری از زنان از اعمال حق خود بر شهر، محروم شوند. برای مثال با اینکه حضور زنان در فعالیت‌های داوطلبانه، ملاقات‌های اجتماعی یا استفاده از مراکز خرید، پررنگ‌تر از مردان است؛ اما مهمترین و ساده‌ترین راه رسیدن به این امکان، معمولاً استفاده از خودروهای شخصی است. این درحالی است که معمولاً در جوامع فعلی، خودروی شخصی بیشتر توسط مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق تحقیقی که در سال ۱۳۹۷ در تهران صورت گرفته است، یکی از نمودهای بارز فضاهای جنسیتی پیاده‌راه‌های شهر به عنوان یک فضای جنسیتی عنوان شده‌اند که زنان شرکت‌کننده در آن پژوهش فعالیت‌های نیازمند درنگ را تا حدود بسیاری بر خود ممنوع کرده‌اند (فنی، احمدی، ۱۳۹۹: ۷۱).

ت. **حق کودکان.** اگر در مردانه بودن فضای شهری تردیدی وجود

پر جمعیت و فضاهایی که قابل استفاده اکثریت مردم هستند و نه فقط تضمین‌کننده منافع برخی از گروه‌ها، اطلاق می‌شود. بنابراین این نوع طراحی به مقوله کیفیت حمل و نقل، فضاها و ساختمان‌ها از نظر دسترسی، عدالت، برابری و تنوع برای استفاده همه شهروندان در محیط انسان ساخت، برمی‌گردد (معینی، ۱۳۹۵: ۳۷). در شهر فراگیر، حقوق شهروندان با توجه به وضعیت خاص آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در اینجا به جای بیان حقوق کلی از قبیل حق بر حمل و نقل عمومی، حق بر دسترسی آسان، حق بر مسکن مناسب، حق بر امداد در مدیریت بحران یا حق بر دسترسی به فضای مجازی، به حق زنان، سالمندان، معلولین و کودکان توجه شده است. در واقع در تحقیق حاضر به جای متعلق حق، صاحب حق و حقوق او مورد بررسی قرار گرفته است. این حقوق، مبتنی بر کرامت اشخاص بوده و اگر ارزش کرامت اشخاص را در برنامه‌ریزی‌ها نادیده بگیریم؛ ناخودآگاه از حقوق ایشان چشم‌پوشی کرده‌ایم.

الف. **حق معلولین.** یکی از مهمترین اقصاری که معمولاً حقوق آنها در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد غفلت قرار می‌گیرد، معلولین هستند. معلولیت را نباید نتیجه ارتباط بین شخص ناتوان و شرایط محیط اجتماعی در نظر گرفت؛ چراکه در این صورت معلولیت نشانگر یک ایراد در شهروندی کامل بوده و می‌توان حقوق ایشان را به عنوان فردی غیرکامل در پروژه‌های شهری نادیده گرفت (گرچی ازندریانی، شیرزاد نظری، ۱۳۹۷: ۱۳۸). پروژه‌های شهری باید به نحوی انجام پذیرد که معلولین جسمی مشکلی در راه رفتن و طی مسیر با هر وسیله‌ای نداشته باشند. نگاهی به امکانات و تجهیزات شهری، ادعای عدم توجه مسئولین به افراد معلول را اثبات می‌کند. این درحالی است که در کشور ما قوانین مناسبی در زمینه حمایت از حقوق معلولین وجود دارد. برای مثال تبصره ماده ۴ قانون جامع حمایت از معلولان مقرر داشته است: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداریها موظفند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره‌مندی معلولان فراهم گردد». تبصره ۲ ماده ۲ این قانون نیز در لزوم رعایت حقوق معلولین مقرر کرده است: «شهرداریها موظفند از صدور پروانه احداث و یا پایان کار برای آن تعداد از ساختمانها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان رارعايت نکرده باشند خودداری نمایند». علاوه بر قانون فوق، ماده واحده «مناسب‌سازی

داشته باشد، در انطباق طرح‌های شهری با ذهنیت افراد بزرگسال شکی وجود ندارد. این درحالی است که عدم امکان حضور مستقل کودکان در محله‌ها و فضاهای شهری امروزی، سبب جدایی آنها از محله و عدم احساس تعلق و تعهد به شهر در ایشان می‌شود. در گذشته محله و خیابان به عنوان مکان بازی کودکان شناخته می‌شد و این امکان سبب آن می‌شد تا کودکان با محله و جوامع محلی آشنا شوند. این آشنایی تا حدی بود که کودکان می‌توانستند به طور مستقل و فعال در محله حضور داشته و رفت و آمد کنند. اما امروزه به سبب ویژگی‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری، جایگاه کودکان در محیط‌های زندگی‌شان تغییر یافته و والدین مجبور به نگهداری کودکان در محیط بسته آپارتمان هستند. از بین رفتن اعتماد به نفس که به طور آشکاری با نقض شدن کرامت کودکان در طرح‌های شهری ارتباط دارد، آینده شهر را به مخاطره می‌اندازد. باید توجه داشت که نقض کرامت هر یک از اقشار شهروندان، در نهایت ضربه به هدف شهرسازی، یعنی بهبود کیفیت محیط زندگی آنها تلقی شده و در مقیاس کلی حکمرانی، تأثیری مخرب خواهد داشت. به علاوه آنچه گفته شد، توسعه شهرها بر اساس پیشرفت‌های صنعتی و ماشینی شدن جوامع، موجب تخریب طبیعت در بسیاری از موارد، ترافیک و همین‌طور آلودگی شده است. بدون تردید این مسائل بیش از هر قشری، کودکان را هدف آسیب قرار خواهد داد (توکلیان، سینایی، ۱۳۹۷: ۶۲).

فلاسفه در کنار نگاه دینی به انسان، نشان می‌دهد که آنچه سبب می‌شود تا انسان را موجودی ذی‌حق قلمداد کنیم، کرامت اوست. هرچند تمامی مخلوقات جهان واجد ارزش هستند؛ اما کرامت انسان سبب شده است تا خداوند آسمان‌ها و زمین را ابزار آسایش او قرار دهد. رسیدن به آسایش جز با وضع حقوق مطابق با کرامت، امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب کرامت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها نقش مبنایی را ایفاء می‌کند. در این نوشتار با بررسی هدف و مبنای شهرسازی به این نتیجه دست یافتیم که کرامت در معنای ارزش انسان، مبنای شهرسازی بوده تا بر این مبنا حرکت به سوی هدف شهرسازی، یعنی ارتقاء کیفیت محیط زندگی اشخاص حاصل شود. ابزار رسیدن به این هدف و یا به عبارتی طی مسیر مبنا تا هدف، تأمین حقوق شهروندان است. در واقع باید گفت، چنانچه در نظر حکمرانی، انسان‌ها فاقد کرامت ذاتی قلمداد شوند، دلیلی برای آنکه شهروندان را افرادی صاحب حق به شمار آوریم، وجود نخواهد داشت. افراد حق دارند تا با ابزار مختلف، کیفیت زندگی خود را بهبود ببخشند. یکی از مهمترین عوامل موثر بر کیفیت زندگی، چگونگی زیستگاه و کیفیت محیط زندگی افراد است. بنابراین کرامت مبنای حق افراد به زندگی مطلوب به عنوان یک هدف بوده و شهرسازی، یکی از مهمترین ابزارهای رسیدن به این هدف به شمار می‌رود. نگارندگان حق فرد بر شهر را به دو دسته حکمروایی خوب و حق بر همه شمولی تقسیم کرده‌اند. باید توجه داشت که چه حقوق برآمده از حکمروایی خوب (حق بر شفافیت، مشارکت، پاسخگویی و عدم تبعیض)، چه حق بر همه شمولی شهر بر مبنای کرامت بنا شده‌اند. این امر نشان‌دهنده اهمیت کرامت در تصمیم‌گیری‌هاست. در آخر به نظر می‌رسد تصریح به جایگاه مبنایی کرامت در قوانین شهری و البته برشمردن ابعاد کرامت و الزام دستگاه‌های اجرایی به رعایت آن، می‌تواند از نقض فراگیر کرامت شهروندان جلوگیری نماید. شاید بتوان گفت توجه به کرامت و تفسیر آن در عرصه شهرسازی فارغ از نگاه دینی به آن نیز در جای جای جهان مورد توجه است، اما دین و به طور خاص اخلاق اسلامی در این میان می‌تواند نقش تکمیل‌کننده و تأییدکننده داشته باشد. یعنی از یک طرف فهم و تفسیر مفهوم کرامت را تکمیل کند و آن را متناسب با فرهنگ مسلمانان تفسیر نماید و از طرف دیگر می‌تواند ریشه‌های فکری مفهومی که در ادبیات شهرسازی وجود دارد را استوارتر نماید و پایه‌های الهی و دینی آن را نمایان سازد و بر اهمیت مساله تأکید نماید.

داشته باشد، در انطباق طرح‌های شهری با ذهنیت افراد بزرگسال شکی وجود ندارد. این درحالی است که عدم امکان حضور مستقل کودکان در محله‌ها و فضاهای شهری امروزی، سبب جدایی آنها از محله و عدم احساس تعلق و تعهد به شهر در ایشان می‌شود. در گذشته محله و خیابان به عنوان مکان بازی کودکان شناخته می‌شد و این امکان سبب آن می‌شد تا کودکان با محله و جوامع محلی آشنا شوند. این آشنایی تا حدی بود که کودکان می‌توانستند به طور مستقل و فعال در محله حضور داشته و رفت و آمد کنند. اما امروزه به سبب ویژگی‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری، جایگاه کودکان در محیط‌های زندگی‌شان تغییر یافته و والدین مجبور به نگهداری کودکان در محیط بسته آپارتمان هستند. از بین رفتن اعتماد به نفس که به طور آشکاری با نقض شدن کرامت کودکان در طرح‌های شهری ارتباط دارد، آینده شهر را به مخاطره می‌اندازد. باید توجه داشت که نقض کرامت هر یک از اقشار شهروندان، در نهایت ضربه به هدف شهرسازی، یعنی بهبود کیفیت محیط زندگی آنها تلقی شده و در مقیاس کلی حکمرانی، تأثیری مخرب خواهد داشت. به علاوه آنچه گفته شد، توسعه شهرها بر اساس پیشرفت‌های صنعتی و ماشینی شدن جوامع، موجب تخریب طبیعت در بسیاری از موارد، ترافیک و همین‌طور آلودگی شده است. بدون تردید این مسائل بیش از هر قشری، کودکان را هدف آسیب قرار خواهد داد (توکلیان، سینایی، ۱۳۹۷: ۶۲).

جدول ۲: اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی (نگارندگان)		
اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی		
حق بر شفافیت	اصل حق بر حکمروایی کرامت‌محور	اصل ذی حق بودن شهروندان
حق بر پاسخگو بودن		
حق بر مشارکت		
حق بر عدم تبعیض		
حق معلولین	اصل همه‌شمولی در شهرسازی	
حق سالمندان		
حق زنان		
حق کودکان		

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مفهوم کرامت، نه فقط در شهرسازی؛ بلکه در فلسفه سایر علوم نیز مفهومی پیچیده و پراهمیت است. بررسی دیدگاه‌های

پی‌نوشت‌ها

1. Dignity in the 21st Century Middle East and West by Doris Schroeder.
۲. البته از بین مقالات با این موضوع می‌توان به مقاله «مقدمه بررسی جایگاه کرامت انسانی در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی اسلامی» تألیف اکبر کیانی و احمد رئیسی اشاره کرد که از نظر نگارنده در تحلیل مفهوم کرامت و برقراری ارتباط بین آن و شهرسازی به نتیجه جدیدی دست نیافته‌اند.
3. Dignity by Design.
4. The Institute for Human Rights and Business (IHRB).
5. Nora Jacobson.
6. <https://www.etymonline.com/search?q=dignity>
۷. و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بز و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.
۸. ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمايند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.
9. John Rawls Theory of Justice.
۱۰. هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است.
11. Community, Social Equity and the Common Good.
12. Planners.
13. Investors and Developer.
14. Owner.
15. Construction an Engineering.
16. Architects and Designers.
17. Protect, Respect, Remedy.
18. Human Dignity and Social Dignity.
19. Inclusive city.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۴)، **سارتر که می‌نوشت**، چ ۵، تهران: نشر مرکز.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، «**کرامت انسان و آزادی در قرآن**»، بینات، شماره ۵۳، ۱-۳۶.
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۳)، **فلسفه حق ملکیت**، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تقوایی، علی اکبر، تاجدار، رسول (۱۳۸۸)، «**درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی**»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، ۴۵-۵۸.
- توکلیان، فائزه، سینایی، نسترن (۱۳۹۷)، «**بررسی تطبیقی حقوق کودکان در شهرسازی ایران و جهان**»، نخبگان علوم و مهندسی، دوره ۳، شماره ۱، ۶۲-۷۸.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، «**حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب**»، چ ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۷)، **پیام خرد**، چ ۱، تهران: موسسه کرامت.
- جلیلی، تورج، جهان نژاد، عارف، بهشتی اصل، یونس، جهانپانی پور، پژمان، «**بررسی نقش طراحی در بیمارستان از لحاظ روانشناختی**»، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، تیر ۱۳۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، **فلسفه حقوق بشر**، چ ۶، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹)، **کرامت در قرآن**، چ ۳، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حبیب زاده، توکل، فرج پور اصل مردندی، علی اصغر (۱۳۹۵)، «**کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون**
- اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن**»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۱۵-۱۳۷.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۰)، **شهرسازی: تخیلات و واقعیات**، چ ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- حکیم، محمدباقر (۱۳۸۷)، **جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم**، ترجمه: موسی دانش، چ ۱، مشهد مقدس: بنیاد پژوهشهای اسلامی خاتمی، مهدی (۱۳۹۸)، «**باز اندیشی در مفهوم شهر اسلامی؛ تحلیلی پیرامون برداشت های مختلف از مفهوم شهر اسلامی و تبیین ضرورت خوانش اخلاقی**»، نقش جهان، دوره ۹، شماره ۷، ۱۵۷-۱۶۶.
- دادگر، یدالله، آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۸۸)، «**بررسی و نقد مبانی معیار عدالت اقتصادی رالز**»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال ۹، شماره ۳۵، ۳۷-۶۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، **فرهنگ متوسط دهخدا**، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، چ ۱، بیروت: دارالعلم.
- رفعیان، مجتبی، الوندی پور، نینا (۱۳۹۴)، «**مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی**»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، ۲۵-۴۷.
- گرچی ازندریانی، علی اکبر، شیرازد نظرو، زهرا (۱۳۹۷)، «**جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری**»، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، ۱۳۷-۱۶۳.
- فنی، زهره، احمدی، لیلا (۱۳۹۹)، «**زنان و جست‌جوی حق به شهر در پیاده‌راه‌های جنسیتی (مورد مطالعه: منطقه ۶ شهرداری تهران)**»، توسعه اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۱، ۷۱-۱۰۰.

لطفی، صدیقه (۱۳۸۸)، «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری»، جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۴، ۶۵-۸۰.

مدنی‌پور، علی (۱۳۸۵)، «شهرسازی فراگیر»، همایش ملی مناسب سازی محیط شهری، ۱-۱۶.

مشایخی راد، شهاب الدین (۱۳۸۸)، **کرامت انسان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله**، چ ۱، قم: طه.

المصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، چ ۱، تهران: نشر وزارت ارشاد.

معینی، مهدی (۱۳۹۵)، **شهر همگان**، چ ۱، تهران: آذرخش.

موحد، علی، کمانرودی، موسی، ساسانیور، فرزانه، قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۴)، «بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۷، ۱۴۷-۱۷۶.

وارنوک، مری (۱۳۹۵)، **اگزستانسیالیسم و اخلاق**، چ ۳، تهران: ققنوس.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۹)، **تضاد دولت و ملت در ایران**، چ ۷، تهران: نشر نی.

شریف کاشانی، ملاحیب الله (۱۳۸۴)، **اسماء الله الحسنی**، مترجم و شارح: محمد سول دریایی، چ ۱، تهران: صائب.

شفایی، امان الله (۱۳۹۸)، «جایگاه کرامت انسانی در جامعه آرمانی قرآنی»، حکومت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۹۱، ۱۶۸-۱۹۳.

شکوهِ بیدهندی، محمد صالح، مطهر، رضا (۱۳۹۹)، «ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرا امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری نوسازی شهری؛ مورد پژوهشی: راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع تهران»، پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۸، شماره ۲۶، ۶۳-۸۱.

شهبازی، مهدی، جلالی، مریم (۱۳۹۱)، «تأثیرپذیری منبع قاعده ی حقوقی از منشأ الزام آوری قاعده ی حقوقی»، حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۷، ۹۹-۱۳۳.

شیعه، اسماعیل (۱۳۹۰)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری**، چ ۲۹، تهران: مرکز نشر دانشگاه علم و صنعت.

صدر، موسی (۱۳۹۰)، **برای زندگی**، مترجم: مهدی فرخیان، چ ۱، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا)، **تفسیر المیزان**، مترجم: موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.

Bayerts, Kurt (2012), *Sanctity of Life and Human Dignity*, 3rd Ed, London: Kluwer Academic Publishers.

Cicero, Marcus Tullius (2015), *De Officiis*: (English Edition), London: William Heinemann.

Dillon, Robin S. (1995), *Dignity, Character, and Self-respect*, 2nd Ed, New York: Routledge.

Doyle, Tsarina (2018), *Nietzsche's Metaphysics of the Will to Power: The Possibility of Value*, 1st Ed, Cambridge: Cambridge University Press.

IHRB (The Institute for Human Rights and Business) (2019), *Dignity by Design*, Eastbourne: The Institute for Human Rights and Business.

Jacobson, Nora, Vanessa, Oliver, Koch, Andrew (2009), *"An urban geography of dignity"*, Health & Place, Vol: 15, 725-731.

Killmister, Suzy (2010), *"Dignity: not such a useless concept"*, Journal of Medical Ethics, Vol. 36, No. 3, pp. 160-164.

Levitas, Ruth (1990), *The Concept of Utopia*, 1st Ed, Hertfordshire: Syracuse University Press.

Machiavelli, Niccolò (1903), *The prince*, Translator: Luigi Ricci, 1st Ed, London: Grant Richards.

Macklin, Ruth (2003) *Dignity is a useless concept*. BMJ

(Online Article), 327:1419-1420

Malpas, Jeff, Lickiss, Norelle (2007), *Perspectives on Human Dignity: A Conversation*, 2nd Ed, Ebook: Springer.

Mannheim, Karl (1991), *Ideology and Utopia*, 3rd Ed, New York: Routledge.

Mohseninia, Zeinab (2014), *"Evaluating the Physical Functional Indicators Affecting Women's Safety in Urban Spaces (Case study: Shahrin Area 5th Region, Tehran)"*, Journal of Civil Engineering and Urbanism, Volume 4, Issue 4: 467-473.

Soulen, R. Kendall, Woodhead, Linda (2006), *God and Human Dignity*, 1st Ed, Michigan: Eerdmans Publishing.

Talen, Emily (2002), *"The social goals of new urbanism"*, Housing Policy Debate, Vol: 13, 165-188.

Talen, Emily (2008), *"New Urbanism, Social Equity, and the Challenge of Post-Katrina Rebuilding in Mississippi"*, Journal of Planning Education and Research, Vol 27, Issue 3, 277- 293.

Tristan, Karsnitz (2017), *"Dignity and Urbanization in Bhutan"*, Delaware Law, Online Issue in <https://delawarelaw.widener.edu/files/resources/tkarsnitzdignityandurbancenters.pdf>.

تبیین متن‌گونی و روابط میان متن در معماری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۴

امیرمسعود دباغ*، داراب دیبا**، محمد ضمیران***

چکیده

متن و متن‌گونی، در تمام زمینه‌هایی که مخاطب با خوانش پدیده‌ها مرتبط بوده، جاریست. مخاطب در خوانش پدیدارهای اجتماعی (مانند معماری)؛ با محصولی چندوجهی و چندمتنی و فاقد معنای غایی مواجه می‌شود که آن محصول دربردارنده مجموعه‌ای از معانی و قرائت‌هاست. در این مقاله، متن و متن‌گونی در معماری تبیین شده و خوانش متن از منظر ساختارگرایانه و پساساختارگرایی تشریح داده شده و مورد قیاس قرار گرفته‌اند و درنهایت باتوجه به ماهیت چندآوایی متن و روابط چندمتنی، به مصادیق هریک در حوزه معماری اشاره شده و خصوصیات متنیّت در معماری مورد بررسی قرار گرفته‌است. معماری از لایه‌های متعددی از معنا تشکیل شده و مخاطب با توجه به جایگاه اجتماعی و سطح شناخت خود، به معناسازی برای متن هر طرح معماری می‌پردازد. معانی در لایه‌های طرح شناورند و به صورت استعاری، کنایی، بازتابی، دگرگون، ناکرانمند و باتوجه به زاویه دید مخاطب از لایه‌ای به لایه دیگر می‌پرند و گستردگی معنای طرح را ممکن می‌سازند.

*استادیار معماری و شهرسازی سوره، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

dabagh@soore.ac.ir

**استاد دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، ایران، تهران

***دانشیار، دکترای فلسفه هنر، دانشگاه ام‌ای‌تی، آمریکا، ماساچوست

مقدمه:

ساخت‌آفرین است. پس می‌تواند یک متن را در چارچوب ساختار خود دگرگون نماید.

- ثالثاً: کارکرد هر ساختار وابسته به روابط صوری و درون ساختاری است و جز به ساختار تعریف شده خود به چارچوب دیگری رجوع نمی‌کند.^۱

- رابعاً: ساختار پدیده‌ای انسان‌محور و وابسته به ذهن انسان و جهان‌شمول می‌باشد. (Internationalism)

در خوانش ساختارگرا از متن، باید در یک لحظه هم ساختار و قواعد متن را بشناسیم و هم نشانه‌ها را دریابیم و در واقع دلالت و معنا را همزمان برداشت می‌کنیم.^۲ در این نگرش هر متن به صورت یک نظام بوده و از طریق پیروی الگویی ساختاری شکل گرفته‌است و نه محتوای معنایی.^۳ پس شکل عناصر یک متن و رابطهٔ آنها بایکدیگر مهمتر از محتوای خرده ساختارها و یا معنای متن می‌باشد. البته دسته‌ای از ساختارگرایان معتقدند متن علاوه بر نظام و ساختار شکلی، دارای ساختار معنایی است چنانکه متن را پدیدار دارای پیوستگی و انسجام معنایی، تلقی می‌کنند.^۴ باین وجود، پایه گذاران اصلی ساختارگرایی به دلیل آنکه مبنای اندیشه خود را بر روی برتری شکل بر محتوا انگاشته‌اند و چندان بر پیوستگی معنای یک متن تأکید نداشته و بیشتر بر روی ساختار شکلی متن مَصَر بوده‌اند.^۵ علاوه بر سوسور و اشتراوس، رومن یاکوبسن نیز بر کل نظریه ساختارگرایی مؤثر بوده است. او شش عامل را درهرمتن یا هر مدار ارتباطی انسانی یا دلالت‌های زبانی و غیر زبانی دخیل می‌دانست: (Jakobson, 1960, 60)

- فرستنده پیام (مؤلف متن) Addresser

- گیرنده پیام (مخاطب متن) Addressee

- پیام متن Message

در هر کنش ارتباطی و یا ارتباط بینانسانی همواره درحال تولید متن هستیم. معماری، فضای شهری، تابلوی نقاشی، پوشاک، موسیقی، هر کدام به عنوان یک متن به مخاطب خاص خود (خواننده یا تأویلگر متن) ارائه می‌شوند. بنابراین به پدیده‌های اجتماعی نباید نگاهی ظاهری و گذرا داشت بلکه آنها را همچون متن باید واجد معنا و پیام تلقی نمود. مخاطب در مواجهه با هر پدیده اجتماعی، قصد برقراری ارتباط و دریافت مفهوم و یا پیام آن را داشته و به همین منظور، متن را مورد ((خوانش)) قرار می‌دهد. هر متن (مانند معماری) محصول یک فرآیند تولیدی است که از برهم‌کنش آموزه‌ها، ایده‌ها و برداشت‌های محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شدن با آن، سعی دارد پیام متن را دریافت نموده و یا با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش متن پرداخته و برای آن معنا بسازد.

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان از دو دیدگاه متن را مورد خوانش قرار داد:

الف) خوانش متن از طریق دیدگاه ساختارگرا؛

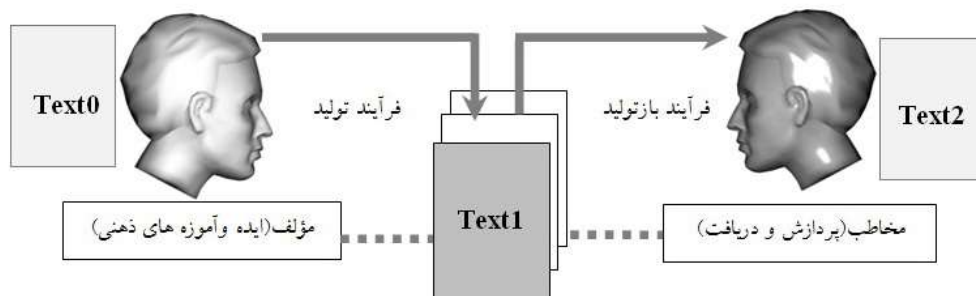
ب) خوانش متن با دیدگاه پساساختارگرا.

خوانش متن از نظر ساختارگرایی:

((ساختارگرایی)) (structuralism) یک روش جهت بررسی و خوانش پدیده‌های اجتماعی است و افرادی چون سوسور، اشتراوس، یاکوبسن در شکل‌گیری این روش مؤثر بوده‌اند. به‌طور کلی ساختارها دارای خصوصیات زیرند:

- اولاً: ساختار دارای کلیتی نظاممند است.

- ثانیاً: ساختار به صورت پویا و خودتعریف و خودتنظیم



شکل (۱) تولید و بازتولید متن

است و نظام بنیادین متن را شکل می‌دهد.

۴. هر متن یک قانون و نظام واحد را نمایش می‌دهد.

۵. هر متن دارای رمزگانی در درون خویش است که ساختار آن به این رمزگان انسجام می‌بخشد.

۶. مخاطب روابط و قوانین درونساختی متن را کشف کرده براساس آن متن را بازخوانی می‌نماید.

۷. روابط بین عناصر متن، رمزگان متن را معتبر شناخته و به رمزگشایی متن می‌انجامد.

۸. پیام هر متن به وسیلهٔ رمزگشایی این رمزگان به مخاطبان منتقل می‌شود.

۹. نظام و ساختار متن، انسان‌محور و واجد قوانینی همه‌زمانی و همه‌مکانی (جهان‌شمول) است.

۱۰. ساختارگرایی نگاه هم‌زمانی^۷ به متن داشته و متن را به‌طور ((در زمان)) مورد خوانش قرار نمی‌دهد. یعنی به وجوه تاریخی، فرهنگی، قومی، و بومی متن کاری ندارد و تنها به دنبال قواعدی کلی است که در همه جا و همه زمان صادق باشد.

خوانش متن از دیدگاه پساساختارگرایی:

در نگرش پساساختارگرا، اندیشه‌های ساختار محور، مورد چالش قرار می‌گیرد و متن به قلمرویی جهت‌بازی معانی بدل می‌شود. معنا صرفاً مفهومی نیست که از ساختار اقتباس شود در نتیجه معنای متن مفهومی یکتا و قطعی نیست بلکه به‌طور نسبی بوده و متن گستره‌ای برای معناهای کثیر و شناور ایجاد می‌نماید. در این نگرش معنا، همواره مَبْشِ تأخیری و تعلیقی دارد. معنا چون چشمه‌ای جوشان همواره از دل متن تراوش می‌کند و امکان خوانشهای متفاوت در بستر متن فراهم می‌شود. پس پساساختارگرایان معنا را مفهومی سیال، پویا و ناپایدار دانسته که مخاطب در مواجهه با متن و در راستای جستجوی معنا، متن را بازخوانی می‌کنند و آنرا دوباره می‌نوازند و به بازی با آن می‌نشینند.^۸ در این نگرش، متن مفهومی چند لایه است که مخاطب با توجه به زمان خوانش، جایگاه اجتماعی خود، زاویه دید خود، چگونگی برخورد و دستیابی با نشانه‌های درونی، به دریافت معنا دست یافته و به بیان بهتر به معناسازی متن می‌پردازد. اندیشمندانی چون نیچه، هایدگر، ریکور، گادامر، کریستوا، دریدا، بارت در تألیفاتشان مفاهیم متن لایه‌ای، دور هرمنوتیکی، بازی نشانه‌ها را ارائه داده‌اند. دیدگاه پساساختارگرا، هر متن را در ارتباط با

- زمینه و بستر پیام Context

- رمزگان انتقال دهنده پیام Codes

- رسانه انتقال دهنده پیام (کانال ارتباطی پیام) Contact

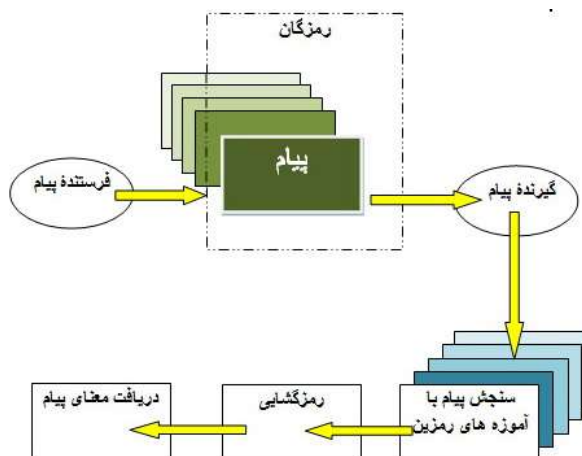
معمار مجموعه‌ای از پیامهای ذهنی خود را به مخاطبانش ارائه می‌دهد، گیرندگان، پیام را با توجه به بستر و پیوندهای محیطی، اجتماعی، فرهنگی طرح معماری و با عنایت و استفاده از آموزه‌های رمزین خود، رمزگشایی (decoding) می‌کند. هر متن حامل پیامی مستقل از فرستنده و گیرنده آن و در برگیرنده مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. این نشانه‌ها توسط مؤلف رمزگشایی شده و مخاطب آنها را با استناد به قراردادهای اجتماعی و به کمک روابط رسانه‌ای رمزگشایی می‌کند (Chandler, 2009, 3). ((فردینان دوسوسور)) معتقد است یک نظام زیربنایی از قراردادهای و تمایزات در فرآیند دلالتی انسان وجود دارد و به دلیل روشن بودن ماهیت اختیاری و قراردادی نشانه‌های زبانی، زبان‌شناسی را الگویی برای نشانه‌شناسی در نظر می‌گیرد. او نشانه‌های غیر زبانی را نیز تابع قراردادهای اجتماعی دانسته و کلیهٔ کنشهای بین‌انسانی را درچارچوب قوانین و مناسبت‌های اجتماعی واجد اعتبار می‌داند.^۹ در خوانش ساختارگرایی هر متن، موارد ذیل لحاظ می‌شود:

۱. مخاطب، سعی در کشف روابط ناخودآگاه و موجود در

زیرساخت متن دارد.

۲. جایگاه هر عنصر، نسبت به رابطه‌اش با سایر عناصر سنجیده می‌شود.

۳. روابط بین عناصر هر متن، سازندهٔ یک ساختار کلی



شکل ۲) عوامل مؤثر در ارتباط بین‌انسانی، مدلسازی از نگارندگان

ناخودآگاه متن را بشکافیم.^{۱۰} و هیچ متنی مستقل از سایر متون وجود ندارد، هر متن تداعی کنندهٔ متون پیشین و درآمدهای به سوی متون دیگر است. هر متن وسیلهٔ زنجیره‌ای از دالهای بر روی محور زمان در حرکت است. ژولیا کریستوا نیز معتقد است یک متن خود از برهم‌کنش و برآیند چند نظام نشانه‌شناختی متفاوت شکل گرفته است.^{۱۱} پس در بدو خلقت یک متن، چند متن با نظامهای متفاوت بر یکدیگر متقارب می‌شوند در نتیجه در زمان خوانش آن نیز با چند متن و به عبارتی با مفهومی میان متنی روبرو هستیم. به اعتقاد کریستوا هر متن از دو محور اصلی تشکیل شده است:

- الف) محور افقی (Horizontal Axis) محوری که مؤلف را به

سایر متون قابل شناخت و بررسی می‌شمارد و روشها و روابط میان‌متنی (intertextuality) را مطرح می‌نماید به‌طوریکه مخاطب در مواجهه با هر متن، به یک شبکه اجتماعی- فرهنگی، تاریخی برمی‌خورد. این دیدگاه پدیده‌های بین‌انسانی را به صورت میان رشته‌ای (interdisciplinary) مورد قرائت قرار می‌دهد. پساساختارگرایی، خودپایندگی متن را به چالش کشیده و دریافت مضامین متن را، مبتنی بر مفاهیم فرامنتی می‌داند. رولان بارت معتقد است یک متن محصول نیروهای اجتماعی- فرهنگی و تاریخی مخصوصی است که با دقت در بافتارش و رابطهٔ آن با سایر متون می‌توان به گوهر آن دست یافت.^۹ دریدا معتقد است به منظور دستیابی به معنای متن باید

شاخصه‌های خوانش در تفکر ساختارگرا و پساساختارگرا	نگاه ساختارگرا به طرح معماری (خوانش ساختارگرا)	نگاه پساساختارگرا به طرح معماری (خوانش پساساختارگرا)
ماهیت طرح معماری	ماهیت مطلق و واحد (نیوتنی)	ماهیت نسبی و متکثر (ایشتی)
نوع نگاه به طرح معماری	نگاه پدیدارشناسیک، خوانش وضع موجود به دنبال ساخت حضوری طرح معماری	نگاه روش شناختی، توجه به فرآیند تولید و فرآیند خوانش، خوانش فرآیندی، به دنبال ساخت غیابی طرح معماری
مالکیت طرح	مؤلف (معمار محور)	مخاطب (تأویل گر محور)
ساختار و شاکله طرح	همبستگی سکانسهای مختلف	همبستگی لایه های متفاوت
شکل گیری طرح	خطی، ایجاد ارتباط بین عناصر طرح به صورت خطی	شبکه ای، گسترده شدن یک نقطه به صورت شبکه بی انتها
دریافت معنای طرح	وجود معنای واحد در طرح و دریافت همان معنا طرح به طور تک صدایی، وجود مدلول متعالی	وجود معنای سیال، بازی دالهای موجود در طرح و ایجاد کنش تأخیری، طرح به صورت چند آوایی
مکانیت طرح	محدود به مکان، یکتایی طرح (طرح ساختاری بسته دارد)	عدم وابستگی به مکان، طرح قابل انتشار و گسترش است (ساختار طرح باز است)
عنصر زمان در طرح	زمان به صورت لحظه ای و فیزیک شده	زمان به صورت تکاملی
موضوعیت طرح	کارکردی	بازی و بازتولید طرح به وسیله مخاطب
نگاه متن گونه به طرح	متنیت ثابت	چند متنیت، فرامنتیت، بینامتنیت

مقایسه خوانش ساختارگرا و پساساختارگرا در معماری

مخاطب پیوند می‌دهد.

- ب) محور عمودی (Vertical Axis) که متن را به سایر متون مربوط می‌سازد. (Kristeva, 1980, 69-70)

پس متن، ضمن آنکه از بافتن لایه‌های متعدد معنایی تشکیل شده خود نیز از طریق روابط بینامتنی در یک بافتار معنایی جای دارد.^{۱۲} هر متن ضمن دارا بودن روابط ((درون بافتی)) به صورت ((برون بافتی)) با سایر متون در ارتباط بوده و یک بافتار را به وجود می‌آورد. بنابراین هیچ مرزی در آن وجود نداشته و بسان گره (node) کوچک از یک شبکه (بافتار) عظیم است.^{۱۳} به عبارت دیگر، مخاطب به جای یک متن، با مفهومی ((چندمتنی)) روبرو می‌گردد. ((برداشت‌های متعدد و با نگاهی بینامتنی و منتقدانه نسبت به یک متن، مفهوم "چندمتنی" را به وجود می‌آورد.))^{۱۴} عبارت "چندمتنی" به کلیه روابط آشکار و پنهان بین یک متن با سایر متون اطلاق می‌شود.^{۱۵} در نگرش ساختارگرا متن به عنوان جزئی از بافت انگاشته می‌شود به‌طوریکه بافت جایگاهی کلان داشته و متن عضوی از مجموعه آن تلقی می‌شود در نتیجه متن به عنوان کانون معنا بوده و بافت به صورت بستر و زمینه برای خوانش متن مطرح است. اما در نگاه پس‌ساختارگرا، ماهیت متن در وجود بافت تحقق یافته و بافت به‌طور مستمر متن را می‌آفریند. یعنی بافت ساختاریست که از چندین متن شکل یافته و معنا و مفهوم هر متن با توجه به جایگاه آن در بافت و رابطه آن با سایر متن‌ها قابل دریافت است. به‌طور کلی متن و بافت در یک بستر معنایی می‌زیند، برهم تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند یعنی متن شالوده بافت بوده و بافت گسترش یافته متن است. به عبارت دیگر متن به دلیل خاصیت لایه‌ای بودنش خود یک بافتار بوده و بافت به دلیل انسجامش خود یک متن است. یعنی متن و بافت دارای یک هویت هستند. خصوصیات زیر را در مورد رابطه بین متن و بافت در نظر گرفته می‌شود:^{۱۶}

- الف) متن یک ساختار چند وجهی دارد. یک متن از همبافتگی ((اندیشه‌ها و تصورات و خیالها))، ((عناصر صوری و از جنس متن)) و ((روابط بین‌انسانی))^{۱۷} تشکیل شده است. این خصوصیت به صورت مشترک هم درون متن بوده و هم مربوط به گُنش‌ها و روابط درونبافتی می‌باشند.

- ب) هر متن، با توجه به جایگاه خود در بافتار پیرامونش معنا می‌یابد. زمینه شکل‌گیری و بستر بافت.^{۱۸} فحوا و صدای درون بافت،^{۱۹} سبک و خصیصه ظاهری بافت.^{۲۰} و حتی

آرمان‌ها و ایده‌آلهای بافت، تأویل و معنا سازی متن را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

- ج) هر متن به دلیل وجود روابط بینامتنی با سایر متون بافت در ارتباط بوده و فرآیند معناسازی متن نیز از همین طریق صورت می‌پذیرد. پس هر گونه استنباط و برداشت از یک متن، با توجه به رابطه آن با سایر متون بافت، میسر می‌شود.

- د) روابط برون متنی و درونبافتی، موجب ارتباط معناساختی در درون یک بافتار است. تمام ارکان یک بافت درون مجموعه‌ای واحد خدمت می‌کنند و هدفشان انتقال مفاهیم درون بافتار است.

متن‌گونگی در معماری

معماری همواره مانند هر وسیله ارتباط جمعی بسان یک متن انگاشته شده که مخاطبان به دنبال خوانش و برقراری ارتباط با آن هستند. با توجه به نحوه نگرش تأویلگر، برداشت‌های متفاوتی از طرح معماری به دست می‌آید. برداشت‌های کلاسیک به دنبال مدلول متعالی برای هر متن بوده و مخاطب را در مسیر کشف معنا می‌پندارند. در نگرش ساختارگرا، طرح معماری مانند زبان از هم‌نشینی اجزای مختلف شکل گرفته و عناصر طرح مانند کلمات ضمن داشتن ارزش‌ها و نقش‌های جداگانه، یک مفهوم کلی را به مخاطب انتقال داده و مخاطب به دنبال کشف آن مضامین است. درحالیکه در نگرش پس‌ساختارگرا، تأویلگر با غور در لایه‌های متعدد طرح، و دریافت روابط متن‌گونه طرح، به معناسازی برای آن می‌پردازد.^{۲۱} در ابتدا مخاطب با توجه به لایه ابتدایی طرح و با استناد به دریافت نشانه‌های حسی آن، با متن طرح ارتباط برقرار می‌کند. سپس از طریق روابط نظام‌دهنده، ساختار طرح را مورد استنتاج قرار داده و به نمایه‌پردازی طرح می‌رسد. درنهایت مخاطب از طریق دریافت‌های اجتماعی و فرهنگی و الگوها و پیوندهای محیطی به دنبال تأویل و معناسازی متن طرح است.^{۲۲} به بیان دیگر، در برداشت ساختارگرا، مخاطب به دنبال کشف معنای اصیل متن بوده درحالیکه در نگرش پس‌ساختارگرا تأویلگر، معتقد به معنای سیال و معناسازی متن است. درجدول زیر طرح معماری در دیدگاه ساختارگرا و پس‌ساختارگرا را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.^{۲۳}

چنانچه "آفرینش حقیقت متن به وسیله مخاطب"^{۲۴} توسط نیچه و "دور هرمنوتیک و طرح اندازی مخاطب"^{۲۵} توسط هایدگر و "برداشت دموکراتیک و به اشتراک گذاشتن تجربه‌های

محیطی، شهری و به‌طور کلی بناهای اطراف و در برگیرندهٔ طرح نیست. بلکه منظور از بافت یک طرح معماری، شبکه‌ای است که به صورت ملموس (مانند بافت شهری و پیرامونش) و یا ناملموس (شبکهٔ اجتماعی- فرهنگی و فرامتنی) امکان خوانش طرح مورد نظر ما را فراهم می‌آورد. منظور از بافت یک طرح معماری لایه‌های درون متنی و یا فرامتنی و بینامتنی یک طرح و رابطه‌ای است که طرح مورد نظر با طرح‌های مقدم بر خود و یا اندیشه‌های شکل دهنده آن برقرار می‌نماید. به‌طور کلی به دلیل قرابت معنایی مفهوم متن و بافت، در مواجهه با هر طرح معماری با یک مفهوم



www.tschumi.com/projects/delavilletteparc

تصویر (۲) پارک لاویلته: چومی



<http://siteenviroidesign.com/projects/qatar>

تصویر (۳) موزه هنر اسلامی قطر: گروه سایت

مخاطبان برای فهم متن^{۲۶} توسط گادامر و "برآیند فهم متن و میانجی بین جهان متن و جهان مخاطب" توسط ریکور در راستای معنای سیال و معنا سازی مخاطب شکل گرفته‌اند. دریدا نیز معتقد به معنای سیال و تأخیری است. او گراماتولوژی^{۲۷} را به عنوان علم متنتیت^{۲۸} مطرح می‌نماید که نشانه را دگرگون کرده و از بیانگری ذاتیش دور می‌نماید. ((گراماتولوژی دریدا)) یک ((نشانه‌شناسی ناپیانگر)) و صرفاً مبتنی بر، دلالتگری و بازیگری نشانه‌هاست. یعنی هیچ نشانه‌ای نمی‌تواند در یک متن حاضر باشد مگر با اشاره به نشانه‌ای دیگر، در نتیجه هر نشانه براساس یک رد پا^{۲۹} به نشانه دیگر متصل می‌شود و به طورزنجیره‌وار و از درهم‌تنیدگی نشانه‌ها، یک بافتار، از طریق دگرگونی متن اولیه، به وجود می‌آید. دریدا این شبکه را ((گرام)) نامید.^{۳۰} "آیزمن" نگاه متن‌گونه به معماری و توجه به ایجاد روابط بینامتنی در گراماتولوژی دریدا را، در مرکز فرهنگی "وکسنر" مطرح کرد. لایه‌های تاریخی، ساختمان‌های موجود، طرح جدید، فضاهای بینابین، بینامتنیت در معماری را ایجاد می‌کنند.^{۳۱} در این طرح، معماری مانند یک متن واسطه، شبکه‌ای از معانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^{۳۲} ویا "چومی" در "پارک لاویلته" متنی چندلایه و چندصدا را از طریق ترکیب "فولیها" با ساختمان‌های موجود ایجاد کرد. "گروه سایت"^{۳۳} نیز زبان معماری خود را به صورت چندمتنی و مرکب از سیستم‌های ارتباطی، علوم طبیعی، محیط زیست و انرژی، اطلاعات اجتماعی معرفی می‌کنند.^{۳۴} به‌طور کلی انتقال و دریافت مفاهیم هر طرح معماری با توجه به بافتار آن میسر است. منظور از بافتار طرح معماری لزوماً بافت



<http://archinect.com/eisenman-s-wexner-center>

تصویر (۱) مرکز فرهنگی وکسنر: آیزمن

انواع رابطه چندمتنی در معماری: (روابط درون متنی و فرامتنی در طرح معماری)

می‌توان روابط چندمتنی زیر را برای هر طرح معماری متصور شد:

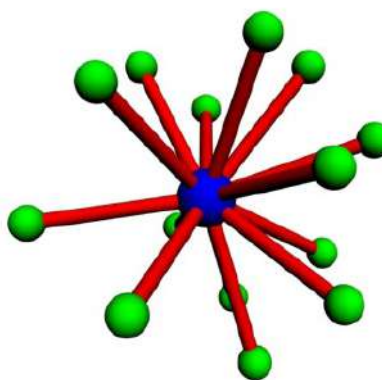
الف) رابطه میان متنی در درون هر طرح (Intertextuality): هر طرح معماری یک مفهوم چندوجهی و چندمتنی است. هیچ طرحی ابتدا به ساکن وجود نداشته و اقتباسی از طرحهای پیشین است چرا که معماری یک پدیده تألیفی بوده و معمار به عنوان مؤلف با نگاه تلمیحی، به طرحهای دیگر اشاره داشته و طرح جدید، تألیفی از طرحهای پیشین است. (مانند: اشاره ویلا ساوا به پارتنون)

ب) روابط پیرامنتی در پیرامون هر طرح (Paratextuality): (رابطه متن با متنهای پیرامونش): ارتباطی که یک طرح معماری به‌طور شکلی با ساختمانها و طرحهای مجاورش

متن گردان (Transtextuality) مواجه هستیم. با توجه به مراتب مطرح شده، هنگامی که یک طرح جدید معماری خلق می‌شود عملاً یک گره جدید در دل بافتار اندیشه طراحی معماری به وجود می‌آید. این گره با گره‌ها و متنهای از پیش موجود و حتی آینده خود رابطه‌ای هم‌جنس (رابطه یک طرح با طرحهای معماری) و با متنهای و اندیشه‌ها و ایده‌های غیر معماری ارتباطی غیر از جنس معماری دارد. (مانند رابطه ای که یک طرح معماری با مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی برقرار می‌کند). یعنی همانند یک متن ادبی، یک طرح معماری به‌طور یک "متن گردان" عمل نموده و دارای روابط "میان متنی"، "پیرامنتی"، "سرمتن"، "فرامنتی" و "پی متنی" می‌باشد که در ادامه به تبیین آنها در زمینه معماری می‌پردازیم.^{۳۵}



www.lasescapadas.com/fondos/fondo/el-partenon



شکل ۳) رابطه هر متن با متون دیگر



www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-savoye

تصویر ۴و۵) تأثیر ویلا ساوا از پارتنون



www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-savoye

تصویر ۴و۵) تأثیر ویلا ساوا از پارتنون



زایش کنسولگری انگلیس در دهلی نو
www.charlescorrea.net



زایش کنسولگری انگلیس در دهلی نو
www.charlescorrea.net



هماهنگی، روستای گرناای جدید با محیط
www.hassanfathy.webs.comgourna-e.htm



هماهنگی، روستای گرناای جدید با محیط
www.hassanfathy.webs.comgourna-e.htm



تصویر ۱۰ و ۱۱ (۱۲ و ۱۱) دفتر فرح دیبا، فرهنگسرای نیاوران، موزه هنرهای
 معاصر طراح: کامران دیبا
www.kamrandiba.com/index.php



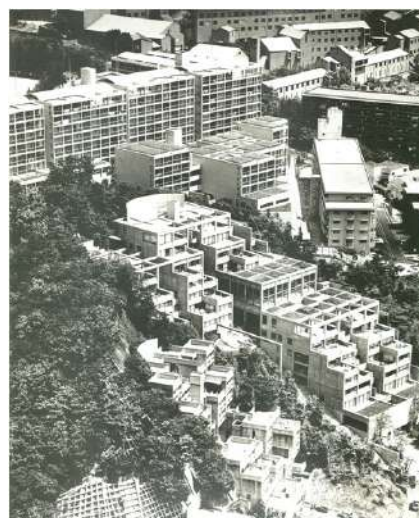
تضاد موزه Kunsthaus-Graz با بافتار پیرامونش
www.schwarzaufweiss.de/oesterreich/graz-reisefuehrer
 تصاویر ۸، ۹، ۷) زایش، هماهنگی، تضاد با بافت

برقرار می‌نماید ارتباط پیرامنی است. (مانند: رابطهٔ ساختمان ژرژپمپیدو با بناهای مجاورش)

ج) رابطهٔ کالبدی بافت با متن مورد خوانش (Architextuality):
رابطهٔ کالبدی بافت با متن: هر طرح جدید وقتی خلق می‌گردد می‌تواند به سه روش ((هماهنگی، تضاد، زایش)) با بافتار محیطی و یا سایر متون موجود رابطه برقرار نماید.^{۳۶}

د) روابط فرامتنی هر طرح در ارتباط با بافتار (Metatextuality):
خوانش هر طرح جدید از طریق ارتباط آن به‌طور صریح و یا ضمنی با سایر طرحهای موجود در بافت شهری و یا خارج از آن بافتار میسر است. به عبارت دیگر زمانی که طرح جدید را مورد قرائت قرار می‌دهیم، عملاً به ارتباط آن طرح با سایر طرحهای موجود در بافت و حتی به ارتباط شکلی و ماهیتی آن با طرحهای فراتر از بافت مورد خوانش، دقت نظر داریم.

ه) روابط پی‌متنی در بافتار هر طرح: (Hypertextuality):
امکان دارد طرحهای جدیدی و مشابه با طرح ما در بافتار شهری وجود داشته باشند و عملاً طرح جدید ما پاسخی دوباره به بافت باشد و در پی طرحهای جدید دیگر به بافت پیوسته باشد. در نتیجه طرح مذکور در پی طرحهایی دیگر با بافت به گفتگو خواهد نشست.^{۳۷}



www.greatbuildings.com/buildings/Rokko_Housing_One.html

تصویر ۱۵) مسجد دانشگاه تربیت مدرس، بازتابنده عناصر معماری اسلامی

www.khomool.ir/khomool_contentmediaimage

تصویر ۱۴ و ۱۳) مجتمع مسکونی روکو (۲ و ۳ با تأخیر زمانی در کنار هم با بافت گفتگو دارند (Ando, 2000, 80-81)

خصوصیات چندمتنی در معماری

به‌طور کلی هر طرح معماری به عنوان یک متن جدید وقتی به کتاب جهان معماری اضافه می‌شود و یا از آن انتخاب شده و مورد خوانش قرار می‌گیرد خصوصیات چند متنی زیر را دارا است: (شبکه‌ای از لایه‌های متعدد معماری و فرامعماری در خوانش یک طرح وجود دارد و طرح مورد نظر به عنوان یک نقطه از شبکه مذکور بوده و با سایر نقاط ولایه‌ها روابط یاد شده را برقرار می‌نماید.) این روابط دارای خصوصیات زیر هستند:^{۳۸}

الف) خصوصیت بازتاب (Reflexivity): یک طرح معماری می‌تواند با روشی جدید بازتابندهٔ طرحی دیگر و یا عناصر موجود در طرح‌هایی دیگر باشد. (مانند مسجد دانشگاه تربیت مدرس که بازتابانندهٔ عناصر معماری اسلامی است.)

ب) خصوصیت دگرگونی (Alteration): ارائهٔ طرحی جدید متفاوت با راه‌حلهایی که طرح‌های مشابه تا امروز ارائه داده اند. (مانند طرح‌های خلاق فرانک گری)

ج) خصوصیت صراحت و اشاره مستقیم (Explicitness): یک

طرح معماری می‌تواند مانند یک نقل قول مستقیم به طرحی دیگر اشاره نماید و به قسمتی و یا تمامی شکل و یا فضای طرح مقدم بر خود اشاره نماید. (مانند اشارهٔ مستقیم موزه هنری معاصر تهران به کارهای جوزف لی سرت)

د) خصوصیت استعاری و به‌طور کلی اشاره‌های غیرمستقیم و با استفاده از ترفندهای بلاغی (Rhetoric) طرح معماری امکان دارد به‌طور ضمنی و با استفاده از تشبیه، استعاره و مجاز به پدیده‌ای اجتماعی، هنری، فرهنگی اشاره نماید. (مانند کارهای استعاری کالائراوا)

ه) ناگرانمندی ساختاری (structural unboundedness) یک طرح با توجه به بازی‌نشانه‌ها و اشارات متعدد از لایه‌ای به لایهٔ دیگر رجوع کرده و به طرح‌ها و ایده و اندیشه‌های دیگر اشاره می‌کند و عملاً در شبکه‌ای گسترده و ناگرانمند جای دارد. (مانند مدلول‌های ضمنی که از طرح والت دیسنی فرانک گری استخراج می‌شوند.)

ز) زاویه دید مخاطب یا تأویلگر (Point of view for Reading):



www.kamrandiba/architecture.com



www.studio360.org/2011/jul/29/absurd-architecture-your-neighborhood

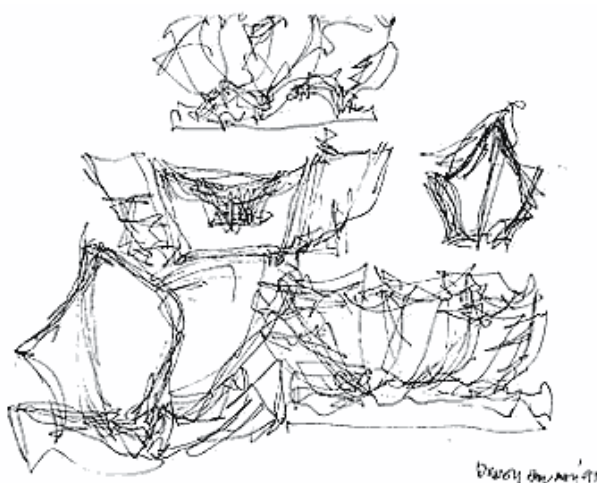


www.ArchitectureWeek.com

تصویر ۱۹ و ۱۸) نقل قول مستقیم موزه تهران از پروژه Fundació Joan Miró در بارسلون،
Josep Lluís Sert 1969-1975: طراح

تصویر ۱۷ و ۱۶) پروژه سالن موسیقی سیاتل، طراح: فرانک گری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، راه حل جدید طراح در تولید فرم

زاویه دید مخاطب با توجه به پیش زمینه ذهنی، جایگاه اجتماعی و نحوه دید او به شبکه مطرح شده بسیار تعیین کننده است به طوریکه دریافت مخاطب نقطه ابتدایی ناكرانمندی شبکه و بازی دالهای درون شبکه را شکل می دهد. (مانند نگرشهای متفاوتی که می توان به پروژه برج لندن نرم فاستر داشت.) در نتیجه در نگرش پس ساختارگرا متن یک ماهیت چند رسانه ای دارد و به طور اخص معماری صرفاً با حجم، شکل، کارکرد، فرم، سطوح فعالیت، سرو کار ندارد بلکه به دلیل موجودیت چندرسانگی خود، با لایه های دیگر اجتماعی مانند فرهنگ، تاریخ، مسائل اقتصادی و سیاسی او بی مانند تمثیل، استعاره، کنایه ارتباط میان متنی داشته و شبکه ای بیکران از متنها را با خود مرتبط می سازد.



www.kamrandiba/architecture.com

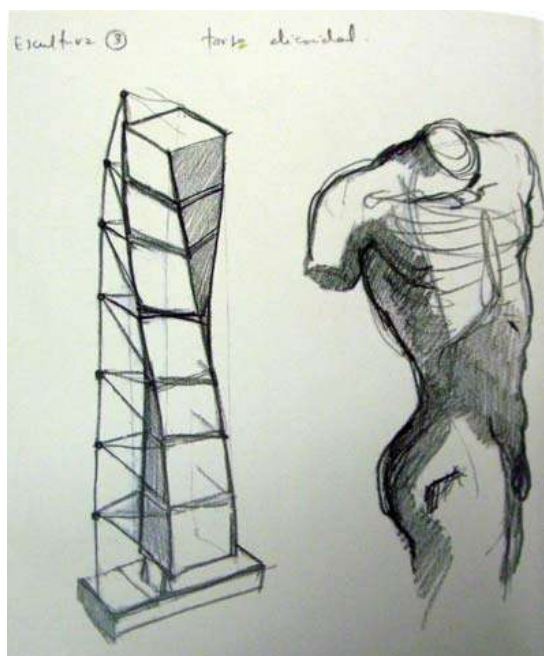


www.arcspace.com/architects/gehry/disney2

تصویر ۲۳ و ۲۲) سالن کنسرت هال والت دیسنی، لوس آنجلس ۲۰۰۳-۱۹۸۷، دربردارندهٔ لایه های متعدد معنا



www.archgraphics.pbworks.com/f/Hallgren



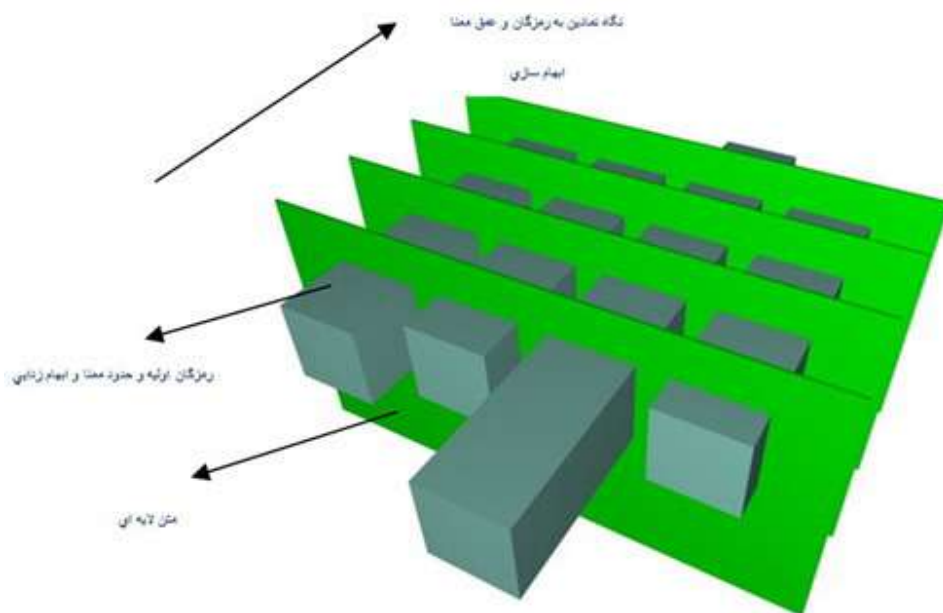
www.timgarrattnottingham.co.uk

تصویر ۲۱ و ۲۰) برج مالمو در سوئد، ۲۰۰۱-۲۰۰۵ استعاره از چرخش بدن انسان

نتیجه‌گیری:

معماری دارای دو جنبه کارکردی و نمادین است. ماهیت کارکردی معماری، به دنبال پاسخگویی به نیاز انسان به معماری بوده و جنبه نمادین معماری، مخاطب را به نشانه‌سازی دعوت می‌کند. به عنوان مثال غار برای انسان اولیه در ابتدا به سرپناه و مکانی برای زیست، دلالتی مستقیم داشته و در ساحت نمادین خود به مفاهیمی چون: امنیت، گروه، خانواده، تصاویر آشنا؛ اشاره می‌نماید. جنبه نمادین معماری، به دنبال دلالتگری و معناسازیست. نگرش ساختارگرا، معنای هر طرح را واحد و مشخص انگاشته و مخاطب را به کشف معنای موردنظر مؤلف و مورد پذیرش جامعه فرامی‌خواند. خوانش پس‌اساختارگرا، معماری را مانند یک نوشتار دربردارنده معانی درونی و ضمنی

و اندیشه‌های فرامتنی دانسته به طوریکه مخاطب با طرحی متن‌گون مواجه شده و به معناسازی و نشانه‌سازی برای آن می‌پردازد. بدین ترتیب مخاطب نه با متنی واحد، بلکه با پدیده‌ای چندمتنی مواجه شده و نشانه‌های موجود در متن، مخاطب را به ژرفای متن و لایه‌های زیرین و پنهان متن دعوت می‌نماید. در مواجهه با هر طرح معماری، مخاطب به عنوان تأویلگر، باعنایت به ناکرانمندی ساختار طرح و از طریق بازی نشانه‌های موجود در متن طرح، به لایه‌های متعدد متن رجوع می‌کند و با اتکا به خصوصیات و اشارات مستقیم طرح و توجه به دلالت‌های غیرمستقیم و تفرندهای بلاغی و تلمیحات استعاری و کنایی و عنایت به خصوصیت بازتاب و دگرگونی و تداعی‌گری طرح را مورد خوانش قرار می‌دهد.



شکل ۴) دستیابی به ژرفای متن و لایه‌های زیرین و پنهان متن در سفر نشاندگی مخاطب به عمق متن

پی‌نوشت‌ها

۲۶. رج به: (گادامیر، ۱۳۸۶، ۸۶)
27. (grammatologie)
28. (textuality)
29. (trace)
۳۰. گرام به عنوان ((یک ساختار نوین عدم حضور)) در نشانه‌شناسی دریدا معرفی شده دریدا این شبکه را براساس بازی نظام‌مند نشانه‌ها و تمایز و تعویق آنها و نه تضاد میان حضور و غیاب آنها (یا تقابلهای دوتایی) متصور شد. در گرام مَدَنظر دریدا، نشانه، تمایز نشانه‌ها، رد پای متصل کننده هر نشانه به نشانه دیگر، بازی نشانه‌ها و عنصر زمان (تأخیر زمانی) و نظام شبکه‌ای مشهود است.
۳۱. رج به: (ساجو، ۱۳۸۶، ۵۰)
۳۲. رج به: "Peter Eisenman's Realist Architecture" By Hans Morgenthau در: <http://prelectur.stanford.edu/lecturers/eisenman/morgen.html>
33. SCULPTURE IN THE ENVIRONMENT (s-i-t-e)
۳۴. رج به: <http://www.s-i-t-e.org/index2.htm>
۳۵. از نظر ژنت هر متن به عنوان یک "متن گردان" عملکرده و به منظور ارائه معنا با سایر متون دارای روابط زیر است:
- میان متنی، پیرامنتی، سرمتن، فرامنتی، بی متنی رج به: (Genette, 1997, 25)
۳۶. به نظر نگارنده برخورد میان یک طرح با بافتار محیطیش به سه روش صورت می‌پذیرد:
- بین طرح و بافت. طرح جدید در بافت محیطی حل شده و به عنوان (Synchronic) (الف) هماهنگی کامل متن با بافت پیرامونش با نگاه جزئی از ساختار بافت مقدم بر خودش قلمداد می‌شود. طرح معماری از نظر فرم، شکل، حجم، تناسبات و ابعاد... کاملاً پیرو بافت بوده و از نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جامعه شناختی و ... پاسخی جدید برای محیط پیرامونیش ندارد. (مانند: طرحهای حسن فتحی)
- (ب) تضاد بین طرح با بافتار پیرامونی: طرح جدید مانند نگینی رنگین بر روی انگشتری، سعی دارد هم خود را به عنوان شخصیتی جدید و مستقل معرفی نموده و هم ارزشهای بافتارش را بهتر بازگو نماید. (مانند روش برخورد فرانک گری) (diachronic)
- (ج) زایش متن از دل بافت با بیانی نوین و با نگاه در زمانی صورت می‌پذیرد. طرح جدید ضمن آنکه در ساختار بافت خود قرار می‌گیرد (و به عنوان عضوی از ساختار موجود شده و از آن عدول نمی‌کند)، تقدم بافتار و تأخر خویش را بر مخاطب، انتقال می‌دهد. به‌طوریکه تمایز بین طرح معماری و بافت از نظر زمانی (تغییر فرهنگ، مسائل اجتماعی، امور جهانی و...) کاملاً درک می‌شود. (یکی از طرحهای نادانو آندو)
- البته نگارنده به دلیل نگاه زبانشناسیک و نشانه‌شناسیک سه روش فوق را به صورت متمایز در برخورد طرح جدید معماری با بافتار شهری معرفی می‌کند. در این موضوع روشها و تقسیم‌بندیهای مختلفی وجود دارد از جمله (رج به (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴، ۱۷۲، ۱۷۳)) که طرح جدید را به چهار صورت زیر با بافت محیطیش مرتبط می‌نماید:
- (۱) نوگرایانه: (تخریب بافت و ایجاد بافت و طرح جدید)
- (۲) فرهنگ گرایانه حفظ ارزش بافت بدون هیچگونه دخل و تصرف در بافت
- (۳) فرانوگرایانه: (حفظ تار و پود کهن و دگرگونی کالبد فضای شهری با بیانی نو)
- (۴) مردم گرایانه: (برنامه ریزی با استفاده از مشارکت مردم به صورت ریشه در گذشته و نگاه به آینده)
- ۳۷-۳۷- برای شناخت روابط میان متن و بافت رج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۹-۱۷۷)
- (چندلر، ۱۳۸۷، ۲۹۶)، (Genette, 1997, 25)
- ۳۸-۳۸- جهت مطالعه روابط چندمتنی رج به: (Chandler, 2009, part 13, p13)
۱. رج به: (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۱۵)
۲. رج به: (احمدی ۱۳۸۰ الف، ۱۸۷)
۳. رج به: (احمدی ۱۳۸۰ ب، ۱۵)
۴. رج به: (سجودی ۱۳۸۷، ۱۱۲-۱۱۱)
۵. اندیشه‌های سوسور و اشتراوس بر مبنای برتری صورت بر شکل بوده که ریشه این موضوع را می‌توان در ((ارگانون)) (کتابمنطق ارسطو) جستجو کرد. در کتاب دیگر ارسطو پوتیک (فن شعر) و رتوریک (فن خطابه) نیز به صورت یک تحلیل ساختاری مطرح هستند برای مطالعه بیشتر رج به: ارسطو ۱۳۷۸، منطق ارسطو، ارگانون، برگردان م.ش ادیب سلطانی، تهران. ارسطو ۱۳۵۳، فن شعر، برگردان ع. زرین کوب، تهران. ارسطو ۱۳۷۱، فن خطابه، برگردان پ. ملکی، تهران.
۶. رج به: (کالر، ۱۳۸۶، ۱۰۷) (Culler, 2001, 68)
۷. Synchronic analysis- تحلیل همزمانی؛
- تحلیل همزمان یک پدیده را در لحظه ای خاص از زمان مورد بررسی قرار می‌دهد و در واقع زمان را به صورت منجمد شده و یا ثابت فرض کرده و به مناسبات ((در زمانی)) آن یعنی تغییرات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که در طول زمان خوانش پدیده را تحت تأثیر خود قرار داده، بی‌توجه است. این روش مورد استفاده ساختارگرایان می‌باشد.
۸. play هم به معنای بازی کردن و هم به معنای نواختن به کار می‌رود.
۹. رج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۴)
۱۰. رج به: (ضمیران، ۱۳۷۷، ۳۹۵)
۱۱. رج به (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۵)
۱۲. همانگونه Text که واژه از ریشه لاتین Textum به معنای تارو پود یک بافته گرفته شده و ریشه اساطیری آن به اسطوره آرکنه در یونان باستان بازمی‌گردد که شهرت در بافتدگی داشته و در مبارزه‌ای با آتنا الهه فرزاندگی، بدیهای ایزدان یونان را بر پرده‌ای می‌بافد و آتنا او را به عنکبوتی بدل کرده که تا ابد تارهایش را به گرد خویش بتند. رج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۷-۱۷۸)
۱۳. رج به (Foucault, 1974, 23)
۱۴. رج به: <http://en.wikipedia.org/wiki/Metatextuality>
۱۵. رج به: مقاله بینامتنیت در نمایشنامه های سه ایزودی از تینا هانسن: Intertextuality in the scream trilogy
- <http://www.scribd.com/doc/Intertextuality-in-the-Scream-Trilogy>
۱۶. رج به: (Halliday & Hasan, 1989, 48-49)
17. interpersonal
18. (The configuration of Field)
19. (Tenor)
20. (Mode Features)
۲۱. رج به: (دباغ و مختابادامرنی، ۱۳۹۰، ۶۳)
۲۲. رج به: (پناهی و مختابادامرنی و نوابخش، ۱۳۸۷، ۱۵)
۲۳. رولان بارت در مقاله اثر تا متن (۱۹۷۷) نگاه ساختارگرا به پدیده‌های اجتماعی را اثر می‌نامند و نگاه پساساختارگرا به پدیده‌های اجتماعی را متن گونه می‌پندارد. نگارنده در جدول یاد شده اولاً: اندیشه بارت را بسط می‌دهد ثانیاً: اثر را در برابر متن قرار نمی‌دهد بلکه متن (طرح معماری) را با دو دیدگاه ساختارگرا و پساساختارگرا مورد خوانش قرار می‌دهد. ثالثاً: این قیاس را به‌طور اخص در مورد طرح معماری عنوان می‌دارد. برای تعمیق موضوع رج به: (Barthes, 1977, 155-165)
۲۴. رج به: (نیچه، ۱۳۸۶، ۳۰)
۲۵. رج به: (احمدی، ۱۳۸۰ ب، ۹۴)

منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۸۰ الف، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.
- احمدی، بابک، ۱۳۸۰ ب، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران.
- پناهی و مختابادامرنی و نوابخش، سیامک و سیدمصطفی و مهرداد،
- ۱۳۸۷، ((بررسی و تحلیل نقش سینما در انتقاد از شهرسازی))، مجله علمی-پژوهشی هویت شهر شماره ۲، ص ۱۳-۲۴، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

ضمیران، محمد ۱۳۸۲، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، نشر قصه تهران.
 ضمیران، محمد، ۱۳۷۷، جستارهای پدیدار شناسانه دربارهٔ هنر و زیبایی، انتشارات کانون، چاپ اول، تهران.
 کالر، جاناثان ۱۳۸۶، فردینان دو سوسور، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.
 گادامر، هانس گئورگ، ۱۳۸۶، گزینه جستارها هرمنوتیک مدرن [مقاله همگانیت مسأله هرمنوتیک] ص ۸۵-۱۰۸ ترجمه: بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران، نشر مرکز.
 نیچه، فریدریش، ۱۳۸۶، گزینه جستارها هرمنوتیک مدرن [قطعه‌هایی دربارهٔ تأویل] ص ۲۹-۵۴ ترجمه: بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران، نشر مرکز.

چندلر، دانیل، ۱۳۸۷، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزهٔ هنری)، تهران
 حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴، سید محسن و ملیحه، ((مرمت شهری))، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 دباغ و مختاباد امرئی، امیرمسعود و سیدمصطفی، ۱۳۹۰، ((تأویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی))، مجله علمی-پژوهشی هویت شهر شماره ۹، ص ۵۹-۷۲، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
 ساجو، آنتونینو ۱۳۸۶، پیتر آیزنمن کنکاش در آینده، ترجمه احمد حسامی، مؤسسه فرهنگی و پژوهشی چاپ و نشر نظر، تهران
 سجودی، فرزاد ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر علم، تهران

Barthes, Roland, 1977, Image-Text, Fontatana, London
 Chandler, Daniel, 2009, semiotics: The Basics, Routledge. London.
 Culler, Jonathan, (2001), pursuit in signs, Routledge, London.

Foucault, Michel, 1974, The Archeology of knowledge Tavistock, London
 Genette, Gerard, 1997, Paratexts – Thresholds of Interpretation, Cambridge University Press, England
 Halliday, M.A.K & Hasan, Ruqaiya, 1989: "Language, context, and text: aspects of language in a social- semiotic perspective" oxford university press London.
 Jakobson, Roman, 1960, closing statement, Linguistics and poetics. Trans, Tomans Sebeok, Cambidg, MA: MIT press.
 kristeva, Julia, Desre language: A semiotic Approach to literature and Art (new York.; Columbia university press 1980
www.archgraphics.pbworks.com/f/Hallgren
www.architectureweek.com
<http://archinect.com/eisenman-s-wexner-center>
www.arcspace.com/architects/gehry/disney2

www.charlescorrea.net
www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-sa-voye
<http://en.wikipedia.org/wiki/Metatextuality>
www.greatbuildings.com/buildings/Rokko_Housing_One.html
www.hassanfathy.webs.com/gourna-e.htm
www.hormonsuzfikirler.org/tag/georges-pompidou
www.khomool.ir/khomool_contentmediaimage
www.kamrandiba.com/index.php
www.lasescapadas.com/fondos/fondo/el-partenon
<http://prelectur.stanford.edu/lecturers/eisenman/morgen.html>
www.schwarzaufweiss.de/oesterreich/graz-reisefuehrer
<http://www.scribd.com/doc/Intertextuality-in-the-Scream-Trilogy>
<http://www.s-i-t-e.org/index2.htm>
<http://siteenviroidesign.com/projects/quatar>
www.studio360.org/2011/jul/29/absurd-architecture-your-neighborhood
www.timgarraatnottingham.co.uk
www.tschumi.com/projects/delavilletparc

واکاوی معنی واژه عبدالله و باز بینی آن در مهندسی معماری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

یداله احمدی دیسفانی*

چکیده

هدف مقاله واکاوی در باره رفتار انسان در طبیعت است. انسان برای مهندسی می تواند از دانش موجود در طبیعت بهره بگیرد. از این رو می توان حوزه تخصصی این مقاله رویکرد بیونیک در مهندسی را نیز شامل می شود. حوزه نظری عمومی مقاله، بر پایه نگرش اندیشه اسلامی به انسان، طبیعت و معماری است. مساله تهدید محیط زیست به نوع رفتار انسان بر پایه دانش خود است. که دانشی در برابر دانش خداوند ناقص است. از این رو فرضیه مقاله اشاره دارد که می توان از مهندسی خداوند در طبیعت در مهندسی معماری بهره گرفت. از این رو می توان با شناخت طبیعت و شناخت دانش طبیعت ویژگی های آفرینش خداوند را دریافت و در مهندسی و معماری بکار برد تا آسیب به طبیعت کمتر گردد. انسان بر پایه وظیفه الهی به آبادانی زمین گماشته شده است. از سویی انسان جانشین خدا در روی زمین است یعنی می توانند مانند خدا به آفرینش دست بزنند. تمام اسباب و لوازم جانشینی به او داده شده است. در این مقاله سعی بر آن است، با روش واژه شناسی به معنی عبدالله اشاره مجدد نماید. برپایه نتایج می توان گفت: به نظر می رسد کسی که دست به کشف حقایق هستی می زند و علوم بکار رفته در هستی را می شناسد و بر پایه این علم دست به خلاقیت می زند و در کار خود از برترین علم ها و تکنولوژی ها بهره می برد مانند خدا عمل نموده است این کس عبدالله است. مهندسین در تمام رشته ها چنین وظیفه ای دارند. از این رو در این مقاله، به مقایسه مهندسی خدا و مهندسی انسان پرداخته شده است. نتیجه این مقایسه بیانگر آنست که آفریدن به مانند خداوند، مستلزم بهره گیری از دانش فراگیر و فن آوری های نو است. از مقایسه تولیدات انسان برای نیاز به آب نوشیدنی و مایعات نوشیدنی و پاسخ طبیعت به این نیاز در قالب میوه ها می توان این نتایج را برشمرد. اول در تولیدات صنعتی ظروف بسته بندی محصول غالباً به سختی به طبیعت بر می گردد در صورتی که پوست میوه ظرف آن است که به سادگی به طبیعت بر می گردد. دوم تولیدات صنعتی دارای رنگ و طعم شیمیایی است در صورتی که رنگ و طعم میوه ها طبیعی است و مضر نیست.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

فهم بهتر کلمه «عبد» و اسم «الله» بیشتر واکاوی شود. حسام بیطار معتقد است که کلمات عربی ریشه دو حرفی دارند و اگر این دو حرف برعکس شوند معنی واژه نیز عکس می شود. واژه «عبد» از ریشه دو حرفی «عب» به معنی «قرب» یا نزدیک آمده است. اگر ریشه دو حرفی «عب» بر عکس شود بایستی معنی واژه «عبد» عکس ریشه دو حرفی «بع» باشد و این واژه معنی «بعد» یا دور آمده است. (البیطار، ۲۰۰۵)

براین پایه واژه عبد به معنی نزدیک و مخالف دور است. اما ترکیب آن با اسم الله چه معنی ای دارد؟ آیا نزدیک به خدا ترجمه مناسبی برای این ترکیب است؟ بعد و قرب نسبت به خدا چگونه است؟ به سادگی بر پایه متون دینی می توان دریافت که بعد و قرب زمانی و مکانی به خدا معنا دار نیست چون او فارغ از زمان و مکان است. راز فهم این مطلب در فهم معنی «الله» است. از سوی دیگر در اندیشه سنتی اسلامی انسان «اندیشه» است و نزدیکی اشاره شده گمان می رود از این جنس باشد.

ای برادر تو همان اندیشه‌ای
ما بقی تو استخوان و ریشه‌ای (مولوی)

خداوند خلقت جن و انس را برای عبادت و بنده شدن می داند.^۱ ابن عربی نیز عبد شدن را تنها آرمان انسان می داند. (چیتیک، ۱۳۸۴) موجودات دیگر داریم در تسبیح خداوند هستند^۲ از این رو میتوان گفت موجودات عالم «عبدالله» هستند.

۱-۲ عبد و قرب و بعد

همان گونه که معنی «عبد» طبق نظر بیطار به معنی «قرب» و معنی عکس آن به معنی «بعد» آمد از نظر ابن عربی انسان وظیفه دارد که اوصاف خدا را به نحو متعادل ظاهر سازد و خود را اگر متحقق به صورت الهی سازد، موجب «قرب» به خدا می شود. از دیگر سو عدم توفیق در حفظ تعادل متناسب بین اسما، به عدم توازن، منجر شده و این موجب «بعد» از خدا می شود. بنابر این می توان نتیجه گرفت که «عبودیت» «قرب» است و موجب «سعادت» است. از نظر او و طبق نظر قرآن، خدا دارای نیکوترین نامهاست و عالم طبیعت نیز در تخلق به این اسما، ظهور آنها را واجد است. و انسان بر پایه وظیفه خلیفگی نقش آگاهانه در ظاهر ساختن این اوصاف دارد و از این رو مسئول نیز هست. از نظر وی «عبد» در حدی مخصوص بایستی به آنها «متخلق» و آراسته شود. اگر چنین نکند به نزاع

سوم تولیدات صنعتی تاریخ مصرف را در روی محصول درج می کند که برای بیسوادان معنا دار نیست اما میوه ها با انقضای تاریخ مصرف می پوسد و از طریق بو و مزه انسان متوجه فساد آن می شود. چهارم کارخانه های تولیدات صنعتی غالباً آلوده کننده محیط هستند اما کارخانه تولید میوه ها درختان هستند که سهم بسزایی در زدودن آلودگی هوا دارد و اکسیژن تولید می کند. درختان پس از حیات خود موجودات مفید هستند و از چوب آنها استفاده می شود. پنجم نسخه تولید محصولات صنعتی و نوشیدنی غالباً محرمانه است اما نسخه میوه ها همراه میوه است و می توان از دانه آنها دوباره مانند آن را تولید کرد.

کلید واژه: مهندس، عبدالله، آفرینش، فن آوری برتر

مقدمه:

حوزه نظری مقاله اندیشه اسلامی است از این رو در متون اسلامی بالاترین مرتبه انسانی رسیدن به مقام عبداللهی است. خداوند در قرآن کریم هدف از آفرینش انسان را عبادت می داند. از سویی انسان در روی زمین خلیفه خداست و می تواند مانند خدا دست به آفرینش بزند اما این مساله چگونه روی می دهد؟ اگر انسان بخواهد وظیفه خلیفگی خود را در آبادی زمین بجای آورد بایستی چگونه عمل نماید و این عمل او بایستی دارای چه ویژگی هایی باشد؟ پاسخ به این پرسشها هدف مقاله است. بر پایه این سوالات فرضیه اول مقاله اشاره دارد که: به نظر می رسد انسان می تواند به مانند خدا دست به آفرینش بزند. فرضیه دوم متناظر با مساله دوم می گوید: گمان می شود بتوان ویژگیهای کارهایی که مانند خدا آفریده باشد برشمرد. از این رو ابتدا با روش واژه شناسی معنی واژه های «عبد» و «الله»، «اسم» بیان شده است و بر پایه یافته های واژه شناسی به روش توصیفی تحلیلی تدوین و سپس با روش استدلال مثال سعی در روشن تر کردن پاسخ دارد. محدوده عملی مقاله تمام آفریده های خداوند در طبیعت است که می تواند منبع الهام مهندسان و معماران قرار بگیرد. رویکرد بایونیک در معماری و صنعت می تواند بخشی از این حقیقت را رونمایی کند که طبیعت منبع الهام خوبی برای مهندسان است.

۱-۱ واژه شناسی عبد

واژه «عبد» در فارسی «بنده» ترجمه شده است و ترکیب آن با نام «الله» به معنی بنده خدا ترجمه می شود. اما لازم است برای

«وجود، به خاطر غیر مقید بودنش، با هر چیز دیگری کاملاً متفاوت است. هر موجودی که قابل علم یا ادراک باشد، یک تحدید و یک حد، تعینی از نامتعین، و شیئی است محدود، در دسترس فاعلی محدود.» (چیتیک، ۱۳۸۴: ۸۷)

اگر «اسم» «علم» باشد و «الله» اسم است و جامع اسما الحسنی است بنابر این، معنی عبدالله روشن میشود. «عبد» به معنی «نزدیک» و الله هم به «علم مطلق» اشاره دارد بنابر این عبدالله کسی است که به دریای بی کران علم نزدیک گردد و به قدر ظرفیت و طاقت خود از آن بهره ببرد و چون حد انسان نیز نامحدود است انسان کامل عالم به علم نامحدود است و عبدالله کامل، انسان کامل است که بسیار به علم کامل نزدیک شده است.

« شرفی برای انسان جز معرفت به خدای تعالی نیست. اما علم انسان به غیر خدا یک نوع سردرگمی است که انسان محجوب خود را بدان گرفتار می‌کند. بنابراین شخص منصف همتی جز معرفت یافتن به خدای تعالی ندارد. در جامعه امروز، نتیجه پی جویی علم، بدون یافتن منشأ آن در حق تعالی، توده ای عظیم از اطلاعات است. مردم فکر می‌کنند که علم عبارت است از واقعیاتی که می‌توان آنها را روی صفحه کامپیوتر فرا خواند. آنان روز به روز از وحدت و اجمال صورت الهی عالم صغیر، دور می‌شوند، و پیوسته در کثرت و تفصیل و تفرقه عالم کبیر فرو می‌روند. تخصص گرایی رو به رشد، سبب افزایش فوق العاده اطلاعات می‌گردد، ولی از سوی دیگر، باعث می‌شود، روز به روز، از آن صفات انسانی که ریشه در وحدت، هماهنگی، کلیت، توازن و یکپارچگی دارند، دور شویم. تجزیه عالم انسانی، منجر به متلاشی شدن و فرو پاشی عالم کبیری می‌شود که انسان روح مدبر آن است. انسانها با غافل شدن از صورت الهی، از عمل به مسئولیت خویش به عنوان خلیفه الله در زمین، باز می‌مانند. به عقیده شیخ، یک انسان کامل همه اسمای الهی را تا سر حد ممکن و به نحوی متناسب، تحصیل کرده است - البته با احتساب محدودیتهایی که بدان دچار است، اعم از موانع جسمانی، زمین، مکان، محیط و غیره.» (همان، ۷۰)

۴-۱ طبیعت تجلی علم

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هرورقش دفتری است معرفت کردگار (سعدی)

با حق تعالی دچار شده، مستحق رانده شدن ودور افتادن از آن قربی می‌گردد که موجب سعادت است. ابن عربی مقام انسان کامل را با عنوان «عبودیت» بکار می‌برد.

«شیخ نوعاً از مقام انسان کامل تحت عنوان «عبودیت» یاد می‌کند. چنان که غالباً تذکر می‌دهد که قرب الهی به دست نمی‌آید مگر اینکه در درجه اول عبد او باشیم. انسانهای کامل بندگان محض و مطلق خداوند. به نظر ابن عربی، انسان کامل بودن، نه تنها والاترین آرمان ممکن انسان، بلکه همچنین، به تعبیر دقیق، تنها آرمان شایسته انسان است.» «یک فرد با وصول به کمال، عبد مطلق خدا می‌شود، یعنی شخصیتش به عنوان فردی مستقل به کلی محو، ولی به عنوان صورت خدا، کاملاً اثبات می‌گردد.» (همان، ۶۲)

فارابی سعادت را برابر زیبایی بکار می‌برد و معتقد است «جمال و بهاء و زینت در هر موجودی آن بود که وجود او به نحو افضل و برتر وجود یابد» (فارابی، ۱۳۷۹) بورکهارت نیز از نظر اسلامی زیبایی را تجلی حقیقت کلی می‌داند. (بورکهارت، ۱۳۷۶) از نظر شووان نیز زیبایی منعکس کننده بهجت و حقیقت است. (شووان، ۱۳۷۷) و گمان می‌رود مقصود همه این اندیشمندان از حقیقت همان اسماء باشد که به حقیقت اشیاء اشاره دارد. از این رو لازم است در این قسمت معنی واژه «اسم» نیز واکاوی شود.

۳-۱ واژه اسم

البیطار اسم را از ریشه دو حرفی «سم» و سه حرفی «سمو» به معنی ابتعاد می‌داند (البیطار، ۲۰۰۵) یعنی پذیرای «بعد» می‌باشد. «بعد» باعث تعریف یا تحدید یک شیء می‌شود. چیزی که بعد ندارد قابل تعریف نیست وقتی ابعاد به خود می‌گیرد قابل تعریف می‌شود پس به عبارتی اسم تعریف کننده شیء یا محدود کننده شیء است. و از سویی اسم به حقیقت شیء اشاره دارد. (معین، ۱۳۸۵) بنابر این الله و الرحمن و الرحیم «اسم» هستند و سعی در تعریف و تحدید حقیقتی دارند. از این رو الله ذات خدا نیست؛ چون ذات غیر قابل تعریف و تحدید است؛ و اسم است و حقیقتی را رو نمایی می‌کند. (کلینی: بیتا، ج ۱، ۱۵۲) می‌توان دریافت که «اسم» «علم» است. از آیه «و علم الادم اسما کله» به معنی «به آدم تمام اسماء را تعلیم دادیم» چنین بر می‌آید «اسم» قابل «تعلیم» است و در تعلیم، «علم» است که مورد «تعلیم» قرار می‌گیرد و اسماء با این استدلال «علم» و «حقایق هستی» هستند.

را با اسماء الحسنی بخوانید؛» امام صادق (ع) چنین می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی اسمی آفرید که صدای حرفی ندارد؛ بلفظ ادا نشود؛ تن و کالبد ندارد؛ تشبیه موصوف نشود؛ برنگی آمیخته نیست؛ ابعاد اضلاع ندارد؛ حدود و اطراف از او دور گشته؛ حس توهم کننده به او دست نیابد؛ نهانست بی پرده. خدای آنرا یک کلمه تمام قرار داد؛ دارای چهار جزء مقارن که هیچیک پیش از دیگری نیست. سپس سه اسم آنرا که خلق به آن نیاز داشت هویدا ساخت و یک اسم آن را نهان داشت و آن همان اسم مکنون و مخزون است. آن سه اسمی که هویدا گشت ظاهرشان «الله» تبارک و تعالی است.» (کلینی: بی‌تا، ج ۱، ۱۵۲)

ابن عربی معتقد است که خداوند انسان را به صورت خود آفریده است و یکی از وجوه تفسیر آیه (و علم الادم اسماء کلها) این است که انسان را به صورت همه اسماء آفریده است. (چیتیک، ۱۳۸۴) شاید رمز اینکه فرشتگان بر انسان سجده کردند همین باشد.

«انسان و عالم در این امر مشترک اند که بر صورت الله آفریده شده اند، اما عالم اسمای الهی را به تفصیل نشان می‌دهد. در نتیجه، تک تک اسمای الهی، احکام و آثار خویش را یا منفرداً در عالم، ظاهر می‌سازند، و یا در ضمن ترکیبات مختلفی با اسم و یا اسمایی دیگر. لذا عالم در کلیت زمانی و مکانی خویش، چشم انداز بی نهایت وسیعی از قابلیت های وجودی را ارائه می‌دهد. برعکس، انسان احکام و آثار همه اسماء را تقریباً به نحو اجمال نشان می‌دهد. در هر یک از انسانها، احکام همه اسمای الهی با هم جمع شده، متمرکز می‌شوند. خدا عالم را در رابطه با کثرت اسمایش آفرید، ولی انسان را در رابطه با وحدت اسمایش خلق کرد؛ واقعیتی که عبارت از این است که همه اسماء به «حقیقت» واحد برمی‌گردند.» (همان)

۲-۱ وظیفه انسان سنتی یا عبدالله، آبادگری خداگونه زمین

انسان از زمین انشا شده است^۳ و وظیفه آبادانی خود و طبیعت را برعهده دارد. او در زمین در این رابطه مسئول است. او از پیکره طبیعت و زمین جدا نیست و در یک ابر سامانه یک پارچه^۵ قرار دارد. این سامانه اجزایی دارد. زمین و طبیعت و انسان اجزای این سامانه هستند. اما هدف همه این اجزا یکی است؟ در این سامانه تک تک اعضا مهم هستند.

در ادبیات اسلامی طبیعت، پدیدار شده علم است یعنی علم که باطن طبیعت است در قالب و صورت ظاهر طبیعت نمود می‌کند. در همین باره می‌توان گفت که وقتی چیزی از باطن به ظاهر می‌آید محدود به حدود می‌گردد و حد می‌پذیرد که اجتناب ناپذیر است. این فرآیند حدپذیری را نزول مینامند (علی آبادی، ۱۳۹۵) بر پایه اعتقاد ابن عربی در این زمینه بین علم و عالم و معلوم اتحاد وجود دارد.

«هر چند وجود نامحدود و مطلق است، به خود، و به همه انحاء ممکن تجلی خود، علم دارد. وجود واحد است، هم عالم است و هم معلوم. وجود، بر مبنای علم خود به خویشستن، طبق مقتضیات اوصاف خود، تجلی می‌کند. در نتیجه، عالمی بی نهایت متنوع پدید می‌آید که ظاهر کننده متعلقات علم وجود به خویشستن است. مخلوقات - حقایق، اعیان و یا اشیا - همان متعلقات این علم اند. از آن حیث که در این عالم یافت می‌شوند، اثری از وجود به آنها عطا شده است. از آن حیث که فانی و مجازند، منعکس کننده حقایق خویش اند که ذاتاً همان قدر ادعای وجود دارند که رنگ سرخ و یا سبزی که تجلی نور است، می‌تواند ادعای نور بودن داشته باشد.» (چیتیک، ۱۳۸۴: ۹۱)

۱-۵ واژه شناسی الله

تعریف اول آنست که الله اسم جامع خداست که از ترکیب «ال + اله» است. یعنی «الله» جمع اسماء خداوند است که از ۹۹ اسم تا بی نهایت اسم برای خدا شمرده شده است.

تعریف دوم «الله» از اصل «لاه» (به معنی اسم الله) است که برای تعظیم «ال» (الف و لام) به آن افزوده شده است. تعریف سوم آنست که حسام البیطار و برخی دیگر از جمله لین با تفاوت هایی بیان می‌کنند. بیطار معتقد است «الله» از دو بخش «ال + لا» است که «ال» عکس «لا» است. او فصل دهم کتاب را به استناداتی که موید این مطلب است؛ به خصوص از قرآن اختصاص می‌دهد؛ او واژه دو حرفی «ال» را عبری می‌داند که از «ایل» گرفته شده است. مانند «جبرائیل»، «میکائیل»، «عزرائیل»، «اسرافیل» و «اسرائیل». لین هم معتقد است «ایل» در پس «جبرائیل» مانند «عبدالرحیم» است (lane, 1893). اما «لا» که در بعد از «ال» آمده به چه معنی است او معتقد است که «لا» از «لیس کمثله شی» گرفته شده است.

در تأویل و تبیین آیه ۱۱۰ سوره اسرا که قرآن می‌فرماید: «خدا

۳-۱ تغییر طبیعت بر پایه ی علم ناقص مشکل آفرین شده است.

مساله این است که بشر امروزی برپایه دانش ناقص خود یا از سر خود خواهی و بی مبالاتی و بدون ارتباط صحیح با دانش کلی که در طبیعت وجود دارد و توسط وحی تبیین گشته، کارهایی در طبیعت کرده است که باعث آسیب رساندن به طبیعت شده است. آلودگی دریاها، هوا، جنگلها، آبهای زیر زمینی و رودخانه ها و انباشت زباله های تجزیه ناپذیر و رها شدن آن در طبیعت از این جمله اند. (نصر، ۱۳۷۱)

عامل اصلی تمام این مشکلات امروزی بشر عمل بر پایه علم ناقص خود است. اگر به بازیافت قبل از تولید توجه می کرد یا به تجزیه پذیری زباله قبل از تولید توجه می کرد شاید امروز طبیعت گونه ای دیگر بود. از این رو پناه بردن به دانش برتر و حکمت راه حل بحران است و یکی از روشهایی که می توان در طبیعت بکار بست تقلید از طبیعت است. بدانیم که در طبیعت آفرینش موجودات چگونه اند؟ و همان گونه که در طبیعت عمل می شود عمل کرد. از آن جایی که طبیعت مخلوق خداست بنا بر این عمل کردن به مانند طبیعت عمل نمودن به مانند خداست و گمان می شود این مفهوم نزدیک به مفهوم بندگی خدا باشد.

هر چه انسان در ساخته های خود از علم و تکنولوژی بالاتری استفاده کند به کار خدا نزدیک تر خواهد شد. چون خداوند از کامل ترین تکنولوژی ها و علوم در کار خود و آفرینش خود بهره جسته است.

با ذکر یک مثال و بیان مشکل و راه حل ارایه شده برای مشکل در طبیعت و مقایسه آن با راه حل انسان به مشکل به منظور مقاله میتوان بیشتر نزدیک شد.

۳-۲ پاسخ به نیازهای طبیعی انسان برای زندگی در طبیعت توسط خود انسان

انسان برای زیستن به آب و نوشیدنی ها نیاز دارد. این نیاز در جهان صنعتی امروز توسط کارخانه های آب معدنی پاسخ داده شده است. یک بطری آب معدنی پاسخ به این نیاز است. از سویی انسان تنوع طلب است. او طعم های مختلفی از نوشیدنی ها را می طلبد و صنعت هم به آن پاسخ می دهد. یک بطری آب میوه، یک بطری نوشیدنی طعم دار پاسخ است. اما این تولیدات صنعتی چندین مشکل دارند.

جسم انسان از طبیعت خاکی است و نفس سرشتی آسمانی دارد. معماری نیز دارای جسم و نفس است که جسم آن مواد و مصالحی است که ساخته شده و کالبد معماری را می سازد و روح و نفس معماری اندیشه معمار آن است که از صورت آسمانی نازل شده و کالبد و جسمیت به خود گرفته است. بخش غیر خاکی معماری همان اندیشه معمار است. این همان اسم یا علم است که گفته شد. موجودیت معماری و برپایی آن به واسطه علم و اندیشه ی معمار؛ که همان اسم است؛ می باشد. اگر اندیشه از معماری گرفته شود. مشتی خاک و انباری از مصالح خواهد بود. ویلیام چیتیک بر پایه نظر ابن عربی، فرایندی که طی آن، انسانها صورت الهی را فعلیت می بخشند و اسمای الهی را متجلی می سازند را «تخلق به اخلاق الله» می نامد. او اشاره می دارد که مردم نمی توانند صرفاً بر مبنای فهم خویش از اخلاق الله، تصمیم بر تخلق به اخلاق الهی بگیرند. از نظر او هدف کوشش انسان نباید کسب اوصاف الهی باشد، بلکه هدف اصلی اش باید تخلق از اوصاف بشری باشد. این امر در «رضا» و «تسلیم» به خدا (اسلام) خلاصه می شود و مراحل آن را میزان شریعت مشخص می کند. در راه متخلق به اخلاق الله شدن انسان در پی کسب تدریجی رفعت جایگاه انسان نیست بلکه برعکس نزول تدریجی جایگاه انسان است که در نهایت اوصاف بشری زایل میشود و انسان «نیست» می گردد. (همان) به عبارت ساده تر انسان در فرآیند آفرینش بایستی علم برتر را در کار عمل نماید و در این رابطه نایستی تصورات خود و به دانش ناقص خود اکتفا نموده و عمل نماید. این همان، نیست شدن است. معمار نیست می شود تا علم بصورت عریان تر خود را پدیدار کند و در این رابطه انسان نایستی حجاب شود.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز (حافظ)

با مقدمه ای که آمد، روشن شد که انسان معمار و مهندس در کارش علم و در اصل الله را ظاهر میکند و اگر چنین کند عبادت است که برای همین آفریده شده است. از این رو و در ادامه یک مثال از بندگی باز شناسی شده است. لذا برای شروع بحث با یک مشکل آغاز می شود. پاسخ به مشکل را خداوند در طبیعت داده است و توسط انسان نیز پاسخ هایی داده شده است و مقایسه این دو پاسخ منظور مقاله را بیشتر روشن می کند.

مشکل اول: بازیافت ظروف و بازگشت پذیری ظروف به

طبیعت

معمولا بطری های نوشابه و نوشیدنی از شیشه، پلاستیک، کاغذ است. باز یافت همه این مواد امکان پذیر است مشروط بر اینکه به طور جامع مواد از محیط جمع آوری شود. گاهی از نظر اقتصادی جمع آوری آنها مقرون به صرفه نیست از این رو در اثر سهل انگاری در محیط رها می گردد. کاغذ سازگار ترین زباله هاست چون بعد از مدتی نسبتا کوتاه به طبیعت باز می گردد. اما از سویی استفاده از آن نیز به درختان و گیاهان آسیب می زند زیرا برای تولید آن از گیاهان و درختان استفاده می شود و برای تولید آن نیز در کارخانه از آب فراوانی استفاده می شود. شیشه و پلاستیک بیشترین مشکل را دارد. شیشه تقریبا تجزیه نمی شود و پلاستیک نیز برای تجزیه شدن زمان بسیار زیادی نیاز دارد و میزان تولید زباله پلاستیکی در برابر میزان تجزیه شدن آن قدر کم است که تقریبا بایستی گفت فقط زباله تولید و انباشته می شود.

مشکل دوم: مواد افزودنی و نگه دارنده و طعم دهنده و

رنگهای صنعتی

برای آنکه نوشیدنی ها در داخل بطری فاسد نشود از مواد نگهدارنده ها استفاده می شود. این مواد خود برای سلامتی انسان مضر است و اگر از میزان مجاز بیشتر استفاده شود بسیار خطرناک است.

مشکل سوم: تاریخ مصرف

تاریخ مصرف نیز یکی از مشکلات این نوع تولیدات است. معمولا برای آگاهی رساندن به مصرف کننده روی محصولات تاریخ تولید و انقضا را درج می کنند اما این مطلب دو مشکل اساسی دارد. مشکل اول آنست که افرادی که سواد ندارند نمی توانند تشخیص دهند که تاریخ مصرف یک محصول گذشته است. مشکل دوم در موقعی است که اطلاعات درج شده روی محصول درست نباشد.

مشکل چهارم: کارخانجات صنعتی

مشکل دیگر وجود خود کارخانجات برای تولید این محصولات است که معمولا وجود یک کارخانه آلوده کننده محیط است. حمل و نقل این محصولات نیز بر آلودگی محیط و استفاده از منابع طبیعی منجر می شود.

مشکل پنجم: فرمول سری و محرمانه تولید

تولید بعضی از نوشیدنی ها و فرمول تهیه آن محرمانه است و

معلوم نیست چگونه و با چه موادی تهیه می شوند و این مواد آیا برای سلامتی انسان مضر است؟

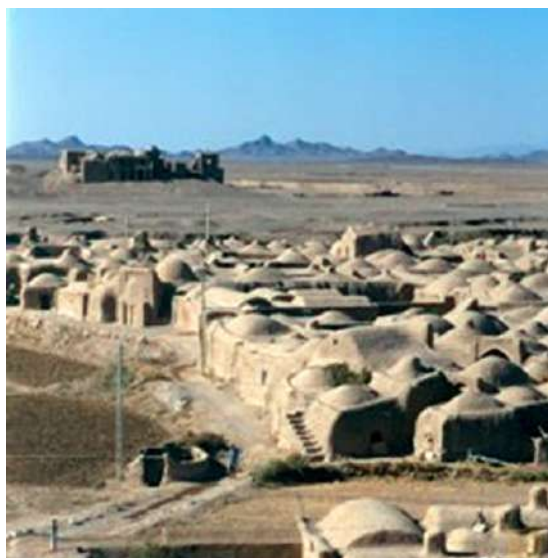
حال جای آن دارد که پرسیده شود آیا می توان محصولی یافت که آب طعم دار را تولید کند و هیچ یک از مشکلات بالا را نداشته باشد و حتی در فرآیند تولید و باز یافت به طبیعت مفید باشد.

۳-۳ پاسخ طبیعت به نیازهای انسان توسط آفریننده طبیعت

با کمی دقت می توان دریافت که این مشکل توسط طبیعت به خوبی پاسخ داده شده است. جواب، میوه ها هستند که درختان، کارخانه تولیدی آنها هستند.

ظرفی برای بسته بندی وجود ندارد پوست میوه که ظرف آن است خوردنی برای انسان و در نهایت برای دام است و در نهایت در صورت تبدیل به زباله قابلیت بازیافت دارد و حتی بازیافت آن یک کار اقتصادی پر صرفه است. مانند انگور که اگر تبدیل به زباله شود قابلیت تبدیل به سرکه را دارد و تمام میوه جات چنین حالتی دارند.

نه تنها طعم طبیعی دارد و از رنگ های صنعتی استفاده نمی شود بلکه مواد نگهدارنده خطرناک ندارد. بلکه برابر هر



تصویر ۱ روستای خور خوسف بیرجند: معماری خاک یک انتخاب هوشمندانه است.

منبع: <https://www.isna.ir/news/92120704383>

بایستی اسباب لازم برای معماری را در اختیار انسان در طبیعت قرارداد باشد. مواد و مصالح موجود و خواص مواد همه بیانگر آنست که خداوند در طبیعت به فکر همه چیز بوده است. در طبیعت بطور طبیعی نخاله و زباله تولید نمی شود. انسان با ندانم کاری در تغییر طبیعت زباله و نخاله ساختمانی تولید می کند که هردو اینها جزو معضلات امروز هستند. اگر انسان دانش مدارانه و از دانش موجود در طبیعت بهره می گرفت شاید امروز این مشکلات گریبانگیر او نبود. این همه موجودات اعم از جانوران و گیاهان طی فرآیندی بوجود می آیند و می میرند اما هرگز ما صحنه انباشت لاشه گیاهان و جانوران را نمی بینیم. زیرا برای تجزیه موادی که تاریخ مصرف آنها گذشته است در سامانه طبیعت راهکارهایی طراحی شده است.

شاید بتوان بر این پایه استفاده معماران ایرانی اسلامی در خلق معماری بومی که از خاک به عنوان عنصر بازگشت پذیر را نوعی مهندسی بر پایه طبیعت دانست و معماران بومی را عبدالله ترین معماران دانست. هیلن براند در کتاب معماری اسلامی یکی از ویژگیهای معماری اسلامی را باز یافت مصالح معماری گذشته می داند و معتقد است در ساخت مساجد از مصالح مساجد گذشته استفاده می شده است. (هیلن براند، ۱۳۷۷) این مطلب این گمان را تقویت می کند که معماران مسلمان با آگاهی این طور عمل نموده اند. معمارانی که توانایی داشته اند از برترین دانشها در معماری بهره ببرند و به برترین دانشهای زمان خود پی برده بوده اند. حتما می توانستند از مصالح مقاوم تری در معماری بهره ببرند. می توانستند پایداری در برابر زمان را در معماری افزایش دهند اما سوال اینست که چرا چنین عمل نکرده اند؟ آنها به معماری به مثابه یک اندام واره طبیعی نگاه می کردند که مانند دیگر اندام واره ها تولد و مرگ دارد.

«شهر اسلامی به آرامی سر از خاک برمی دارد و از منابع طبیعت حداکثر استفاده را می کند و وقتی خالی از سکنه شد به آرامی به آغوش خاک بر می گردد» (نصر: ۱۳۷۵، ۵۷)

گمان می رود، اینکه معماری بومی از ساختار طبیعی در معماری خاک بهره جسته اتفاقی نیست بلکه دارای پشتوانه فکری و اندیشه ای است. میتوان معماران بومی ایران را مهندسین بزرگواری دانست که به حکمت رسیده اند و از دانش طبیعت در معماری خود بهره جسته اند. آنان به ساختارهای طبیعی دقت کامل داشته اند دانش موجود در طبیعت را کشف کرده و بر آن پایه عمل نموده اند و این معنی عبدالله است و

ذائقه ای طعم های مناسب وجود دارد و با تغییر فصول طعم مناسب با آن فصل وجود دارد. میوه ها علاوه بر این که آب بدن را تامین می کند فیبر آن مفید است و حتی خواص درمانی نیز دارد.

مشکل تاریخ مصرف ندارد زیرا با دیدن و لمس کردن و بویدن و مزه کردن پی به فساد آن می توان برد.

کارخانه های تولیدی میوه نه تنها به محیط آسیب نمی رساند بلکه به محیط کمک می کند هوا را نه تنها آلوده نمی کند بلکه به پاکسازی هوا و تولید اکسیژن می پردازد و دی اکسید کربن را جذب می کند. در هر جا که خاک و آب مناسب باشد کارخانه تولید میوه قابل احداث است! در ضمن خود کارخانه پس از مستهلک شدن تبدیل به زباله نمی شود.

نسخه تولید نه تنها محرمانه نیست بلکه قابل خواندن و دستکاری کردن است. این نسخه در دانه گیاه نهفته است این نسخه برنامه احداث کارخانه و تولید را در خود دارد. فراوانی این نسخه به حدی است که گونه گیاهی نه تنها منقرض نشود بلکه به خوراک و داروی انسان ها و حیوانات نیز می رسد. از سویی علاقه حیوانات به دانه های گیاهان باعث پراکنش دانه در محیط و توسعه آن می شود.

۴-۱ روش آفریننده طبیعت در معماری

حال اگر کارخانه ای بتواند از روشهای طبیعت در تولید بهره بگیرد، به برترین دانشها بایستی دست یابد و به پیرامون خود و عوارض تولید خود آگاه باشد در اصل کار دقیق مهندسی بایستی انجام دهد. اگر چنین کند به طبیعت و دانش آن نزدیک شده است و این معنی عبدالله است و بنده خدا کسی است که کارش شبیه و نزدیک به کار خدا باشد. و نتیجه ای که از این مطالب می توان گرفت مهندس عبدالله است و مهندسی حرکت به سمت وظیفه الهی انسان که همان آباد گری است. انسان طبق فرمایش قرآن وظیفه استعمار زمین را دارد و چون از سویی جانشین خدا در روی زمین است بایستی کارش مانند خدا باشد. این جانشینی برپایه عبداللّهیت بدست آمده و این بالاترین مقامی است که انسان بایستی به آن دست یابد. یعنی معماری کند مهندسی کند. از علم و برترین علم ها در کارش بهره ببرد و این مطلب به معنی حکمت است.

انسان به معماری زمین گمارده شده است و از آنجایی که خالق انسان و طبیعت خداوند است و او کریم و خیر است لذا

برد. این همان عبور از ظاهر به باطن است.^۹ اگر با تعریفی که از عبادت در بالا اشاره شد به این مطلب توجه شود شاید بتوان بهتر معنی عبادت یک معمار و مهندس را متوجه شد. «پیامبر فرمودند که خداوند امت خود را مورد عنایت قرار داده و تمام سطح زمین را جایگاه عبادت او قرار داده است» (بورکهارت: ۱۳۷۶، ب، ۷۰) به عبارتی تمام زمین برای مهندس و معمار عبادتگاه است که بایستی در کارهایش اسما و علم را از بطن باطن به ظاهر آورد و آشکار کند.

بر پایه علم است که تمام طبیعت رام انسان است. به عبارت دیگر یعنی همان گونه که خداوند انسان را از خاک انشا کرد او نیز می تواند بر پایه دانش و علم از خاک بیافریند معماری کند و کارهای صنعتی و هنری ایجاد کند. سجده فرشتگان بر آدم و مقام و جایگاه انسان نیز به واسطه همین علم است. فرشته آنچه به او تعلیم داده شده را می داند و بیشتر نمی داند از این رو طبق نظر ابن عربی مقامش معلوم است. (چیتیک، ۱۳۸۴) اما انسان می تواند قابلیت در خود ایجاد کند و بنده خدا باشد یعنی عالم باشد. رحیم باشد. کریم باشد. مقامش نامعلوم است. تمام اوصاف و صفات خدا را انسان کامل یکجا داراست و متناسب با شرایط می تواند آنها را ظاهر کند در صورتی که هر شی طبیعت فقط بخشی از این اوصاف را داراست و همان بخش را می تواند ظاهر کند و باز تابش کند. از این رو طبیعت کاملاً بنده خداست و انسان به میزانی که علم و اسم را منعکس می کنند بنده خدا است.



تصویر ۲: روستای میمند کرمان: معماری کند یک انتخاب هوشمندانه تر است.

منبع: http://www.negahmedia.ir/mob/media/show_pic/43424

می توان نتیجه گرفت که هر چه معمار از دانش بیشتر و برتری استفاده کند و کار او فن آورانه تر باشد عبدالله تر است. بنابر این می توان مهندسین را بر این پایه مرتبه مند کرد و گفت: بهره گیری بیشتر از دانش طبیعت و نهفته در طبیعت کار را مهندسی تر خواهد کرد و مهندس ترین، عبدالله ترین است.

۴-۲ رفتار انسان سنتی در طبیعت

با توجه به آنچه گفته شد می توان دلیل این برخورد با طبیعت را به اندیشه او مربوط دانست. این برخورد احتمالاً به سه منظور بوده است نخست انسان سنتی جایگاه طبیعی و زمینی خود را موقتی و طبیعت را پل و معبری برای گذر از ظاهر طبیعت (آیات) به باطن طبیعت (دانش) می داند. از این رو سعی کرده معماری خود را جاودانه نسازد.

از سویی دیگر انسان سنتی، انسان زمان خویش است. اگر انسان سنتی انسان زمان خویش است بایستی در زمان زندگی کند و مجال هنرمندی دیگرانی که در آینده خواهند آمد را از آنها نگیرد. لذت آفریدن و آفرینش هنری در زمین برای همه دوره ها است و هر کس بایستی بتواند در زمان خود مجال ایفای وظیفه خود را در ساخت پیرامون خود بدست آورد. او مجبور نیست مانند پدر بزرگان خود زندگی کند.

در نهایت می توان گفت انسان سنتی در برخورد با طبیعت با نظم طبیعت معماری خود را هماهنگ ساخته است. موجودات گیاهی و جانوری در یک فرآیند طبیعی از زمین بر می خیزند و دوباره به زمین بر می گردند.

۴-۳ زمین عبادتگاه معمار

زمین در دیدگاه معمار سنتی محل عبادت است (بورکهارت ۱۳۷۲)، یعنی اسم را در معماری نازل میکند و این یعنی علم را در کارش متجلی می سازد. از نظر یک مسلمان زمین صورت پروردگار است.^۷ از این روی زمین مقدس است و از سویی زمین عبادتگاه مسلمان و معمار است زیرا در زمین می تواند مانند خدا بیافریند و اسما خداوند را در کارش بکارگیرد زیرا او معتقد است که تمام ارکان زمین به توسط اسما پابرجاست^۸ و معمار هستی چنین عمل کرده است و ادب آنست که معمار مسلمان نیز چنین کند. از دیگر سو «طبیعت در مقام ذکر و یاد آوری و آیه قدرت پروردگار است.» (نصر: ۱۳۷۵، ۱۷) یعنی با ظاهر طبیعت بایستی پی به دانش (باطن) طبیعت برده و از آن در کار خود بهره

صورت دیگر این بیان، بیان نمادین اندیشه معمار در نشانه های معماری است. «هنر اسلامی، همتای هر هنر قدسی دیگر، صرفاً در مواد و مصالحی که به کار گرفته شده خلاصه نمی گردد بلکه به این می پردازد که مواد و مصالح مورد نظر چگونه توسط یک جامعه دینی خاص شکل پذیرفته و مورد استفاده قرار گرفته است.» (نصر: ۱۳۷۵، ۱۰)

معمار جهان بینی و اندیشه خود را در معماری در قالب نشانه ظاهر می کند از این رو زمین و فرش دارای تقدس (به آسمان وابسته) است. نقوش روی فرش سایه نقوش گنبد است و معنای آن اینست که فرش سایه ای از عرش است. (نصر، ۱۳۷۵) «هرگز نباید فراموش کرد که نزد انسان غیر متجدد- خواه باستانی یا معاصر- کل ماده عالم دارای وجهی مقدس است.» (نصر: ۱۳۷۱، ۱۳) مسلماً تقدس به خاطر خاک و جسم خاکی نیست این تقدس به خاطر دانشی که ذاتاً چون گوهری پاک است و کالبد پذیری گوهر پاک دانش، با خاک است. همان گونه که اشاره شد ارزش معماری به اندیشه موجود در معماری است. معماری بدون وجود انسان (که اندیشه است) بی معنی است شاید به این دلیل است که خداوند آبادانی مساجد را به وجود انسانهای مومن می داند.^{۱۰}

ای ز ازل گوهر پاک آمده
گوهر تو زیور خاک آمده
چنبر نه چرخ بسی بیخت خاک
تا تو برون آمدی ای دُر پاک (امیرخسرو دهلوی)

آنم که توام ز خاک برداشته ای

نقشم به مراد خویش بنگاشته ای (ابوسعید ابی الخیر)

۴-۴ معماری تجسد اندیشه

علی آبادی زمین را بستر پدیداری اندیشه یا مشهد اندیشه میداند و معماری از دیدگاه او شهادت اندیشه است. (علی آبادی، ۱۳۹۵)

از شبنم عشق خاک آدم گل شد

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد (مولوی دیوان شمس)

از نظر مولوی معماری محصول اندیشه و سایه اندیشه معمار است. به هر میزان که معمارش اندیشمندانه عمل نماید معماریش نیز ارزشمندتر است. برتری یک معماری بر معماری دیگر به واسطه میزان هوش و دانشی است که در معماری بکار رفته و معماری باز تابنده آن هوش و دانش است. به نظر می رسد که استفاده از معماری گل و خاک از ذکاوت و هوش بیشتری نسبت به معماری های غیر خاکی بهره برده است. شاید در این زمینه بتوان معماری کندها مانند روستاهای کندوان و میمند را بسیار هوشمندانه تر از معماری خاک نیز دانست زیرا به طبیعت کمترین آسیب را رسانده و از طبیعت کمترین میزان استفاده شده است و حتی از مصالح گلی و خاک در ساخت آن بهره نبرده اند بلکه با کندن زمین فضایی ایجاد گردیده است. برپایه نظر راپاپورت معمار معمولاً جهان بینی و فرهنگ خود در معماری را بیان می دارد. (معماریان، ۱۳۸۴) گروت نیز معماری را محصول نگرش انسان به جهان و طبیعت می داند. (گروت، ۱۳۸۳)

پی نوشت ها

۱. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (قرآن کریم: الذاریات، ۵۶)
۲. يَسْبُحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (قرآن کریم: التغابن، ۱) والنجم والشجر يسجدان (قرآن کریم: الرحمن، ۶)
۳. در ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۹ صفحه ۵۹ سطر ۲۱ در باره نشا و معنی آن می خوانیم: نشا به معنی احداث چیزی و تربیت آن است. او از زمین شما را انشا کرد. معنایش اینست که: او بود که شما را در آغاز خلقت تان به حالتهای گوناگون متحول کرد، واز مواد و عنصری زمینی تان بگرفت و در آخر به صورت نطفه تان در آورد، در داخل رحم ها وارد کرد.
۴. هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها
۵. هو الذی انشاکم من نفس وحده - انعام ۱۸ خلقتکم من نفس وحده - زمر ۶
۶. والی ریک منتهاها
۷. اینما تولوا فثم وجه الله (قرآن کریم: البقره، ۱۱۵)
۸. (و باسمائک التی ملئت ارکان کل شیء) و همچنین (و مالک رقی) دعای کمیل امام علی (ع)
۹. فَأَعْتَبُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (قرآن کریم: حشر، ۵۹)
۱۰. انما یعمر مساجدالله من امن بالله (قرآن کریم: توبه، ۱۸)

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام علی (ع) دعای کمیل
۳. ابوسعید. ابوالخیر. ۱۳۶۹. سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. (پدید آورندگان نفیسی. سعید) ناشر کتابخانه سنایی. ۲۰۰ ص
۴. البیطار حسام ۲۰۰۵ اعجاز الکلمه فی القرآن الکریم: وجه غیر مسبوق فی اعجاز الکلمه المفرده، عمان
۵. بورکهارت تیتوس. ۱۳۷۶ هنر مقدس. مترجم جلال ستاری. سروش. چاپ دوم
۶. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۶، (ب) ارزش های جاویدان هنر اسلامی، ترجمه: حسین نصر، مجموعه مقالات هنر معنوی، تدوین علی تاجدینی، تهران، نشر مطالعات دینی هنر.
۷. تیتوس بورکهارت ۱۳۷۲، نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی، ترجمه غلامرضا اعوانی، در مبانی هنر معنوی: مجموعه مقالات، چاپ دفتر مطالعات دینی هنر، تهران
۸. دهلوی، حسن ۱۳۸۳ دیوان حسن دهلوی [قرن هفتم ق] به اهتمام احمد بهشتی شیرازی و دیگران؛ تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۹. سعدی، مصلح بن عبدالله ۱۳۷۸ کلیات سعدی؛ تهران؛ هستان، موسسه انتشارات نگاه
۱۰. شمس الدین محمد (معروف به حافظ شیرازی). ۱۳۷۵ دیوان حافظ. (از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی) مقدمه فریدون مشیری. تهران. انتشارات ارغوان. ۴۳۹
۱۱. شوان، فریتیوف. ۱۳۷۷. زیباشناسی و رمزپردازی در هنر و طبیعت . ترجمه الف. آزاد س چهارم، ش سوم و چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۷ (ش ۱۶-۱۵)، ص ۱۳۶-۱۲۷.
۱۲. کلینی، محمد؛ بیتا، اصول کافی؛ انتشارات اسلامیه (۱)
۱۳. طباطبائی؛ سید محمد حسین ۱۳۶۳ المیزان (ترجمه تفسیر)؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۴. علی آبادی محمد ۱۳۹۵ گوهر هنر؛ نشر نور مهراز؛ تهران
۱۵. فارابی، ابونصر محمد ۱۳۷۹ اندیشه های اهل مدینه فاضله؛ ترجمه و تحشیه دکتر سید جعفر سجادی؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
۱۶. گروتز یورگ کورت. ۱۳۸۳ زیبایی شناسی در معماری . جهانشاه پاکزاد و همکار. تهران. دانشگاه شهید بهشتی
۱۷. چیتیک، ویلیام، ۱۳۸۴. عوالم خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان، تهران، هرمس
۱۸. معماریان غلامحسین ۱۳۸۴ سیری در مبانی نظری معماری، نشر سروش دانش، تهران
۱۹. معین محمد ۱۳۸۴ فرهنگ فارسی معین، تهران، گلی
۲۰. نصر سید حسین ۱۳۷۱ انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متحد) ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دوم ۱۳۸۳
۲۱. نصر سید حسین. ۱۳۷۵ هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. سوره

22. Lane E. W. (1893) Arabic-English Lexicon, London, Williams and Norgate,
 23. Nasr S. H. (2003) Man and nature, The spiritual crisis modern man, Chicago, Kazi publications
 24. Hillenbrand R. (2000) Islamic Architecture Form, Function and Meaning, Edinburgh University Press

25. Burckhardt T. (2009) Art of Islam, Language and Meaning: Commemorative Edition (Sacred Art in Tradition) World Wisdom
 26. Burckhardt T. (2009) Foundations of Oriental Art & Symbolism. World Wisd

تحلیل مجموعه برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان (از منظر هندسه و تناسبات بنا)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

دکتر علی خیری*، دکتر ایرج اعتصام**

چکیده

بناهای آرامگاهی در ایران از نظر تعداد آثار برجای مانده پس از مساجد رتبه دوم را به خود اختصاص داده و از جنبه‌های گوناگون در معماری این سرزمین نقش اساسی داشته که قابل بررسی و تحلیل می‌باشند. در مقاله حاضر دو مجموعه برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان از منظر هندسه و تناسبات بنا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته که موجب دستیابی به شناختی دقیق‌تر از معماری مقبره‌سازی در ایران شده است. برج آرامگاهی یکی از انواع مهم آرامگاه‌های ایرانی است و علت ساخت برج آرامگاهی متمایز نمودن ارتفاع و فرم بنای آرامگاهی از سایر بناهای هم‌جوار بوده است.

روش تحقیق مورد استفاده این مقاله تفسیری-تاریخی بوده که در کنار بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به مقایسه تطبیقی بین مجموعه برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان پرداخته است؛ به بیان ساده‌تر پژوهش حاضر از طریق بررسی نقاط اشتراک و افتراق برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان به شناخت این دو مجموعه از منظر هندسه و به وسیله تحلیل معیارهایی چون پلان، نما، مقطع، چفد، گنبد و تناسبات طلایی بنا می‌پردازد. در ادامه هر کدام از معیارهای طرح شده بالا به مجموعه زیرمعیارهایی تقسیم‌بندی شده و به وسیله این زیرمعیارها تحلیل نهایی انجام شده است.

در نهایت براساس شواهد به دست آمده و با استفاده از تحلیل‌های انجام شده به مدل‌سازی سه بعدی این دو مجموعه آرامگاهی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر دو مجموعه سمیران و خرقان ضمن دارا بودن ریشه‌های تاریخی، جغرافیایی و قومیتی مشترک، دارای ساختار هندسی و تناسبات مشابهی نیز هستند و در یک روند تکاملی، تحت تأثیر کلی برج‌های سمیران بنا شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: برج آرامگاهی، سمیران، خرقان، هندسی، تناسبات بنا

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

kheiri.ali@gmail.com

** استاد پردیس هنرهای زیبا

مقدمه

بناهای آرامگاهی یکی از مهمترین عناصری هستند که از نظر مذهبی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی در معماری پس از اسلام ایران نقشی اساسی داشته و تا امروز از نظر تعداد آثار باقیمانده، پس از مساجد رتبهٔ دوم را به خود اختصاص داده‌اند. بناهای آرامگاهی به فراخور فرهنگ، زمان، مکان و فرم با اسامی گوناگونی از قبیل: حظیره، روضه، مشهد، برج، تربت، آستانه، گنبد، مرقد، مزار، بقعه، قبه، قبر شناخته شده‌اند. تفاوت حائز اهمیت بناهای آرامگاهی ایران با سایر بناهای تاریخی در این است که سایرین بر اثر گذشت زمان و تغییر الگوی زندگی، برخی بناهای قدیمی عملکرد خود را از دست داده، متروک شده و در نهایت تخریب گشته‌اند؛ از جمله این بناها می‌توان به اغلب میل‌ها، آب‌انبارها، حمام‌ها، کاروانسراها و بناهایی از این دست اشاره نمود. ولی بناهای آرامگاهی نه تنها عملکرد خود را از دست نداده‌اند بلکه باعث رونق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه نیز گشته‌اند و بعضاً به خاطر مجاورت با سایر فضاهای زیستی باعث تداوم حیات آن‌ها نیز شده‌اند، که این مسأله ارزش بناهای آرامگاهی زیارتی را دو چندان می‌کند. بناهای آرامگاهی در بافت فرهنگی و جامعهٔ ایرانی سابقه‌ای بس طولانی‌تر از اسلام داشته و کمتر نقطه‌ای در ایران وجود دارد که سهمی از بناهای آرامگاهی نبرده باشد؛ همچنین هر بازدیدکننده‌ای که از جهان اسلام دیدن می‌کند با مشاهده آرامگاه‌های بی‌شمار موجود در شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی، بدون شك شگفت‌زده می‌شود (هیلن‌براند، ۱۳۷۷: ۳۱۴). مسئله مقبره‌سازی و الگوبرداری در اقصی نقاط گستره ایران زمین بخش مهمی از تاریخ معماری ایران را نمایان می‌سازد و در این مقاله به شکل ویژه بر تداوم فرم در اعصار تاریخ که منجر به تکوین مقبره‌سازی ایرانی شده می‌پردازد. در ادامه با بررسی متغیرهایی چون ساختار، اندازه، تزئینات، مدولاسیون، چفد (قوس) گنبد و تناسبات به دنبال حصول هدف این مقاله یعنی بررسی تشابهات و تفاوت‌ها در مجموعه برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان با در نظر گرفتن ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی است که سیر تحول معماری این مجموعه بناها را با در نظر گرفتن تناسبات هندسی از دورهٔ دیلمیان «آل مسافر» تا سلجوقیان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با هندسه و تناسبات، مقالات متعدد و مختلفی در

کنفرانس‌ها، ژورنال‌های علمی دانشگاه‌ها ارائه و چاپ گردیده است. به منظور سهولت بیشتر در شناخت و بررسی پیشینه تحقیق، جدولی تهیه و ترسیم گردیده است (جدول ۱). همسو با پیشینه فوق به نظر می‌رسد برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان دارای ریشه‌های مختلف مشترکی به ویژه از منظر هندسه و تناسبات هستند و لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال حیاتی است که در راستای تأکید این مقاله، چه ارتباط هندسی و تناسبات و تشابهات بنایی بین آن‌ها وجود دارد؟

مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش تحقیق تفسیری-تاریخی می‌باشد. بدین صورت که برای دستیابی به مبانی نظری پژوهش که شامل اطلاعات مربوط به هندسه و تناسبات و همچنین نمونه‌های مشابه می‌باشد، از روش‌های کتابخانه‌ای و تفسیری بهره گرفته، سپس با استفاده از روش تحلیلی و تاریخی در بررسی اطلاعات بدست آمده، بازکشف فرم گنبد و سپس تهیه طرح و حجم فرم سه بعدی بنا و گنبد صورت می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر روش انجام پژوهش شامل ۶ گام می‌باشد. در گام نخست با علم به این موضوع که قدم نخستین هر تحقیقی از این دست، مطالعه متون و اسناد است و با توجه به موضوع تحقیق، طی مراجعه به مراکز علمی و تحقیقاتی مانند کتابخانه ملی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین بررسی آرشیوها اعم از کتاب، گزارش، عکس و نقشه‌ها، شناخت و کنکاشی اولیه به دست آمد. سپس با سفر به نقاط مذکور، مشاهده عینی و کنترل مجدد کلی صورت گرفت که این امر با عکاسی، مطالعه اسناد، نقشه‌های قدیمی و یا موجود فعلی در محل امکان‌پذیر شد. بعد از آن مدارک قدیمی و جدید با هم مطابقت داده شد و کنترل و اصلاح و باز ترسیمی نقشه‌ها انجام گرفت. در گام بعدی، مراجعه به متون تاریخی و جدید در باره چفدها، ترسیم انواع چفدهای سنتی ایرانی-اسلامی با مطالعه اصول ترسیم سنتی و با استفاده از نرم افزارهای مهندسی 3ds Max و Autocad بود. پس از آن مقایسهٔ بین چفد موجود هر بنا و چفدهای ترسیمی، بازکشف فرم گنبد و سپس تهیه طرح و حجم فرم سه بعدی بنا و گنبد صورت گرفت. لازم به توضیح است برای اولین بار مدل‌های سه بعدی (3ds.Max) دیجیتالی از بناهای فوق‌الذکر خلق شده و بدین طریق با سهولت و دقت

جدول ۱- پیشینه تحقیق (منبع: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۴)

#	نویسندگان	عنوان تحقیق	منبع / انتشار	نتیجه گیری
۱	نجفقلی پور کلاتری، نسیم؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح.	بررسی هندسه و تناسبات طلایی در معماری ایران (نمونه: خانه‌های سنتی تبریز)	مدیریت شهری (۴۶)، ۱۳۹۶: ۴۹۱-۴۷۷	در طراحی معماری سنتی ایران آثاری وجود دارد که علاوه بر بهره‌گیری از هندسه و تناسبات زرین ایرانی از اصول تناسبات طلایی فیبوناتچی نیز خواه به صورت آگاه و خواه بصورت ناآگاه پیروی می‌کند.
۲	نجفقلی پور کلاتری، نسیم؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح.	تجلی هندسه و تناسبات در بناهای سنتی معماری ایران در سبک آذری محدوده جغرافیایی آذربایجان	فصلنامه جغرافیایی سرزمین (۵۴)، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۳۰	برای برآورده کردن نیازهای عملکردی بنا در معماری معاصر، می‌توان همان اصول به کار گرفته شده در معماری سنتی را مجدداً در ساختمان‌های معاصر استفاده کرد. کاربرد تمامی این موارد سبب می‌شود که فضاهای ساخته دست انسان به محلی برای آسایش و آرامش و مأمونی برای خستگی‌ها تبدیل شوند و فشارهای روانی ایجاد شده در شهرها تا حد زیادی کاهش یابد.
۳	پوراحمدی، مجتبی.	معماری مبتنی بر هندسه در آرامگاه شیخ زاهد گیلانی	مجله معماری و شهرسازی (۱۰۵)، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۲	با تحلیل الگوهای هندسی که در تعیین فرم آرامگاه شیخ زاهد گیلانی نقش اساسی دارند، به اثبات کاربرد هوشمندانه و هنرمندانه هندسه در طراحی معماری که منجر به تناسبات زیبا و ماندگار در بنای مذکور گردیده، رسیده است.
۴	انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه؛ تقوایی، علی اکبر؛	تحقیقی پیرامون سیر تاریخی سیستم‌های تنظیم تناسبات در معماری با تأکید بر ملاحظات زیباشناختی	کتاب ماه هنر، (۱۵۱)، ۱۳۹۰: ۵۶-۴۵	تناسبات به کار رفته در آثار معماری قبل از قرن سوم هجری به صورت ناخودآگاه و با توجه به زیبایی شناختی بشر ساخته شده‌اند، ولی امروزه از تناسباتی استفاده می‌شود که در نظر و چشم بیننده زیبایی را القاء کند و از تناسبات منطقی، اعدادی و هندسی استفاده نمی‌شود.
۵	بمانیان، محمد رضا؛ اخوت، هانیه؛ بقائی، پرهام.	کاربرد هندسه و تناسبات در معماری	تهران، هله، ۱۳۸۹	با بررسی مفهوم هندسه و تناسبات با دیدگاه‌های متفاوت و همچنین دوره‌های مختلف تاریخی و نمونه‌های متعدد به ارائه راهکارهایی از نظر زیبایی شناسی پرداخته است.
۶	خیری، علی.	قوس معماری ایرانی اسلامی در مفتاح الحساب غیاث‌الدین جمشید کاشانی	کتاب ماه علوم و فنون، شهریور ۱۳۸۹: ۲۸-۳۴	کاشانی نخست به طرز کشیدن قوس‌ها که یکی از مبانی مهم معماری است اشاره کرده و سپس راه محاسبه سطوح مختلف آن را بیان داشته است. با دستیابی به این مدرک مهم و اصیل، به شناخت و ترسیم قوس معماری ایرانی اسلامی می‌توان پرداخت.
۷	انصاری، مجتبی؛ نژاد ابراهیمی، احد.	هندسه تناسبات در معماری دوره ترکمنان قره قویونلو، مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)	کتاب ماه علوم و فنون، ۱۳۸۹: ۳۵-۴۵	با مطالعه در هندسه و تناسبات بنا، تزئینات و اشکال به کار رفته، مصالح و اسلوبی که بر اساس آن مویفها و اشکال اسلیمی و هندسی کنار هم دیگر قرار گرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تناسبات مورد بررسی علاوه بر تزئینات موجود در بنا در ساختار هندسی آن نیز مورد توجه بوده است.
۸	نقره کار، عبدالحمید.	در آمدی بر هویت معماری اسلامی در معماری و شهرسازی	وزارت مسکن و شهرسازی، تهران ۱۳۸۷	هندسه و تناسبات را در معماری غرب و معماری ایران با دوره‌بندی قبل از اسلام و بعد از آن بررسی نموده و سپس به کاربرد آن در معماری و همچنین رابطه آن با طبیعت (الگو برداری، رویارویی و هماهنگی و تکمیل) می‌پردازد.
۹	حجازی، مهرداد.	هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی	مجله تاریخ علم (۷)، ۱۳۸۷: ۴۴-۱۷	بررسی تناسبات طلایی و دیگر تناسبات که به زیبایی بنا از نظر هندسی کمک کرده و همچنین استفاده از تناسبات موجود در طبیعت و کاربرد آن در معماری سنتی ایران.
۱۰	بمانیان، محمدرضا.	مقدمه ای بر نقش و کاربرد پیمون در معماری ایرانی	مجله مدرس هنر، (۱)، ۱۳۸۱: ۱۰-۱	در گذشته معماران ایرانی برای ساخت بناهای مستحکم از پیمون به عنوان معیار خود استفاده کرده‌اند اگرچه پیمون در نقاط مختلف ایران نسبت به اقلیم، مصالح و محل ساخت بنا متفاوت بوده است.
۱۱	هیلن‌براند، رابرت؛ ترجمه: اعتصام، ایرج.	معماری اسلامی فرم، عملکرد و معنی	تهران، پردازش و برنامه ریزی شهرداری شهری، ۱۳۷۷	از جهات مختلف ایران را می‌توان به عنوان کلید معماری اسلامی، به خصوص در دوران قرون میانی به حساب آورد. چنین است که در این کتاب ایران نقش مرکزی دارد و اطلاعات بسیار مفیدی از سیر تحول معماری ایران و نیز بناهای آرامگاهی ایرانی در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

برده نمی‌شود و بدین ترتیب یکی از مهیج‌ترین ویرانه‌های رشته کوه البرز (سمیران) در ضمیر تاریخ محو می‌گردد (رضایی کلج، ۱۳۹۰: ۶۱).

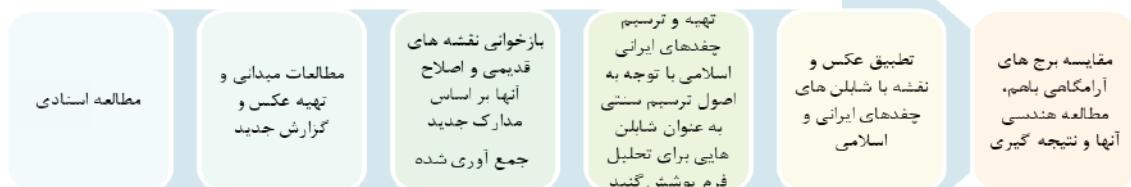
برج آرامگاهی یکی از انواع مهم آرامگاه‌های ایرانی است و علت ساخت برج آرامگاهی متمایز نمودن ارتفاع و فرم بنای آرامگاهی از سایر بناهای هم‌جوار بوده است. مقابر برجی، عمداً جدا و منفرد ساخته می‌شدند تا از هر سو نمایان باشند. تنوع برج‌های آرامگاهی از لحاظ پلان، نما و پوشش قابل بررسی است که البته تأکید بر ارتفاع بیشتر جهت هر چه شاخص‌تر شدن بنا و استفاده مضاعف از ارتفاعات طبیعی موجود، تأثیر فوق‌العاده‌ای در عظمت بنا داشته است.

«آرامگاه بزرگ» مشهور به «بزرگ قلعه ساسان» بر فراز تپه بلندی به ارتفاع تقریبی ۳۰ متر ساخته شده که قسمت بالای آن فاقد پوشش گیاهی است و به صورت سکویی از سنگ سیاه خودنمایی می‌کند. با استناد به این عقیده که به دلیل حرمتی که برای پاک نگهداشتن خاک قائل بودند، برای دفن اجساد آن‌ها

بیشتری توانسته‌ایم به فرم و ماهیت اولیه آن‌ها پی برده و تحلیل دقیق‌تری نموده‌ایم. در نهایت پس از کشف ماهیت اولیه و کامل برج‌های مذکور و با تحلیل هندسی فرم بناها، به نتیجه‌گیری لازم رهنمون می‌شود.

شناخت محدوده مطالعاتی

قدیمی‌ترین اطلاعاتی که در مورد سمیران موجود است نوشته‌های ابودلف شاعر و جهانگرد عرب در سال ۳۳۱ هجری و ناصر خسرو قبادیانی که در سال ۴۳۸ به سمیران رفته بودند، می‌باشد. از سفرنامه این دو استنباط می‌شود که سمیران قدیم مساحتی بیش از مساحت فعلی داشته، به ویژه اشاره این دو جهانگرد معروف به دو هزار و هشتصد و پنجاه و چند خانه و سه دیوار تو در تو نشان از عظمت و اهمیتی داشته که وسعت آن را در سایر نقاط منطقه نیز باید جستجو کرد. نام سمیران تا اواخر قرن نهم هجری در نوشته‌های مورخین دیده می‌شود و از این تاریخ به بعد تقریباً در هیچ یک از متون تاریخی نامی از آن



نمودار ۱- روش تحقیق (ترسیم: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۳- آرامگاه کوچک سمیران
(منبع: خیری، ۱۳۹۴)



شکل ۲- آرامگاه بزرگ سمیران
(منبع: خیری، ۱۳۹۴)



شکل ۱- سمیران، آرامگاه‌ها
(منبع: آرشیو میراث فرهنگی)

دیده و علاوه بر پوشش گنبدی بنا، یکی از اضلاع این برج طی سال‌های اخیر فرو ریخته است. «آرامگاه کوچک» از لحاظ طرح، پلان و نقشه قابل مقایسه با بنای آرامگاه بزرگ بوده و به نظر می‌رسد که هر دو مربوط به يك بازهٔ زمانی می‌باشند؛ اما آرامگاه بزرگ باید قدیمی‌تر باشد، زیرا از نظر سوق‌الجیشی در ارتفاع بلندتری قرار گرفته و با توجه به اشغال موقعیت مناسب سایت توسط آرامگاه بزرگ، بالاجبار «آرامگاه کوچک» در جای کم ارتفاع‌تری قرار گرفته است. در ضمن این مکان‌یابی‌ها طوری اتخاذ گردیده‌اند که به هنگام غروب تابستان، سایه آرامگاه بزرگ تا روی بنای آرامگاه کوچک می‌افتد (شکل‌های ۱ و ۳). برج‌های سمیران در ۱۴ فروردین ۱۳۷۸ به شمارهٔ ۲۳۱۲ در آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. اطلاعات کلی آرامگاه‌های برج بزرگ سمیران و برج کوچک سمیران در ادامه درون جدول ذیل آورده شده است (جدول ۲).

نظر کلی براین است که دورهٔ سلجوقی دورهٔ باشکوهی در معماری ایران بوده است، چه از تجارب پیشینیان بهره‌گرفته و الگوهای تازه‌ای برای آینده خلق می‌نمودند. یکی از ارزشمندترین میراث باقی مانده از معماری دورهٔ سلجوقی،

را به خاک نمی‌سپردند بلکه داخل سنگ را تراش داده و جسد را نظیر دخمه‌های هخامنشی و استودان‌های ساسانی درون صخره قرار می‌دادند (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۳). این بنا از سه جهت دارای شیب تندی است که تا حدی دسترسی به بنای روی تپه را دشوار می‌سازد. در فصول پر آب، آب دریاچهٔ سد سفیدرود (قزل‌اوزن) که اکنون در نزدیکی آن قرار دارد، تا پای این تپه ادامه یافته و چشم‌انداز زیبایی را پدید می‌آورد (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۳۵۳-۳۴۹)؛ (شکل‌های ۱ و ۲). این بنا در تداوم معماری ساسانی (شیوه‌پارتی) و در دوره آل بویه ساخته شده که از این رو حائز اهمیت می‌باشد. «آرامگاه کوچک» یا «کوچک قلعه ساسان» یکی دیگر از مجموعه بناهای سمیران است. این بنا در غرب قلعهٔ سمیران و در شمال شرقی مقبرهٔ بزرگ قرار دارد. تپه‌ای که بنای مزبور روی آن احداث شده در بالا به صورت سکوی سنگی درآمده است. ارتفاع تپه از سطح دشت حدود ۱۳ متر است که از جهت شمال دارای شیب ملایم‌تری است و دسترسی به بنای روی تپه از آن سو راحت‌تر است. در فصول پر آب، آب دریاچهٔ سفید رود تا پای این تپه نیز ادامه یافته و پرآب می‌گردد (حضرتی، ۱۳۸۲: ۶۵). این بنا به دلیل در دسترس بودن، آسیب بیشتری

جدول ۲- اطلاعات کلی مجموعه آرامگاهی سمیران

برج کوچک سمیران		برج بزرگ سمیران		بناهای آرامگاهی
36°44′30.0″N	49°13′48.5″E	36°44′26.6″N	49°13′42.2″E	مختصات
قزوین، بخش طارم سفلی، دهستان خندان، روستای بهرام‌آباد				تقسیمات سیاسی
سد منجیل، روستای علی‌آباد، روبروی سه راهی روستای و خمان جودکی و رستوران توریستی قلعه سمیران.				مسیر دسترسی
۴۲۵ متری شمال غرب قلعه سمیران بر فراز تپه‌ای به ارتفاع ۱۳ متر		۴۵۰ متری غرب قلعه سمیران بر فراز تپه‌ای به ارتفاع ۳۱ متر		موقعیت مکانی
گورستان، قلعه سمیران، امامزاده قاسم، سه بنای گنبدخانه‌ای، چهارطاقی، سه برج دیگر سنگی سمیران (مخروبه شده‌اند)، حصارها، خرابه‌های شهر، دو پل، منار یا پلکان مارپیچ (اکنون اثری از دو پل و منار موجود نیست).				آثار تاریخی مجاور
دیلیمان (کنگریان): ۱۰۶۲–۹۱۹ میلادی / ۴۴۰–۳۰۵ هجری / ۲۹۷–۴۵۳ شمسی				دورهٔ تاریخی
عصر کنگریان		عصر کنگریان		تاریخ ساخت بنا
نامشخص		نامشخص		نام معمار
–		ساسان		مشهور به
–		یک مرد و جسد دوم (احتمالاً یک زن)		دفن شدگان
شیعه اسماعیلی (احتمالاً آمیخته با برخی اعتقادات ساسانی)		شیعه اسماعیلی (احتمالاً آمیخته با برخی اعتقادات ساسانی)		مذهب
ندارد		ندارد		ضریح

آرامگاه دو امامزاده به نام‌های (حیدره‌خاتون و محمد از فرزندان امام موسی بن جعفر) هستند؛ اما با بررسی‌های بعدی مشخص شد که دو امیرسلجوقی به نام‌های «ابوسعید بیجار بن سعد» و «ابومنصور ایلتای بن تکین» در این بناها دفن شده‌اند.

در طی ادوار مختلف برج‌های خرقان بارها مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است؛ در سال ۱۳۴۷ شمسی روستاییان محلی قسمتی از بنا را که بر اثر سیلاب در زیر رسوبات سست قرار گرفته بود به صورت غیرحرفه‌ای تعمیر کردند و سپس در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳-۱۳۷۱ شمسی مورد مرمت مجدد قرار دادند (عطارزاده، ۱۳۹۰، ج ۱۵). همین‌طور در اثر زلزله شدید اول تیر ماه سال ۱۳۸۱ بوئین‌زهرا، هر دو برج آسیب شدید دیدند که می‌توان نتیجه گرفت این زلزله یکی از قوی‌ترین زلزله‌های منطقه در ۹۰۰ سال اخیر بوده است (Walker, 2005: 707-720). اطلاعات کلی آرامگاه‌های برج خرقان شرقی و برج خرقان غربی در ادامه درون جدول ذیل آورده شده است (جدول ۳).

چارچوب نظری تحقیق

بنا به نظر هیلن براند که آرامگاه‌ها را به دو گروه غیرمذهبی و مذهبی تقسیم می‌نماید، ما نیز می‌توانیم آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌های ایران زمین را به دو گروه عمده غیرمذهبی و مذهبی تقسیم و زیر گروه‌هایی با تقسیم‌بندی خویش داشته باشیم:

آرامگاه‌های غیرمذهبی خود به دو گروه عمده پادشاهان- اشراف و فرهیختگان- نام‌آوران قابل تقسیم‌بندی می‌باشد.

تکنولوژی ساخت و زیبایی تزئینات در بناهای آرامگاهی خرقان می‌باشد. این دو بنای آرامگاهی، براساس کامل‌ترین شیوه ساخت بناهای آرامگاهی دوران خود ساخته شده‌اند و دارای تزئینات بسیار زیبا و متنوع آجرکاری می‌باشند به طوری که این دو برج مشهور به موزۀ آجرکاری ایران هستند و مجموعاً بیش از ۶۰ نوع آجرکاری دارند. در قرون چهارم و پنجم هجری یعنی دوره‌ای که شاهد اولین شکوفایی عظیم معماری در ایران بود، تأثیر اجزاء ترک (مغولی) خود را کم‌کم آشکار ساخت، به طور مثال در مقابر خرقان در سال‌های ۴۶۰ و ۴۸۶ هجری/ ۱۰۶۷ و ۱۰۹۳ میلادی که حتی دهکده‌ای نیز در اطراف وجود نداشت، انتخاب یک مکان رها شده در یک جلگه مسطح، شاید به خوبی شهرت مناطق مرتفع خرقان را به عنوان یک مکان و مرتع چادرنشینی منعکس می‌سازد (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۳۸).

«برج‌های آرامگاهی خرقان» در حدود یک کیلومتری روستای حصار ولیعصر «حصار ارمنی» از توابع خرقان غربی و در ۳۲ کیلومتری جاده قزوین- همدان قرار دارند. برج‌های خرقان در محوطه دشت باز و وسیعی به فاصله ۲۹ متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند و از بسیاری جهات باهم شباهت دارند، اما از نظر قدمت تاریخی برج شرقی، قدیمی‌تر از برج غربی است. این بناها در ۲۳ خرداد ۱۳۵۶ به شماره ۱۳۹۵ در آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند (امینی، ۱۳۹۳: (شکل‌های ۴ تا ۶). در برج‌های خرقان مقبره‌هایی نیز وجود دارند که ضریح آن‌ها دارای منبت‌کاری‌های زیبایی بوده‌اند. تا اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی، براساس نوشته‌های کتیبه‌های روی ضریح‌های چوبی تصور می‌شد که این دو بنا،



شکل ۶- آرامگاه غربی خرقان
(منبع: خیری، ۱۳۹۴)



شکل ۵- آرامگاه شرقی خرقان
(منبع: خیری، ۱۳۹۴)



شکل ۴- خرقان، آرامگاه‌ها قبل از زلزله
(منبع: آرشیو میراث فرهنگی)

جدول ۳- اطلاعات کلی مجموعه آرامگاهی خرقان (منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۴)

برج خرقان غربی		برج خرقان شرقی		بناهای آرامگاهی
35°50'24.2″N	49°00'32.2″E	35°50'24.1″N	49°00'33.7″E	مختصات
قزوین، بخش کوهین؛ دهستان ایلات قافازان غربی، روستای حصار ولیعصر				تقسیمات سیاسی
۳۲ کیلومتری جاده قزوین- همدان، بعد از سه راه آبگرم و نرسیده به کلنجین، به سمت روستای حصار ولیعصر				مسیر دسترسی
یک کیلومتری روستای حصار ولیعصر، در دشت باز		یک کیلومتری روستای حصار ولیعصر، در دشت باز		موقعیت مکانی
گورستان تاریخی				آثار تاریخی مجاور
(سلجوقیان): ۱۱۹۴–۱۰۳۷ میلادی / ۵۸۹–۴۲۸ هجری / ۵۷۲–۴۱۵ شمسی				دورهٔ تاریخی
۱۰۹۳ میلادی = ۴۸۶ قمری = ۴۷۲ شمسی		۱۰۶۸ میلاد = ۴۶۰ قمری = ۴۴۷ شمسی		تاریخ ساخت بنا
ابوالعالی بن مکی زنجانی		محمد بن مکی زنجانی		نام معمار
امامزاده حدیده خاتون		امامزاده محمد بن موسی بن جعفر		مشهور به
ابومنصور ایلتای‌تی پسر تکین		ابوسعید بیجار پسر سعد		دفن شدگان
شیعه اثنی عشر		شیعه اثنی عشر		مذهب
دارد		دارد		ضریح

و زیارتگاه‌های (تخت سلیمان تکاب، چاک چاکوی یزد) و چهارطاقی‌های زیادی (نیاسر کاشان) از آن دوران تاکنون به‌جا مانده است. متعاقب آن با ظهور پیامبرانی مانند مانی و مزدک در زمان ساسانیان که ادعای پیامبری نمودند، ایرانیان با رفرم در دین ولو به طور محدود آشنا شدند که اثرات دین مانی را در نقاشی‌های درون‌غاری علی‌الخصوص در بامیان افغانستان و هندوستان می‌توان مشاهده کرد و دین مزدک ترکیبی از آموزه‌های زرتشتی-مانوی بوده است که جنبش‌هایی مانند سفیدجامگان از آن نشأت گرفته‌اند. در زمان فتح بابل و آزادسازی قوم یهود توسط کوروش ما شاهد کوچ برخی از یهودیان و پیامبران یهود به ایران هستیم که یا در ایران کشته شده‌اند (دانیال نبی) و یا به دلایل دیگر درگذشته‌اند (قیدار نبی و چهارانبیاء). همین طور با کوچ آشوریان از عراق (کلیسای ننه مریم ارومیه) و ارامنه از ارمنستان (قره کلیسای جلفا) ما شاهد ساخت آرامگاه‌ها و کلیساهایی در ایران می‌باشیم. یک سری فرق و ادیان نیز در ایران به طور محدود فعالیت داشته‌اند که در این مبحث به آن‌ها نمی‌پردازیم.

آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌های بعد از اسلام ایران، شامل سه گروه عمدهٔ تشیع، تسنن و تصوف بوده است. تشیع از زمان سادات علوی و در نوار شمالی کشور اکثراً فعال بوده و در قسمت‌های

پادشاهان و اشراف به واسطهٔ قدرت نظامی-سیاسی و تسلط پادشاه و اطرافیان بر جامعهٔ عصر خود با دارا بودن منابع مالی، اکثراً شکوهمند و با ابهت بوده است (مقبرهٔ کوروش، مقابر نقش‌رستم، گنبد سلطانیه زنجان).

فرهیختگان-نام‌آوران به واسطهٔ دانش و تسلط در زمینه‌های علمی و ادبی به چهار گروه حکما-دانشمندان (فردوسی، خیام)، نقاشان-هنرمندان (کمال‌الملک)، تاریخدانان-جغرافیایان (سعدی، حافظ) قابل تقسیم هستند، که البته اکثر این چهار گروه با نظر مساعد حکام و تعداد خیلی نیز با آراء جمعی مردم (برج‌شلی دماوند) ساخته و پرداخته شده‌اند.

آرامگاه‌های مذهبی در بالاترین درجه مختص پیامبران است (نوح پیامبر رباط‌کریم، دانیال نبی شوش، قیدار نبی خدا بنده و چهار انبیاء قزوین) که به دو گروه پیامبران تشریعی و تبلیغی تقسیم می‌شوند و بعضاً ترجیح داده می‌شود که برخی پیامبران نیز به دلیل ارائه فلسفه‌ای برای زندگی جزو فیلسوفان تقسیم‌بندی شوند. اما پیغمبران الهی خود به دو گروه عمده قبل و بعد از اسلام تقسیم می‌شوند.

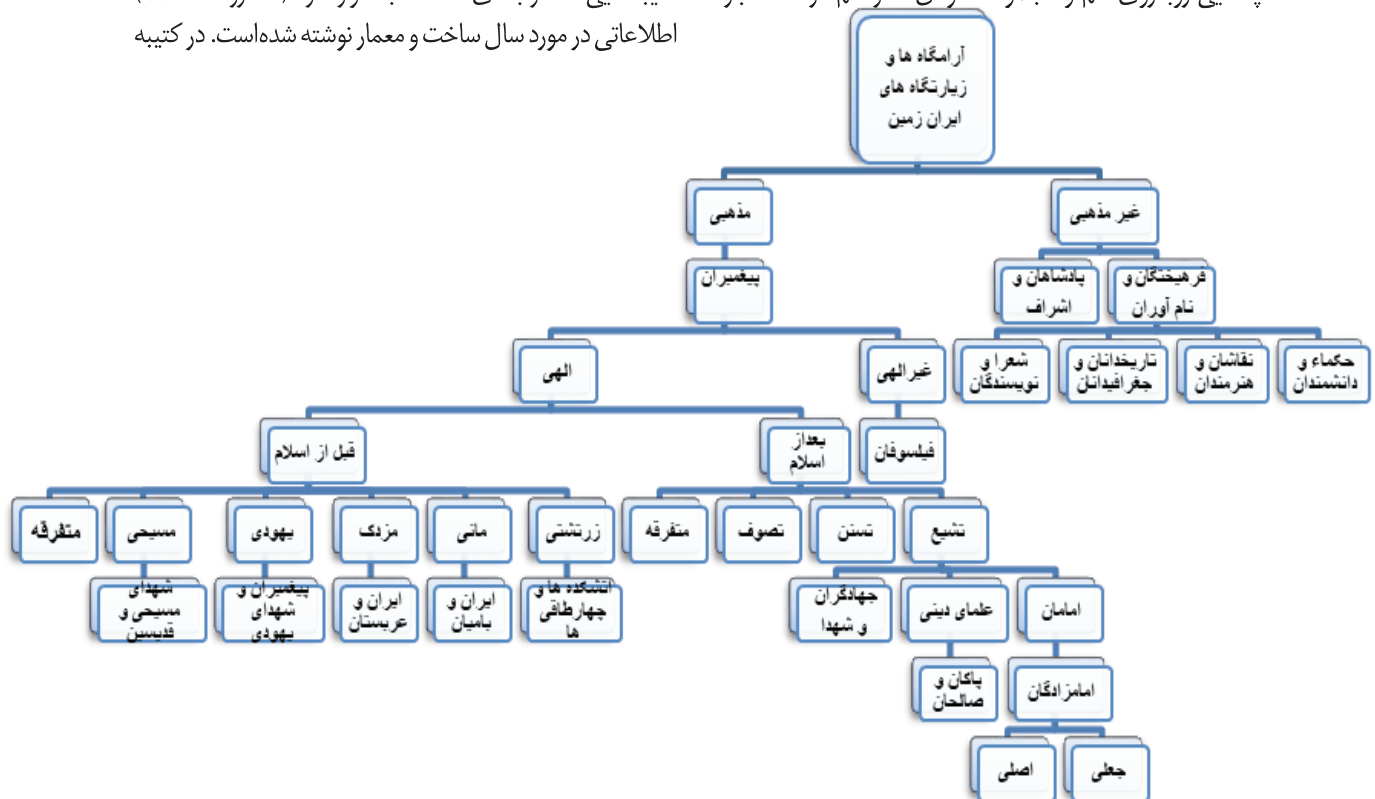
بزرگترین و مهم‌ترین پیامبر ایرانی زرتشت است و قرون متوالیست که دین زرتشتی دارای ریشه‌های مستحکم بوده

قرار دارند. سمیران متعلق به سلسله دیلمیان (کنگربان) و خرقان مربوط به سلسله ترکان سلجوقی هستند. نظریات متفاوتی در خصوص منشأ ترکی برج‌های آرامگاهی مطرح می‌باشد؛ به نظر هیلن براند، ارتباط بین برج آرامگاهی و خیمه‌های ترکی نمی‌تواند به عنوان حقیقتی ریشه‌دار تصور شود، بیشتر بدین خاطر که مقابر این چینی نخستین، به شکل ثابتی در (چنین) بافت پارسی یافت می‌شوند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۳۰)؛ لذا باید پذیرفت که مقبره‌های برجی باقیمانده از قبل، به دست شاهزادگان ایرانی در دوران پیش از سلجوقی ساخته شده‌اند و نه به وسیله تبار ترک (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۳۷) ولیکن نباید تأثیر ارکان ترک را نادیده گرفت. تاریخ دقیق ساخت سمیران نامشخص است در حالیکه تاریخ ساخت خرقان مشخص می‌باشد. بناهای مهمی در مجاورت سمیران به چشم می‌خورند، در حالی که خرقان فاقد تأسیسات شهری مجاور است. معماران سمیران گمنام هستند در حالی که در مجموعه خرقان اسامی معماران بر روی کتیبه خارجی نگاشته شده است. روی سردر ورودی برج‌های خرقان در کتیبه‌هایی که در بالای ساقه گنبد قرار دارد (عطارزاده، ۱۳۹۰) اطلاعاتی در مورد سال ساخت و معمار نوشته شده است. در کتیبه

غربی و جنوبی تسنن قدرت بیشتری داشته‌اند که تصوف در بین آن دو پراکنده بوده است. تشیع خود به سه گروه امامان، علمای دینی و جهادگران-شهادا قابل تفکیک است. البته امامان خود دارای زیر مجموعه وسیع‌تری به نام امام‌زادگان بوده است ولیکن امام‌زادگان ایران به دو دسته اصلی و جعلی تقسیم می‌شوند که نیازمند کار تحقیقی گسترده و دقیقی است. در ادامه دسته‌بندی، نمودار ذیل از آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌های ایران زمین استخراج گردیده است که هر کدام از این دسته‌بندی‌ها نیز منتج به تیپولوژی خاصی در معماری گردیده‌اند که یک تیپ مهم آن برج‌های آرامگاهی هستند. (نمودار ۲)

بحث

هر دو مجموعه برج‌های آرامگاهی سمیران و خرقان با فاصله تقریبی ۲۶۰ کیلومتری از هم در مدار ۴۹ درجه شرقی قرار دارند و بخش‌هایی از استان قزوین فعلی هستند که ریشه‌های تاریخی- قومیتی مشترکی دارند. مجموعه سمیران در روی تپه‌هایی روبه‌روی هم و مجموعه خرقان کنار هم در دشت باز



رکن الدین ابوالمظفر برکیارق (۴۹۹-۴۷۳).

یافته‌های تحقیق

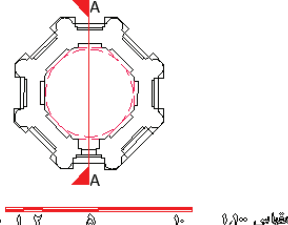
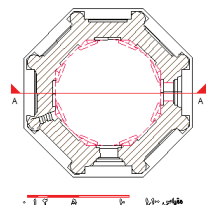
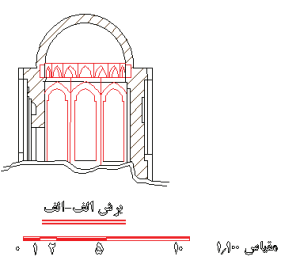
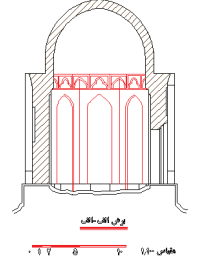
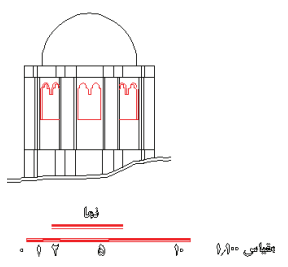
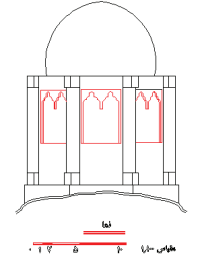
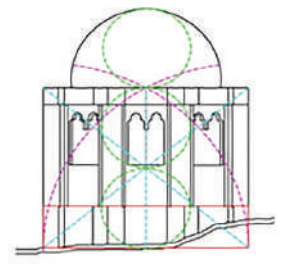
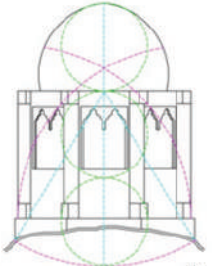
در ادامه به منظور درک ساده‌تر نتایج به دست آمده، یافته‌های حاصل از مطالعه و مقایسه این دو برج آرامگاهی در قالب دو جدول که در جدول اول تحلیل مجموعه آرامگاهی سمیران (جدول ۴) و در جدول دوم تحلیل مجموعه آرامگاهی خرقان (جدول ۵) آورده شده است.

دو خطی برج قدیمی شرقی چنین نوشته شده است: (به تاریخ سنه ستین و اربعمائه عمل محمد بن مکی الزنجانی القبه) که نشان از ساخت بنا در سال ۴۶۰ قمری توسط «محمد بن مکی زنجانی» دارد. کتیبه برج جدید غربی سال ساخت ۴۸۶ قمری به معماری «ابوالمعالی بن مکی زنجانی» را نشان می‌دهد و احتمالاً معمار هر دو برج خویشاوند بوده‌اند که برج غربی توسط برادر یا پسر معمار برج شرقی ساخته شده است. برج‌های خرقان زائیده معماری عصر سه تن از پادشاهان سلجوقی هستند: عضدالدین آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۳۱)، ملکشاه سلجوقی (۴۸۵-۴۴۷) و

جدول ۴- تحلیل تطبیقی مجموعه آرامگاهی سمیران (منبع: مطالعات، ترسیم و تحلیل نگارنده، ۱۳۹۴)

تحلیل		برج بزرگ «ساسان»	برج کوچک سمیران
اطلاعات کلی	کاربری	آرامگاه	آرامگاه
	مصالح ساختمان	سنگ و آجر در داخل دیوار، آجر در بدنه خارجی و آجر در داخل برج	سنگ و آجر در داخل دیوار، آجر در بدنه خارجی و آجر در داخل برج، گچ
ساختار	کانسپت	۸ ضلعی و ۸ دایره	۸ ضلعی و ۸ دایره
	محور تقارن	۱ اصلی و ۲ فرعی	۱ اصلی
	در	۱ در	۱ در
	پنجره	دارد	ندارد
	راه پله	دارد	ندارد
	تعداد پله	۱۲	ندارد
اندازه	ابعاد کل بنا	ارتفاع ۱۸ متر، ضلع خارجی ۶/۸۰ متر، ضلع داخلی ۴/۳۰ متر	ارتفاع ۱۲ متر، ضلع خارجی ۳/۵۰ متر، ضلع داخلی ۲/۵۰ متر
تزیینات و مدورلاسیون	پیلک (نیم ستون مدور)	پیلک چسبیده به دیوار دارد	پیلک چسبیده به دیوار دارد
	تزیینات خارجی	قاب‌های جناغی و طرح‌های گشنبیزی، گشنبیزی ۵ پره دو قلو در هر دیواره به جز ورودی	قاب‌های جناغی و طرح‌های گشنبیزی، گشنبیزی ۵ پره دو قلو در هر دیواره به جز ورودی
	تزیینات داخلی	آجری - پوشش گچی قاب سازی جناغی و گشنبیزی، طاق بندی	آجری - پوشش گچی قاب سازی جناغی، طاق بندی و نقوش گچی
	ابعاد آجر	۵/۵ × ۲۶ × ۲۶ سانتیمتر	۵/۵ × ۲۶ × ۲۶ سانتیمتر
چفد (قوس)	ابعاد قوس (متر)	۱۸/۴	۹/۶۶
	نوع قوس	جناغی	جناغی
گنبد	شکل	یک پوسته	یک پوسته
تناسبات	نسبت گنبد به بدنه	۱ به ۲	۱ به ۲
	نسبت بدنه به کل	۲ به ۳	۲ به ۳
	سری فیبوناتچی	۳-۲-۱	۳-۲-۱

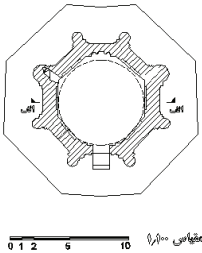
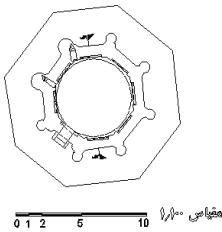
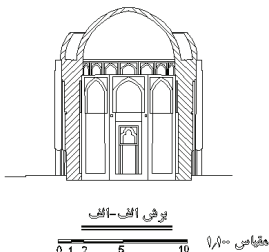
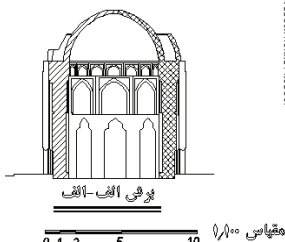
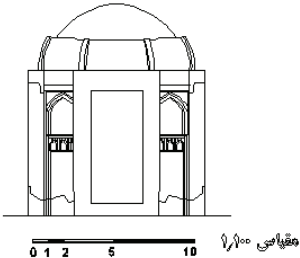
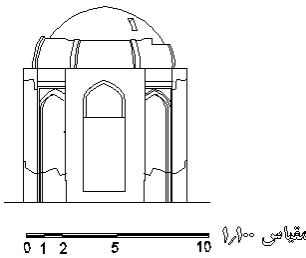
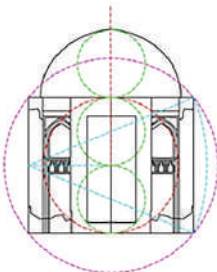
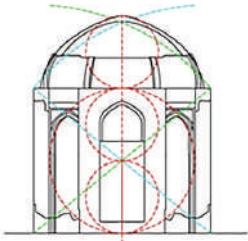
ادامه جدول ۴- تحلیل تطبیقی مجموعه آرامگاهی سمیران (منبع: مطالعات، ترسیم و تحلیل نگارنده، ۱۳۹۴)

برج کوچک سمیران	برج بزرگ «باسان»	تحلیل	
		معماری	پلان
			
			
			
		بازسازی	شکل سه بعدی به دست آمده از تحلیل

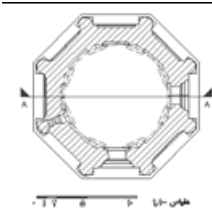
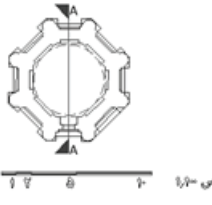
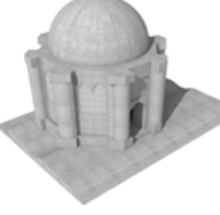
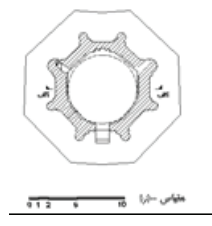
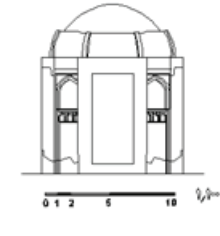
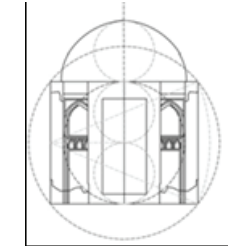
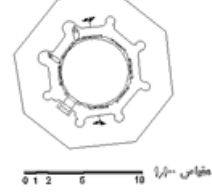
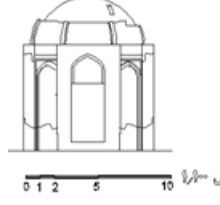
جدول ۵- تحلیل تطبیقی مجموعه آرامگاهی خرقان (منبع: مطالعات، ترسیم و تحلیل نگارنده، ۱۳۹۴)

برج های خرقان		تحلیل	
برج خرقان غربی	برج خرقان شرقی		
آرامگاه	آرامگاه	کاربری	اطلاعات کلی
آجر در داخل دیوار، آجر در بدنه خارجی و آجر در داخل برج	آجر در داخل دیوار، آجر در بدنه خارجی و گچ در داخل برج	مصالح ساختمان	
۸ ضلعی و ۸ دایره	۸ ضلعی و ۸ دایره	کانسپت	ساختار
۱ اصلی	۱ اصلی	محور تقارن	
۱ در	۱ در	در	
دارد	ندارد	پنجره	
۱	۲	راه پله	
۲۴	۲۲	تعداد پله	
ارتفاع ۱۹/۵۰ متر، ضلع خارجی ۶ متر، ضلع داخلی ۴ متر	ارتفاع ۱۸ متر، ضلع خارجی ۶ متر، ضلع داخلی ۴ متر	ابعاد کل بنا	اندازه
پیلک چسبیده به دیوار دارد	پیلک چسبیده به دیوار دارد	پیلک (نیم ستون مدور)	تزئینات و مدولاسیون
قاب های جناغی و طرح های گشیزی ۳ پره سه قلو طرح: حصیری، جناغی، خفته راسته، گره مربع، سرمه دان، مربع پای باریک، چهارترنجی و...	قاب های جناغی طرح: حصیری، جناغی، خفته راسته، گره مربع، سرمه دان، مربع پای باریک، چهارترنجی و..	تزئینات خارجی	
آجری آجرچینی ساده، نقوش هندسی، کتبه قرآنی به خط کوفی	آجری - پوشش گچی پوشش گچی، نقاشی طلوس، ستاره، پرده، درخت انار، نقوش تزئینی با تلفیق خط کوفی	تزئینات داخلی	
۱۹×۱۹×۵ و ۲۰×۲۰×۵ سانتیمتر	۱۹×۱۹×۵ و ۲۰×۲۰×۵ سانتیمتر	ابعاد آجر	
۱۲/۶۴	۱۵/۶۰	ابعاد قوس (متر)	چفد (قوس)
جناغی	جناغی	نوع قوس	
دو پوسته	دو پوسته	شکل	گنبد
۱ به ۲	۱ به ۲	نسبت گنبد به بدنه	تناسبات
۲ به ۳	۲ به ۳	نسبت بدنه به کل	
۳-۲-۱	۳-۲-۱		

ادامه جدول ۵- تحلیل تطبیقی مجموعه آرامگاهی خرقان (منبع: مطالعات، ترسیم و تحلیل نگارنده، ۱۳۹۴)

برج کوچک سمیران	برج بزرگ «ساسان»	تحلیل		
		معماری	پلان	
				
				
		تناسب	تناسبات طلایی	
				
		شکل سه بعدی به دست آمده از تحلیل		
		بازسازی		

جدول ۶- خلاصه تصویری مقایسه تطبیقی مجموعه‌های آرامگاهی خرقان و سمیران

برج بزرگ «ساسان»				
برج کوچک سمیران				
برج خرقان شرقی				
برج خرقان غربی				

نتیجه‌گیری

نظام‌الملک (۴۸۵-۴۰۸) ساخته شده‌اند، یعنی زمانی که نجوم و ریاضیات ایران در اوج پیشرفت خود بوده و دانشمندان مشهور ایرانی چون ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، امام‌موفق نیشابوری و حکیم عمر خیام پیشگامان رنسانس اسلامی گشته بودند و حتی معماران نیز جرأت یافته بودند تا نام خود بر روی بنای احدائی خویش ثبت نمایند که در برج‌های خرقان به خوبی مشهود است و قبل از آن مرسوم نبوده است.

مجموعهٔ سمیران اثری مربوط به دودمان کنگریان می‌باشد و البته خاستگاه کنگریان شهر بیجار (کردستان) فعلی بوده است. در بناهای آرامگاهی خرقان نیز نام یکی از فوت‌شدگان «ابوسعید بیجار بن سعد» بوده است که با توجه به قرابت اسمی و مهم بودن اصل و نسب افراد برای بیان ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی جای تأمل بسیار دارد. از طرفی سمیران به سه ناحیه از ایران گفته می‌شود: ۱. سمیران طارم سفلی (قزوین)، ۲. سمیران اسدآباد (همدان) و ۳. سمیران بیجار (کردستان)، که سرزمین‌های هم‌نام و هم‌جوار هستند.

لذا در تحلیل برج‌های سمیران طارم سفلی با خرقان آج، اگر علاوه بر تشابه‌های معماری و کالبدی، ریشه‌های نسبی، طایفه‌ای و سرزمینی را هم مد نظر داشته باشیم، می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها برج‌های خرقان تداوم معماری برج‌های سمیران می‌باشند بلکه حتی دارای ریشه‌های قومیتی مشترک نیز هستند. برج‌های دوقلوی سمیران و خرقان یک بار دیگر نشان دادند که تناسبات طلایی فیونانجی از قبل در تناسبات طلایی ایران نهفته بوده و مهندسان ایرانی با این تناسبات ولو به طور تجربی آشنایی کامل داشته و آگاهانه آن‌ها را به کار می‌بردند.

در این مقاله دو مجموعهٔ آرامگاهی، برج‌های سمیران و خرقان در استان قزوین مورد تحلیل واقع شده‌اند. شیوهٔ احداث آرامگاه‌های سمیران در بالای ارتفاعات و به خصوص بر روی صخره‌های سنگی دنبالهٔ همان سنتی است که در دوران ساسانی رواج داشته، در دوران آل‌بویه با تغییرات خاص خود تداوم یافته و در دوران سلجوقی با ساخت برج‌های دوگانهٔ خرقان به تحول و اوج پیشرفت خود رسیده است. برج‌های خرقان اولین نمونه از گنبد‌های دو پوسته‌ای ایران هستند که انقلابی در معماری ایران بوده است. در طول قرون ۵-۴ هجری بیشتر برج‌های نوار شمالی کشور با نقشه دایره ساخته می‌شدند ولی انتخاب پلان هشت ضلعی با پیلک‌هایی در گوشه‌های اضلاع بیرونی، ابتدا در برج‌های سمیران و سپس در برج‌های خرقان که فاصله زیادی هم با سرزمین‌های شمالی ایران ندارند، نشانه مهارت و ذوق سرشار هنرمندان است، زیرا امکان ابداع و ارائه تزئینات متنوع و بدیع در بدنهٔ برج‌های هشت ضلعی با سطوح صاف به جای دیوارهٔ منحنی شکل، ضمن بزرگتر شدن سطح کار، از نظر فنی نیز بسیار آسان‌تر است. در جدول ۶ مقایسه هندسی تطبیقی آورده شده است. در هشت وجه جانبی برج‌های سمیران و خرقان ما شاهد هنرآرکاری هستیم. آرکاری سمیران ساده‌تر بوده، زیرا معمار به راحتی می‌توانست با رعایت اصل تقارن و یا با ریتم تکرار به ارائهٔ یک یا چند طرح ساده بسنده نماید ولی تنوع آرکاری در خرقان نشان‌دهندهٔ قدرت هنری، اوج تفکر و تسلط کامل معمار به علم هندسه در این بناها بوده و این امر با تحولات علمی زمانه‌اش نیز بی‌ارتباط نمی‌توانست باشد.

برج‌های خرقان در عصر سلجوقی و معاصر با خواجه

منابع

۱. امینی، یعقوب (۱۳۹۳): «برج‌های آرامگاهی خرقان»، قزوین، صدا و سیمای مرکز قزوین.
۲. انصاری، مجتبی و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۸۹): «هندسه تناسبات در معماری دوره ترکمنان قره‌قویونلو، مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)»، کتاب ماه علوم و فنون، شهریور ۱۳۸۹، صص ۳۵-۴۵.
۳. انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه و تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۰): «تحقیقی پیرامون سیر تاریخی سیستم‌های تنظیم تناسبات در معماری با تأکید بر ملاحظات کاربردی و زیبا شنختی»، کتاب ماه هنر، (۱۵۱) فروردین، صص ۴۵-۵۶.
۴. بمانیان، محمدرضا، اخوت، هانیه و بقائی، پرهام (۱۳۸۹): «کاربرد هندسه و تناسبات در معماری»، تهران، هله.
۵. بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۱): «مقدمه ای بر نقش و کاربرد پیمون در معماری ایرانی»، مجله مدرس هنر، پائیز، صص ۱۰-۱.
۶. پوراحمدی، مجتبی (۱۳۹۱): «معماری مبتنی بر هندسه در آرامگاه شیخ زاهد گیلانی»، مجله معماری و شهرسازی، (۱۰۵)، صص ۳۵-۳۲.
۷. حجازی، مهرداد (۱۳۸۷): «هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی»، مجله تاریخ علم، (۷)، صص ۴۴-۱۷.
۸. حضرتی، محمدعلی (۱۳۸۲): «قزوین آینهٔ تاریخ و طبیعت ایران»، قزوین، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۹. خیری، علی (۱۳۸۹): «قوس معماری ایرانی اسلامی در مفتاح الحساب غیاث‌الدین جمشیدکاشانی»، کتاب ماه علوم و فنون (ویژه)

۱۵. نجفقلی پورکلانتری، نسیم؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح (۱۳۹۶)، «بررسی هندسه و تناسبات طلایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: خانه‌های سنتی شهر تبریز)»، مدیریت شهری، (۴۶) تهران، صص ۴۷۷-۴۹۱.
۱۶. نجفقلی پورکلانتری، نسیم؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح (۱۳۹۶)، «تجلی هندسه و تناسبات در بناهای سنتی معماری ایران در سبک آذری محدوده جغرافیایی آذربایجان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، (۵۴)، تهران، صص ۱۱۵-۱۳۰.
۱۷. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷)، «درآمدی بر هویت معماری اسلامی در معماری و شهرسازی»، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۸. هیلن‌براند، رابرت (۱۳۷۷)، «معماری اسلامی»، ترجمه: دکتر ایرج اعتصام، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

- نامه معماری اسلامی، ۲۵-۳۴.
۱۰. خیری، علی (۱۳۹۴): «بناهای آرامگاهی استان قزوین در قرون ۱۱ تا ۱۷ میلادی»، رساله دکتری، استاد راهنما: ولایت کریم‌اف، دانشگاه معماری و ساختمان جمهوری آذربایجان، باکو.
۱۱. رضایی کلج، محمدرضا (۱۳۹۰): «سمیران شبکه راه‌ها»، نشریه نسیم، (۳)، صص ۳۰-۴۲.
۱۲. عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۰): «برج‌های خرقان در دانشنامه جهان اسلام»، جلد ۱۵، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۱۳. فقیه بحرالعلوم، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «سمیران»، مزارات ایران و جهان اسلام (www.shrines.blog.ir).
۱۴. محمدرزاده، محمدنادر (۱۳۸۵)، «یادگار ماندگار، نقشه بناهای تاریخی استان قزوین»، قزوین، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

19. Walker, R. T.; Bergman, E; Jackson, J; Ghorashi, M; Talebain, M. (2005). The 2002 June 22 Changureh (Avaj) earthquake in Qazvin province, northwest Iran: epicentral relocation, source parameters, surface deformation and geomorphology. Geophysical Journal, (160), pp: 707-720.
20. Google earth V6.2.2.6613. (February 14, 2015).Avaj, Qazvin, Iran. 35°50'24.2"N, 49°00'32.2"E, Eye alt11049 feet. (West Tower) 35°50'24.1"N, 49°00'33.7"E, Eye alt-

- 11049feet. (East Tower) Digital Globe2015://www.earth.google.com (April26, 2015)
21. Google earth V6.2.2.6613. (February 14, 2015).Sami-ran, Qazvin, Iran. 36°44'26.6"N, 49°13'42.2"E, Eye alt-11049feet. (Bozorgh Tower) 36°44'30.0"N, 49°13'48.5"E, Eye alt11049feet. (Kochak Tower) Digital Globe2015://www.earth.google.com (April26, 2015)

بازخوانی سیمای تاریخی شهر فرح آباد ساری در دوره صفویه براساس اسناد توصیفی-تاریخی و تصویری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

سیما رضائی آشتیانی*

چکیده

شهر فرح آباد به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای دوران صفویه به شمار می‌رفته است؛ به طوریکه در دوره شاه عباس اول به عنوان پایتخت دوم مطرح بوده است؛ اما بافت تاریخی این شهر علی‌رغم واجد ارزش بودن از نظر تاریخی- فرهنگی، به فرسودگی گرائیده است. از آنجاییکه همواره ضرورت حفظ و بازآفرینی ارزش‌ها در این گونه بافت‌ها مورد توجه معماران و طراحان شهری بوده است و با توجه به اینکه در مورد شناخت ساختار این شهر در آن دوره، تحقیق جامعی بر اساس اسناد و تحلیل آنها صورت نگرفته است. هدف مقاله حاضر، بازخوانی فضای شهری فرح آباد در دوران صفویه است. بدین منظور پژوهش حاضر به روش تفسیری-تاریخی و میدانی و تحلیل محتوا با تطبیق متون تاریخی بالاخص سفرنامه‌ها و تبدیل آنها به تصور فضایی از شهر، انجام گرفته است. این رویکرد تحلیلی در نهایت می‌تواند تصویری از این شهر را بازخوانی نماید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ساختار فضایی شهر فرح آباد در دوره صفوی دارای ویژگی‌های خاصی است که نشان‌دهنده ماهیت دینی، فرهنگی، اقتصادی و جایگاه آن در نظام حکومتی صفویان است. میدان اصلی شهر این عناصر را به هم متصل می‌کند و در ارتباط با هم شهر را مفهوم‌سازی می‌نمودند. این بناها عناصر اصلی تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی شهر فرح آباد هستند که نه تنها بر فرم شهر تأثیر می‌گذارد بلکه الگوی توسعه آن را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. بر اساس متون این شهر حصار خارجی نداشته اما کمربندی وسیع، دور شهر کشیده شده بود. کشیدگی شهر شمالی- جنوبی در راستای رودخانه تجن و اراضی حاصل‌خیز پیرامون آن صورت گرفته بود. در نهایت عناصر کالبدی متشکله استخوان‌بندی اصلی شهر فرح آباد به صورت نقشه بازسازی شده بر شرایط موجود ترسیم شده است که می‌تواند مبنایی برای تعیین شرایط شهر در دوران صفویه و بیان ارتباط وضعیت شهر کهن با شهر جدید باشد.

واژگان کلیدی: شهر فرح آباد، دوران صفویه، بازخوانی، تصویر شهر

* دکترای معماری از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید رجایی

۱- مقدمه

مجموعه فرح آباد توسط شاه عباس اول در سال ۲۵-۱۰۲۱ هجری قمری در دهکده‌ای به نام طاهان در شمال شهر ساری با استفاده از شیوه‌های شهرسازی اصفهان دوره صفوی بنا شده است. بنا بر متون مختلف این شهر در دوران صفویه به خصوص دوران شاه عباس اول، اهمیت خود را به عنوان پایتخت دوم حفظ کرد و از مهم‌ترین بنادر شمال ایران و مرکز مبادلات تجاری محسوب می‌شد. شهر در این دوره به منتهای زیبایی خود رسید و قصر و بناهای زیبا و مجلل شامل مسجد مدرسه، کاروانسرا، حمام و باغ در آن احداث شد. این شهر که اکثریت مردم آن را مسیحیان متعلق به فرقه‌های مختلف بخصوص ارمنی‌ها و گرجی‌ها تشکیل می‌دادند بنابر سفرنامه‌های شاردن و دلاواله دارای کلیساهایی نیز بوده است که اکنون هیچ اثری از آنها باقی نمانده است. در سال ۱۰۸۹ ه. ق. (۱۶۶۸ م) به دست قزاق‌ها بسیاری از قسمت‌های شهر نابود شد و هیچ زمانی به شکوه اولیه بازنگشت. آثار به جا مانده از فرح آباد مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که تحت شماره ۱۳۷۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (URL1). با توجه به اهمیت این شهر در دوران صفویان، مشخصات کالبدی و سازماندهی ساختمان‌های بیان شده مشخص نیست. این مقاله در راستای پاسخ به این سوال شکل گرفته است: با توجه به اهمیت شهر فرح آباد در دوران صفویه، ساختار کالبدی و عناصر شهری موجود در این شهر چگونه سازماندهی شده بودند و چه ارتباطی با یکدیگر داشتند؟ فرح آباد براساس شیوه‌های شهرسازی صفویه ساخته شده است بنابراین در این نوشتار ابتدا به بررسی اجمالی معماری و شهرسازی دوران صفویه پرداخته شده است و پس از معرفی فرح آباد، قسمت‌های مختلف شهر بر اساس نوشته‌های سیاحان به ترتیب زمانی بررسی شده است؛ البته چنان که بروگشن گفته است اروپایی‌ها کمتر به این منطقه رفته‌اند، (بروگشن، ۱۳۶۷: ۶۹۳) اما کوشش شده نوشته‌های تمام سیاحانی که به این منطقه رفته‌اند بررسی شود؛ در نهایت سعی بر آن است تصویری از شهر در دوران صفویه ارائه شود.

۲- روش تحقیق

مهمترین و بهترین اسناد برای مطالعه گذشته معماری ایرانی خود آثاری است که از این معماری به جای مانده است؛ اما در مورد بسیاری از بناهای گذشته که کمترین اثری از آنها باقی

مانده اسناد در مرتبه بعد به کمک می‌آیند. این پژوهش با روش تحقیق تاریخی اسنادی و میدانی صورت گرفته است که تحلیل آنها بصورت تحلیل محتوا انجام خواهد شد. در هر تحلیل محتوا کار محقق استنباط از رویدادها درباره جنبه‌های خاصی از متن آنها و توجیه استنباطها برحسب شناخت عوامل در نظام مورد نظر می‌باشد. تحلیل محتوا نقش مهمی در روش‌شناسی ابزارهای پژوهشی نیز دارد؛ زیرا دارای توان تحلیل پدیده‌های مشاهده نشده با میانجی‌گری داده‌های مرتبط با پدیده‌ها می‌باشد (کرپیندورف، ۱۳۹۰، ۱۶). بخشی از پژوهش که به بررسی و مقایسه متون و اسناد شهر می‌پردازد به روش تحلیل تطبیقی انجام شده است. روش تطبیقی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم اجتماعی، به ویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی است. تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیاپی‌ها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ مقیاس مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌هاست (غفاری، ۱۳۸۸).

از این رو در پژوهش حاضر ابتدا مطالعات اولیه کتابخانه‌ای در زمینه ویژگی‌های شهر در دوره صفویه انجام شده، سپس به بررسی گفته‌های سیاحان در این دوره، پرداخته شده است. عمده‌ترین اسناد مورد استفاده در این پژوهش، سفرنامه‌ها به عنوان منابع دست اول بوده‌اند، که مربوط به اروپاییانی است که از دوران صفوی به بعد به ایران آمده‌اند. اینان لابلای نوشته‌های خود گزارش‌هایی از بازدیدشان از بناهای تاریخی داده‌اند که به ضمیمه‌ی نقل قول‌هایی از تاریخچه بنا و شهر می‌تواند برای مطالعات آثار معماری گذشته مفید باشد. علاوه بر این اسناد ثانویه که توسط پژوهشگران معاصر با مراجعه به متون اصلی انجام گرفته است نیز تحلیل شده است. همچنین به مشاهده و پیمایش زمین در منطقه شهر قدیم و ثبت آثار به وسیله عکس و مقایسه و تحلیل آنها پرداخته شد. در نهایت تفسیر و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، منجر به تصور فضایی از شهر و بازخوانی سیمای تاریخی شهر شد.

۳- بحث و مبانی نظری

در سال ۹۰۷ ه. ق. شیخ اسماعیل، حکومت صفوی را تأسیس کرد. این امر سرآغاز عصر نوینی در تاریخ ایران بود که آثار و تبعات بسیار در همه‌ی زمینه‌ها از جمله سیاست و اقتصاد، تفکر و فرهنگ و به تبع آن هنر و معماری به دنبال داشت. معماری دوره نسبتاً طولانی صفوی (حدود ۲۴۰ سال) شامل

توجه به پیشرفت و توسعه شهر حدس می‌زده که به زودی به کنار آب برسد (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۶۹).

تاورنیه (۱۶۳۲-۱۶۶۸ م) و آدام اولتاریوس (۱۶۳۶ م) در سفرنامه‌های خود از فرح آباد به عنوان شهری بسیار زیبا و یکی از شهرهای مهم مازندران نام برده است و نوشته‌های آنها درباره موقعیت جغرافیایی و تاریخی آن همچون مورخان قبلی است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۵۹؛ اولتاریوس، ۱۳۷۹: ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۵۹۲). فریزر که در سال ۱۲۳۸ ه. ق. بعد از ویرانی شهر به آنجا رفته، می‌نویسد فرح آباد روزی شهر عظیمی بوده که اکنون به خرابه‌هایش می‌نازد (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۴ و ۷۵). مکنزی در سفرنامه خود تنها به این نکته اشاره کرده است که در سال تقریباً چهار کشتی به فرح آباد می‌آید و در مورد میزان صید ماهی اطلاعاتی را داده است (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۱۷).

اما آنچه که در متون مختلف بارها به آن اشاره شده، این است

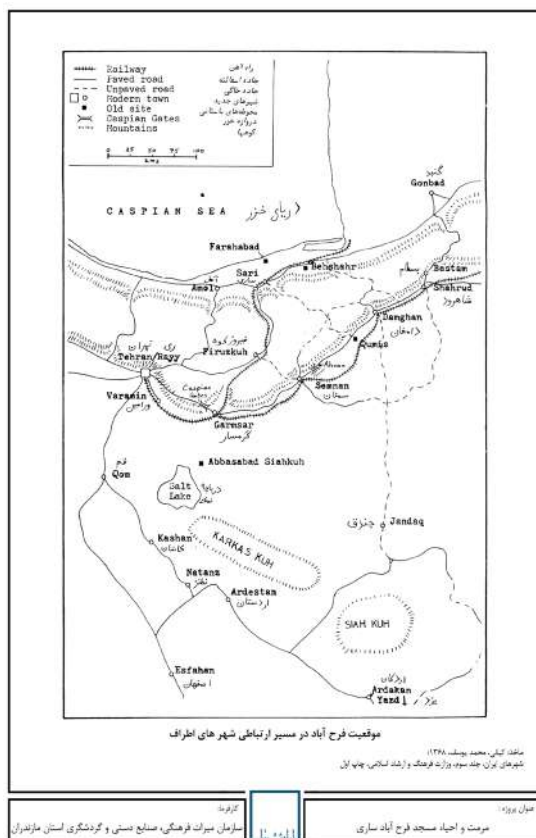
فعالیت‌های بسیار در عرصه‌ی ساخت و ساز، تعمیر، بازسازی و توسعه‌ی بناهای موجود و همین‌طور بازنگرایی، تصحیح، تکمیل و اعتلای تجربیات معماری و فضا سازی اعصار گذشته و نیز تغییر و تحول قابل توجهی در پردازش فضا های شهری و شهر سازی است که همه از اهمیت فراوانی برخوردارند (حاجی قاسمی، ۱۳۸۶: ۹۰). فضا های ساخته شده دوران صفویان تجسمی بود از مذهب، مراکز اقتصادی و سیاسی شهر و حکومت؛ در حوزه مذهب، مسجد مدرسه؛ در قلمروی سیاست، قصرهای حکومتی و عمارت های اعیانی و باغ های شاهی و در حیطه اقتصاد، بازار و کاروانسراها مطرح بودند.

ساخت مجموعه‌های شهری نیز در دوره صفوی رواج پیدا کرد. از آنچه در پایتخت اول صفویان یعنی تبریز و در قزوین به عنوان پایتخت دوم ساخته شد تا طراحی جامع و هوشمندانه‌ی شهر اصفهان که شامل میدان نقش جهان، خیابان چهارباغ، پل‌ها و باغ‌ها است که یک محور شهری پرقدرت را ایجاد کرده است.

۳-۱- موقعیت جغرافیایی و تاریخی فرح آباد

فرح آباد اکنون یکی از روستاهای تاریخی استان مازندران است که در قدیم شهر بوده است از طرف شمال به دریای خزر، از طرف مشرق به شهرستان نکا، از طرف جنوب به شهر ساری و رشته کوه‌های البرز مرکزی، و از طرف مغرب به شهرستان قائمشهر محدود می‌شود. فرح آباد در ۲۵ کیلومتری شمال شهر ساری در ورودی خزرآباد و در ۳ کیلومتری ساحل دریای مازندران قرار دارد.

اسکندر بیگ منشی قبل از سیاحان اروپایی به فرح آباد رفته و دیده‌های خود را نگاشته است. او در تاریخ عالم آرای عباسی، فرح آباد را شهری معرفی کرده که در روستایی که قبلاً طاهان نامیده می‌شده به دستور شاه عباس بنیاد نهاده شده است. اسکندر بیگ به این دلیل که رودخانه تجن «تجینه رود» از وسط شهر می‌گذشته، فرح آباد را دارای پتانسیل برای ایجاد شهر جدید می‌دیده است. از بناهای موجود در شهر به بازارگاه، حمامات و مساجد و کاروانسراها اشاره کرده و گفته که هر سال بر این عمارات و باغ‌ها افزوده می‌شود. همچنین توضیحاتی راجع به خیابانی سنگ فرش شده بین فرح آباد و ساری داده است (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۵۰). پیترو دلاواله جهانگرد ایتالیایی فاصله فرح آباد تا ساحل دریا را تقریباً دو میل بیان کرده و با



تصویر ۱- موقعیت فرح آباد در مسیر ارتباطی شهرهای اطراف.
منبع: کیانی، ۱۳۶۸

به شهر داد. در این میدان فعالیت نهادهای سیاسی، مذهبی و اقتصادی شهر بازتاب می‌نمود.

در میدان فرح آباد از آنجا که فضاهای آن از ابتدا طراحی و سپس احداث شده بود، استقرار فضاها و فعالیت‌ها تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده‌ای بود. در این میدان بناهای مهم که کارکرد محوری و اصلی میدان را تعریف می‌کنند یعنی کاخ حکومتی و مسجد در امتداد محور تقارن ساخته شده که از لحاظ کالبدی و بصری جایگاه ویژه‌ای داشته است. قسمت شمال کاخ حکومتی و در قسمت جنوبی میدان، مسجد قرار داشت، بدنه‌ی میدان نیز ردیفی از طاق نما بوده که دور تا دور آن می‌گشته است، در زیر این طاق‌ها دکان‌هایی احداث شده بود. این میدان از حیث طرح و شکل به میدان شاه اصفهان و ساختمان‌هایی که آن را احاطه کرده، شباهت داشته است.

در سفرنامه فریزر به سال ۱۲۳۸ ه. ق. آمده است که: «با گذشتن از حصار بیرونی، از دروازه‌ای که طرف جنوب است، به مدخلی دیگر رسیدیم که به زمینی مستطیل شکل ختم می‌شد. فاصله‌ی میان دو دروازه، خیابان یا راهی سرپوشیده بوده است که برای کسانی که در انتظار ملاقات شاه بوده‌اند بنا شده است این مستطیل ۲۵۰ قدم درازا و ۱۳۴ قدم پهنا دارد و با دیواری طاقنما دار محصور شده است. پهنای هر طاقنما ۱۵ فوت است. در داخل این زمین یک رشته طاق‌های کوچک و گاهی دو رشته است که پنجره‌های آن به خارج باز می‌شود. این محل شاید بازاری نظیر میدان امام اصفهان بوده است و اطافه‌هایی داشته که فروشندگان خود در آنها اقامت می‌کردند و در ضمن مال خود را عرضه می‌کردند. مقابل دروازه شمالی دروازه دیگری است که به مسجد راه دارد. مسجد در زمین مستطیل محصور است» (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳)

۳-۲-۲- فضای سکونتی و حکومتی فرح آباد

در دوره‌ی صفوی عمارت‌های اعیانی و کاخ‌ها، از چهار فضای مجزا تشکیل یافته بود: دیوار، دروازه خروجی، دیوان خانه، حرم‌سرا و در نهایت باغ.

دیوار و دروازه

دیوار بلند و یکدست بدون اینکه در یا پنجره‌ای آن را قطع کرده باشد، دور تا دور فضای سکونتی کشیده می‌شد. مدخل ورودی عمارت‌های اعیانی و کاخ‌ها، نمود موقعیت اجتماعی آنها تلقی می‌شد. براساس توصیفات جان فریر ساختمان دروازه

که شاه عباس زمان‌های طولانی به خصوص هنگام زمستان در فرح آباد به سر می‌برده است و حتی باید به این نکته اشاره کرد که شاه عباس در سال ۱۰۳۸ ه. ق. در همین شهر، در کاخ خود چشم از جهان فرو بسته است (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۷۲۱).

عوامل استقرار شهر فرح آباد

به استناد کتب تاریخی عوامل موثر در استقرار شهر فرح آباد به دستور شاه عباس، عشق به آبادانی و زیبایی مملکت و علاقه مخصوص وی به ایالت مازندران است زیرا مادرش اهل این منطقه بوده است (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۶۹). علاوه بر این دلایل دیگری نیز مطرح بوده از جمله اینکه این ایالت یکی از مستحکم ترین نقاط ایران است، زیرا از شمال محدود به دریائی است که در آن زمان امکان کشتیرانی در آن کم بوده و دور تا دور آن را نیز کوهستان‌های مرتفعی که عبور از آن توأم با مشکلات زیاد است در برگرفته و در نتیجه دفاع از آن کار نسبتاً سهلی بوده است و از این گذشته از دسترس دشمنان شاه بخصوص ترک‌ها نیز به دور بوده و شاه آنجا را محل مطمئنی محسوب می‌کرده است و در صورت بروز حوادث و وقایع احتمالی اطمینان داشته که لاقلاً مرکز حکومت را در این ایالت از دست نمی‌دهد و تخت و تاجش در امان می‌ماند (همان: ۱۷۰). شاردن در سفرنامه‌ی خود دلیل دیگری را نیز مطرح می‌کند به نظر او توجه شاه عباس به این منطقه به این دلیل بوده است که منبع عاید زیادی برای شاه داشته است از جمله پرورش کرم (شاردن، ج ۱، ۱۳۳۵: ۲۵).

۳-۲- معماری و عناصر شهری فرح آباد

فرح آباد مانند دیگر شهرهای صفویه دارای عناصر مختلفی بوده است. در این بخش در مقیاس فضاهای عناصر شهری به معرفی و تجزیه و تحلیل عناصر زیر در شهرهای صفوی و سپس فرح آباد پرداخته می‌شود:

میدان و بناهای موجود در میدان، کاروان سرا، خانه‌ها، حمام و خیابان‌ها.

۳-۲-۱- میدان فرح آباد

میدان در شهرهای بزرگ دوره صفویان نقش مهمی را ایفا می‌کرد و شهرها بر گرد میدان مرکزی تمرکز یافته بودند. در فرح آباد نیز شاه عباس میدانی را به عنوان قطب مرکزی دربار و دولت خویش پی نهاد و بدین ترتیب شکوه و عظمتی

و محرمان؛ پادشاه تنها مرد مستثنی از این قانون بود (Ran-jbari, 2018). وسعت و عظمت حرم‌ها به تعداد ساکنان خانه و مقام و رتبه‌ی مرد خانه بستگی داشت. در کاخ‌های شاهی، حرم‌ها از گوشه‌ها و ساختمان‌های متعددی تشکیل می‌یافت (Tavernier, 2017: 147-48)

باغ

آخرین واحد اصلی در معماری فضاهای سکونتی دوره صفویه، باغ بود. خانه‌ها، عمارت‌های اعیانی و کاخ‌ها، همگی دارای دو باغ بودند: یک باغ برای میوه و دیگری ویژه‌ی گل. سایه‌ی درختان ردیف شده در باغ، خیابانی می‌ساخت که نهرهای جاری از آن می‌گذشت. در کاخ‌ها و عمارت‌های اعیانی امیران، این نهرها وسعت بیشتری داشتند و درحقیقت رود کوچکی می‌ساخت. اما بیشتر این نهرها باریک بود. در جلوی گوشه‌ها و یا در محل تقاطع آنها حوضچه‌های کوچکی ساخته می‌شد. کاخ یا عمارت اعیانی همچون جزیره‌ای بود در میان باغی بزرگ (Ogilby, 1673). خانه‌ها یک یا دو اشکوبه بود و در دل باغ‌های وسیعی جای داشت.

کاخ جهان نما

در زمینی به مساحت حدود ده هکتار کاخ جهان نما با سایر

ها معمولاً مربعی شکل و با شکوه بوده است. قوسی در بالا که در زیر آن ایوانکی ساخته شده بود (Braaksma, 1938). این ورودی‌های پر نقش و نگار، فقط به مناسبت جشن‌ها و یا مراسم خاص گشوده می‌شد و برای استفاده روزانه در بیشتر عمارت‌های اعیانی و کاخ‌ها، ورودی‌های کوچک‌تری وجود داشت (Chardin, 1686, 70-78).

دیوان خانه

دالان ورودی به دیوان خانه باز می‌شد. دیوان خانه از یک تالار کوچک با حوضچه‌ای در میان تا گوشه‌های جداگانه‌ای بود که در روزهای جشن و مراسم می‌توانست جمعیتی از ۳۰ تا ۱۰۰ نفر را در خود جای دهد. رنگ دیوارها و سقف این تالارها روشن بود. زمستان‌ها، گرمای تالار را با سوزاندن زغال در حفره‌های تعبیه شده در زیرزمین تأمین می‌کردند. آب ماده‌ای حیاتی تلقی می‌شد؛ وجود حوض در هر خانه‌ای از ضروریات بود (Thevenot, 1686).

حرم سرا

حرم در کاخ‌ها و عمارت‌های اعیانی و یا خانه‌ها، واحد مجزایی را تشکیل می‌داد. حرم با دیوار بلندی از دیوانخانه جدا می‌شد و هیچ مردی حق ورود به آن مکان را نداشت، مگر خواجه‌ی حرم



تصویر ۲- کاخ صاحب‌الزمان واقع در بهشهر که اکنون کاملاً از بین رفته است. (URL2)

می‌دهد که محل سکونت حرم بوده است (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳). به استناد سفرنامه‌ی متعدد کاخ جهان نما بنایی دو طبقه، به شکل مکعب مستطیل بوده و از آجر ساخته شده بوده است. در سفرنامه ایت آمده است که این بنا برجی مدور بر بام داشته است و ناصرالدین شاه نیز به کلاه فرنگی از آجر اشاره کرده است. نمای کاخ به طور متقارن به پنج قسمت شده است. دو قسمت طرفین این نما از سه قسمت میانی کم عرض تر است. بخش میانی عریض تر و در نتیجه، شاخص تر است (مهمجوری، ج ۲، ۱۳۴۵: ۱۸۸).

این بنا یک تالار مرکزی با اتاق‌هایی در گوشه‌های بنا و اتاق‌های کوچکتری در میان آنها دارد (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳). آنچنان که توماس هربرت اشاره کرده با اینکه نمای ساختمان از بیرون کوتاه بوده اما دارای اتاق‌هایی جادار و سقف‌های بلند بوده است، برخی از آنها مربعی شکل و برخی دیگر دارای تناسبات مستطیل بوده‌اند. هرچند که هولمز بزرگترین اتاق‌های آن را به تقلید از کاخ عالی‌قاپو بسیار کوچک توصیف کرده است. همه اتاق‌ها طاقدار و قوسدار بوده است. سه اتاق به صورت خاص تزئین شده بودند. دیوارهای این سه اتاق‌ها همه آینه کاری شده و سقف آن‌ها را با طلای صیقلی شده پوشانیده و از آن اشکال برجسته به وجود آورده اند ... در پنجره‌های این اتاق‌ها، جام‌های

تأسیسات آن از حرم‌سرا و بیرونی و اندرونی و اتاق‌های نگهبانان و سایر بناهای شاهی قرار داشته است. دیوارهای این باغ از طرف شرق به رودخانه‌ی تجن، از طرف جنوب به میدان، از غرب، به باغی دیگر و از طرف شمال نیز به دریا محدود می‌شده است. اکنون فقط سه طرف این محوطه دیوار دارد و دیواری که در کناره رودخانه بوده، فرو ریخته است. ویلبر بر اساس ویرانه‌های باقی مانده از کاخ جهان‌نما و توصیف سیاحان، این کاخ را از حیث طرح و اندازه به کاخ صاحب‌الزمان واقع در اشرف شبیه می‌داند. فریزر نیز در بازدید از کاخ آن را خیلی همانند بعضی از بناهای اشرف توصیف کرده است.

این کاخ دو باغ وسیع و با شکوه داشته است (ویلبر، ۱۳۴۸: ۱۳۵) که با دیواری مستحکم و برج‌هایی در زوایای آن محصور شده بوده است. خود باغ حکومتی به دو قسمت تقسیم می‌شده است (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۲). در شمال باغ ساختمان اصلی کاخ به عنوان اقامتگاه خصوصی قرار داشته که کاربری آن بنا بر سفرنامه‌های ایت و فریزر حرم‌سرا بوده است. در قسمت جنوبی نیز ساختمان کوچک عمومی با سه اتاق به همراه حمام‌ها و قسمت مخصوص مستخدمان و آشپزخانه نزدیک میدان واقع شده بودند. این قسمت با گذرگاهی طولانی و باریک به اقامتگاه خصوصی متصل می‌شده است. این قسمت دیوارهای بلند دارد و نشان



تصویر ۳- کاخ جهان نما فرح آباد (URL3)

این اتاق‌ها دسته‌بندی شده و این دسته‌بندی هدف اصلی بنا را نشان می‌دهد که برای افراد مختلف است (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳) ابت در سفرنامه‌ی خود به توصیف طبقه بالای کاخ پرداخته است و در ادامه گفته که طبقه‌ی پایین اختلاف کوچکی با طبقه‌ی بالا دارد و بنابراین آن را توصیف نکرده است. او می‌نویسد: «طبقه بالا یک اتاق اصلی دارد که سراسر بنا را گرفته است و قسمت‌هایی از دو طرف آن جدا شده که تشکیل ایوان را می‌دهد. در دو طرف بنا چهار اتاق کوچک است. در زوایای بنا که بریده شده است فضاهایی برای ایوان دارد که از مناظر اطراف استفاده کند» (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۹۲ و ۵۹۳).

مسجد مدرسه‌ی فرح آباد

در دوره صفویه هنگامی که امیری اقدام به ساخت عمارتی می‌کرد، به طور معمول در نزدیکی آن بازار، کاروانسرا، گرمابه، قهوه خانه و مسجدی نیز احداث می‌کرد. عایدات این ساختمان‌های عمومی، صرف مسجد می‌شد (Chardin, 1686: 70-78). آدام اولئاریوس نیز در سفرنامه خود می‌نویسد: «این مساجد علاوه بر محل عبادت، حکم مدرسه نیز دارد. شهری نمی‌یابی که در هر خیابانش مسجدی نباشد، هر خیابانش مسجدی دارد و ملایی که به آن متعلق است.» (Olerarius, 2018: 247). در دوره‌ی صفوی، تلفیق بنیادین و معمارانه شگرفی بین دو بنای مذهبی مهم، مسجد و مدرسه وجود داشت. مسجد به طور معمول شامل یک مدرسه یا بیش از آن می‌شد و مدرسه نیز دربرگیرنده‌ی یک مسجد یا بیش از آن بود. در این مسجد-مدرسه‌های ایرانی، گنبدی بر فراز محراب و منبر کنار آن افراشته می‌شد. ایوانی نیز

بزرگ مربع شیشه‌ای ساخت مسکو کار گذاشته و اطراف آن‌ها را با طلا تزئین کرده‌اند. کف این اتاق‌ها همه با مخمل ارغوانی پوشیده شده و در برخی از آن‌ها این پارچه مخمل را از پر آکنده‌اند. در آن تالارهای آئینه، پرده‌های نقاشی شاه دیده می‌شود که در آن‌ها شاه را با حرکات خاصی نشان داده‌اند. اتاق‌های دیگر نیز بسیار زیبا طراحی شده بوده، این اتاق‌ها سقف‌های مقرنس داشته و روی درها و دیوارهای تمام اتاق‌ها رنگ و روغن‌اند و روی آن‌ها نقاشی تصاویر زنان در حال پایکوبی و نواختن آلات موسیقی است. ابت در نوشته‌های خود به دو اتاق کوچک اشاره کرده که از بالا تا پایین گچ‌بری کرده و طاقچه برای چینی و ظروف بلورین در آورده‌اند. در اتاق اصلی کاخ حوض بزرگی نصب بوده است (دلواله، ۱۳۴۸: ۱۷۶؛ ویلبر، ۱۳۴۸: ۱۳۵ و ۱۳۶؛ شاردن، ج ۹، ۱۳۳۵: ۲۱۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۷۲ و ۷۳، Holmes, 1865: 244, 255) چنان که فریزر می‌گوید پاره‌ای از



تصویر ۴- باقی‌مانده از دیوار کاخ جهان نما در حال حاضر (URL4)

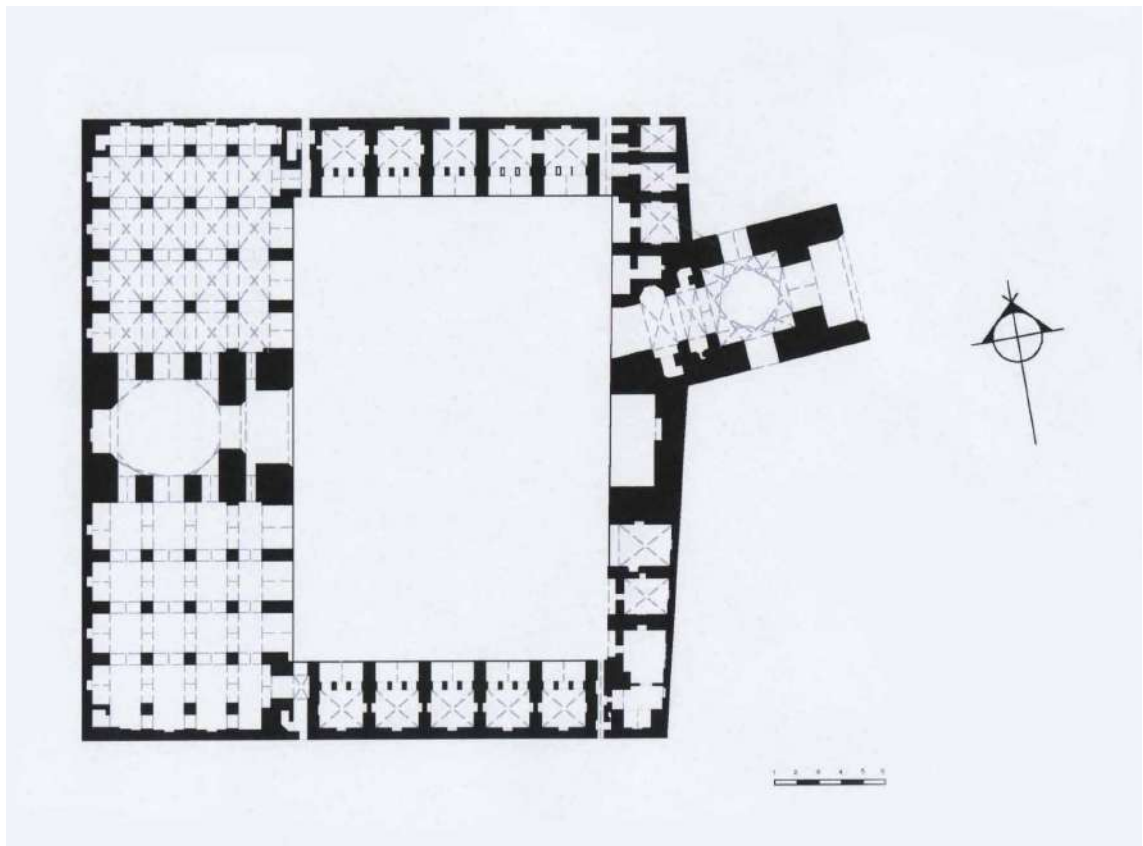


تصویر ۵- مسجد مدرسه فرح آباد بعد از مرمت (URL5)

است که بر آنها طاق زده و بدین ترتیب شبستان شرقی و غربی را به وجود آورده‌اند. در ضلع شمالی این گنبد ایوان عظیمی است. مقابل این ایوان در ضلع شمالی حیاط ایوانی دیگر است که کمی کوچکتر از ایوان قبلی است. دو ایوان شرقی و غربی، عمیق ولی کوچکتر از این دو است. در هر ضلع ایوانی در وسط و در هر طرف آن سه صفه است. اما در ضلع شرقی و غربی هر یک دو صفه کوچک دارند. حیاط مسجد ۴۸ * ۳۴ متر است. مصالح بنا آجر است که از قالب معمولی بزرگتر و از قالب آجر خطائی کوچکتر است. بناهای ضلع شمالی به رباط و کاروانسرا، بیشتر شباهت دارد. احتمال دارد که این قسمت محل استراحت مسافران نیز بوده است. در آجر فرش حیاط آجرها را نر کار کرده‌اند. چهار طرف باغچه و وسط حوض است که ظاهراً آب جاری داشته. زیرا دو طرف شرقی و غربی حوض جوی آب است (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۸۷؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳).

محوطه‌ی آن سوی محراب را می‌پوشاند. گرد حیاط را اتاق‌هایی ویژه‌ی دانش‌آموزان احاطه کرده بود (Dickie, 1984: 15-47). مسجد مدرسه فرح آباد، به دستور شاه عباس کبیر به سال ۱۰۲۱ هجری قمری در انتهای جنوبی میدان ساخته شده و تنها ساختمانی از آن دوران است که تا اندازه‌ای از گزند روزگار مصون مانده است. فریزر تنها جهانگردی است که به توصیف این ساختمان پرداخته است. این بنا به شیوه چهار ایوانی، و دارای حیاطی آجرفرش در مرکز و از نظر ویژگی‌های معماری، تعدد و فراوانی اتاق‌ها و حجره‌ها در جبهه‌های شرقی، غربی و شمالی قابل توجه است و به احتمال زیاد به عنوان مدرسه به کار می‌رفته است.

فضای زیر گنبد اصلی به ابعاد دوازده متر است چهار کنج با چهار گوشوار بزرگ تبدیل به دایره شده و گنبدی آجری عظیم بر آن زده‌اند. بیست فیلیا سمت شرق و بیست فیلیا سمت غرب

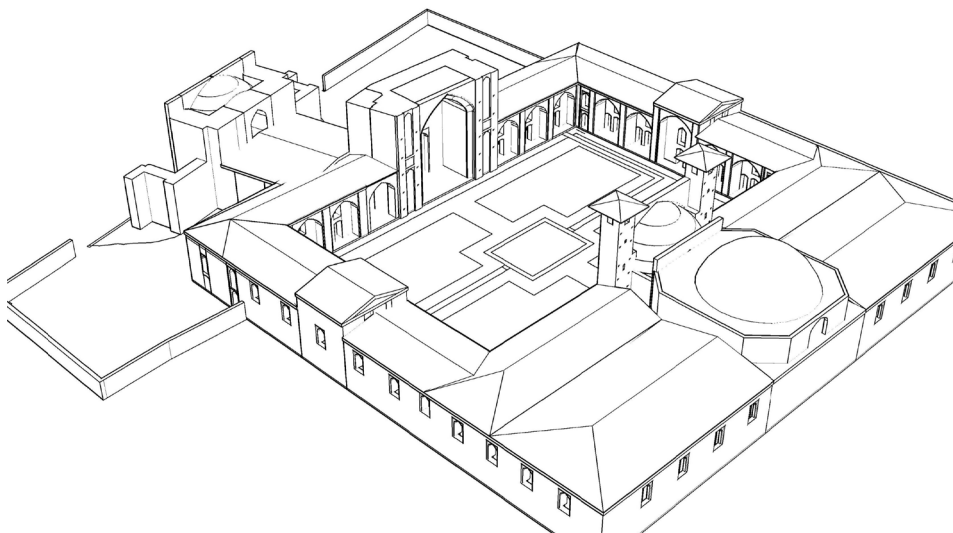
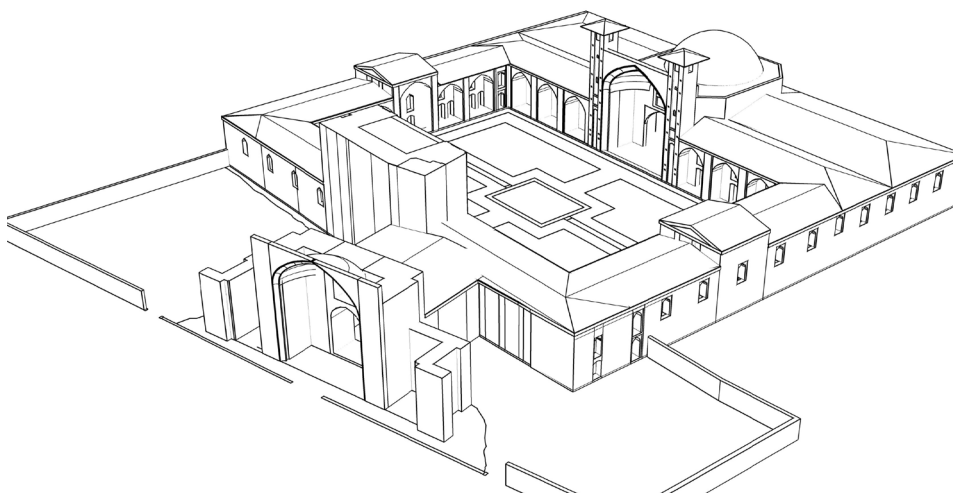


تصویر ۶- پلان بام مسجد مدرسه فرح اباد (اداره کل میراث فرهنگی مازندران)

۳-۲-۴- کاروانسرا

کاروانسراها در شهرهای کوچک و بزرگ صفوی مکانی برای دانشجویان و علم اندوزان و اگر چنانچه در نزدیکی شفاخانه‌ای قرار داشت، پناهگاه ناخوش احوالی و اگر نزدیک امامزاده بود، مأمن زاهدی و اگر در نزدیکی بازار، سرپناه تاجری. تجار یا

کاروانسرا علاوه بر بازار، دیگر مجتمع اقتصادی شهرها در دوره صفویه است. این ساختمان مکان خرید و فروش سه دسته تاجر با ملیت‌های ایرانی، هندی و اروپایی بوده است.



تصویر ۷- مسجد فرح آباد (ترسیم شده توسط نگارنده)

خیابان‌های سرپوشیده‌ی بزرگ که محل استقرار دکان‌هاست. بازارهای وسیع‌تر چهارده یا پانزده پا (حدود ۴ تا ۴/۵ متر) پهنا دارند و بسیار چشم‌نواز. بیشتر آنها را با آجر ساخته و طاقی قوس‌دار و یا گنبدی پوشانیده‌اند.» (Chardin, 1686: 294). دکان‌ها را ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر بالاتر از سطح خیابان احداث می‌کردند تا از گرد و خاک و گلابه در امان باشد. این دکان‌ها در بازارهای معمولی، بیشتر یک طبقه بوده، و در بازارهای مجلل، سازندگان، بالاخانه‌ای بر آن می‌افزودند. هنگامی که خیابانی طاق‌دار می‌شد به بازار سوق می‌گفتند. روزنه‌های تعبیه شده در بام، نور و هوا را به درون بازار هدایت می‌کرد. چنانچه چهار خیابان به یکدیگر می‌پیوست، اگر خیابان‌ها سرپوشیده بود، چهار سوق؛ و اگر نبود چهار سو نامیده می‌شد. چهار سوقی که با گنبدی مرتفع پوشانده می‌شد، باز نمودی از حوض مرکزی بود که فواره‌ای در میان خود داشت (امینی بدر و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰).

بازار فرح آباد تماماً زیر یک گذر طاق‌دار با قوس‌های هندسی آجرچینی شده دور تا دور میدان قرار داشته و در دو طرف بدنه‌های داخلی گذر، حجره‌ها و دکان‌ها قرار می‌گرفته است. فریزر به سال ۱۲۳۸ ه. ق. در بازدید از میدان شهر به یک رشته اطاق‌های کوچک که گاهی دو رشته است اشاره می‌کند که پنجره‌های آن به خارج باز می‌شدند که احتمال می‌دهد بازاری نظیر میدان امام اصفهان بوده است و اطاق‌هایی داشته که فروشندگان خود در آنها اقامت می‌کردند و در ضمن مال خود را عرضه می‌کردند (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۳) استوارت به سال ۱۳۰۳ ه. ق. از میدان فرح‌آباد به عنوان مرکز مال‌التجاره یاد می‌کند (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۸۹ و ۵۹۰) آن‌طور که از نوشته‌های سیاحان به نظر می‌رسد. میدان بنا به دوره‌های متفاوت کارکرد بازار یا کاروانسرا داشته است.

۳-۲-۶- حمام

اکنون آثار دو حمام در فرح آباد به چشم می‌خورد یکی حمامی که در دوره شاه عباس ساخته شده بوده و دیگری حمامی است متعلق به دوره قاجار. تنها سیاحی که به حمام دوران صفویه اشاره کرده، پیترو دلاواله است که آن را بنای آجری معرفی کرده که از لحاظ ساختمان زیاد جلب توجه نمی‌کند (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۷۶).

سوداگران در بسیاری از کاروانسراها کالاهای خود را به دلالاتی می‌فروختند که آنها نیز، کالاها را به فروشندگان یا دکان‌دارانی خرده پا و پيله وران-اهالی بازار می‌فروختند (Floor, 1976: 110). کاروانسراهای شهری نیز مانند کاروانسراهای بین راه، ساختمان‌های بزرگ و مستحکم بودند. این ساختمان معمولاً شامل یک میدان، دو اشکوبه، و محصور شده با کاشانه‌های ساخته شده در بالا و پایین. وجود ورودی گنبداری در میانه‌ی هر گوشه، علامت دلالاتی بود به دیوار بیرونی. اتاق‌های واقع در سطح پایین‌تر ۱/۵ متر بالاتر از سطح زمین احداث می‌شد تا مانع از ورود خاک و گلابه‌ی میدان شود و بین ۵/۵ تا ۶ متر ژرفا داشت. دکان‌ها در اشکوبه‌ی زیرین و استراحت‌گاه زنان در اشکوبه‌ی رویین واقع شده بود. در پس کاروانسرا، میان اتاق‌ها و دیوارهای اطراف، اصطبل حیوانات و استراحت‌گاه خدمتکاران واقع بود. دریچه‌ی تعبیه شده در پس دکان‌ها، امکان پایدن حیوانات دکان‌داران را فراهم می‌آورد. در میانه‌ی کاروانسرا، حوض آب مربع شکل با یک فواره قرار داشت. در بیشتر کاروانسراها توالت‌های صحرایی، مطبخ، گرمابه و مسجد وجود داشت (Chardin, 1686: 321-23). امنیت با ارزش‌ترین سودی بود که تجار از کاروانسراها به چنگ می‌آوردند. به طور کل کاروانسراهای شهری، بیشتر برای کسب درآمد مساجد و مدارس بود. این کاروانسراها گروه‌ها و دسته‌های ویژه‌ای از تجار را در خود جای می‌داد و در اقتصاد شهری آن روز نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

پیترو دلاواله (۱۰۲۷ ه. ق. / ۱۶۱۸ م) از یک بنای آجری به عنوان کاروان سرا یاد می‌کند که هیچ یک از سیاحان دیگر به آن اشاره‌ای نکرده‌اند؛ او می‌نویسد:

«بنای دیگر آجری، کاروانسرای ناتمامی است که می‌تواند با همین وضع نیز به مسافری پناه دهد و بطوری که وزیر مازندران به من گفت اخیراً برای خوش‌آیند شاه فقط در ظرف پانزده روز آنرا ساخته‌اند» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۷۶).

شاید منظور دلاواله از کاروانسرا همان میدان بوده است؛ چنانچه ویلبر می‌گوید یکی از جهانگردان در بازدید از میدان فرح‌آباد از آن به عنوان کاروانسرای بزرگ یاد می‌کند اما به نام آن جهان‌گرد اشاره‌ای نمی‌کند (ویلبر، ۱۳۴۸: ۱۳۵).

۳-۲-۵- بازار

در ایران صفوی، «بازار به معنای محل خرید و فروش،

۳-۳- خانه‌های فرح آباد در دوران صفویه

تمام سیاحان بناهای سلطنتی و عمومی شهر را توصیف کرده‌اند و تنها پیترو دلاواله است که در مورد خانه‌های عمومی مردم توضیحاتی ارائه داده است:

«در مقابل هر خانه چاهی است که آب باران به سمت آن می‌رود، زیرا در غیر این صورت این منطقه پرباران به زودی مبدل به باتلاق عظیمی می‌شود. خانه‌ها عموماً یک طبقه بوده و سقف آنها با نی‌های مرداب که به خوبی جلوی نفوذ باران را می‌گیرند پوشیده شده است. بطوری که هرودوت نوشته سابقاً نیز قسمت اعظم خانه‌ها و بطور کلی سقف شهر سارد واقع در حکومت لیدی از نی بنا شده بود» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۷۵).

«دیوار خانه‌ها در فرح آباد از کاه و گل ساخته شده که بدون به کار بردن سنگ آن را مصرف کرده‌اند و با وجود این باید گفت خود را به خوبی گرفته و نسبتاً مستحکم است؛ [...] ممکن است خانه‌های دیگر آجری نیز وجود داشته باشد ولی تعداد آنها

فوق العاده کم است» (همان: ۱۷۶).

او در مورد ارتفاع خانه‌ای که خود در آن اقامت داشته نیز می‌نویسد:

«با وجودی که این خانه یکی از بهترین ساختمان‌های شهر است، ولی من که نسبتاً دارای قامت کوتاهی هستم موقعی که روی زمین می‌ایستم قادرم با دست سقف اتاق‌ها را لمس کنم» (همان: ۱۷۹ و ۱۸۰).

یافته‌های مطالعاتی حاکی از آن است که در ابتدا خانه‌های این شهر از گل و چوب و نی و کاه بنا شده بود اما با شکل گرفتن شهر جدید توسط شاه عباس تصمیم بر آن بوده که خانه‌ها با آجر تجدید بنا شوند. آنچنانکه پیترو دلاواله در سفرنامه خود بیان کرده در مسیر ساری به فرح آباد تعداد زیادی کوره‌های آجرپزی مشاهده کرده است که با نزدیک شدن به فرح آباد تعداد این کوره‌ها زیادتر می‌شده و تعداد خشت‌های آماده به پخت به قدری زیاد بوده که با آن‌ها می‌توانستند شهرهای متعددی را بنا کنند. البته او به این مطلب نیز اشاره کرده که تمام بناهای عمومی از آجر ساخته شده بوده است.

۳-۴- پل شاه عباسی در فرح آباد

رودخانه تجن از وسط شهر فرح آباد می‌گذرد که اکنون آثار پلی از دوران شاه عباس اول بر روی آن باقی مانده است. این پل زمین‌های کشاورزی شرق فرح آباد را به بافت شهری در غرب رود متصل می‌کند. ابعاد پایه‌های پل ۳ * ۶ متر است که طرف ورود آب نیم دایره است که در مقابل فشار آب استقامت بیشتری داشته باشد. ظاهراً رودخانه تجن از مسیر اصلی منحرف شده و



تصویر ۹- شهر فرح آباد، نمایی از مسجد، رودخانه و دریا (URL7)



تصویر ۸- آثار به جا مانده از حمام فرح آباد از دوران قاجار (URL6)

که لحظه به لحظه بر تعداد آنان افزوده می‌شود (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۷۴). خیابان‌های فرح آباد تماماً پهن و طویل هستند و در دو طرف آنها خانه‌های متعددی قرار دارد» (همان: ۱۷۵). محله در ایران صفوی حکم واحد اجتماعی واسطی را داشت که خانه‌ها را به شهر پیوند می‌داد (Wickens, 1964: 193). در منابع پارسی، محله عموماً به یک زیربخش مسکونی اطلاق می‌شد، شامل خانه‌ها و عمارت‌های اعیانی که در تقابل با سوق‌ها و بازارها، اماکن تجاری و صنعتی بود (امینی بدر و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰).

۴- نتیجه‌گیری

در این نوشتار به معرفی و تجزیه و تحلیل معماری شهر فرح آباد از مقیاس کلان تا خرد براساس سفرنامه‌های سیاحان پرداخته شد. سعی شد نوشته‌های تمام سیاحانی که به این منطقه رفته‌اند بررسی شود. در نمودار ۱ سیر بازدید سیاحان از فرح آباد در طول دوره صفویه دیده می‌شود. بررسی شهرهای صفوی نشان می‌دهد که هر شهر دارای عناصر شاخصی بوده که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بسته به نوع کاربری می‌توانست مذهبی و غیر مذهبی باشد و شهر با آن عناصر تعریف می‌شده است و می‌توان از آنها برای ترسیم ساختار فضایی شهر استفاده کرد. عناصر کالبدی متشکله استخوان‌بندی اصلی، هویت بخش شهر بوده و در تصویر فضایی آن مؤثر می‌باشند. نتیجه کلی بررسی‌ها در مورد شهر فرح آباد در آن دوران حاکی از آن است که ساختار فضایی شهر فرح‌آباد در دوران صفویه دارای ویژگی‌های خاصی است که نشان‌دهنده ماهیت دینی، فرهنگی، اقتصادی و جایگاه آن در نظام حکومتی صفویان است. در این دوره کاخ جهان‌نما به عنوان مؤلفه حکومتی، بازار به عنوان مؤلفه اقتصادی و مسجد مدرسه فرح آباد به عنوان مؤلفه مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و میدان اصلی شهر که این عناصر را به هم متصل می‌کند، در ارتباط با هم شهر را مفهوم‌سازی می‌نمودند (نمودار ۲).

این شهر حصار خارجی نداشته است و به دلیل موقعیت مکانی و شرایط جغرافیایی، محل مطمئنی بوده که دفاع از آن سهل بوده است. کمربندی وسیع و بزرگی دور شهر کشیده شده است که از لحاظ وسعت به ماند رم و قسطنطنیه بوده است. خیابان‌های فرح آباد تماماً پهن و طویل بوده و در دو طرف آنها خانه‌های متعددی قرار داشته است. کشیدگی شهر فرح آباد نیز

به یک طرف پل افتاده و سبب شده است که سه پایه آن بخوابد. چهار پایه دیگر آن برقرار است ولی قسمت بالایی یکی از آنها شکسته است (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۸۸).

اسکندر بیگ، ابت و مکنزی در نوشته‌های خود به این پل اشاره کرده‌اند (ترکمان، ج ۲، ۱۳۵۱: ۸۵۰؛ ستوده، ۱۳۶۶: ۵۹۳؛ مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۱۸). پیترو دلاواله این پل را برای ارتباط میان نقاط مختلف شهر کافی ندانسته و به نظر او لازم



تصویر ۱۰- دو دهانه باقی مانده از پل صفوی فرح آباد (URL4)

بوده که هزار معبر دیگر بر روی آن زده شود. او می‌نویسد: «جریان رودخانه از سمت شمال به جنوب است و دو میل یا قدری کمتر و بیشتر بعد از فرح آباد به دریای خزر می‌ریزد، با وجود این می‌توان شهر را یک نیمه بندر دانست، زیرا کشتی‌های کوچکی که [. . .] به حمل بار و کالا اشتغال دارند می‌توانند تا پل مرکزی شهر پیش آیند و در کنار آن پهلو بگیرند» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۷۸).

۳-۵- خیابان‌های فرح آباد

مانند بسیاری از موارد دیگر تنها پیترو دلاواله است که خیابان‌ها را توصیف کرده و حتی آنها با رم و قسطنطنیه مقایسه کرده است، او در این باره چنین می‌گوید:

«کمربندی که دور شهر کشیده شده مانند رم و قسطنطنیه بسیار وسیع و حتی از آنها بزرگتر است زیرا خیابان‌های مختلف این شهر هر یک به طول یک فرسنگ هستند و ساکنین شهر

میدان، بهم مرتبط شده اند و در کنار رودخانه شکل گرفته‌اند و ساختار فضایی شهر را مفهوم‌سازی می‌نمودند.

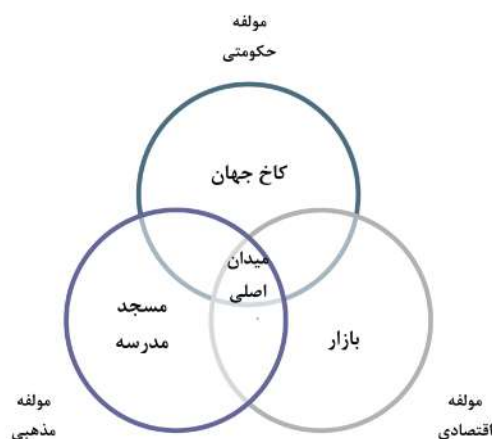
این بناها عناصر اصلی تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی شهر فرح آباد هستند که نه تنها بر فرم شهر تأثیر می‌گذارد بلکه الگوی توسعه آن را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. این استخوان‌بندی،

به صورت شمالی جنوبی در اثر جاذبه رودخانه تجن و اراضی حاصل خیز پیرامون آن به عنوان عنصری طبیعی در ساختار استخوان‌بندی شهر، صورت گرفته است. شاخص‌ترین بنای شهر مسجد و باغ و کاخ حکومتی به کمک میدان اصلی شهر با محور شمالی- جنوبی به عنوان فضای جمعی و بازار در دور

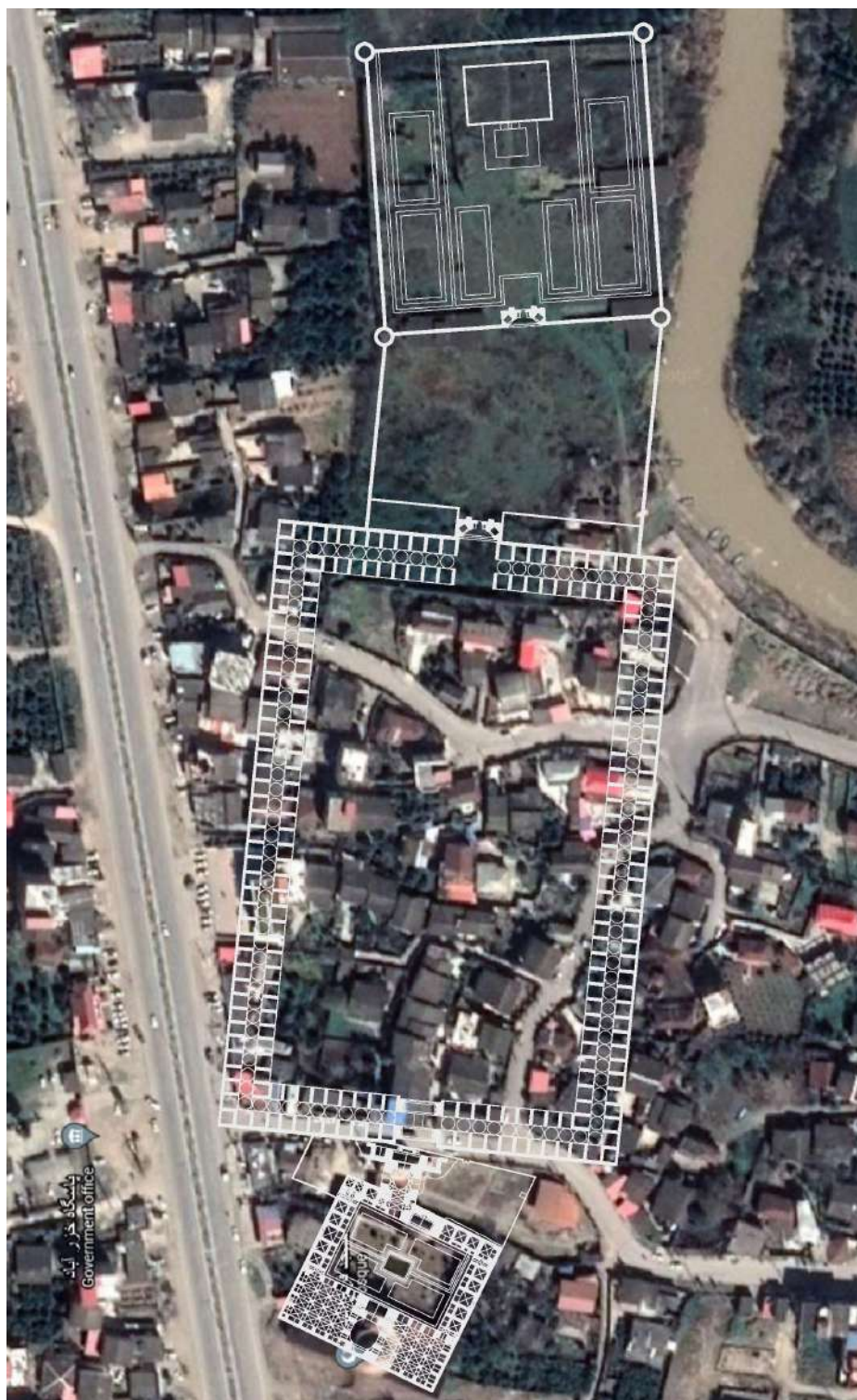
شاه سماعیل اول ۹۰۷-۹۳۰	شاه تھماسب اول ۹۸۳-۹۸۴	شاه اسماعیل دوم ۹۸۵-۹۹۶	شاه محمد خدابنده ۱۰۳۸-۵۲	شاه عباس اول ۱۰۳۸-۱۰۴۲	شاه صفی دوم ۱۰۵۲-۷۷	شاه سلیمان ۱۰۷۷-۱۱۰۶	شاه سلطان حسین ۱۱۰۵-۱۱۳۹	شاه طھماسب دوم ۱۱۲۹-۱۱۴۳	شاه احمد ۱۱۴۳-۱۱۴۵	شاه عباس سوم ۱۱۴۹-۱۱۵۳
۱۵۰۱-۱۵۲۴	۱۵۲۴-۱۵۷۵	۱۵۷۵-۱۵۸۷	۱۵۸۷-۱۶۲۹	۱۶۲۹-۱۶۴۲	۱۶۴۲-۱۶۶۶	۱۶۶۶-۱۷۲۲	۱۷۲۲-۱۷۲۳	۱۷۲۳-۱۷۲۸	۱۷۲۸-۱۷۳۶	۱۷۳۶-۱۷۴۰

ٲان شارڊن
 ٲاور ٲنه
 آڊام اولڙا ٲوس
 ٲوٲمس هر ٲر ٲ
 مڙرا محمد ٲاهر قزو ٲني

نمودار ۱- سیر بازدید سیاحان از فرح آباد در طول دوره صفویه (نگارنده)



نموار ۲- شاخصه‌های اصلی، و مفهوم‌سازی شهر فرح آباد در دوره صفویه (نگارنده)



تصویر ۱۱- انطباق عناصر کالبدی متشکله استخوان بندی اصلی بر روی شرایط موجود (منبع: نگارنده)

تصویر رودخانه تجن مشاهده می‌شود. در جنوب مسجد، در شمال تصویر، کاخ حکومتی با دو باغ وسیع، در قسمت جنوبی آن ساختمان عمومی مربوط به مستخدمان و دیوارهای اطراف کاخ و برجک‌هایی در زوایای آن قرار دارد. در وسط تصویر، میدان و بازار به عنوان اتصال‌دهنده عناصر شاخص ترسیم شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی برای تعیین شرایط شهر در دوران صفویه و بیان ارتباط وضعیت شهر کهن با شهر جدید باشد.

شهر را در کلیت آن انسجام بخشیده و در نظام فضایی شهر، جایگاهی ویژه دارد؛ اندام‌های حیاطی شهر را در خود جای داده و حفاظت می‌نماید و خود توسط محله‌های مسکونی شهر از همه جوانب احاطه و حفاظت می‌گردد. عناصر کالبدی متشکله استخوان‌بندی اصلی شهر فرح‌آباد به صورت نقشه‌ای بازسازی شده ترسیم شده است (تصویر ۱۱)، این نقشه از جهت مقیاس و تناسبات با وضعیت موجود مطابقت دارد. در سمت راست

منابع

- آمینی بدر، فدرا؛ مختاباد امرئی، مصطفی؛ ماجدی، حمید. ۱۳۹۹. تحلیل حضور نور در راسته و چهارسوق قیصریه بازار اصفهان. نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران. ص ص ۵-۲۴
- اولتاریوس، آدام. ۱۳۷۹. سفرنامه آدام اولتاریوس، اصفهان خونین شاه صفی. جلد دوم. حسین کردبچه. تهران، انتشارات هیرمند، اول. ص ص ۵۹۲، ۷۱۳-۷۱۴، ۷۲۱
- بروگشن، هنریش. ۱۳۶۷. سفری به دربار سلطان صاحبقران (جلد دوم). مترجم: مهندس کردبچه. انتشارات اطلاعات، تهران. اول. ص ۶۹۳
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۳۶. سفرنامه تاورنیه. دکترحمید شیرانی. تهران، چاپخانه پروین، دوم. ص ۳۵۹
- ترکمان، اسکندر بیگ منشی. ۱۳۵۰. تاریخ عالم آرای عباسی، جلد دوم. به کوشش ایرج افشار. تهران، انتشارات امیرکبیر. ص ۸۵۰
- حاجی قاسمی، کامیاب. ۱۳۸۶. چشم‌انداز معماری دوره صفوی در ایران. مجله صفه، پیاپی ۴۴، بهار و تابستان. ص ص ۸۸-۱۱۱
- دلاول، پیترو. ۱۳۴۸. سفرنامه پیترو دلاواله. دکتر شفاع‌الدین شفا. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، اول. ص ص ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴-۱۷۶، ۱۷۹-۱۸۰
- ستوده، منوچهر. ۱۳۶۶. از آستارا تا استارآباد. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران، اول. جلد ۴. ص ص ۵۸۷-۵۸۸، ۵۸۹ و ۵۹۰، ۵۹۳-۵۹۲
- شاردن، ژان. ۱۳۳۵. سیاحتنامه شاردن، جلد ۱ و ۹. محمد عباسی. تهران، انتشارات امیرکبیر، اول. ص ص ۲۵، ۲۱۴
- غفاری، غلامرضا. ۱۳۸۸. منطق پژوهش تطبیقی. نشریه مطالعات اجتماعی ایران. سال سوم، شماره ۴. ص ص ۹۹-۱۱۹
- فریزر، جیمز بیلی. ۱۳۶۴. سفرنامه فریزر، معروف به سفر زمستانی. دکتر منوچهر امیری. تهران، انتشارات قوس، اول. ص ص ۷۲-۷۵
- کرپیندورف، کلوس. ۱۳۹۰. تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی. هوشنگ ناییبی. تهران، نشر نی. چاپ پنجم. ص ۱۶
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۸. شهرهای ایران، جلد سوم. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
- مکزی، چارلز فرانسیس. ۱۳۵۹. سفرنامه شمال: گزارش چارلز فرانسیس مکزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد. تهران، نشر گستره. ص ص ۱۱۷-۱۱۸، ۱۷۸
- مهجوری، اسماعیل. ۱۳۴۵. تاریخ مازندران، جلد دوم. چاپ اثر، ساری، چاپ اول. ص ۱۸۸
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۴۸. باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن. مهین‌دخت صبا. شرکت انتشارات علمی، فرهنگی، تهران، اول. ص ص ۱۳۵ و ۱۳۶

- Braaksma, M. H. 1938, Travel and Literature. An attempt at a literary appreciation of english travel-books about persia, from the middle ages to the present day, Groningen/Batavia
- Chardin, Jean. 1686. Journal du voyage du Chevalier Chardin en Perse. volume 7,8. London: Moses Pitt. volume 7, 294, 321-323, volume 8, 70-78
- Dickie, James [Yaqub Zaki], 1984. "Allah and Eternity: Mosques, Madrasas and Tombs," in George Michell, ed., Architecture of The Islamic World: Its History and Social Meaning (London: Thames and Hudson), 15-47
- Floor, Willem M. 1976 "The Merchants (tujjār) in Qājār Iran," ZDMG. (Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft) vol.126 p. 110. pp. 101-135
- Holmes, W.R: Sketches on the Shores of the Caspian. London. 1865. P. 244, 255.
- Nasir al-Din al-Tusi. 1964. George Michael Wickens. *Akhlaq-i Nasiri (The Nasirean Ethics)* . London: George Allen & Unwin
- Ogilby, John. 1673. Asia the first part being an accurate description of Persia ... the vast empires of the Great Mogol and other parts of India. London. p. 237.
- Olearius, Adam. 2018. The Voyages and Travells of the Ambassadors Sent by Frederick Duke of Holstein, to the Great Duke of Muscovy, and the King of Persia. Forgotten Books, London, England. P.247
- Ranjbari, Z., 2018. Botanic and poetic landscapes: a reading of two Persian texts on early Safavid gardens (Doctoral dissertation).

- Tavernier, Jean-Baptiste. 2017. The six voyages of John Baptista Tavernier, a noble man of France now living, through Turkey into Persia, and the East-Indies, finished in the year 1670. Giving an account of the state of those countries. Forgotten Books, London, England.
- Thevenot, Jean de. 1686. Travels into the Levant. London: Printed by H. Clark, for H. Faithorne, J. Adamson, C. Skegnes, and T. Newborough
- URL1: www.iranarchpedia.ir
- URL2: www.behshahr.ir
- URL3: www.ebaarat.ir
- URL4: www.bartarinha.ir
- URL5: www.seeiran.ir
- URL6: www.mehrnews.com
- URL7: www.irna.ir

arches that revolved around it, under these arches shops were built. In terms of design and shape, this square is similar to Shah Square in Isfahan and the buildings that surround it. According to the texts, this city did not have an external fence and due to its location and geographical conditions, it was a safe place that was easy to defend. A wide Ring road was stretched around the city. The north-south city stretched along the Tajan River and the fertile lands around it. Finally, the physical elements of the main skeleton of Farahabad city are drawn as a reconstructed map of the existing conditions, which can be the basis for determining the conditions of the city during the Safavid period and expressing the relationship between the old city and the new city.

Keyword Research: Farahabad city, Safavid period, Re-reading, Travelogues, Spatial perception of the city

Re-reading the historical appearance of Farahabad city of Sari in the Safavid period based on descriptive-historical and visual documents

Sima Rezaei Ashtiani¹

Abstract:

Farahabad was considered as one of the most important cities of the Safavid period; As in the period of Shah Abbas I, it was considered as the second capital; But the historical context of this city, despite being historically culturally valuable, has deteriorated. Since the need to preserve and recreate values in such contexts has always been considered by architects and urban designers and given the comprehensive understanding of the structure of the city in that period, no research has been done based on their documents and analysis; The purpose of this article is to re-read the urban space of Farahabad during the Safavid period. This article has been formed to answer this question: Considering the importance of Farahabad city during the Safavid period, how were the physical structure and urban elements in this city organized and how did they relate to each other? For this purpose, the present study has been done by interpretive-historical and Field research and content analysis by applying historical texts, especially travelogues, and turning them into a spatial perception of the city. This analytical approach can ultimately re-read the image of the city. The results indicate that the spatial structure of Farahabad city in the Safavid period has special features that indicate the religious, cultural, economic nature and its place in the Safavid government. In this period, Jahannama Palace as a government component, Bazaar as an economic component, and Farahabad School Mosque as a religious component are of special importance and the main square of the city connects these elements and in connection with, conceptualized the city. These buildings are the main elements of the skeleton of Farahabad city, which not only affects the form of the city but also overshadows its development pattern. This ossification has integrated the city as a whole and has a special place in the city's spatial system; It accommodates and protects the city's court organs and is surrounded and protected from all sides by the city's residential neighborhoods. In Farahabad Square, important buildings that define the pivotal and main function of the square, namely the Government House and the Mosque, have been built along the axis of symmetry, which has special place visually; The body of the square was a row of

1. PhD in Architecture from the Faculty of Architecture and Urban Design of Shahid Rajaee University
Email: Sima.rezaei14@gmail.com

Analysis of the tomb towers of Samiran and Kharraqan (From the perspective of building geometry and proportions)

Iraj Eetesam¹ Ali Kheiri²

Abstract

Tomb buildings in Iran rank second in terms of the number of surviving works after mosques and have played a key role in the architecture of this land. Tombs from various aspects that can be studied and analyzed. In the present article, two sets of tomb towers of Samiran and Kharraqan have been analyzed from the perspective of geometry and proportions of the building, which has led to a more accurate knowledge of tomb architecture in Iran. Tomb tower is one of the most important types of Iranian tombs and the reason for building the tomb tower was to distinguish the height and shape of the tomb building from other neighboring buildings

The research method used in this article is interpretive-historical which, in addition to using library and field studies, has made a comparative comparison between the tomb towers of Samiran and Kharraqan; In simpler terms, the present study, by examining the commonalities and differences between the tomb towers of Samiran and Kharraqan, recognizes these two complexes from the perspective of geometry and by analyzing criteria such as plan, facade, cross-section, arc, dome and golden proportions. Then, each of the above criteria is divided into a set of sub-criteria and the final analysis is performed by these sub-criteria.

Finally, based on the evidence obtained and using the analyzes performed, the three-dimensional modeling (3D) of these two tomb tower complexes has been done and it has been concluded that both the Samiran and Kharraqan complexes have historical, geographical and They have a common ethnicity, similar geometric structure, and proportions, and in an evolutionary process, they were built under the general influence of the Samiran towers.

keywords: Tomb tower, Samiran, Kharraqan, geometric, proportions of the building.

1. Professor of Architecture university of Tehran.

2. Associate Professor of Architecture, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Tehran, Iran.
kheiri.ali@gmail.com

wood is used. The fifth version of the production of industrial products and beverages is often confidential, but the fruit version comes with the fruit and can be reproduced from their seeds like it.

Keywords: Engineering, Abdullah, Creation, superior technology

Revising the meaning of Abdullah's word and his insight into Islamic architectural engineering.

Yadolah Ahmadi¹

Abstract:

The purpose of this article is to investigate human behavior in nature. Man can use the knowledge of nature for engineering. Therefore, the field of expertise of this article can also include the bionic approach in engineering. The general theoretical scope of the article is based on the view of Islamic thought on man, nature and architecture. The issue of environmental threat to human behavior is based on knowledge. That knowledge is incomplete against the knowledge of God. Hence the hypothesis of the article that God's engineering in nature can be used in architectural engineering. Therefore, by knowing nature and knowing the knowledge of nature, we can understand the characteristics of God's creation and use it in engineering and architecture to reduce damage to nature. Human is assigned to the redevelopment of the earth based on divine duty. On the other hand, Human is the successor to God on earth. That is, they can act like God in creation. All the supplies and supplies have been given to him. In this article, we try to re-refer to Abdullah on the basis of terminology. Based on the results it can be said that one who finds out the facts and knows the science used in the universe and based on this science is creativity and in his work of the best science and technology benefit He has worked like God. This is Abdullah. Engineers in all disciplines have such a task. Hence, in this paper, this article compares God's engineering with human engineering. The result of this comparison is that creation, like God, requires the use of all-encompassing knowledge and new technologies. These results can be enumerated by comparing human products for the need for drinking water and liquids and the response of nature to this need in the form of fruits. First in industrial production, product packaging containers often return to nature with difficulty, while the skin of the fruit is its container, which simply returns to nature. Second, industrial products have a chemical color and taste, while the color and taste of fruits are natural and not harmful. Third, industrial products indicate the expiration date on the product, which is not meaningful for the illiterate, but the fruits rot with the expiration of the expiration date and its corruption is noticed through human smell and taste. Fourth, industrial plants are often polluting the environment, but fruit plants are trees, which play an important role in eliminating air pollution and producing oxygen. Trees are useful creatures after their life and their

1. yad1543@gmail.com

that takes the reader directly to other texts.

The architecture has been consisted of different layers of meaning like a text. The analysis of architecture and its spatial configuration is always seen between cognition, culture, knowledge and society. These layers would make different meanings and senses for projects to be appeared in the deepest layer of a scheme. The spectator, according to his mysterious understanding, unveils the messages in layers of the text and also tries to make interpretation of it.

Eisenman believed that viewers are capable of understand the meaning of the architecture because it has derived from the same linguistic and syntactical structures we use ourselves to express our thoughts. Following the Derrida's theories, Eisenman perceived architecture as textual reading.

Actually the thought of post-structuralism, uses different perspectives to create a multifaceted interpretation of a text, even if these interpretations conflict with one another text. It is particularly important to analyze how the meanings of a text shift in relation to certain variations, that involve the reader's identity. We are dealing here an approach of architecture and textual thought.

Keywords: Textuality in architecture, Reading the architecture, Multi-textual relations, Hypertext

Explaining Textuality & Intertextuality Relationship in Architecture

Dabbagh, Amir Massoud¹, Diba, Darab², Zamiran, Mohammad,³

In this essay we try to seek the relation between architecture and textual thought. Texts, whether being literary or non-literary, are viewed by modern theorists as a lack in any kind of independent meaning. The act of reading, theorists claim, plunges us into a network of textual relations. To interpreting a text, to discover its meaning, or meanings, leads those relations. Reading those becomes a process of moving between texts. Meaning becomes something which exists between a text and all the other texts to which it refers and relates, moving out from the independent text into a network of textual relations. Metatextuality is a form of intertextual discourse in which one text makes critical commentary on another text. Transtextuality is defined as the "textual transcendence of a text". Transtextuality is "those things that modulate the text's relation, whether revealed or concealed, with other texts". Transtextuality "covers all aspects of a particular text". The following are the descriptions for the five subtypes of transtextuality and the relation between them and architecture:

- Intertextuality could be in the form of quotation, plagiarism, or allusion. (for instance in architecture: the relation between villa-savoye and partenon)
- Para-textuality is the relation between one text and its para-text that surrounds the main body of the text. Examples are titles, headings, and prefaces. (For instance in architecture: the relation between georges-pompidou and the buildings around it.)
- Architextuality is the designation of a text as a part of a genre or genres. There are three methods for relation between each building and the context of it: Harmony, Conflict, Creator
- Metatextuality is the explicit or implicit critical commentary of one text on another text.
- Hypotextuality or hypertextuality is the relation between a text and a preceding hypotext; wherein the text or genre on which it is based but which it transforms, modifies, elaborates or extends. Examples are parody, spoof, sequel, and translation. In information technology, hypertextuality is a text

1. Assistant Professor of Architecture and Urban Planning, Iran, Tehran
dabagh@soore.ac.ir

2. Professor, University of Tehran, Fine Arts Campus, Faculty of Architecture, Iran, Tehran

3. Associate Professor, PhD in Art Philosophy, MIT University, USA, Massachusetts

of good governance and the right to universality. It should be noted that both rights derived from good governance (right to transparency, participation, accountability, and non-discrimination) and the right to universality are established based on dignity. It is indicative of the importance of dignity in decision-making. Finally, it seems that clarifying the basic position of dignity in urban laws and, certainly, enumerating the dimensions of dignity and obliging the executive bodies to observe it can prevent the widespread violation of the dignity of citizens. Perhaps, it can be said that paying attention to the dignity and its interpretation in the area of urbanism, regardless of a religious view, is also considered worldwide. However, the religion, and specifically the Islamic ethics, can meanwhile have a confirmatory and supplementary role, i.e., it can complete the understanding and interpretation of the concept of dignity and interpret it in accordance with Muslim culture on the one hand, and on the other hand, can more strengthen the intellectual foundations of the concept existing in the urbanism literature, and reveal its divine and religious pillars to emphasize the importance of this issue.

Keywords: Dignity, Islamic thought, right to the city, good urban governance, inclusive city, human-oriented city.

Analysis of the Concept of Dignity in Islamic Thought and its Reflection in the Construction of the City

Shima Keshavarzi¹, Seyed Said Mehdi Khatami²

Abstrac

According to most philosophers, dignity is an inherent description for human beings, and at the same time, its nature and dimensions have been debated by many thinkers, and there are different opinions about it. For example, some thinkers consider dignity to be attributive; some believe it is acquired. This disagreement is not specific to the type of dignity and has also been seen in related discussions such as the origin and position of the dignity. The choice of each opinion is, in fact, the choice of our point of view on the position of dignity. If we consider dignity as the basis for policy-making, first, we should elaborate the interpretation of the dimensions of this concept based on that its reflection in the construction of the cities can be understood. Elaborating this concept in Islamic thought and understanding its reflection and use in the Islamic cities is an important step in moralizing urban planning and can open new horizons in this regard.

Investigation of the philosophers' views alongside the Islamic view of the man indicates that what makes us consider the man a rightful creature is dignity. Although all creatures in the world are valuable, human dignity has caused God to make the heavens and the earth his means of comfort. Achievement of comfort is not possible except by establishing rights that conform to dignity. Thus, dignity plays a fundamental role in planning and policy-making. In the current study, by investigating the basis and objective of urbanism, we concluded that dignity, with the meaning of human value, has been the basis for urbanism, so its objective is to improve the quality of the living environment individuals are achieved. The means of achievement of this goal, or in other words, passing through the path from the basis to the goal, is protecting the rights of the citizens. If the rulers consider no inherent dignity for human beings, there will be no reason to consider them rightful people. The people have the right to improve their life quality by different means. One of the most important factors effective on the life quality, the living place, and quality of the environment of people. Therefore, dignity is the basis for people's right to desired life as a goal, and urbanism is one of the most important means to achieve this goal. The authors have divided the individual's right to the city into two categories

1. *****

2. s.khatami@modares.ac.ir

Applying the Concept of Human Needs in Revisiting the Concept of Sustainability in Residential Environments

Ghasem Motalebi¹

Abstract

Moving towards sustainable development in collective living environments will not be possible without considering its foundations. Despite different definitions of sustainable development in different forums related to human environment issues, this article provides a more comprehensive definition of sustainable development based on the concept of human needs. Emphasizing this definition, this article does not consider it possible to move towards explaining the principles of sustainable development of residential environments and urban spaces without considering the human dimensions that are manifested in the form of human needs. This article focuses on the analysis of these needs and their use in order to have a more comprehensive understanding of the principles and concepts related to the sustainable development of residential environments. Reviewing the literature and theoretical foundations of sustainability and sustainable development in residential environments based on an archival research method, this article selects the model of human needs of Abraham Maslow, a framework tailored to human desires for sustainable development through comparative analysis of various contemporary patterns and paradigms, tailored to Suggests cultural, social, economic and environmental contexts in residential environments. The results of the analysis show that the proposed models for residential environments in the early last century during an evolutionary process from mere attention to meeting basic human needs to satisfy higher human needs, especially semantics and aesthetics for psychological stabilization of residential environments while protecting Information technology-based environments have shifted towards creativity and innovation.

keywords: Sustainable development, residential environments, human needs, environmental psychology, urban design paradigms.

1. Associate Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran
e-mail: motalebi@ut.ac.ir

Title	Pages
☐ Applying the Concept of Human Needs in Revisiting the Concept of Sustainability in Residential Environments Ghasem Motalebi	4
☐ Analysis of the Concept of Dignity in Islamic Thought and its Reflection in the Construction of the City Shima Keshavarzi, Seyed Said Mehdi Khatami	5
☐ Explaining Textuality & Intertextuality Relationship in Architecture Dabbagh, Amir Massoud, Diba, Darab, Zamiran, Mohammad,	7
☐ Revising the meaning of Abdullah's word and his insight into Islamic architectural engineering. YADOLAH AHMADI	9
☐ Analysis of the tomb towers of Samiran and Kharraqan (From the perspective of building geometry and proportions) Iraj Eetesam, Ali Kheiri	11
☐ Re-reading the historical appearance of Farahabad city of Sari in the Safavid period based on descriptive-historical and visual documents Sima Rezaei Ashtiani	12



Rahpooye Memari-o Sahrsazi

(Quarterly Journal of Architecture and Urbanism)

Vol. 1, No. 1, Spring 2022

Director in-charge: **Mohammad Hossein Saei**

Editor in-chief: **Seyed. Gholamreza. Islami**

Published By: **Soore University**

Editorial Board:

Dr. r. Islami

Professor university of Tehran

Dr. H.Zabhi

Associate Professor. university of Azad

Dr. H. soltanzadeh

Professor University of Azad

Dr. M. Saei

assistant professor School of Radio and Television

Dr.A. Shahcheraghi

Associate Preofessor university of Azad

Dr.Z. Tabatabai

Assistant Professor university of Soore

Dr. A. Einifar

Professor university of Tehran

Dr.R. Fayaz

Associate Professor university of Honar

Dr.G. Motalebi

Associate Professor university of Tehran

En. A. Nograekar

Associate Professor university of Science and Technology

Executive Director: A. Dabag



Soore University
Faculty of
Architecture and Urbanism

Website: <http://rau.soore.ac.ir>

Email: rahpooye.arch_urban@soore.ac.ir

